



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

تأثیرات اقتصادی جنگ هشت ساله عراق و ایران در کردستان عراق

نگارش: جوهر احمد

استاد راهنما: دکتر فرج الله احمدی

استاد مشاور: دکتر سیروس فیضی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ، گرایش تاریخی ایران اسلامی

بهمن ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَشْکُر و تَقْدِیر

در ابتدا خداوند منّان و مهربان را که همیشه در تمام مراحل زندگی به من امید و انگیزه مرداده است را بسیار می‌گویم .

از استاد ارجمندم آقا دکتر فرج‌الله احمدی که زحمات راهنما برنده را به عهده گرفتند و وقت خود را به من هدیه کردند کمال تشکر دارم .

از استاد گرانقدر و اندیشمند جناب آقا دکتر سیروس فیضی که زماخ زیاد را صرف مشاوره پایاخ نامه ایخ حقیر نمودند و دلسوزانه مرا یار کردند صمیمانه سپاسگزارم .

از جناب آقا دکتر نورالدین نعمتی نیز که زحمات داور پایاخ- نامه مرا پذیرفتند، نهایت تشکر و سپاس را دارم .

از همه عزیزان که در طول دوران تحصیل به من کمک کردند و همچنین دوستان که منابع در اختیار من گذاشتند و دلسوزانه مرا یار کردند کمال تشکر دارم .

تقدیم بہ نور و امید رزندگان:

راه رنج

هله النامه کیب

چکیده

در این پژوهش تلاش شده تأثیرات اقتصادی جنگ هشت ساله عراق و ایران در کردستان عراق تحلیل و بررسی شود. که طی فرمانروایی رژیم‌های متوالی عراق به ویژه در مدت جنگ هشت ساله ایران و عراق، رژیم بعث عراقی از طریق تبعید و تخریب روستاهای کردستان به تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کردستان عراق را پرداخت. که می‌توان این تخریب‌ها هم به صورت شناخت آسیب زیرساخت‌ها و نابودی منابع انسانی، هم به صورت مقایسه پیشرفت اقتصادی دیگر مناطق عراق با عقب ماندگی عمدی و اجباری مناطق کردنشین مطالعه شود. و این پژوهش با پرسش اصلی در خلال جنگ هشت ساله ایران و عراق به ویژه چهار سال آخر آن، موقعیت اقتصادی کردستان عراق در ارتباط با رژیم بعث چگونه تضعیف شده است، انجام شده است. و فرضیه اصلی این است که در جنگ هشت ساله ایران و عراق، رژیم بعث عراق از طریق مجموعه‌ای از خشونت‌های اقتصادی، موقعیت اقتصادی کردستان عراق را تضعیف کرده است. برای بررسی فرضیه اصلی این پژوهش در چهار فصل شامل پیشینه روابط ایران و کردهای کردستان عراق و تحریم اقتصادی کردستان و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کردستان عراق از سوی رژیم بعث عراقی سپس خسارات ناشی از جنگ ایران و عراق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

کردستان عراق، جنگ هشت ساله عراق و ایران، زیرساخت اقتصادی، رژیم بعث، خشونت شدید اقتصادی

اختصارات

فارسی	کردی	کوتاه نوشت
اتحاد میهنی کردستان	یه‌کیتی نیشنمانی کوردستان	ح. ی. ن. ک
حزب دموکرات کردستان	پارتی دیموکراتی کوردستان	ح. د. ک
حزب سوسالیست	حیزبی سوسیالیستی کوردستان	حسک
لشکری اسلامی کردستان	له‌شکری ئیسلامی کوردستان	لاک
جنبش اسلامی در کردستان عراق	بزوتنه‌وه‌ی ئیسلامی له کوردستان / عراق	باسک
سازمان امنیت و اطلاعات کشور		ساواک
شماره	ژماره	ش
بدون سال	به‌بی سال	ب . س
بخش	به‌ش	ب
جلد	برگ	بر
رجوع کنید	بگه‌ریوه	ر. ک
بدون محل انتشار		بی‌جا
بدون نام انتشار		بی‌نا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	بیان مسأله
۳	مفروضات پژوهش
۳	پرسش اصلی
۴	پرسش‌های فرعی
۴	فرضیه اصلی
۴	تعریف مفاهیم و متغیرها
۴	الف) مفاهیم
۵	ب) متغیرها
۵	پیشینه پژوهش
۷	روش پژوهش
۷	روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات
۸	روش تحلیل داده‌ها
۸	حدود نقطه تمرکز
۸	سازماندهی پژوهش
۹	فصل اول: روابط کردهای کردستان عراق با دولت ایران ۸۸-۱۹۵۸
۱۰	۱-۱-۱ اوضاع کردستان عراق قبل از اتحاد کرد با ایران
۱۳	۱-۱-۲ روابط بین عراق و ایران قبل از آغاز جنبش ایلول
۱۵	۱-۱-۳ جنبش ۱۱ ایلول ۱۹۶۱
۱۹	۱-۱-۴ کودتای سال ۱۹۶۳
۲۴	۱-۱-۵ موافقت نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰
۲۷	۱-۱-۶ قرارداد الجزایر ۱۹۷۵
۳۱	۱-۲-۱ کرد و عوامل جنگ هشت ساله ایران و عراق
۳۴	۲-۲-۱ گسترش روابط کردهای عراق با ایران

فصل دوم: تحریم اقتصادی کردستان عراق از سوی رژیم بعثی عراق.....	۴۶
۱-۱-۲ کشاورزی	۴۷
۲-۱-۲ صنعت	۵۷
۳-۱-۲ نفت	۶۲
۱-۲-۲ کشاورزی	۶۷
۲-۲-۲ دامداری	۷۵
۳-۲-۲ صنعت	۷۸

فصل سوم: تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کردستان عراق از سوی رژیم بعث.....	۸۰
۱-۳ مرحله اول: ۱۹۶۳-۷۴	۸۱
۲-۳ مرحله دوم: ۱۹۷۵-۷۹	۸۹
۳-۳ مرحله سوم ۸۸-۱۹۸۰	۹۲
۴-۳ درباره آمارهای تخریب	۹۸

فصل چهارم: خسارات ناشی از جنگ هشت ساله ایران و عراق.....	۱۰۴
۱-۴ نیروی کار	۱۰۷
۲-۴ کشاورزی	۱۱۲
۳-۴ تلفات منابعی انسانی	۱۲۱
۴-۴ صنعت و تجارت و گردشگری	۱۳۰

نتیجه گیری.....	۱۳۵
منابع و مأخذ.....	۱۳۸
ضمائم.....	۱۵۱

فهرست جداول

صحیفه

جدول

- جدول شماره ۱: نسبت کشاورزی و بیکاری در کردستان در بین سال ۷۸-۱۹۷۷.....۵۴
- جدول شماره ۲: نسبت شهرنشینی در عراق.....۵۶
- جدول شماره ۳: نسبت شهرنشینی و روستا نشینی در کردستان در فاصله سال ۸۷-۱۹۷۷.....۵۷
- جدول شماره ۴: تعداد پروژه‌های بزرگ و نیروی کار آن‌ها در شهرهای کردستان در فاصله ۷۵-۱۹۶۰...۵۸
- جدول شماره ۵: تعداد پروژه‌های صنعتی کوچک و نیروی کار آن در کردستان عراق سال ۱۹۷۵.....۶۰
- جدول شماره ۶: تعداد پروژه‌های صنعتی بزرگ دولتی و بخش خصوصی در کردستان سال ۱۹۷۵.....۶۱
- جدول شماره ۷: باثباتی درآمد نفت عراق در فاصله سال‌های ۸۸ - ۱۹۷۴.....۶۴
- جدول شماره ۸: نسبت و سهم نفت کردستان در کل درآمد نفت عراق.....۶۵
- جدول شماره ۹: میزان محصولات زمستان و تابستان در استان سلیمانیه در سال ۱۹۷۷.....۶۹
- جدول شماره ۱۰: میزان محصولات زمستان و تابستان در استان اربیل در سال ۱۹۷۷.....۷۱
- جدول شماره ۱۱: میزان محصولات زمستان و تابستان در استان دهوک در سال ۱۹۷۷.....۷۳
- جدول شماره ۱۲: تعداد دام‌های استان سلیمانیه در سال ۱۹۷۸.....۷۶
- جدول شماره ۱۳: وضعیت دامداری در استان اربیل در سال‌های ۱۹۷۱ - ۱۹۷۴ - ۱۹۷.....۷۷
- جدول شماره ۱۴: وضعیت دامداری در استان دهوک سال ۱۹۷۸.....۷۸
- جدول شماره ۱۵: نمونه‌ای از اسامی تغییر یافته.....۸۵
- جدول شماره ۱۶: شهرهای تابع کرکوک و منتقل شده به استان‌های دیگر.....۹۰
- جدول شماره ۱۷: روستا و شهرهای تخریب شده در کردستان در فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۶۳.....۱۰۰
- جدول شماره ۱۸: مقایسه مرد، زن و نیروی کار در فاصله سال‌های ۸۷-۱۹۷۷ در استان سلیمانیه.....۱۱۱
- جدول شماره ۱۹: مقایسه محصولات گندم در فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۸۰ در کردستان.....۱۱۵
- جدول شماره ۲۰: تعداد درختان و مساحت جنگل در فاصله‌ی سال ۸۹-۱۹۷۷ در استان سلیمانیه...۱۱۶
- جدول شماره ۲۱: میزان خسارات وارده به محصولات کشاورزی در کردستان.....۱۱۷
- جدول شماره ۲۲: میزان خسارات وارده به دام و طیور در کردستان.....۱۱۹

- جدول شماره ۲۳ : نسبت خسارات وسایل کشاورزی، طلا و نقره.....۱۱۹
- جدول شماره ۲۴: میزان پول‌های از دست رفته در مناطق مختلف کردستان.....۱۲۰
- جدول شماره ۲۵: درصد افزایش و کاهش سالیانه مسافر و ساخت هتل در کردستان.....۱۳۳

هه‌و‌النّامه‌ی کتّیب

مقدمه

هدو اللمه كتيب

بیان مساله

کرده‌ها در تاریخ معاصر دچار سختی و ناراحتی بسیار شده‌اند. از دوره صفوی تا انقلاب اسلامی و سپس جنگ هشت ساله ایران و عراق، مناطق کرد نشین بخصوص کردستان عراق سر مرزی ایران و عثمانی و ایران و سپس ایران و عراق بوده و بنابر این هنگام جنگ، خاک کردستان عرصه درگیری بوده و آسیب‌های زیادی می‌دیده است. و می‌توان گفت روابط هردو دولت خواه موقع صلح، خواه موقع جنگ، تحولاتی زیاد در تاریخ کرد‌ها به وجود می‌آورده است.

جنگ عراق و ایران از جنبه اقتصادی و استراتژیک از مهمترین برخوردهای نظامی دوران معاصر بود که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخت. این جنگ به مدت هشت سال تأثیرات زیادی بر روی هر دو کشور گذاشت؛ بطوری که خسارات فراوانی از جمله پنج میلیون و ۴۸۵ هزار نفر تلفات و ۲۲۸ میلیارد دلار هزینه‌ی خرید اسلحه جنگی برای هر دو کشور در پی داشت، در این جنگ دولت ایران سه میلیون و ۹۷۵ هزار و عراق نیز یک میلیون و ۵۱۰ هزار نفر تلفات انسانی که موارد مختلفی از جمله کشته شده، پناهنده، مجروح و اسیر داشتند. همچنین هزینه خرید اسلحه جنگی برای ایران ۶۹ میلیارد دلار و برای عراق ۱۵۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود.^۱

جنگ عراق و ایران که مدت هشت سال طول کشید بخصوص در چهار سال آخرش روی کردستان عراق متمرکز شده و آن را به یک میدان جنگی بین دو کشور بدل نمود. در این مرحله، جنگ تأثیرات بسیار زیادی بر مناطق کردنشین گذاشته که بعد اقتصادی آن پر رنگ تر بود، بنابر این می‌توان گفت احزاب کردی بخصوص در این چهار سال دوم نقش مهمی داشتند و در این مدت بیشتر هم‌پیمان جمهوری اسلامی ایران و ضد حکومت عراق بودند. این امر نیز باعث شد که حکومت عراق عکس‌العمل نشان بدهد و در مناطق کردنشین از احزاب کردی انتقام بگیرد. عاقبت، در سال ۱۹۸۸ که سال آخر جنگ هم بود، دست به عملیات انفال و شیمیایی کردن شهر حلبچه زد. بر اثر جنگ هشت ساله و به ویژه مرحله دوم، جنگ کردستان عراق آسیب زیاد دید: بسیاری از زمین‌های کشاورزی نابود و عده‌ای زیاد نیز مین‌گذاری شدند؛ در کردستان عراق تقریباً ۴ هزار روستا از بین رفتند؛ بسیاری از جوانان کرد اعم از غیر نظامی یا نظامی و پیشمرگه در جبهه جنگ، جان خود را باختند؛ در عملیات انفال، ۱۸۲ هزار تن از کردهای عراق توسط ارتش عراق اسیر شدند و دیگر هیچ وقت دیده نشدند؛ در اواخر جنگ و در سال

^۱ ابو غزاله، المشیر عبدالحلیم، الحرب العراقية الإيرانية ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸، (بی‌جا، بی‌نا ۱۹۹۴)، ص ۶.

۱۹۸۸ بمباران شیمیایی در شهر حلبچه باعث از بین رفتن ۵ هزار غیر نظامی و بی گناه شد.^۲ و می توان گفت که ساختارهای اقتصادی کردستان عراق بر اثر این شرایط به شدت آسیب دیدند .

جنگ عراق و ایران و سیاست رژیم عراق نه تنها سبب تبعید و تخریب و تبعید روستاهای کردستان شدند، بلکه باعث نابودی و محو شدن آن منابع هم شد که مواد غذایی و صنعتی را برای کردستان و شهرهای دیگر کشور عراق تأمین می کرد. این امر نیز تأثیرات بسیار منفی بر روی روستانشینان کردستان گذاشت، چون آنها ناگزیر دست از همه چیز بر داشتند و تمام زمین های کشاورزی، اموال و محصولات کشاورزی خود را ترک کردند و در اردوگاه های اجباری آنان را مستقر کردند و دیگر قادر به بازگشتن به روستاهای خود نبودند.

مفروضات پژوهش:

- ۱- با توجه به اینکه در مدت جنگ هشت ساله ایران و عراق، ایران در پی تخریب کردستان عراق نبود، آسیب های اقتصادی منطقه به واسطه رژیم بعثی عراقی مطرح است .
- ۲- در جنگ هشت ساله ایران و عراق، کشورهای عربی عمدتاً طرفدار رژیم بعثی عراق بودند و به عنوان نمونه، حتی بمباران شیمیایی حلبچه و عملیات انفال را محکوم نکردند .
- ۳- برخلاف دوره پهلوی که هم پیمانی ایران و کردستان عراق، پشتیبانی ایالات متحده را به همراه داشت، در دوره جمهوری اسلامی، هم پیمانی ایران و کردستان عراق، بدون همراهی ایالات متحده و بلکه مورد انتقاد این کشور بود .

پرسش اصلی :

در خلال جنگ هشت ساله ایران و عراق به ویژه چهار سال آخر آن، موقعیت اقتصادی کردستان عراق در ارتباط با رژیم بعثی چگونه تضعیف شده است ؟

^۲ لیلدیز، کریم، کردها در عراق؛ گذشته حال آینده، ترجمه: سیروس فیضی (تهران: انتشارات توکلی، ۱۳۹۱)، ص ۶۳.

پرسش های فرعی :

- ایران و کردستان عراق در سال های ۱۹۵۸-۱۹۸۸ چگونه روابط سیاسی و نظامی شان را گسترش دادند؟
- عراق چگونه از طریق تحریم های اقتصادی، موقعیت اقتصادی کردستان عراق را تضعیف می کرد؟
- رژیم بعث عراقی چگونه زیرساخت های اقتصادی کردستان عراق را تخریب می کرد؟
- رژیم بعث عراقی چگونه منابع انسانی کردستان عراق را نابود می کرد؟

فرضیه اصلی :

در جنگ هشت ساله ایران و عراق، رژیم بعثی عراق از طریق مجموعه ای از خشونت های اقتصادی، موقعیت اقتصادی کردستان عراق را تضعیف کرده است .

تعریف مفاهیم و متغیرها:

الف) مفاهیم :

خشونت اقتصادی: منظور از خشونت اقتصادی مجموع از اقدامات است که به قصدی نابودی اقتصادی انجام می شود و شامل تحریم، تخریب زیرساخت ها، نابودی منابع انسانی و موردی از این دست می باشد. *عملیات انفال*: انفال عملیاتی بود که در جریان آن بیش از ۱۸۲ هزار نفر مردم بی دفاع در کردستان عراق به ویژه کودکان و زنان و سالخوردگان از سوی ارتش و ماموران امن و مخبرات^۳ رژیم بعثی عراق در سال ۱۹۸۸ به قتل رسیدند که از لحاظ گستردگی و حجم کشتار و درنده خویی، نزد بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی به عنوان یکی از فجیع ترین جنایات علیه بشریت به ثبت رسیده است که نابودی کردستان عراق و کشتار مردم آن را هدف گرفته بود .

شیمیایی کردن: شیمیایی کردن یک از دردناک ترین و غم انگیز ترین جنایت بود، که نیروهای هوایی عراق با استفاده از بمب های شیمیایی در روز ۱۶ مارس ۱۹۸۸ شهر حلبچه را هدف گرفتند که در آن هزاران تن از شهروندان کرد عراقی شهر حلبچه و نواحی اطرافش نابود شده یا تحت تاثیر مواد شیمیایی آلوده و آسیب دیدند.

^۳ - منظور، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی عراق است.

جابجایی اجباری: ناظر بر جابجا کردن اشخاص به محلی دور از خانه یا منطقه‌شان است جابجایی اجباری عمدتاً به زور و به طرز خشونت آمیز انجام گرفته و هدف اصلی آن پاکسازی قومی بوده است. جابجایی جمعیت کردها گاه به این صورت بوده که منطقه‌ای را خالی از سکنه کرده و گاه با عرب‌ها جایگزین می‌نموده است.

ناپدید شدن همیشگی افراد: در عملیات انفال که رژیم بعثی عراق بر علیه کردهای عراق اجرا کرد، بسیاری از آنها به ویژه کودکان و زنان و سالخوردگان با کامیون و اتوبوس‌ها و یا دیگر وسایل نقلیه به طور دسته جمعی با دست و چشم بسته به سمت جنوب عراق می‌بردند و هیچ وقت آنها دیده نشدند. و تاکنون نیز آشکار نشد که زنده یا مرده‌اند.

ب) متغیرها:

متغیر مستقل: خشونت اقتصادی رژیم بعثی عراق
متغیر وابسته: تضعیف موقعیت اقتصادی کردستان عراق

پیشینه پژوهش:

درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق ۸۸-۱۹۸۰، تاکنون منابع بسیار ارزشمندی منتشر شده است، اما این منابع عمدتاً به لحاظ سیاسی و به نتایج جنگ پرداخته‌اند و ابعاد اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به نحوی که هیچ پژوهشی مستقلی در مورد نتایج اقتصادی جنگ عراق و ایران دیده نشده. آمارها و اطلاعات اقتصادی در این پژوهش‌ها عمدتاً به صورت جزئی و مختصر دیده می‌شود. در زیر به چند پژوهش در این مورد اشاره می‌شود:

جنایت جنگی؛ حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران^۴، کتابی است درباره جنایات‌های رژیم بعثی عراقی با استفاده از انواع سلاح‌های شیمیایی و جنایات جنگی علیه ایران و کردهای کردستان، نویسنده در این کتاب به حملات شیمیایی رژیم عراق در سایر شهرهای ایران و کردستان عراق اشاره می‌کند همانند شهر حلبچه و فاو و منطقه شلمچه.

^۴ محمد باقر، نیکخواه، جنایت جنگی حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران (تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۹۱).

جنگ ایران و عراق؛ موضوعات و مسائل^۵، کتابی دیگری است درباره دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق. نگارنده در این کتاب به روند شکل گیری و آزادسازی و اشغالگری در حین جنگ و پایان جنگ اشاره می کند. او در ضمن این، با تهاجمات هر دو دولت به همدیگر و هدف آنها در این جنگ می پردازد. کردها در عراق؛ گذشته حال آینده^۶، این کتاب درباره کردها است در دولت عراق، نویسنده در این کتاب درباره هویت و موقعیت کردها در عراق و سپس سیاست حکومت عراق در برابر کردها و حرکت آنان در عراق بعد از تأسیسات جمهوری عراق تا فروپاشی حزب بعثی عراقی توضیح می دهد. او در ضمن این، به مسائل اقتصادی حقوق بشر در کردستان عراق می پردازد.

الحرب العراقية الايرانية ۱۹۸۰-۱۹۸۸^۷، [جنگ عراق و ایران ۸۸-۱۹۸۰] کتابی دیگری است در زمینه جنگ هشت ساله ایران و عراق، که نویسنده در این کتاب در مورد جنگ هشت ساله عراق و ایران نوشته است و به عوامل و مراحل و نتایج این جنگ را پرداخته است، سپس به خسارات و هزینه‌ی تلف شده‌ای هر دو دولت اشاره می کند.

بزافی رزگاریخواری نه‌ته‌وهی کورد له کوردستان عیراق له ساله‌کانی جه‌نگی عیراق و ئیران دا ۱۹۸۰-۱۹۸۸^۸، [جنبش ملی کرد در کردستان عراق در مدت سال‌های جنگ عراق و ایران ۸۸-۱۹۸۰] نویسنده در این کتاب به جنبش و مبارزات مسلحانه کردهای عراق در حال جنگ عراق و ایران اشاره می کند و به سیاست های هر دو دولت عراق و ایران در برابر کردهای عراق پرداخته است. این کتاب بیشتر ناظر بر مبارزات مسلحانه ضد رژیم عراق می باشد.

سیاسه‌ته‌کانی ئیران به‌رامبه‌ر جولانه‌وهی رزگاریخواری کورد له باشوری کوردستان ۱۹۷۵-۱۹۸۹^۹، [سیاست ایران در برابر جنبش ملی کرد در جنوب کردستان ۸۹-۱۹۷۵] نویسنده در این کتاب درباره سیاست ایران در برابر جنبش های کردهای عراق توضیح می دهد و به تحولات که در حال جنگ هشت

^۵ محمد، درودیان، جنگ ایران و عراق؛ موضوعات و مسائل (تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۹۱).

^۶ کریم، یلدیز، کردها در عراق؛ گذشته حال آینده، ترجمه: سیروس فیضی (تهران: انتشارات توکلی، چاپ اول، ۱۳۹۱).

^۷ المشیر عبدالحمید، ابو غزاله، الحرب العراقية الايرانية ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸، (بی‌جا، بی‌نا، ۱۹۹۴).

^۸ علی تتر، نیرویی، بزافی رزگاریخواری نه‌ته‌وهی کورد له کوردستان عیراق له ساله‌کانی جه‌نگی عیراق و ئیران دا ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ (اربیل: حاجی هاشم، ۲۰۰۸).

^۹ فاروق محمد حمد، امین، سیاسه‌ته‌کانی ئیران به‌رامبه‌ر جولانه‌وهی رزگاریخواری کورد له باشورد کوردستان ۱۹۷۵ - ۱۹۸۹ (سلیمانیه: ربی نوی، ۲۰۱۴).

ساله شکل گرفته است و موضع ایران در برابری آن اشاره می کند و تاسیسات احزاب کردها روابط آنها با ایران پرداخته است.

علاوه بر مجموعه کتاب‌های مرتبط با جنگ هشت ساله ایران و عراق، چند پایان‌نامه دانشگاهی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به پایان‌نامه کومه‌لکوژی کورد له جه‌نگی ئیران - عیراقد. /هه‌له‌بچه (۱۹۸۸/۳/۱۶) وه‌ک نمونه^{۱۰}، [نسل کشی کردها در جنگ ایران-عراق. حلبچه ۱۹۸۸/۳/۱۶ به عنوان نمونه] اشاره کرد، که به سیاست رژیم بعث عراق در کردستان عراق می‌پردازد، و به نسل کشی کرد در فاجعه حلبچه پرداخته است او سپس درباره روابط پیشمرگه و نیروی جمهوری اسلامی ایران و هماهنگی آنان در تصرف شهر حلبچه توضیحاتی می‌دهد.

همچنین پایان‌نامه دیگری که مربوط به دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق است، با عنوان مناسبات ایران با کردهای عراق در جنگ عراق و ایران (شهریور ۱۳۵۹ - مرداد ۱۳۶۷، سپتامبر ۱۹۸۰ - اوت ۱۹۸۸)^{۱۱}، ضمن بحث درباره تاسیسات احزاب کردستان عراق و روابط آنها با ایران و به رویداد فاجعه حلبچه و عملیات انفال در کردستان عراق پرداخته است.

روش پژوهش :

این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پایان‌نامه می‌پردازد.

روش گردآوری داده ها و اطلاعات :

روش نگارنده در گردآوری داده ها در این پژوهش شیوه ی کتابخانه ای است و در این میان نیز به چند کتابخانه در جمهوری اسلامی ایران و در کردستان عراق مراجعه، و از منابع اینترنتی و اسناد تاریخی نیز استفاده می شود. در این پژوهش، از مصاحبه با شخصیت‌های علمی و سیاسی نیز بهره گرفته می‌شود.

^{۱۰} عادل صدیق، علی، کومه‌لکوژی کورد له جه‌نگی ئیران - عیراقد. /هه‌له‌بچه (۱۹۸۸/۳/۱۶) وه‌ک نمونه (سلیمانیه: دانشگاه سلیمانیه، منتشر نشده، ۲۰۱۴).

^{۱۱} ارکان، حسن، مناسبات ایران با کردهای عراق در جنگ عراق و ایران (شهریور ۱۳۵۹ - مرداد ۱۳۶۷، سپتامبر ۱۹۸۰ - اوت ۱۹۸۸)، (قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، منتشر نشده، ۱۳۹۳).

روش تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش از تحلیل‌های آماری مفصل استفاده نمی‌شود. و داده‌های کیفی بر اساس روابط منطقی - شان بررسی و تجزیه تحلیل می‌شود.

حدود و نقطه تمرکز (محدوده مکانی، زمانی و موضوعی پژوهش)

این پژوهش به لحاظ مکانی شامل منطقه کردستان عراق می‌شود. و به لحاظ زمانی به فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۸۰ محدود شده و به لحاظ موضوعی، تاثیرات اقتصادی جنگ هشت ساله ایران و عراق، بر کردستان عراق مورد بررسی قرار می‌دهد.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش پس از مقدمه که شامل کلیات طرح تفصیلی پایان‌نامه است، در چهار فصل بررسی اثرات جنگ هشت ساله ایران و عراق می‌پردازد. در فصل نخست با عنوان پیشینه روابط ایران و کردستان عراق پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پرداخته است، سپس درباره‌ی روابط ایران و کردستان عراق در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق بیان می‌شود. در فصل دوم به تحریم اقتصادی کردستان عراق از سوی رژیم بعثی عراق پرداخته می‌شود. نارسایی‌های بودجه‌ای و سرمایه‌گذاری و همچنین اوضاع اقتصادی کردستان پیش از آغاز جنگی هشت ساله نیز در همین فصل مورد بحث قرار گرفته است. در فصل سوم به تخریب زیرساخت‌های اقتصادی کردستان عراق از سوی رژیم بعثی عراقی اشاره شده که عمدتاً با خشونت و قدرت نظامی صورت گرفته است. در فصل چهارم، خسارات ناشی از جنگ که شامل نابودی منابع انسانی و شیوه‌های مختلف تضعیف جمعیت کردها (اعدام‌های دست جمعی، تبعید، جابجایی، ناپدید شدگی، و) بررسی می‌شود. در پایان، نتیجه پایان‌نامه آمده که به یافته‌های پژوهش اختصاص دارد.

فصل اول :

روابط کردهای کردستان عراق با دولت

ایران ۸۸-۱۹۵۸

بخش اول: روابط جنبش ملی کردستان عراق با دولت ایران ۷۹-۱۹۵۸

۱-۱-۱ اوضاع کردستان عراق قبل از اتحاد کرد با ایران

پس از پیروزی کودتای ۱۴ ژوئیه ۲۳/۱۹۵۸ تیر ۱۳۳۷ در عراق توسط عبدالکریم قاسم و بازگشت مصطفی بارزانی از اتحاد شوروی، مرحله جدید را در تاریخ دولت عراق و کردستان عراق زیر سایه نظام جمهوری آغاز شد، قاسم وعده داده بود که همه در خواست‌های کرد که عبارت بودند از تضمین تحقق یافتن حقوق ملی و اینکه ملت کرد به حقوق خود برسند این خود نیز سبب بهبود روابط بین دولت مرکزی عراق و جنبش ملی کردها می‌شد. و در مقابل نیز حزب دمکرات کردستان عراق (ح. د. ک) تصمیم گرفت از عبدالکریم قاسم حمایت کرده و از حکومت او در مقابل دشمنانش حمایت کند، آن نیز موجب شد که رژیم عراق برای نخستین بار کردها را به عنوان یک گروه قومی متمایز که دارای حقوق ملی هستند در چارچوب حکومت به رسمیت بشناسد و به آن اعتراف کرد. قانون اساسی عراق بر جایگاه کشور به عنوان بخش لاینفک ملت عرب تأکید می‌کرد، این در حالی بود که در ماده سوم اساسنامه وقت کشور آمده بود که به گونه‌ای صریح اظهار می‌داشت: "عرب‌ها و کردها به عنوان شریک در این ملت در نظر گرفته می‌شوند" (گوران، ۲۰۰۲: ۱۶-۱۷).

مصطفی بارزانی با حمایت از عبدالکریم قاسم و با متوقف کردن و جلوگیری از تحرک نظامی شواف علیه حکومت مرکزی در موصل در ۹ مارس ۱۹۵۹ توانست قدرت خود را برای همگان اثبات کند (ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۰۱؛ مجید، ۱۹۹۷: ۴۳). و زمان که قاسم به قدرت رسید وضع را به بهبودی می‌رفت و احزاب علنی شدند و آزادانه در کردستان و بغداد می‌چرخیدند اما قاسم از افزونی سلطه مصطفی بارزانی در منطقه چنان راضی نبود (قانع‌فرد، ۱۳۸۸: ۵۴۹)، لذا روابط بین ح. د. ک و عبدالکریم قاسم مدت‌زمان زیادی طول نکشید و به سبب برخی از عوامل خیلی زود به تیرگی روابط بین دو طرف منتهی شد، از جمله‌ی آن عوامل این بود که عبدالکریم قاسم زیر فشارها و تاثیرات بعضی از افسرهای عرب قرار گرفت که قاسم را علیه مصطفی بارزانی تشویق می‌کردند، و همچنین ناسازگاری و اختلافات پیش‌آمده در بین ایلات و عشایر کرد که تاثیرات خیلی عمیقی بر روی روابط بین عبدالکریم قاسم و بارزانی گذاشت، به ویژه زمانی که عبدالکریم

قاسم از ایلات و عشایر که با بارزانی دارای اختلاف و ناسازگاری بودند حمایت کرده و به آنها اسلحه داده، این کار عبدالکریم قاسم سبب برانگیختن واکنش و نگرانی بارزانی شد (عثمان، ۲۰۱۶: ۱۶).

همچنین در وهله اول شروع اختلافات بین مصطفی بارزانی با عبدالکریم قاسم وقتی بود بخصوص پس از رفتن بارزانی به اتحاد شوروی و اینکه در هنگام برگشتن او در فوریه ۱۹۶۱ تلاش کرد که با عبدالکریم قاسم ملاقات کند ولی درخواست او از طرف عبدالکریم قاسم پذیرفته نشد و هم‌زمان با این رویداد عبدالکریم قاسم تلاش‌های گسترده‌ای برای پراکنده کردن ح. د. ک و تبعید اعضای بالای حزب مذکور و همچنین ایجاد نزاع در بین آنها انجام داد، مثلاً اینکه برای تشکیل دادن یک حزب بنام حزب تقدم الوطنی با ریاست محمد حبیب و علیه ح. د. ک تلاش می‌کرد، در مقابل روزنامه خبات که زبان حال (ارگان) ح. د. ک بود شروع به منتشر کردن موضوعاتی درباره اجرای دموکراسی و قانونمند کردن ادارات دولتی و انجام دادن انتخابات ملی و رعایت دستور (اساسنامه‌های قانون اساسی) و همچنین تمام وعده‌هایی که به کردهای عراق برای به دست آوردن حقوق ملی داده بودند پرداخت که موضع عبدالکریم قاسم در این مورد از یک سو منفی بود (حبیب، ۲۰۰۵: ۲۹۳؛ گوران، ۲۰۰۲: ۱۷).

از سوی دیگر بعد از اعلام قوانین اصلاحات کشاورزی و زمین‌داری شماره ۳۰ در دستور وقت سال ۱۹۵۸ تقسیم‌بندی زمین کشاورزی بین دهقانان، سبب واکنش و اظهار نارضایتی اقطاع‌ها (اشراف زمین‌داران) شد که در نهایت ضد این اصلاحات کشاورزی حرکات مسلحانه‌ای را ایجاد کردند (فی بیمار، ۲۰۱۰: ۱۵۹؛ الحمدانی، ب.س: ۵۴؛ قانون الاصلاح الزراعیه رقم (۳۰) ۱۹۵۸/۹/۳۰). این موضوع سبب شد که ایلات جاف با ریاست هر دو برادر اشراف زمین‌دار سالارجاف و سردارجاف در مناطق حلبچه و کفری علیه رژیم عبدالکریم قاسم بر خیزند و در مورد اصلاحات کشاورزی واکنش نشان دهند که زیاد طول نکشید توسط عبدالکریم قاسم و با پشتیبانی دهقانان اورامان و پینجویین از بین رفتند و هر دو برادر اشراف زمین‌دار به سوی ایران شتافتند، هم‌زمان در منطقه بادینان نیز کدخدا رشیدلوانی علیه اصلاحات کشاورزی قیام کرد، ولی توسط ایلات و عشایر بارزانی سرنگون شد و به سوی ترکیه فرار کرد (مجید، ۱۹۹۷: ۴۵؛ محی‌دین، ۲۰۰۶: ۸۵).

پس از مدتی ایلات و عشایر کرد که به علت نارضایتی از اصلاحات کشاورزی و زمین‌داری آوارهی ایران شده بودند، محمدرضا شاه ایران توانست از طریق ساواک برای آن‌ها یک حزب بنام الثورة به ریاست یک جنرال ایرانی بنام تیمسار ورهرام تشکیل بدهد، سپس آن‌ها را به خاک عراق روانه کند، مقر اساسی این حزب در شهر مهاباد در کردستان ایران وجود داشت، در آوریل ۱۹۶۱ توانستند به بعضی از مرکزهای سربازی عراق در مرز ایران و عراق حمله کنند و با موفقیت این کار را انجام دادند، سپس رفته رفته گسترش پیدا کردند، ابراهیم احمد می‌گوید: تشکیل شدن این گروه (حزب الثورة) و نارضایتی بودن آن‌ها از دولت عراق بدون برنامه‌ریزی نبود و دولت ایران از آن‌ها حمایت و پشتیبانی می‌کرد و به آن‌ها پول می‌داد و در خاک ایران نیز راهنمایی سربازی به آن‌ها داده می‌شد (عزیز، ۱۹۹۵: ۲۹؛ ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۰۸؛ خراسانی، ۲۰۰۱: ۹۴-۹۵) که می‌توانیم این را به نوعی شروع حمایت و پشتیبانی دولت ایران از کردهای عراق علیه رژیم عبدالکریم قاسم محسوب کنیم.

ح. د. ک از ابتدا ضد حرکات مسلحانه عشایر بود، ولی بعد از مدت کوتاهی تلاش کرد بر روی این حرکات تسلط یابد و برای منافع ناسیونالیسم و ملت‌گرایی کردی آن‌ها را بکار گیرد و سپس در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۱ یک بیان‌نامه را تقدیم به عبدالکریم قاسم و ادارات حکومت ملی و تمام احزاب سیاسی در عراق کردند و تقاضای اعطای خودمختاری واقعی را به کردهای عراق خواستار شدند (خراسانی، ۲۰۰۱: ۹۳-۹۴؛ جواد، ۱۹۹۰: ۶۰؛ حبیب، ۲۰۰۵: ۲۹۴).

عبدالکریم نه تنها این بیان‌نامه را باطل اعلام کرد، بلکه اقدامات گسترده‌ای برای حمایت و همکاری با دشمنان ح. د. ک و مصطفی بارزانی انجام داد، سپس به ارتش زمینی و هوایی عراق دستور حمله به مناطق کردنشین را صادر کرد و در مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۱ عملیات سربازی با هجوم جنگنده‌ها شروع شد که شهر سلیمانیه و اطرافش را بمباران کردند و هیئت جنبش ملی کرد را با شورش ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ روبه‌رو کردند (جواد، ۱۹۹۰: ۶۱؛ محی‌دین، ۲۰۰۶: ۹۳؛ عزیز، ۱۹۹۵: ۳۰؛ حبیب، ۲۰۰۵: ۲۹۵؛ نکدیمون، ۲۰۱۱: ۸۸).

جلال طالبانی می‌گوید: "جنبش ملی کرد از ابتدا به شدت از رژیم عبدالکریم قاسم حمایت می‌کرد تا زمانی که رهبری نظامی انقلابی عراق از مسیر درست انقلابی و مردمی کنار یافت، و با پیروی کردن از شیوه‌ی دیکتاتوری سبب بروز برخوردی شدید با جنبش ملی کرد شد و منجر به وقوع شورش ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ م شد (طالبانی، ۱۹۹۸: ۱۴).

۱-۱-۲ روابط بین عراق و ایران قبل از آغاز جنبش ایلول*

در اینجا می‌توان به این مطلب اشاره کرد که عبدالکریم قاسم علی‌رغم اینکه دارای روابطی تیره با هیئت جنبش کردهای عراق بود، هم‌زمان با دولت ایران نیز در حال کشمکش و نزاع سخت بود. می‌توان گفت از استقلال دولت عراق در سال ۱۹۳۲ تا کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ که منجر به برچیده شدن بساط حکومت پادشاهی خاندان هاشمی در عراق شد، روابط ایران و عراق از آرامشی نسبی برخوردار بود، ولی باروی کار آمدن حکومت‌های انقلابی و کودتاهای پی‌درپی در آن کشور این روابط رفته رفته به منتهی وخامت رسید (شهیدزاده، ۱۳۹۵: ۳۱۳).

تغییر رژیم سیاسی در عراق، تغییر جهت سیاسی خارجی آن به سمت بلوک شرق، خروج از پیمان بغداد ۱۹۵۵ و فعالیت احزاب کمونیست در عراق موجب نزاع و تیرگی میان دولت عراق و ایران شد. سپس مشکلات آبراهه اروندرود و مناطق مرزی شمال کشور عراق، نزدیک شدن قاسم به اتحاد شوروی از جمله عوامل ناسازگاری و اختلاف بین ایران و عراق بود، بخصوص کارهای قاسم باعث تردید و اضطراب و نگرانی محمد رضا شاه پهلوی شد، اگر چه پایه و اساس مشکلات عبدالکریم قاسم با دولت ایران اروندرود بود، ولی ایران تمایلی برای اینکه اروندرود را به عنوان میدان جنگ با عراق شناسایی کند نداشت، ایران تلاش کرد جبهه شمال عراق را به عنوان مکانی برای جنگ با دولت عراق هدف قرار دهد زیرا شاه ایران می‌دانست با وقوع جنگ در اروندرود باعث زیرپا گذاشتن قوانین بین‌المللی و نارضایتی کارگران نفت ایران در آن منطقه می‌شود و همچنین ایران از واکنش و حمله قاسم به چاه‌های نفت آبادان می‌ترسید که عاقبت صدام حسین این کار را انجام داد، با احیاء و پیدایش مشکلات و کشمکش‌های بین هر دو دولت ایران و عراق، هم‌پیمانی و توافق آن علیه کردهای عراق به پایان رسید (مجید، ۱۹۹۷: ۴۵؛ فی‌بیمار، ۲۰۱۰: ۱۷۵؛ بختیار در عراق، ۱۳۷۸: ۹).

موجودیت ملت کرد در هر دو دولت ایران و عراق همواره از نکات اساسی نزاع بین هر دو کشور بوده، و طرفین برای حل مشکلات خود به شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند که کرد را مانند یک اهرم فشار در برابر هم دیگر بکار ببرند، در این میان زمانی که کودتا ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در

* ایلول یک ماه سریانی است در معادل ماه سپتامبر بکار رفته می‌شود

عراق صورت گرفت، نزدیکی و همکاری کردها به ریاست مصطفی بارزانی با رژیم عبدالکریم قاسم باعث نگرانی و خشونت شاه ایران شد و این عصبانیت تا حدی رسید که موقع تلاشی ترور قاسم که به شاه خبر داده‌اند خیلی خوشحال شده ولی چند لحظه بعد که گفته‌اند ولی نمرده ناراحت شده و از روی عصبانیت مشت‌ها را گره کرده است (پژمان، ب.س: ۵۸؛ ر.ک: سند شماره ۱).

به این ترتیب خطر برخوردهای مسلحانه در بین هر دو کشور تا حدی ممکن صورت گرفت، به خصوص زمانی که دولت ایران تصمیم گرفت کشتی‌های بازرگانی خود را تحت حفاظت واحدهای نیروی دریایی و جنگنده خود وارد اروند رود نماید، اما در مقابل این اقدام دولت عراق شکایت‌نامه‌ای را به شورای امنیت برد و ایران را متهم به اعمال زور و تهدید در آبراهه میان دو کشور نمود. به این چنین دولت عراق دست به سلسله اقدامات پیشگیرانه علیه ایران زد، همانند بیرون راندن دسته‌جمعی ایرانیان مقیم عراق از آن کشور و چالش‌های را برای مدارس و نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی ایران به وجود آورد، همچنین در رسانه‌های گروهی به دامن زدن تحریکات تجزیه‌طلبی در برخی از استان‌های ایران که می‌توان به خوزستان و بلوچستان اشاره کرد (فی‌بیمار، ۲۰۱۰: ۱۷۶؛ شهیدزاده، ۱۳۹۵: ۳۱۵).

کودتای عبدالکریم قاسم از یک‌سو موجب تیرگی روابط میان عراق و ایران و از سوی دیگر سبب نزدیکی و حمایت ایران از گروه‌های ضد و مخالف دولت عراقی که عبارت بودند از گروه‌های مختلف کرد و اعضای عرب حزب کمونیست این کشور شد. شاه ایران در مصاحبه‌ای در ماه نوامبر ۱۹۵۹ اعلام کرد "رودخانه‌ای که مرز دو کشور باشد، تنها یک کشور نمی‌تواند از آن استفاده کند" در مقابل مصاحبه شاه، قاسم پاسخ داد و گفت: "عراق به ناچار معاهده سال ۱۹۳۷ را پذیرفت، پنج کیلومتر از آب اروند رود را به عنوان بخشش به ایران پس داد". سپس قاسم اعلام کرد معاهده ۱۹۳۷ میان عراق و ایران دیگر اعتباری ندارد، به محض اینکه قاسم مدعی آبراهه شد در سال ۱۹۵۹ به نیروهای نظامی عراقی نیز فرمان منع استفاده نفتکشی ایرانی از اروند رود را صادر کرد (پیشنگ، ۱۳۹۴: ۱۴۱؛ عه‌بدولقادر، ۲۰۰۸: ۳۳؛ انتصار، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

همه این عوامل سبب شدند که دولت ایران به شدت برای سرنگونی نظام جمهوری و بازگشتن رژیم شاهنشاهی در عراق تلاش کند و از طریق ساواک با تمرکز کردن بر روی این موضوع که خود را به گروه‌های که مخالف حکومت عراق بودند نزدیک کند، سپس علیه رژیم عراق از آن‌ها حمایت و پشتیبانی کرد.

۱-۱-۳ جنبش ۱۱ ايلول ۱۹۶۱ / ۲۰ شهریور ۱۳۴۰

در مدت زمان کوتاهی قبل از وقوع شورش ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ هر دو دولت عراق و ایران شروع به گفتوگوهای سری و پنهان نمودند، طبق یک دستور که وزیر دفاع عراق به مسئولان لشکر یک و لشکر دو ارتش عراق تقدیم کرده است می‌توان دریافت که هر دو دولت موافقت نموده‌اند علیه جنبش ملی کرد برخیزند، این دستور که تحت شماره ۳۴۷۸/۵۲ هست توسط وزیر دفاع به ارتش عراق اطلاع می‌دهد که به جنگنده‌های ایران اجازه داده شده که به آسمان عراق در مناطق سرسنگ و ناکری و رواندوز برای زدو خورد و کشف مکان پیشمرگه‌های کردستان وارد شوند، همچنین در زمان وقوع شورش ايلول، حکومت تهران به همراه حکومت بغداد شروع به تنظیم برنامه‌هایشان برای آغاز اقدامات مشترک علیه جنبش ملی کردستان کردند (عیسی، ۲۰۱۴: ۴۴۱).

می‌توان گفت از ابتدا وقوع جنبش ايلول دولت ایران هیچ نیازی به حمایت از جنبش ملی کرد نداشت، حتی مرزها را به روی پیشمرگه‌های کرد می‌بست و به سرنگونی شورش کردها در کردستان عراق تمایل زیادی داشتند، به این خاطر بود که مصطفی بارزانی یکی از کسانی بود که در جمع فرمانده‌های حکومت جمهوری کردستان در سال ۱۹۴۶ شرکت داشت. همچنین طبق سوابق، از یک سو بارزانی از نظر دولت ایران محکوم به اعدام بود و از سوی دیگر دولت ایران بارزانی را به طرفداری از اتحادیه شوروی متهم می‌کرد (قانع‌ی فرد، ۱۱۶: ۱۳۹۰-۱۱۷؛ محمدامین، ۲۰۱۴: ۴۲؛ پشدری، ۲۰۰۹: ۳، ۱۴۱).

بعد از وقوع جنبش ايلول دولت ایران ارتش خود را به سوی منطقه مرزی پنجوین آورد، در مقابل هیئت شورش کردستان عراق تلاش زیادی کردند که با دولت ایران تماس بگیرند و به آن‌ها اعلام کنند که ما با دولت عراق مشکل داریم و هدف جنبش ملی کرد به هیچ وجه علیه دولت ایران نیست و نخواهد بود، ولی نتوانستند این ارتباط را برقرار کنند، در روز دوشنبه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۲ دولت ایران با توپ و جنگنده از صبح تا آخر شب به شدت مناطق زیر تسلط پیشمرگه‌ها را بمباران کرد (حسن، ۲۰۰۷: ۱۰۵؛ عزیز، ۱۹۹: ۴۷)، پس از زمان کوتاهی دولت ایران نسبت به جنبش ملی کرد سیاست خود را تغییر داد و با تمرکز به روی تقاضاهای بدخواهان دولت عراق از قبیل عقب کشیدن از حلف بغداد در سال ۱۹۵۵، ادعای خاک اهواز به عنوان یک

استان عربی و همچنین برگرداندن تمام اروند رود به خاک عراق، همه این‌ها سبب نگرانی و ترس شاه ایران شد، به همین دلیل شاه دریافت که بهترین گزینه ایجاد رابطه با گروه‌های مختلف معارض دولت عراق است (ترب، ۲۰۱۰: ۲۰۹).

دو طرح به کلی سری جدا از هم برای جمع آوری ضد عبدالکریم قاسم و رژیم جمهوری در داخل و خارج از عراق و همچنین استفاده از دو عامل کرد و شیعه که همبستگی و پیوستگی نژادی و مذهبی با ایران داشتند، به وجود آمد. که اجرای آن‌ها به عهده نمایندگی ساواک در عراق و به مسئولیت مستقیم عیسی پژمان گذاشته شد. ساواک طبق طرحی که تهیه کرده و به تصویب رسیده بود قصد و نظر داشت که وسایل براندازی دولت قاسم را فراهم کند و برای بازگشتن رژیم سلطنتی در عراق حد اکثر تلاش خود را به عمل آید. برای اجرای این طرح و استفاده از کردها عراق، عیسی پژمان پیشنهاد ارتباط با کردها می‌کند. در دیدار وی با شاه ایران در خاطرات خودش به این گونه در مورد شرفیابی در حضور شاه ایران می‌گوید: "شاه در مورد کردهای عراق و حمایت از آن‌ها از من سؤال فرمود، در جواب شاه گفتم اگر مصطفی بارزانی و سران ح. د. ک با نظر و پیشنهاد ما موافقت کنند صد در صد به نفع ماست و ما می‌توانیم حداکثر استفاده را از آن‌ها بکنیم، مضاف به اینکه ما با آن‌ها معامله می‌کنیم نه همکاری، اعلی‌حضرت یا سایر مسئولان با آن‌ها در مسائل کشور مذاکره و گفتگو نخواهند کرد. ما امکانات کوچک در ابتدا در اختیار آن‌ها می‌گذاریم وظیفه‌ای هم برای آن‌ها تعیین می‌کنیم اگر در ظرف مدت معین کار موردنظر را انجام دادند که همکاری‌ها ادامه خواهد یافت و گرنه متوقف خواهد شد، بعلاوه با دادن چند صد قبضه تفنگ برنو که هزاران هزار آن در انبارهای تسلیحات ارتش بلااستفاده مانده یا چند میلیون فشنگ، مبلغ ناچیزی وجه نقد، نه فقط تأثیری در وضع ما نمی‌گذارد بلکه تأثیری چندانی هم در وضعیت و موقعیت آن‌ها به وجود نخواهد آورد، این آزمایشی است که اگر موفق از آن بیرون آمدند که به حمایت و پشتیبانی آن‌ها ادامه خواهیم داد، وگرنه کار با آن‌ها را متوقف خواهیم کرد" (پژمان، ب، س: ۱۰۱؛ قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۸۲-۱۱۷).

سپس شاه با این پیشنهاد پژمان موافقت می‌کند و دستور اجرای این کار را صادر می‌کند، بنابراین دولت ایران به سرعت تلاش کرد با مصطفی بارزانی ارتباط برقرار کند که او مقیم کوه‌های کردستان بود دولت ایران خیلی آسان می‌توانست به بارزانی دسترسی داشته باشد، زیرا بارزانی و همراهانش دور از دسترس ارتش عراقی بودند و دولت عراق قادر به جلوگیری از کمک و

حمایت ایران برای مبارزان کرد نبود. از نظر مصطفی بارزانی و هیئت ح. د. ک نیز برقراری روابط با دولت ایران را به عنوان نوعی پیروزی تلقی می‌کردند، چون شورش کرد نه تنها پول نداشت بلکه فاقد تسلیحات نظامی نیز بود، همچنین عدم داشتن هیچ نوع دارو و درمان برای معالجه کردن زخمی‌های شورش (پشدری، ۲۰۰۹: ۳، ۱۴۱).

جلال طالبانی می‌گوید: "ابتدا روابط دولت ایران با جنبش ملی کرد از زمانی شروع شد که مصطفی بارزانی در سال ۱۹۶۱ یک هیئت نماینده را به ریاست عبدالرحمن روته به مهاباد اعزام کرد، برای ملاقات کردن با تیمسار ورهرام. همچنین یک سال بعدتر در سال ۱۹۶۲ یک هیئت نماینده دیگری را اعزام به ایران کرد، سپس عیسی پژمان در بغداد که روابط خوب و دوستانه‌ای با خانواده‌ی برهان‌جاف داشت از طریق خود برهان‌جاف با صالح یوسفی مسئول بارگاه ح. د. ک در بغداد ملاقات می‌کند و پیشنهاد حمایت و پشتیبانی ایران از جنبش ملی کرد علیه دولت عراق می‌نماید، سپس صالح یوسفی نیز این پیشنهاد را برای ریاست حزب دمکرات کردستان ارسال می‌کند" (کریمی، ۲۰۰۵: ۳۱۳-۳۱۵).

در اواخر سال ۱۹۶۲ دولت ایران از طریق دفتر سیاسی ح. د. ک با جنبش ملی کرد روابط برقرار می‌کند و آمادگی خود را برای کمک و پشتیبانی آن‌ها از لحاظ اقتصادی، اسلحه، انجام معالجات بیماران و زخمی‌های شورش در بیمارستان‌های ایران اعلام می‌دارد. علاوه بر فرستادن درمان و داروی لازم برای کردهای عراق، چندین اسلحه از قبیل برنو و رشاشبرنوی خودکار با چندمین ضدتانک و مین ضد مردم توسط ایران به دست شورش رسید، اگرچه تعداد این اسلحه کم بود ولی برای مبارزان کرد مهم و جای خوشحالی آن‌ها بود برای جلوگیری از ارتش عراق از یک سو، از دیگر سو امید به اینکه در آینده این کمک و پشتیبانی افزایش پیدا کند (ترب، ۲۰۱۰: ۲۰۱؛ حمه‌شریف، ۲۰۱۲: ۱۲۵؛ پشدری، ۲۰۰۹: ۳، ۱۴۰).

در اواخر سال ۱۹۶۲ برای نخستین بار شورش کرد نماینده خود را بنام شمس‌الدین مفتی در تهران تعیین کرد، در مقابل این اقدام دولت ایران نیز نماینده خود را در بین جنبش ملی کرد تعیین نمود (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ب ۲، ۲۰۲). عیسی پژمان درباره روابط رسمی کردهای عراق با دولت ایران می‌گوید: "در اولین ملاقات با شاهی ایران که طبق خواسته و درخواست ریاست ساواک سرلشکر حسن پاکروان صورت گرفت و به اقداماتی که در ایجاد و تماس و ارتباط با

مسئولان ح. د. ک در بغداد به میان آمده بود، قرار شد که محور عملیات همکاری متوجه کردهای ساکن شمال عراق شود" (قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

روزنامه‌نویس‌های معروف جهان از قبیل شمیدت در روزنامه نیورک تایمز، دیود آدم سون در روزنامه واشنگتن ستار، آریک رولو در روزنامه لاموند، فرانسوشو در روزنامه لووی گارو در سفرهای بلندمدت و طولانی از طریق دولت ایران به منطقه کردستان عراق می‌پرداختند و با بارزانی و سران جنبش کردی ملاقات می‌کردند، موضع شاه ایران در برابر روابط با مبارزان کرد دوطرفه بود، از یکسو ایجاد مشکلات و تضعیف دولت عراق سبب رضایت شاه ایران بود، از سوی دیگر شاه می‌ترسید کردهای عراق پیروز بشوند و به سلطه‌ی قدرت و حکمرانی برسند که این خود می‌تواند بر روی کردهای در داخل خاک ایران هستند تاثیرات عمیقی داشته باشد. فعالیت و جنبش کردها در عراق باوجود نیل به هدف خود، برای دولت ایران نیز اهمیت داشت چون دولت عراق سرگرم جنگ با کردها در شمال کشور بود، به ناچار باید ارتش خود را از مناطق خوزستان و اروند رود به عقب بکشاند که این کار نیز طبق برنامه‌ریزی شاه ایران بود (نکدیمون، ۲۰۱۱: ۱۲۳-۱۲۹).

محمدرضا شاه ایران از حمایت و پشتیبانی جنبش ایلول اهداف متعددی داشت، یکی از آن‌ها تضعیف رژیم عبدالکریم قاسم بود که شاه خواستار سرنگونی و از بین رفتن آن رژیم بود و همچنین خواستار تضعیف شدن ارتش عراق و محافظت از مرزهای ایران بود (محمدامین، ۲۰۱۴: ۴۴). شاه ایران تمایل به ایجاد اختلاف در میان شورش کردها داشت مخصوصاً اینکه با دامن زدن به اختلافات که در میان مصطفی بارزانی و دفتر سیاسی پارتی بود تلاش می‌کرد تا اختلافات موجود را عمیق تر کند (عقراوی، ۲۰۰۷: الف: ۱۴۹).

هدف دیگر محمدرضا شاه ایران این بود که خواهان جلوگیری از کمک و پشتیبانی کردها ایران برای شورش کردها در عراق بود، وی می‌خواست تمام حمایت و پشتیبانی دولت ایران برای شورش زیر سرپرستی خود شاه باشد و تلاش کرد از این طریق امنیت ایران را برقرار سازد (کوچیرا، ۲۰۰۶: ۳۵۰). مسعود بارزانی می‌گوید: "شاه ایران از حمایت و همکاری برای شورش کردها در عراق دو هدف داشت، نخست شورش کردها علیه رژیم عبدالکریم قاسم بود و اینکه محمدرضا شاه نیز از عبدالکریم قاسم خوشش نمی‌آمد از او بدیمن بود، دوم برای اینکه از فعالیت و حرکات کردها جلوگیری کند"، همین سبب شد که دولت ایران طی جنبش ایلول از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۷۵ از مبارزان کردهای کردستان عراق حمایت و پشتیبانی کند. این هم نه به

خاطر کسب حقوق ملت کرد بود، بلکه برای کسب منافع و رسیدن به استراتژی خود بود (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ب ۲، ۲۰۳؛ بابانزاده، ۲۰۱۳: ۳۹).

هدف کردها نیز از پذیرش کمک و همکاری از سوی دولت ایران تنها گرفتن کمک بود نه هیچ چیز دیگر، زیرا کردستان عراق یک مرز معلق داشت و قادر به دسترسی و ارتباط با هیچ کدام از کشورهای اروپا نبود. و فاقد هرگونه مرز آبی بود، اگر از هر جای دنیا کمک برای آنها ارسال می‌شد، می‌بایست از طریق دولت‌های هم‌جوار به دست آنها برسد. اخذ کمک و همکاری از دولت ایران برای کردها از آن جهت اهمیت زیادی داشت که از یک‌سو حمایت و کمک ایران برای جنبش ملی کرد در عراق باعث پیشرفت روابط دولت ایران با کردها شد، از سوی دیگر کمک‌های مادی و تجهیزات سربازی و تغذیه و دارو و درمان و معالجه زخمی‌های جنبش در بیمارستان‌های ایران، همچنین کمک دولت‌های دیگر مانند اسرائیل و آمریکا از طریق دولت ایران به دست مبارزان کرد می‌رسید، علی‌رغم اینکه شخصیت‌های دیپلماتیک جنبش کرد از طریق آسمان ایران به کشورهای اروپایی پرواز می‌کردند، باید حقیقت را گفت که اگر کمک و حمایت دولت ایران نمی‌بود، مطمئناً جنبش ملی کرد توانایی ادامه شورش را نداشت (عقراوی، ۲۰۰۷ الف: ۴۹؛ عه‌بدولقادر، ۲۰۰۸: ۱۱۶).

۱-۴ کودتای سال ۱۹۶۳م/۱۳۴۱ش

یکی از دلایل تضعیف عبدالکریم قاسم عدم توانایی او برای حل مشکلات کرد در عراق بود که بجای پیدا کردن راه حل، شروع به نابودی دهات و شهرهای کردستان کرد، همچنین اجرای هزاران بند دستور علیه جنبش ملی کرد که در رد فعلی کارهای عبدالکریم قاسم بود که هزاران جوان کرد به جنبش ملی پیوستند، آنان بر ضد رژیم عبدالکریم قاسم و دفاع از خاک کردستان به پا خواستند این نیز خود زمینه برقراری ارتباط بعضی‌ها با کردها را فراهم کرد که آنها از کردهای عراق برای انجام دادن کودتا علیه رژیم عبدالکریم قاسم درخواست کمک و پشتیبانی کردند و در مقابل آن به کردها وعده‌ی اجرای حق حکمرانی دادند (عیسی، ۲۰۱۴: ۱، ۴۵۳).

در ژانویه ۱۹۶۳م/۱۳۴۱ش سرلشکر پاکروان پیشنهاد کرد که نماینده‌های حزب ح. د. ک از بغداد به تهران بروند و درباره کمک و همکاری دولت ایران با جنبش ملی کرد گفتگو و ملاقات

کنند، بدین منظور از مسئولان ح. د. ک خواستار شد که دو نفر از مسئولان کمیته سیاسی حزب را برای مسافرت مخفی و ملاقات و مذاکرات حضوری با مسئولان بالای ملی ایران تعیین نمایند، عیسی پژمان می‌گوید: "خودم به جلال طالبانی گفتم که اگر خود او و ابراهیم احمد به تهران بیایند بسیار عالی تر می‌بود اما نپذیرفت و گفت در این اوضاع و احوال نمی‌توانیم ماوهت را خالی کنیم و به مصلحت نیست و برای این کار دو نفر دیگر تعیین شده‌اند" (قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۲؛ کریمی، ۲۰۰۵: ۳۱۳).

سپس اعلام شد که دو نفر بنام علی عسکری و عمر دبابه که از اعضای کمیته سیاسی حزب بودند انتخاب شده‌اند در فوریه ۱۹۶۳ به نمایندگی بارزانی و ح. د. ک از ماوهت به سردشت و سپس تهران اعزام شدند هر دو نماینده ظرف مدت پنج روزی که در تهران ماندند، قرار شد ترتیب همکاری و اطمینان رساندن کمک از نظر سلاح، مهمات، پوشاک، کمک مالی و پزشکی داده شود، اگرچه هر یک از سرلشکر پاکروان و عیسی پژمان اصرار داشتند که یکی از این دو نماینده (عمر دبابه، علی عسکری) به حضور پادشاه شرفیابی حاصل کنند ولی این تقاضا را نپذیرفت و ملاقات را به بعد موکول کرد، بعد از این که در تهران دیدارهای لازم صورت گرفت سپس یکی از آن دو نفر به عیسی پژمان پیشنهاد می‌کنند که او نیز به همراه آن‌ها به ماوهت برود و از نزدیک مقرهای آن‌ها را بازدید کند و با مصطفی بارزانی و سران ح. د. ک نیز ملاقات کند، پژمان هم بعد از کسب اجازه محمدرضا شاه به همراه آن به کردستان عراق و ماوهت سفر کرد، سپس پژمان با ابراهیم احمد و جلال طالبانی که قبلاً باهم آشنایی داشتند ملاقات کردند و بعد به دیدار مصطفی بارزانی رفت در این سفر پژمان پولی زیاد به همراه داشت و می‌گوید: "وقتی به دیداری بارزانی رسیدم یک پاکت پر از پول به دست او دادم" (قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۴؛ کریمی، ۲۰۰۵: ۳۱۴).

پس از مدتی بعد با درخواست مصطفی بارزانی و اعضای دفتر سیاسی ح. د. ک ابراهیم احمد به تهران اعزام شد، اگرچه نتوانست با شاه ایران دیدار سازد ولی توانست صد هزار دینار با چند تا تفنگ را از آن‌ها کسب کند (عزیز، ۱۹۹۵: ۵۶). در ۸ فوریه ۱۹۶۳ حکومت عبدالکریم قاسم توسط بعثی‌ها سرنگون شد، حزب بعثی بغداد بعد از تصرف قدرت و تیرباران عبدالکریم قاسم یک حکومت سراسر وحشت را علیه دشمنانشان شروع کردند و عبدالسلام عارف به مقام رئیس‌جمهوری، و احمد حسن بکر نیز به عنوان نخست وزیر تعیین شدند (عبدالمجید، ۲۰۱۵: ۱۵۳-۱۵۴؛ لومبورن، ۱۹۹۴: ۴۷؛ عیسی، ۲۰۱۴: ۱، ۴۵۳؛ انتصار، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

سپس حکومت جدید خواست با کردها به توافق برسند، نخستین هیئت نماینده رسمی دولت عراق با ریاست طاهر یحیی رئیس ارکان سپاه و عضو انجمن هیئت شورش عراق برای ملاقات با بارزانی به کردستان اعزام شد، بعد از گفتگو در مورد تقدیر ملت کرد، بارزانی پروژه خودمختاری "ئوتونومی" را به هیئت نماینده رژیم واگذار کرد قبل از بازگشت هیئت نماینده رژیم به بغداد، بارزانی به آنها اخطار داد اگر درخواست‌های کرد تا ابتدا ماه مارس اجرا نشود بازهم جنگ شروع خواهد شد (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ۱، ۱۰۵).

سپس رژیم جدید عراق به بهانه مشغولیت به تأسیس اتحاد عراق و سوریه و مصر در قبال جنبشی ملی کرد وعده شکنی کرد و در ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳ در یک اعلامیه ارتش انجمن هیئت شورش عراق شروع جنگ با کردها را اعلام کرد (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ۱، ۱۲۰). پس از راندن بعثی‌ها در عراق در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ و تصرف عبدالسلام عارف، در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام عارف پیشنهاد آتش‌بس را از طریق بابا علی به مصطفی بارزانی می‌دهد، در ۱۰ فوریه ۱۹۶۴ آتش‌بس در میان مصطفی بارزانی و عبدالسلام عارف امضاء می‌شود، در نتیجه آتش‌بس میان بارزانی و دولت عراق منجر به مخالفت برخی از اعضاء دفتر سیاسی از جمله ابراهیم احمد و جلال طالبانی شد چون از توافق بارزانی با دولت عراق تردید داشتند و به همین دلیل خود را از تشکیلات جنبش ملی جدا کردند (مصطفی، ۲۰۰۷: ۱۸۸؛ بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ۱، ۱۵۴).

با وجود اینکه دولت ایران از این آتش‌بس میان بارزانی و دولت جدید عراق بسیار ناراضی و نگران بود، از نظر آنها برقراری همچنین رابطه‌ای برخلاف رابطه‌ی دوستانه ایران و کردهای عراق تلقی و با انتقادهای شدیدی روبه‌رو شد، در مقابل این کار نیز محمدرضا شاه ایران دستور قطع تمام کمک و پشتیبانی از بارزانی را صادر کرد، سپس بارزانی برای ایران اعلام کرد و گفت: (ما عملی برخلاف مصالح و منافع ایران نکرده‌ایم، با دولت عراق متحد و متفق نشده‌ایم، هدف ما رسیدن به خواسته‌هایمان است، اگر دولت عراق راست بگویند که هیچ وقت نگفته و نخواهند گفت چه بهتر، اگر همکاری نکرد ما همان برادر و همکار و همیار بوده‌ایم و هستیم و هیچ خلل در این امر ایجاد نخواهد شد، هر نوع موفقیت به دست بیاوریم مرهون محبت و لطف پادشاه ایران و مسئولان ایران است (قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

مسعود بارزانی می‌گوید: "زمان که آتش‌بس امضاء شد، ابراهیم احمد در تهران بود، دولت ایران به او وعده داده بود اگر آتش‌بس را باطل کنید و بارزانی را از ریاست حزب پارتی کنار

بگذاری ما از دفتر سیاسی حمایت می‌کنیم" (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ب ۱، ۱۶۵). نزدیک شدن عبدالسلام عارف رئیس جمهوری عراق به اتحاد عرب و به ویژه جمال عبدالناصر سبب نگرانی محمدرضا شد، به همین دلیل شاه ایران مجدداً شروع به کمک و همکاری برای کردهای عراق کرد. در ابتدا سال ۱۹۶۵ محمدرضا شاه نماینده خود را در جنبش ملی کرد تعیین کرد که یک کرد اهل شهر مهاباد بود بنام عقید مدرسی، همچنین چهار خمپاره به اندازه ۸۱ میلیمتر و ۵۰۰ تفنگ برنو برای شورش فرستاد، سپس در ژوئیه همین سال با چهار توپ ۸۱ میلیمتر و چهار خمپاره ۱۲۰ میلیمتر پیشمرگه‌ها را یاری کرد، با وجود این ۲۵۰ هزار دینار شهری و تعداد زیادی از فشنگ برنو فشنگی تفنگ انگلیسی، با علاج زخمی‌های شورش در بیمارستان‌های ایران، این حمایت دولت ایران تأثیرات بسیار عمیق روی روحیه پیشمرگه‌ها گذاشت (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ب ۱، ۱۹۲؛ بابانزاده، ۲۰۱۳: ۴۵).

شاه ایران اگرچه از جنبش ملی کرد حمایت می‌کرد، ولی در حقیقت سیاست دوگانه را در برابر جنبش ملی کرد و دولت مرکزی عراق برقرار می‌کرد، از یک‌سو به شیوه محرمانه جنبش ملی کرد را کمک و پشتیبانی می‌کرد، از سوی دیگر یک افسر بلندپایه بنام محمد فرزام را به کرکوک اعزام کرد برای هماهنگی و پشتیبانی با حکومت عراق و حمله به کردستان عراق (خرسانی، ۲۰۰۱: ۱۱۶). اما پس از این دیگر کم‌کم کاروان حمایت ایران از کردهای عراق به راه افتاد، کاروان که از تهران حرکت می‌کرد حامل اسلحه، مهمات، خواربار و دارو بود، هم‌زمان اگر وضعیت زخمی‌ها بسیار وخیم بود به تهران اعزام می‌شدند در بیمارستان‌های تهران تحت معالجه و درمان قرار می‌گرفتند (قانعی فرد، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

مذاکرات کردها با دولت عراق سبب پراکنده شدن جنبش ملی کرد شد زیرا گروه دفتر سیاسی به ریاست ابراهیم احمد دبیر کل حزب از توافق بارزانی با دولت عراق ناراضی و مخالف بودند، آن‌هم سبب واکنش و اختلاف در میان جنبش ملی کرد گردید، بنابراین بعضی از آن‌ها به سوی ایران رفتند و مقیم همدان شدند (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۴۱؛ کوچیرا، ۲۰۰۶: ۳۳۳). در مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۶۶ عبدالرحمن عارف پس از سقوط هواپیمای برادرش (عبدالسلام عارف) به کمک سران ارتش به عنوان رئیس جمهور جدید عراق برگزیده شد (حمه‌شریف، ۲۰۱۲: ۲۰۵).

در دسامبر ۱۹۶۶ یک مذاکره در میان مصطفی بارزانی و امیرعباس هویدا نخست وزیر وقت ایران امضا شد و طبق این مذاکره دولت ایران کمک و حمایت بیشتر برای جنبش ملی کرد از

لحاظ اسلحه و مشاور سربازی فراهم آورد، لازم به ذکر است این مذاکره سبب واکنش و نگرانی دولت عراق در برابر دولت ایران و حمایت از جنبش ملی کرد شد، با هرگونه دریافت حمایت از طرف ایران عارف تا حد نگران می‌شود که بارزانی را به یک نوع آلت دست یا عروسک کوکی دست شاه ایران و دشمن عراق متهم کرد (نکدیمون، ۲۰۱۱: ۱۵۷؛ انتصار، ۱۳۹۰: ۱۳۸). اما این موضع دولت عراق قادر به جلوگیری حمایت دولت ایران از جنبش ملی کرد نبود. بر اساس یک سند دستگاه ساواک شماره ۲۳۲/۴۹۷۳۲ مورخ ۹ مه ۴۶ در برابر ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۷ در آن مدت دولت ایران کمک زیادی به مصطفی بارزانی کرده و وی نیز به همین جهت با دولت ایران میانه دوستی داشته از آن طلب قوا نموده، دولت ایران نیز قول داده هرچه بخواهد در اختیارش قرار دهد (ر.ک: بلگه نامه شماره ۲).

در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ عبدالرحمن عارف رئیس جمهور عراق با کودتای حزب بعث برکنار گردید و احمد حسن البکر رئیس جمهور عراق شد (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۲). بعثی‌ها تلاش کردند که با هیئت جنبش ملی کرد تماس برقرار کنند و در ضمن از کمک و پشتیبانی ایران برای آن‌ها جلوگیری کنند، ولی موفق نشدند و تا ۱۱ مارس ۱۹۷۰ دولت ایران تأثیرات بسیار بر روی طرفین جنبش ملی کرد داشت و از طریق مصطفی بارزانی از جنبش ملی کرد حمایت کرد. به نحوه که در فاصله سالهای ۷۲-۱۹۶۹ دستگاه ساواک کردها را به شورش علیه رژیم عراق وادار ساخت و روزنامه نگاران خارجی را برای تهیه گزارش از نقاط شورش هدایت نمود و همچنین یک شبکه امنیتی برای حفاظت از بارزانی گسیل داشت (مدنی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

همچنین در برابر حمایت ایران از جنبش ملی کرد، ح. د. ک نیز نقش بسیار مهمی در سرکوب جنبشی ملی کرد در کردستان ایران ایفا نمودند (گوندی، ۱۹۹۰: ۵۷)، همچنین در ۲ مارس ۱۹۶۹ نیروهای پیشمرگه با هماهنگی نیروهای ایران به چاه نفت در شهر کرکوک که یک مرکز بزرگ اقتصادی عراق بود حمله مشترک کردند و توانست آسیب زیادی به دولت عراق برسانند. همزمان رئیس جمهوری عراق (احمد حسن البکر) نیز به قدرت و توان نیروهای جنبش ملی کرد پی برده بود، و حد اقل پذیرفته بود که مسئله کردها را نمی‌توان از طریق نظامی حل کرد. دریافتی بود که بهترین راه حل مسئله را بایستی در پشت میز مذاکره باشد (أبالاس، ۱۳۷۷: ۲۲۸-۲۲۹)، لذا پیشنهاد حل مشکلات را به کردها داد و ناچار به مذاکرات پناه برد، لذا در آخر

۱۹۶۹ مذاکرات در میان کردها در عراق و دولت مرکزی عراق شروع شد و به امضاء بیان نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ خاتمه یافت (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۴۷؛ محمدامین، ۲۰۱۴: ۴۸؛ لومبورن، ۱۹۹۴: ۵۶).

۱-۱-۵ موافقت نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰/۱۳۴۸ش

عهدنامه ۱۱ مارس تضمین حقوق حکمرانی در چارچوب اتحادیه عراق را برقرار کرد که قرار بود در مدت چهار سال اجرا شود، در این عهدنامه رژیم بغداد نسبت به رژیم‌های پیشین حقوق و آزادی بیشتری به کرد داده بود، این عهدنامه شامل ۱۵ ماده و توسط ح. د. ک به ریاست مصطفی بارزانی و همراه با انجمن هیئت جنبش ملی با حزب بعثی عراقی امضاء گردید (وانج، ۲۰۱۴: ۴۸) از ابتدا ماه ژانویه ۱۹۷۰ شاه ایران در یک نامه که برای بارزانی فرستاده بود از او درخواست کرد از امضاء کردن عهدنامه با دولت عراق خودداری نماید و در مقابل این شاه آمادگی خود را نشان داد به همه مطالبات آن‌ها جامه‌ی عمل بیوشاند، در عین حال از او خواست به تهران تشریف بیاورد، در ۱۵ ژانویه ۱۹۷۰ بارزانی راه تهران شد و شاه ایران از او پذیرای کرد، از طرف خود و امریکا تعهد داد به حمایت و پشتیبان بیشتر ادامه خواهد داد اگر عهدنامه را امضاء نکند زیرا آن عهدنامه به منفعت اتحادیه شوروی و قدرتمند بودن بعثی‌ها است. بارزانی به شاه ایران پاسخ داد که هدف ح. د. ک و جنبش ملی کرد، کسب خودمختاری است برای کردستان عراق. به همین دلیل قادر به عدم امضاء کردن عهدنامه نیستم. بعد از برگشتن بارزانی به کردستان عراق شاه ایران به خاطر خودداری از تأیید این عهدنامه چند نامه‌ای دیگری به مصطفی بارزانی فرستاد ولی بارزانی موافقت نکرد (عبدالقادر، ۲۰۰۸: ۱۷۶؛ مصاحبه با دکتر محمود عثمان، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶).

بعد از شکل‌گیری مذاکرات بین هیئت جنبش ملی کرد و دولت مرکزی عراق و اعلام کردن بیان نامه ۱۱ مارس، روابط بین کردهای عراق و دولت ایران دچار تیرگی شد، اما به خاطر اینکه مصطفی بارزانی نسبت به بعثی‌ها اطمینان نداشت بنابراین روابط خود با شاه ایران را حفظ کرد و نگذاشت کاملاً روابط قطع شود، در ژوئیه ۱۹۷۰ کامران بدر خان به عنوان نماینده مصطفی بارزانی به هدف درخواست کمک و پشتیبانی به حضور شاه ایران رفت و در حضور شاه عرض کرد که کردهای عراق از روی ناچاری با دولت عراق عهدنامه را امضاء کرده‌اند، شاه ایران اظهار کرد گفت:

"ما به همه دوستانمان کمک می‌کنیم، ولی باید به او اعتماد داشته باشیم" (عبدالله، ۲۰۰۸: ۱۴۶).

بعد از عقب‌نشینی نیروهای انگلیس از جزیره‌های تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ ایران به طور مستقیم هر سه جزیره را اشغال کرد، دولت عراق روابط سیاسی خود را با ایران و انگلستان قطع کرد، و در آوریل ۱۹۷۲ قرارداد دوستی و همکاری با اتحاد شوروی امضا کرد. این امر نیز به تیرگی کشورهای عرب و ایران انجامید و باعث تفرقه و برخورد روابط دولت عراق و ایران شد (نجاتی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۵۵؛ حقی، ۱۹۹۸: ۹؛ امینی، ۱۳۸۱: ۲۰۹).

بخصوص پس از امضای پیمان دوستی بین عراق و اتحاد شوروی، که کردها این پیمان به خیانت شوروی از جنبش ملی کرد تلقی می‌کردند، و حتی بارزانی هیأت جهت گله و شکایت به مسکو فرستاد. اما بی نتیجه برگشت و در اواخر سال ۱۹۷۲ سلاح‌های روسی وارد عراق شد. در واکنش به این اقدام بارزانی تصمیم گرفت که با دولت ایران بیشتر نزدیک شود. شاه ایران نیز از رئیس جمهور آمریکا خواست که او را در کمک به کردهای عراق یاری کند تا زندگی از همسایه و دشمن خود، یعنی دولت عراق تلخ نماید (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۴۱).

در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۲ محمود عثمان همراه با ادریس بارزانی به تهران سفر می‌کنند و با شاه ایران ملاقات انجام می‌دهند و سپس از طریق شاه ایران به آمریکا اعزام می‌شوند و بنابه درخواست شاه ایران، آمریکا تصمیم می‌گیرد به طریقی مخفی از جنبش ملی کرد در عراق حمایت و پشتیبانی کند، در نتیجه مبلغ ۱۶ میلیون دلار به جنبش ملی کرد در عراق کمک می‌کند در اواخر ۱۹۷۲ اجرا می‌شود که ۶ میلیون دلار از آن به صورت نقدی و بقیه نیز به خریداری تجهیزات و آلات جنگی اختصاص داده می‌شود، گفتنی است که آمریکا و شاه ایران متمایل به پیروزی کردها نبودند و به قصدی تضعیف بنیه نظامی عراق از کردها کمک و پشتیبانی می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۵۶ - ۳۵۷؛ محمدامین، ۲۰۱۴: ۵۴؛ عزیز، ۲۰۰۲: ۱۳۲؛ مصاحبه با عثمان محمود، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶).

همچنین مصطفی بارزانی طی نامه‌ای که مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۳ برای محمدرضا شاه نوشت، در این نامه به خصومت‌های دولت عراق با کردهای عراق و عدم تمایل آن‌ها برای اجرای توافقنامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ و روابط قدیمی ایران و کردهای عراق اشاره کرد و تأکید کرد که روابط کردهای عراق با دولت ایران عمیق تر از رابطه ترکیه با ترکهای آن کشور است (حسن: ۱۳۹۳، ص ۲۹).

بعد از ۱۱ مارس ۱۹۷۴ که جنبش ملی کرد جنگ را با دولت مرکزی اعلام کرد، روابط جنبش ملی کرد با دولت ایران دوباره شروع شد زیرا دولت ایران هیچ راهی دیگری نداشت برای تضعیف دولت عراق، جز جنبش ملی کرد، به خاطر این ادامه مبارزات جنبش ملی کرد علیه دولت عراق به نفع دولت ایران بود، بنابراین کمک و حمایت ایران از جنبش ملی کرد بسیار افزایش پیدا کرد حتی به جای رسید که کامیون‌های ایرانی شب‌ها با توپ و اسلحه سنگین می‌آمدند و در سنگر پیشمرگه‌ها ارتش عراق را بمباران می‌کردند، مسعود بارزانی درباره حمایت دولت ایران از جنبش ملی کرد می‌گوید: "دولت ایران از لحاظ اسلحه و سرباز و از لحاظ اقتصادی از ابتدا جنبش ایلول تا قرارداد الجزایر از کردهای عراق حمایت کرده به شیوه‌ای که در ژانویه ۱۹۷۴ تا ژوئن ۱۹۷۴ هر ماه ۲۰ میلیون تومان به شورش کمک کرده و در ۱ ژوئیه ۱۹۷۴ تا ۱ مارس ۱۹۷۵ این مبلغ را به دو برابر آن افزایش داد، یعنی هر ماه چهار میلیون تومان برابر به دو میلیون دینار عراقی از طرف ایران برای جنبش ملی کرد اختصاص می‌دادند" (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ب ۱، ۲۳۵).

جنگ سال ۷۵-۱۹۷۴ اگرچه به عنوان یک جنگ میان کردهای عراق و دولت مرکزی عراق بود بر روی خاک کردستان عراق صورت گرفته بود، اما در حقیقت نزاع سیاسی بین دولت عراق و ایران بود، نیروهای کرد با اسلحه و امکانات دولت ایران می‌جنگیدند، حزب بعثی عراقی نیز با اسلحه اتحادیه شوروی و امکانات حاصل از فروش نفت کرکوک، اگرچه دولت ایران پی‌درپی در طی جنبش ایلول حمایت و همیاری از کردهای عراق کرده، ولی بعد از سال ۱۹۷۴ این کمک به سبک آشکار دیده می‌شود، سربازهای دولت ایران با لباس کردی در جبهه پیشمرگه‌ها با توپخانه سبک و وسط ۷۵،۱۳۰ میلیمتری و توپخانه دور برد ۱۷۵ میلیمتری علیه ارتشی عراق می‌جنگیدند همچنین با توپ ضد پرواز و موشک هاک آمریکا توانستند یک هواپیمای جنگی از نوع میگ ۲۳ سرنگون کنند که به تازگی به دست نیروهای عراق رسیده بود (ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۵۳؛ عزیز، ۲۰۰۲: ۱۳؛ نهمین، ۱۹۷۷: ۲۳) و به این چنین حمایت‌های ایران از جنبش ملی کردهای عراق علیه دولت مرکزی عراق تا انعقاد قرارداد الجزایر در میان هر دو دولت عراق و ایران ادامه یافت.

۱-۶ قرارداد الجزایر ۱۹۷۵/م ۱۳۵۳ش

بعد از سریال جلسه آشکار و مخفی در میان وزارت خارجه عراق و ایران، به تلاش و داوری دولت‌های عضوی سازمان اوپک در کشور الجزایر با سرپرستی هواری بومدین رئیس جمهور الجزایر، در میان صدام حسین معاون رئیس جمهوری عراق و محمدرضا شاه ایران یک قرارداد بنام قرارداد الجزایر در ۶ مارس ۱۹۷۵ امضاء شد در راستا امضاء این قرارداد توسط عراق و شخص صدام حسین در رسانه‌های بین‌المللی و به ویژه عرب‌زبان منطقه، مانند یک شکست حقارت آمیز برای دولت عراق انعکاس یافت و با تجاوز کردن بر روی حاکمیت خاک عراق تلقی کردند (حقی-، ۱۹۹۸: ۹؛ وسانی، ۲۰۱۴: ۱۸۹)، زیرا طبق این قرارداد دولت عراق به خاطر قطع کمک و پشتیبانی ایران از جنبش کرد، مرز آبی اروند رود را به دولت ایران پس داد، نظر ایران مبنی بر تعیین آبراهه اروند رود یکی از معدود موفقیت‌های مرزی ایران طی چند سده اخیر است، چند ساعت بعد از انعقاد قرارداد الجزایر، ارتش ایران به دستور شاه ایران از مناطق کردنشین که زیر تسلط جنبش ملی کرد بودند عقب‌نشینی کردند و تمام تجهیزات و تسلیحات خود را به خاک ایران بازگرداندند (ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۵۴؛ پیشنگ، ۱۳۹۴: ص ۱۴۶).

شاه ایران هنگام دستیابی به آبراهه اروند رود به دولت عراق تعهد داد که از حمایت کردهای عراق بپرهیزد و اگر بعد از قرارداد الجزایر نیز جنبش کردهای عراق قابل احیا باشند باوجود عدم حمایت از آنها مرزها بسته می‌شود، و علیه آنها از دولت عراق حمایت خواهد کرد (شیسمن، ۲۰۱۴: ۵۵۶). و پس از بازگشتن محمدرضا شاه به تهران از مصطفی بارزانی درخواست کرد که به تهران بیاید، در ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ مصطفی بارزانی به همراه محمود عثمان و محسن دزه‌یی به سمت تهران به نیت ملاقات با شاه ایران به راه افتادند، محسن دزه‌یی درباره این ملاقات به سنگ دلی و کینه‌ورزی شاه ایران اشاره می‌کند و می‌گوید شاه ایران به عمد روز ۱۱ مارس را برای ملاقات با بارزانی برگزید که مثلا تلافی ۱۱ مارس ۱۹۷۰ که بارزانی با دولت عراق بدون آگاهی شاه ایران آن عهدنامه را امضاء کرده بود باشد، دزه‌یی می‌نویسد در یک جلسه نیم ساعت با شاه ایران درباره قرارداد الجزایر گفتگو کردیم، سپس شاه ایران سه پیشنهاد به ما داد و گفت: نخست: من از دولت عراق درخواست عفو عمومی برای تمام کردهای عراق کرده‌ام و شما هم می‌توانید به عراق برگردید. دوم: می‌توانید در کشور ایران به عنوان پناهنده بمانید. سوم: اگر می‌

خواهید با دولت عراق بکنجید ولی ما دیگر توانایی هیچ گونه حمایتی از کردهای عراق نداریم، سپس دکتر محمود عثمان که عضو دفتر سیاسی حزب و مشاور مصطفی بارزانی هم بود در جواب شاه گفت: ما چه گونه به ملت خود را پاسخ بدهیم؛ آنها چه درباره ما می‌گویند؟ شاه با خشونت جواب داد گفت: می‌گویند رهبران ما با حرف بزرگ حقوق ما را ضایع کردند. سپس مصطفی بارزانی به شاه گفت: ما به راستگوی به شما اعتماد کریم نه اینکه به خیانت کنید (مصاحبه با محمود عثمان، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶؛ دزه‌یی، ۲۰۰۹: ۳۴۰).

سپس بارزانی به کردستان عراق برمی‌گردد پیشنهادهای شاه ایران نسبت به قرارداد الجزایر به پیشمرگه‌های کردستان را می‌گوید، اگر چه انبوه زیادی از آن‌ها تمایلی به خاتمه جنبش ملی کرد نداشتند، اما مصطفی بارزانی اعلام کرد ما بدون حمایت دولت ایران نمی‌توانیم ادامه بدهیم و جنبش را با این شرایط نمی‌شود ادامه داد، بنابراین پس از اینکه مصطفی بارزانی دستور خاتمه جنبش را صادر کرد به همراه نزدیک ۲۰۰ هزار کرد از مرز ایران عبور کردند و به عنوان پناهنده در آن کشور و مقیم شهر کرج شدند، بقیه پیشمرگه‌ها نیز تصمیم گرفتند به جنبش ملی ادامه دهند و در برابر ارتش عراق از خاک کردستان دفاع نمایند، سپس بعد از اینکه جنبش ملی کرد در قرارداد الجزایر شکست خورد، جلال طالبانی مثل یک سفیر متحرک از خارج کردستان شروع به فعالیت و کارهای سیاسی خود برای احیای جنبش کرد به پاخواست و در یک نامه برای مصطفی بارزانی نوشت "ما می‌توانیم جنبش را ادامه دهیم، چون دولت‌های مانند سوریه و لبنان و فلسطین و همه جهان از ما حمایت می‌کنند اگر شما هم بتوانید به جنبش ادامه بدهید. در پاسخ جلال طالبانی بارزانی گفت: من نتوانستم این کار را انجام بدهم چطور شما می‌توانید انجام بدهید" بعد از این جلال طالبانی تصمیم گرفت دوباره ریاست جنبش چریکی را بر عهده بگیرد، پس از تشکل دادن ح. ی. ن. ک (حزب اتحاد میهنی کردستان) در یک بیان‌نامه که علیه شاه ایران صادر کرد او را به دشمن کرد و طرفداری استعمار تلقی کرد. سپس در سال ۱۳۵۴/م ۱۹۷۶ش ح. ی. ن. ک شروع جنگ چریکی علیه دولت عراق را اعلام کرد و هم‌زمان پسران بارزانی در یک جلسه در اروپا ح. د. ک را بازسازی کردند و تحت عنوان رهبری موقت را اعلام کردند، پس از مدت کوتاهی در تهران مصطفی بارزانی به دلیل مریضی و همراه با پسرش مسعود به سوی ایالات متحده رفتند، در ۱ مارس ۱۹۷۹ مصطفی بارزانی به علت داشتن سرطان از دنیا رفت (فاید، ۲۰۱۰: ۲۷۳؛ ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۵۵؛ الشراره، ۱۹۷۶: ش ۲، ۲)

سپس دستگاه ساواک ایران به جرم فعالیت و کار سیاسی بعضی از عضوهای ح. د. ک رهبری موقت را دستگیر کرد، هم‌زمان بعضی از پیشمرگه‌های ح. ی. ن. ک که در حال عبور کردن از مرز ایران بودن توسط توپ خانه و نیروهای هوایی ایران کشته و زخمی می‌شوند و بعضی دیگری دستگیر می‌شوند به نیروهای عراق پس می‌دهند دولت عراق نیز در ۲۱ نوامبر ۱۹۷۶ آن‌ها را اعدام کرد (هه‌والنامه، ۱۹۷۸: ش ۲، ۲)، سپس ح. د. ک رهبری موقت فعالیت‌های سیاسی خود را از ایران به کشور اروپا انتقال داد چون تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی و سقوط شاه در ۱۹۷۹ فعالیت سیاسی در ایران ممنوع بود، شاه ایران بعد از قرارداد الجزایر به شدت علیه کردهای عراق از دولت عراق پشتیبانی می‌کرد، بر اساس مواد قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۸ جنرال آزهاری رئیس ستاد ارتش ایران به دولت عراق سفر می‌کند و در یک جلسه با اسماعیل طاهر نعیمی رئیس لشکر اول ارتش عراق ملاقات نمود. سپس در یک جلسه توافق کردند که یک کمیته هماهنگی نظامی ما بین نیروهای هر دو کشور برای حفظ امنیت مرزی و اطلاعات جاسوسی راجع به جنبش کرد تشکیل شود. و دولت ایران تعهد داد کسانی که مخالف دولت عراق باشند بازداشت سپس به آن واگذار نماید. همچنین توسط دولت ایران اجازه تجاوز مرز زمینی و آسمانی به نیروهای عراق به قصدی حمله و دستگیر کردن مبارزان کرد و جابجایی روستاهای کرد داده می‌شود (ئه- مین: ۱۹۹۷: ۱۸۹؛ بابانزاده، ۲۰۱۳: ۲۴۰).

سپس ایران و عراق در نوامبر ۱۹۷۸ حمله مشترک را در طول نوار مرزی میان هر کشور علیه فعالیت مبارزان کرد برای حفظ امنیت مرزی انجام دادند. به دین ترتیب روابطی که از سال ۷۹-۱۹۷۵ بین عراق و ایران به وجود آمد رابطه بسیار مناسب بود. اختلافات شدید میان آنها به زدی فراموش کردند و برخاسته آشتی و تفاهم برقرار کردند. و در آن مدت روابط صاف و شفاف در میان هر دو دولت صورت گرفت و هیچ اثری از اختلافات و کدورت باقی نمانده بود (میر فندرسکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶)

از ابتدا شکل‌گیری دولت عراق، همواره در روابط بین دولت عراق و ایران نزاع و کشمکش وجود داشته است، مرز بین هر دو کشور یکی از مسائل عمده در ایجاد مشکلات بین آنها بوده، اگر چه بعضی اوقات تلاش کرده‌اند از طریق قرارداد و گفتگو مشکلات را برطرف کنند، اما در یک مدت کوتاه دوباره مشکلات احیاء می‌شد. با وجود مشکلات بین هر دو دولت، اما بعضی اوقات علیه

جنبش کرد توافق کرده‌اند، بعد از سقوط سلطنتی و ایجاد نظامی جمهوری در عراق مشکلات بین هر دو کشور به شدت افزایش یافت، اگر چه شاه ایران هیچ‌گاه تمایل به کسب حق حکومت برای کردهای عراق نداشته است، اما طی جنبش ایلول علیه رژیم عراق از آن‌ها حمایت و پشتیبانی کرده، به همین دلیل می‌توان گفت هرگاه روابط دولت عراق با ایران مثبت شده باشد نگاه ایران به کردهای عراق منفی بوده است و برعکس آن نیز به وقوع پیوسته است.

هه‌و النامه‌ی کتیب

بخش دوم: روابط سازمان و احزاب سیاسی کردستان عراق با

جمهوری اسلامی ایران ۸۸ - ۱۹۸۰

۱-۲-۱ کرد و عوامل جنگ هشت‌ساله ایران و عراق

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پایه‌ریزی حکومتی تحت عنوان جمهوری اسلامی، زمینه‌سازی تغییرات اساسی در روابط استراتژیک میان دولت ایران و عراق شد. از نظر دولت عراق انقلاب ایران، روابط استراتژیک بین ایران و عراق را از یک بازی پیچیده به یک بازی بدون برنده تبدیل کرد. هم‌زمان این امکان را برای عراق فراهم کرد تا به عنوان مدافع جهان غرب که به دنبال عدم توسعه انقلاب اسلامی در ایران بودند ایفای نقش نماید. در نتیجه تحول مناسبات بین دو کشور با تعریف اهداف جدید و تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی به تغییر در رفتارهای دفاعی و امنیتی ایران و عراق منجر شد و دوباره کلیه مسائل زنده شد (درودیان، ۱۳۹۱ الف: ۶۰).
صدام حسین با توجه به ویژه‌گی‌های فردی و شخصی خود و معضل ژئوپلیتیکی عراق می‌خواست تا خلاء قدرت ناشی از سقوط رژیم شاه ایران و شکل‌گیری روند جدید در خاورمیانه و خلیج فارس را بازسازی کند، چنان‌که با افزایش قیمت نفت، عراق منابع مالی مورد نظر خود را برای تجاوز به ایران به دست آورد، در صورت پیروزی بر ایران می‌توانست نقش مؤثری در جهت کنترل بر منابع نفتی منطقه ایفا کند و به ذخایر کشورهای همانند عربستان دست یابد (درودیان، ۱۹۹۳ ب: ۶۶).

با انعقاد قرارداد موقت در سال ۱۹۷۲ ما بین ایران و عراق تغییرات چشمگیری در روابط آن‌ها دیده نشد، سرانجام با ادامه حمایت علنی ایران از جنبش کردها در شمال عراق که تقریباً به جنگ ۱۹۷۴ منجر شد، عراق به ناچار حق کشتیرانی ایران در اروند رود را به لحاظ قانونی به رسمیت شناخت. جنبش کردها، رژیم عراق را چنان تضعیف کرد که صدام حسین وزیر خارجه وقت عراق در ۶ مارس ۱۹۷۵ مجبور به امضای قرارداد الجزایر شد. به موجب این قرارداد ایران متعهد شد در ازای جابجایی مرز در طول اروند رود هرگونه کمک به کردهای عراق را متوقف کند، در مقابل حق کسب آبراهه اروند رود را گرفت (گینک، کارش، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی در یک بیان‌نامه اعلام کرد که انقلاب اسلامی را از ایران به خارج کشور توسعه می‌دهیم، دولت عراق نیز که یکی از همسایگان ایران بود برای

حفظ امنیت حکومت بعث در برابر مقاصد اعلام شده و تلاش‌های امام خمینی به روی سرنگونی و جنگ با حکومت ایران تمرکز کرد. صدام حسین با این کار، از یک سو می‌توانست سپر دفاعی عراق در مقابل تهاجم ایران باشد، از سوی دیگر کسب و کنترل کامل آبراهه اروندرود که در قرارداد الجزایر بر طبق مواد قرارداد با واگذاری به ایران، آن را از دست‌دادند منجر به لغو آن قرارداد توسط صدام حسین می‌شود. همچنین تلاش‌های صدام برای تصرف استان نفت‌خیز و مهم خوزستان و قرار دادن آن تحت حاکمیت عراق، پیروز شدن در این امر سبب ضعف اقتصادی ایران می‌شد و کشور ایران را از دسترسی به خلیج فارس محروم می‌کرد (کردزمن، وانگر، ۱۳۸۹: ۹۵).

پس از پیروزی کودتا تا ۱۴ ژوئن ۱۹۵۸ در عراق توسط عبدالکریم قاسم روابط ایران و عراق دائماً متضاد بود. به همین دلیل دولت ایران برای سرنگونی عراق علیه حکومت‌های متوالی آن کشور، به حمایت کردهای عراق پرداخته است. این شیوه تعامل بین هر دو کشور ادامه داشت تا به جنگ هشت‌ساله ایران و عراق منجر شد. بسیار طبیعی است که موضوع کردها یکی از عوامل دخیل و مؤثر در جنگ هشت‌ساله بین عراق و ایران باشد. چون بعد از توافق الجزایر در سال ۱۹۷۵ دولت عراق که برخی از اراضی خود با نیمی از آبراهه اروندرود را به ایران واگذار کرده بود، اصرار می‌کرد که این قرارداد اجرا شود. به خاطر اجرای این قرارداد دولت عراق دست از حمایت گروه‌های مخالف ایران برداشت و همچنین بر اساس درخواست شاه ایران، رژیم عراق آیت‌الله خمینی را از خاک عراق اخراج کرد (نجاتی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۰۱)، در مقابل شاه ایران نیز به قطع حمایت‌های خود از کردهای عراق عمل نمود. مدتی کوتاه پس از انعقاد قرارداد الجزایر، شاه ایران برای رعایت مواد قرارداد بعضی از پیشمرگه‌های کرد عراق را دستگیر نمود و آن‌ها را به دولت عراق واگذار کرد. عراق نیز آن‌ها را اعدام کرد (ر.ک: سند شماره: ۱۱).

افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ سبب افزایش قدرت هر دو کشور در منطقه شد. دولت عراق، از یک سو به دنبال تولید (نیرو اتمی) انرژی هسته‌ای بود، از سوی دیگر دولت ایران نیز مورد حمایت دولت‌های غرب قرار گرفته بود. و وانمود می‌کرد از لحاظ قدرتمندی پنجمین کشور جهان است. می‌توان گفت سال‌های ۸۰-۱۹۷۹ در تاریخ هر دو کشور بسیار مهم و ارزشمند است. چون در این زمان تغییرات و تحولات زیادی در هر دو دولت شکل گرفت. در دولت عراق بعد از کناره‌گیری احمد حسن البکر در ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ صدام حسین رئیس‌جمهور عراق شد و در دولت ایران نیز با سقوط و فروپاشی نظام شاهنشاهی که سبب روی کار آمدن نظام جمهوری و

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری آیت الله خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م شد. این تغییرات و تحولاتی که به وجود آمد سبب وخیم‌تر شدن روابط هر دو کشور شد. دولت عراق احساس کرد قرارداد الجزایر نقطه‌ی ضعف آن دولت شده است. دولت ایران نیز به این قرارداد مانند یک پروژه دوران شاهنشاهی نگاه می‌کرد و هم‌زمان کردهای عراق بر این باور بودند این فاصله‌ای روابط و عدم سازشی که در بین دولت عراق و ایران وجود داشت به نفع آن‌ها است و باید از این روابط استفاده می‌شد. به همین دلیل از ابتدا سال ۱۹۸۰ به فکر گفتگو با رژیم جدید ایران افتادند در مقابل دولت عراق نیز از کردهای ایران حمایت کرد و آن‌ها را علیه دولت ایران تشویق کرد (جه‌لال، ۲۰۱۲: ۳۲۷-۳۲۹).

در یک سخنرانی صدام حسین اعلام کرد دولت عراق از اقوام کرد و بلوچ و آذری و تمام قومیت‌های که در ایران ساکن هستند، اگر تمایل به پیوستن به عراق را داشته باشند، دولت عراق تا اوج قدرت از آن‌ها حمایت می‌کند. و این وعده فقط در حد حرف نیست بلکه به آن عمل می‌شود. در مقابل در ۲۱ مارس ۱۹۸۰ امام خمینی اعلام کرد باید با وجود تمام امکانات در حال حاضر تلاش کنیم که انقلاب اسلامی را در سراسر دنیا توزیع و گسترش بدهیم و از ملت عراق تقاضا کرد، چنان که ملت ایران محمد رضا شاه راه بیرون کرد ملت عراق نیز باید صدام حسین را از عراق بیرون بکنند چون آدم خطرناکی است بر ملت عراق خطرش بر ملت عراق زیاد است لذا امام خمینی از ملت عراق خواست با تمام قوا کوشش کنند که صدام حسین را از بین ببرند (صحیفه امام، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

این خطاب رهبر انقلاب اسلامی ایران، رژیم عراق را دچار استرس و نگرانی بسیار زیاد کرد. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در جلسه ملی عراق در یک سخنرانی صدام در مورد دولت ایران اعلام کرد از روز اول رژیم جدید که ما به حرف و کردار خصمانه آن‌ها گوش کردیم، برای ما همسایه خوبی نبودند و می‌خواهند امنیت خاک عراق را تهدید کنند، بنابراین صدام حسین قرارداد جزایر را لغو کرد و بر روی صفحه تلویزیون قرارداد را پاره‌پاره کرد. در حقیقت لغو کردن قرارداد الجزایر اعلام جنگ در برابر دولت ایران بود، سپس در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰ جنگ را علیه ایران اعلام کرد که مدت هشت سال طول کشید و به عنوان طولانی‌ترین جنگ نیمه دوم قرن بیستم تلقی می‌شود (حقی، ۱۹۹۸: ۱۲).

۱-۲-۲ گسترش روابط کردهای عراق با ایران

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ در خاورمیانه به وقوع پیوست وقوع انقلاب اسلامی در کشور ایران بود که باعث سقوط و فروپاشی نظام شاهنشاهی و پایه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی شد. شکل‌گیری انقلاب اسلامی تأثیرات بسیاری به روی دولت‌های هم‌جوار کشور ایران گذاشت در ضمن آن جنبش ملی کرد نیز از این تأثیرات بی‌بهره نبود. می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله خمینی تأثیرات بسیار عمیقی بر روی مبارزات کرد گذاشت. به شیوه‌ی که سبب گستردگی و افزایش قدرت آن شد، چون در دوره شاه به ویژه بعد از انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ شاه ایران از جنبش ملی کرد حمایت نکرد. از نظر شاه ایران پناهندگان کرد در کشور ایران گروگان‌های بیشتر نبودند. اما در ابتدای ۱۹۷۹ با سقوط شاه و رسیدن امام خمینی به قدرت و پیروز شدن انقلاب اسلامی، جنبش کرد دوباره هوایی تازه یافتند و احساس آزادی کردند.

بعد از اینکه تظاهرات و ناراضی‌مندی مردم علیه شاه ایران افزایش یافت. ح. د. ک حمایت خود از انقلاب اسلامی را اعلام کرد و در یک بیان‌نامه در روز ۲۰ اکتبر ۱۹۸۷ پشتیبانی خود را از انقلابیون و کسانی که ضد شاه استبدادی بودند، اعلام کرد. سپس دو نفر از اعضای رهبری موقت ح. د. ک^{۱۲} را به قصد دیدار و ملاقات با امام خمینی و حمایت از انقلاب اسلامی به پاریس اعزام کردند. سپس در فوریه ۱۹۷۹ روز اول پیروزی انقلاب اسلامی، مصطفی بارزانی در یک پیام، تبریک حزب ح. د. ک را تقدیم به رهبر انقلاب اسلامی نمودند. به خاطر پیروزی انقلاب اسلامی و از بین رفتن نظام شاهنشاهی، مصطفی بارزانی در این پیام به رغم تبریک گفتن به اقوام دولت ایران، خاطرنشان کرد که پیروز انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به معنی پیروزی تمام مستضعفین جهان است. و در ضمن آن نیز پیروز شدن ملت ستم دیده کرد است (نامه مصطفی بارزانی به امام خمینی، ر. ک: سند شماره ۱۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از بین رفتن نظام شاهنشاهی در ایران در سال ۱۹۷۹، مبارزات کرد در کردستان عراق به مرحله جدیدی وارد شد. و قدرت گسترش زیادی پیدا کرد و

¹² قیاده موقت حزب دموکرات کردستان عراق

پیروزی انقلاب اسلامی سبب تداوم و حفظ بقای جنبش کرد شد (نجمه‌دین، ۲۰۱۱: ۶۸؛ ریباز، ۱۹۹۳: ۱۲).

به ناپود نظام شاهنشاهی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، دست کم دولت عراق یک هم-پیمان در منطقه مانند شاه ایران را از دست داد. که این امر برای کردهای عراق بسیار خوشایند بود. زمانی که هیچ امیدی به آینده نبود که این دو دولت علیه مبارزات کردهای عراق توافق کنند. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی که در عراق به درخواست شاه ایران تحت بازداشت خانگی قرار گرفته بود، دولت عراق برای رعایت قرارداد الجزایر او را در ۶ اکتبر ۱۹۷۸ از عراق اخراج کرد. اما امام خمینی نیز به محض رسیدن به قدرت و پیروز شدن انقلاب در اوایل فوریه ۱۹۷۹ پیام‌های را به یاران سابقش در عراق منتقل کرد و از مردم عراق خواست که حکومت بعثی ضد اسلام را سرنگون کنند. از یک سو، از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد خود را به گروه‌های مختلف ضد عراق نزدیک کند و علیه رژیم بعث آن‌ها را مورد حمایت خود قرار دهد (کردزمن، وانگر، ۱۳۸۹: ۶۴).

در فوریه ۱۹۷۹ انقلابیون اسلام‌گرا توانستند نظام شاهنشاهی را دچار سقوط کنند و یک نظام جدید مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی را روی کار آورند، که در سطح منطقه یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذاری بر مبارزات کردهای عراق انقلاب اسلامی بود. هم‌زمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، تحولات مهمی در دولت عراق به وجود آمد. که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ بعد از کناره‌گیری احمد حسن البکر، صدام حسین به قدرت رسید و رئیس جمهور عراق شد. بعد از به قدرت رسیدن، وی تلاش کرد از آن اوضاع استفاده کند که در ایران بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمده است، وی درصدد بود اوضاع ایران را به نفع خود تغییر دهد و تمام آن اراضی که در قرارداد الجزایر از دست داده بود. پس بگیرد (Romano, 2006: 198؛ کلی، ۱۳۹۰: ۲۱؛ تریب، ۲۰۱۰: ۲۹۳-۳۰۰).

پس از سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ژوئیه ۱۹۷۹ ح. ی. ن. ک در یک بیان‌نامه به مناسبت پیروزی انقلاب به اقوام ایران و به ویژه امام خمینی تبریک گفت و اظهار داشت که برگشتن امام خمینی به کشور ایران و نابودی شاه استبدادگر عبارت است از پیروزی تمام قومیت‌های ایران. ح. ی. ن. ک در این بیان‌نامه انقلاب اسلامی را جشن ایرانیان می‌داند و در ضمن کردها نیز انقلاب اسلامی را به جشن و انقلاب خود می‌دانند، و از آن حمایت و پشتیبانی

می‌کنند. ح. ی. ن. ک در این بیان‌نامه امیدوار بود که شاهد عینی پیروزی‌های دیگر قومیت‌های ایران باشد و همچنین جمهوری اسلامی ایران یاور کسب حقوق ملی کرد نیز باشد (هه‌والنامه، ۱۹۷۹: ش ۴، ۱۵).

در میان سال‌های ۸۰-۱۹۷۹ هنوز ح. د. ک درگیر عوارض انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ میان دولت ایران عراق بود، مانند شکست و افول جنبش مبارزات کرد، انشعاب گروه جلال طالبانی و کوچ بزرگ به خاک ایران، علاوه بر آن درگذشت مصطفی بارزانی در ۱ مارس ۱۹۷۹ که خلأ رهبری نیز در کردستان عراق را پدید آورد، در این میان ح. د. ک نه تنها در کردستان عراق بلکه در میان گروه‌های کرد ایران نیز اعتبار و مقبولیت چندانی نداشت، به گونه‌ای که هنگام درگذشت مصطفی بارزانی و خاک‌سپاری وی در شهر اشنویه هیچ یک از گروه‌های کرد ایران از جمله حزب دمکرات ایران و کومه‌له شرکت نکردند و به جای صدور بیان‌نامه تسلیت خطاب به خانواده بارزانی، هجونا‌مه‌ای تند صادر نمودند و همچنین به خاطر سوابق ح. د. ک در برابر کردهای ایران از دولت ایران تقاضا کردند آن‌ها را از خاک ایران اخراج نماید (پشده‌ری، ۲۰۰۹: ۳، ۹۵-۹۹).

پس از فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران پناهندگان ح. د. ک در یک وضعیت بحرانی زندگی می‌کردند، از دیدگاه انقلابیون آن‌ها طرفدار ساواک و شاه ایران محسوب می‌شدند. برای رفع این قضیه مسعود بارزانی به قصد دیدار با امام خمینی به اروپا سفر کرد. اما به علت تلاش در ترور بارزانی در ۸ ژانویه ۱۹۷۹ بارزانی قادر به دیدن امام خمینی نبود. اما پس از زمانی کوتاه یک هیئت ح. د. ک به پاریس اعزام شدند و با ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس جمهوری ایران و صادق قطب‌زاده ملاقات کردند و شرح‌حال خودشان را برای آن‌ها بیان کردند. مسئولان ایران نیز به طرفدارانشان توصیه کردند از اذیت کردن پناهندگان خودداری نمایند. در مقابل رهبران ح. د. ک نیز طرفداران خود را تشویق به شرکت در انقلاب اسلامی کردند که دوش‌به‌دوش انقلابیون در انقلاب اسلامی ایران شرکت داشته باشند. سپس در بعضی از شهرهای ایران مانند یزد و تبریز و اراک همیاری انقلابیون می‌کردند، و به آن‌ها را در مورد اسلحه و نظامی آموزش و اطلاعات می‌بخشیدند. در این مدت مسعود بارزانی در قبرس بود و با وساطت یاسر عرفات رئیس فلسطین وارد ایران شد.

در روز ۱ مه ۱۹۷۹ همراه با ادريس بارزانی فرصت حضور و دیدار با امام خمینی را پیدا کردند. و سپس با هر یک از علی خامنه‌ای و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و مصطفی چمران وزیر دفاع

کشور دیدار کردند. که آن‌هم موجب تقویت ارتباط ح. د. ک با ایران و رفع مشکلات پناهندگان هم شد. سپس بعد از یک مدت کوتاه هیئتی دیگر با ریاست ادريس بارزانی همراه با کریم سنجاری و رشید سندی و عبدالوهاب اتروشی راهی قم شدند و از طرف امام خمینی و مصطفی چمران مورد استقبال قرار گرفتند (نیروهی، ۲۰۰۸: ۱۲۸-۱۳۰).

در روز ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ جلال طالبانی راهی تهران شد. ظرف مدت ۲۲ روز در تهران ماند، در این مدت با مسئولان انقلاب اسلامی ایران چون امام خمینی و حسنعلی منتظری و مصطفی چمران وعده‌ای دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی دیدار و ملاقات کرد. جلال طالبانی در این ملاقات که با مسئولان ایران انجام داد تقاضای حمایت از کردستان عراق و کمک به ح. ی. ن. ک از لحاظ اسلحه و پول و خواربار کرد. همچنین دادن رضایت برای سفر اعضای ح. ی. ن. ک به کشورهای اروپا و وارد کردن اسلحه و تجهیزات سربازی از طریق کشور ایران. و تقاضای دیگر جلال طالبانی از مسئولان ایران این بود که بیماران ح. ی. ن. ک در بیمارستان‌های ایران مورد معالجه قرار بگیرند. ولی جلال طالبانی بدون تعیین نماینده ح. ی. ن. ک در تهران و سفر اعضای آن حزب برای کشورهای اروپا از طریق دولت ایران، نتوانست در این دیدارها هیچ نتیجه‌ای به دست بیاورد (نهمین، ۱۹۹۸: ۱۲۲).

دولت ایران برای حمایت و پشتیبانی از ح. ی. ن. ک چند شرط داشت یکی از آن‌ها هماهنگی و کمک به پاسداران ایران در برابر گروه‌های مخالف ایران از جمله حزب دمکرات ایران و کومه‌له و زحمتکشان و همچنین ح. ی. ن. ک راهنمایی نیروهای ایران را در خاک عراق بر عهده بگیرد، و در مورد کم و کیفی یا وضعیت و موقعیت نیروهای عراق به نیروهای دولت ایران اطلاعات بدهد. اگرچه ح. ی. ن. ک به اجرای این شرایط راضی نبود و تحت بار درخواست‌های دولت ایران نرفت، اما رهبری موقت ح. د. ک با وجود سوابق ناسازگاری و اختلاف با حزب دمکرات ایران توانست ارتباط خود را با رژیم جدید ایران به صورت جدی برقرار کند. و در مقابل گروه‌های مخالف دولت ایران به ویژه حزب دمکرات ایران به رهبری قاسملو بجنگد. این امر هم باعث عمیق تر شدن کشمکش درگیری میان احزاب و سازمان‌های کردستان عراق شد. زیرا بعد از روابط ناموفق میان ح. ی. ن. ک دولت ایران، ح. ی. ن. ک به حمایت از حزب دمکرات ایران علیه دولت ایران پرداخت و ایران را ناچار به تداخل در میان احزاب کردهای عراق نمود. سپس ایران

اعلام کرد تا زمانی که اتحاد در میان احزاب و سازمان‌های کرد عراق وجود نداشته باشد حمایت از آن‌ها قطع خواهد شد (ریباز، ۱۹۹۳: ۴۱؛ هه‌ژاری، ۲۰۱۶: ۸۹).

جلال طالبانی با وجود اینکه از حزب دمکرات ایران حمایت می‌کرد مدام در حال برقراری روابط با ایران بود. در آوریل ۱۹۸۰ در نامه‌ای که برای امام خمینی و نامه‌ای دیگری برای بنی صدر ارسال کرد. حمله‌های امریکا به کشور ایران را محکوم کرد (نامه جلال طالبانی به امام خمینی، ر. ک: سند شماره ۱۷).

پس از اینکه مذاکرات بین گروه‌های کرد ایران و دولت ایران به چالش رسید، دولت ایران تصمیم به یک حمله بزرگ به سمت مناطق کردنشین گرفت. این حمله سراسر کردستان ایران را دربر گرفت. علاوه بر دفاع تند حزب دمکرات ایران و دیگر گروه‌های مخالف دولت ایران، نیروهای ایران با حمایت و کمک نیروهای رهبری موقت ح. د. ک توانستند به سرعت پیش روی کنند و اکثریت مناطق کردنشین در ایران را تحت کنترل خود در بیاورند (Bruinessen, 1986: 11).

همکاری ح. د. ک با دولت ایران سبب شد، که ایران مدام از ح. د. ک حمایت کند. لذا جلال طالبانی رهبر ح. ی. ن. ک از دولت ایران خواست که از حمایت ح. د. ک خودداری کند و به جای آن ح. ی. ن. ک را همکاری و حمایت کند. ولی از یک سو به خاطر سوابق دلسوزانه ح. د. ک برای دولت ایران، از سوی دیگر حمایت ح. ی. ن. ک از حزب دمکرات کردستان ایران، درخواست جلال طالبانی مورد موافقت دولت ایران قرار نگرفت. این امر نیز سبب تیرگی روابط دولت ایران و ح. ی. ن. ک شد. و این روابط روزبه‌روز بدتر می‌شد، در نتیجه دولت ایران نیز از رسیدن کمک‌های سربازی دولت‌های لیبی و سوریه برای ح. ی. ن. ک جلوگیری می‌کرد (نه‌به‌ز، ۱۹۸۹: ۱۱۱).

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی هریک از مسعود بارزانی و جلال طالبانی رقابت کردند که با امام خمینی روابط تازه‌ای برقرار کنند. در این حوزه مسعود بارزانی موفق بود و توانست رابطه خوبی برقرار سازد و مصطفی چمران را قانع کند که برخی از آن اسلحه‌ی که در دوره شاه از پناهندگان ح. د. ک گرفته بودند، که نزدیک ۵۰۰ تفنگ بود پس بگیرد. و دولت ایران با بهبودی زندگی پناهندگان کرد عراق در آن کشور موافقت کرد، و از لحاظ مالی به آن‌ها کمک کرد. در مقابل دولت ایران از ح. د. ک خواست، که کردستان عراق را از گروه‌های چپ و کمونیستی پاک‌سازی کند. علاوه براین با گروه‌های کرد کردستان ایران از جمله کومه‌له و حزب دمکرات ایران به رهبری قاسملو بجنگند (نیروه‌یی، ۲۰۰۸: ۱۳۲؛ کوچیرا، ۲۰۰۲: ۵۴).

ح. د. ک برخلاف ح. ی. ن. ک پیشرو در تعامل و همکاری با دولت جدید ایران بود. برخلاف دهه گذشته این بار حوزه همکاری اولیه کردستان ایران بود، نه کردستان عراق. بنابراین در سال‌های ۸۲-۱۹۷۹ بارزانی‌ها تحت نام رهبری موقت و ح. د. ک عراق، برای سرکوب تحرکات جدایی‌طلبانه‌ی احزاب کرد ایران و مخالف نظام جدید مانند حزب دمکرات و کومه‌له، همکاری مؤثر با نیروهای انقلابی و نهادهای دولت ایران داشتند.

در اکتبر ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش به درخواست جلال طالبانی نوشیروان مصطفی راهی تهران شد. نوشیروان در تهران با داریوش فروهر وزیر کار و سرتیپ دانشور فرمانده ژاندارمری ملاقات کرد و از آن‌ها خواست برای رسیدن وسایل سربازی از دولت‌های دیگر به دست ح. ی. ن. ک آسان‌کاری کنند. در پاسخ به نوشیروان مصطفی، سرتیپ دانشور گفت: "شما در حدود مرزی عراق و ایران هستید، خائنان ضدانقلاب هم آنجا هستند و از دولت عراق کمک می‌گیرند، اگر شما توانستید از رسیدن کمک و همکاری به آن‌ها جلوگیری کنید، همان‌طور که نیروهای ح. د. ک به نیروهای ایران کمک می‌کنند. ما هم از آن اسلحه و وسایل نظامی که از سوریه دریافت می‌کنید بیشتر از آن را ما در اختیار شما می‌گذاریم. سپس نوشیروان مصطفی با نگرانی به کردستان عراق برمی‌گردد (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۱۴؛ ئەمین، ۱۹۹۸: ۱۳۰).

جلال طالبانی از طریق بعضی اشخاص از جمله سازمان انقلابیون حزب توده ایران و نمایندگان خارج از کشور تلاش کرد روابط اتحادیه میهنی و دولت ایران را بهبود بخشد. در سال ۱۹۸۱ یک هیئت کشور سوریه به ریاست عبدالحلیم خددام به ایران سفر می‌کند و با مسئولان ایران گفتگو و ملاقات انجام می‌دهند. و یکی از محورهای گفتگو درباره بهبودی روابط دولت ایران و ح. ی. ن. ک و رسیدن اسلحه به نیروهای ح. ی. ن. ک بود. ولی این گفتگوها نیز به هیچ نتیجه‌ای نرسید. زیرا دولت ایران به هیچ وجه آمادگی ایجاد روابط با ح. ی. ن. ک را نداشت، مگر اینکه شرایط دولت ایران را اجرا کند. به خاطر اینکه دولت ایران از ح. ی. ن. ک بدبین بود و می‌دانست از حزب دمکرات کردستان ایران حمایت و پشتیبانی می‌کند و همچنین از نظر مسئولان جمهور اسلامی ایران ح. ی. ن. ک یک حزب کمونیست محسوب می‌شد، بنابر این تا بعد از پایان مذاکرات ح. ی. ن. ک با دولت مرکز عراق سال ۱۹۸۴ هیچ نوع رابطه شکل نگرفت (ئەمین، ۱۹۹۸: ۲۰۵).

در میانه سال ۱۹۸۱م/۱۳۵۹ش چندین کاروان که اسلحه و تجهیزات نظامی برای نیروهای ح. ی. ن. ک از طرف دولت سوریه آورده بودند، توسط دولت ایران بازداشت شدند. و از رسیدن آن‌ها به دست ح. ی. ن. ک جلوگیری شد. که این امر نیز منجر به فاصله گرفتن روابط بین ایران و ح. ی. ن. ک شد. در ژوئن ۱۹۸۱ جلال طالبانی به تهران سفر می‌کند و با بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی ایران از قبیل مصطفی چمران و آقای فلاحی رئیس ستاد ارتش ایران ملاقات می‌کند. و از آن‌ها تعهد گرفت وسایل گرفته‌شده ح. ی. ن. ک را آزاد کنند. اما به دلیل ایجاد تغییر و تحولات در داخل ایران وعده‌های که به جلال طالبانی داده بودند به هیچ وجه اجرا نشد. به نوشته نوشیروان مصطفی بعد از سفر جلال طالبانی به تهران یکبار دیگر از طرف سرهنگ صیادی فرمانده نیروی شمال غرب از ح. ی. ن. ک خواست نماینده خود را به منظور گفتگو در مورد وسایل گرفته‌شده‌ی آن به ارومیه روانه کنند. از طرف ح. ی. ن. ک نیز ملازم عمر و آزاد هورامی و بکر حاجی صفر انتخاب شدند، سپس به شهر ارومیه اعزام شدند. در یک جلسه در مورد وسایل بازداشت شده، سرهنگ صیادیان برای هیئت ح. ی. ن. ک اظهار داشت که برای آزادی اسلحه هاتون باید عراق را آزاد کنیم و برای آزادی عراق نیز باید در همین جا شروع کنیم، و نیروهای ح. ی. ن. ک نیز مانند نیروهای ح. د. ک در اینجا حضورداشته باشند و از اینجا تا مرز عراق را از خائنان ضدانقلاب (حزب دمکرات کردستان-ایران، کومه‌له) پاک‌سازی کنیم و زمانی که به مرز عراق رسیدم و از آن تعداد سلاح‌های که پیش ماست و مانع رسیدن آن به دست شما شده‌ایم، ما بیشتر از آن را به شما تقدیم می‌کنیم. اگر همچنین عملکردی نداشته باشید به هیچ وجه در مورد سلاح‌هایتان با ما حرف نزنید. سپس هیئت نماینده ح. ی. ن. ک را با احترام به سمت کردستان روانه کردند و در نتیجه آن رابطه‌ی ح. ی. ن. ک با دولت ایران فاصله بیشتری گرفت (نهمین، ۱۹۹۸: ۲۰۴).

در سال ۱۹۸۱م/۱۳۵۹ش جلال طالبانی یک اتحاد ضعیفی را با حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاسملو برقرار کرد. که در وهله اول برای خنثی کردن و جبران حمایت جمهوری اسلامی از رهبری موقت ح. د. ک بود که این امر نیز منجر به درگیری سختی بین نیروهای ح. د. ک و نیروهای ح. ی. ن. ک شد و اساساً موقعیت اتحاد کردها را در شمال عراق تضعیف کرد. سپس به دنبال آغاز جنگ عراق و ایران پیوند ح. د. ک با جمهوری اسلامی عمق بیشتری یافت. علاوه بر سرکوب گروه‌های مخالف کرد ایران، همکاری نظامی و انجام عملیات مشترک و مستقل

علیه نیروهای رژیم بعث در شمال عراق نیز بود. از جمله می‌توان به عملیات والفجر ۲ در منطقه کوهستانی حاج عمران در تابستان ۱۹۸۳ و آزادسازی آن منطقه اشاره کرد. در واکنش به این امر جلال طالبانی آمادگی ح. ی. ن. ک را برای جلوگیری از این اشغالگران (نیروهای نظامی ایران و نیروهای ح. د. ک رهبری موقت) اعلام کرد. در آن زمان جلال طالبانی می‌خواست روابط خود را با صدام حسین بهبود بخشد. بنابراین ح. ی. ن. ک در یک تغییر موضع اعلام آتش‌بس با رژیم عراق را پذیرفته است و فکر خودمختاری محدود صدام حسین را تحت شرایط موجود بررسی خواهد کرد (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۱۵؛ انتصار، ۱۳۹: ۱۵۶).

در مورد روابط ایران و حزب سوسیالیست کردستان عراق (حسک)، پیرو سخنان محمد حاجی محمود که رهبر آن حزب است می‌گوید از ابتدا نام حزب که سوسیالیست بود باعث درگیری روابط آن با دولت ایران شد. زیرا از نظر دولت ایران سوسیالیست یک حزب کمونیستی است، اما به محض اینکه برای ایران روشن شد این‌طوری نیست پیشنهاد تغییر نام حزب را کردند و در حال راضی بودن به این امر ایران به طور رسمی از آن حزب حمایت می‌کند. اما هیئت حزب حسک تقاضای دولت ایران را نپذیرفتند. بعد از درگذشت صالح یوسفی، محمد حاجی محمود به عنوان مسئول جناح حزب حسک تعیین می‌شود. و در میان جنگ عراق و ایران حسک یک روابط محلی با مقامات ایران چون مصطفی چمران وزیر دفاع به عنوان جنگ‌های نامنظم برقرار می‌سازد. سپس این روابط از طریق آقای منتظری و بنی‌صدر و سپاه ایران و قرارگاه رمضان توسعه و گسترش پیدا می‌کند و به عنوان کمک‌های غیررسمی و محلی از حسک حمایت کردند بدون اینکه هیچ موافقت‌نامه (پورتوکول) در میان آن‌ها وجود داشته باشد (حاجی محمود، ۱۹۹۹: ۲۵-۳۱).

در مورد رابطه جریان اسلامی با دولت ایران، محمد منتظری یکی از مسئولان بالای انقلاب اسلامی در آغاز جنگ عراق ایران با یکی از آوارگان شهر کرج بنام ملا حسن مارونسی ملاقات می‌کند. و به او گفته بود، مبارزات و جنبش ملی کرد پیش‌تر عبارت‌اند از احزاب چپ و کمونیستی و هیچ خبری از اندیشه اسلامی و نماز و دعا نیست؟ و سپس تلاش کرد با بعضی از ملاهای کرد توافق کند و یک حزب جایگزین در برابر حزب‌های چپ و کمونیستی تشکیل بدهند. می‌توان گفت این نخستین تلاش جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل دادن یک حزب اسلامی هم اندیشه خود بود. همچنین صدور جرقه انقلاب (تصدیر الثورة) به خارج کشور بخصوص به

خاک عراق، دولت ایران تلاش کرد برای تأسیس یک حزب اسلامی بنام لشکر اسلامی کرد (لاک) این حزب توسط بعضی اشخاص که عبارت بودند از شیخ قادری سوتکه، ملا حسین ماریونس و عباس شاهین که صاحب اندیشی اسلامی بودند تأسیس شد. و توسط دولت ایران مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتند. اسلحه و پول را از ایران می‌گرفتند. پس از مدتی کوتاه با احزاب دیگر کردستان عراق رابطه برقرار کرد. بخصوص ح. د. ک و ح. ی. ن. ک و حسک و به آن‌ها وعده داده بود که کمک و همکار آن‌ها باشد. بخصوص به ح. ی. ن. ک وعده داده بود که زخمی‌ها و بیماران حزب را به نام و کارت خود به بیمارستان‌های ایران انتقال بدهد، ولی در مدت کوتاه به علت برخورد و پیچیدگی در روابط ایران با ح. ی. ن. ک و همچنین تشویق لاک از طرف ایران علیه ح. ی. ن. ک، منجر به مختل شدن روابط لاک و ح. ی. ن. ک شد، در نتیجه توسط ح. ی. ن. ک ظرف مدت دو روز نابود و سرنگون شدند (جهلال، ۲۰۱۲: ۳۶۱؛ نیروی، ۲۰۰۸: ۲۱۷؛ حمه-سعید، ۲۰۱۶: ۳۷۳-۳۷۷).

سپس بعد از چند ماه در همان سال در ژوئیه ۱۹۸۱ یک حزب جدید دیگری توسط سامی عبدالرحمن تشکیل شد و از رهبری موقت ح. د. ک انشعاب شد. سپس از طریق لیبی و سوریه به ایران پیوست و روابط دوستانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران برقرار کرد. این گروه تا بعد از انتفاضه سال ۱۹۹۱ وجود داشت و سپس به میان ح. د. ک برگشت و دوباره با آن‌ها ترکیب شد (جهلال، ۲۰۱۲: ۳۶۲).

از ابتدا اعلام کردن جنبش رابطه اسلامی^{۱۳} این حزب مورد حمایت از سوی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. پس از مدت کوتاهی دفتر نمایندگی خود را در داخل ایران باز کردند. سپس دولت ایران آنان را در انجمن بالای انقلاب اسلامی عضو کردند. رهبران حزب مذکور بعد از تغییر نام حزب از جنبش رابطه اسلامی به جنبش اسلامی در کردستان عراق^{۱۴} (باسک)، یک هیئت در سطح بالای حزب با ریاست ملا عثمان عبدالعزیز رهبری حزب به تهران سفر می‌کنند و با آقای هاشمی رفسنجانی و تعدادی دیگر از مسئولان انقلاب اسلامی ملاقات می‌کنند. باسک در بسیاری از اجلاس‌ها و جلساتی که در تهران برگزار می‌شد شرکت می‌کرد و از این راه توانست با کشورهای خارجی رابطه برقرار سازد (احمد، ۲۰۰۹: ۳۴).

^{۱۳} بزوتنه‌وهی په‌یوهندی اسلامی

^{۱۴} بزوتنه‌وهی اسلامی له کوردستانی عیراق (باسک)

همچنین در ژوئیه ۱۹۸۹ هیئت‌های دیگر باسک به ریاست رهبری حزب ملا عثمان عبدالعزیز در مراسم خاک‌سپاری امام خمینی شرکت نمودند. سپس با تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی گفتگو و ملاقات کردند. مسعود بارزانی در یک سخنرانی در سال ۱۹۹۱ اعلام کرد. اگر جمهوری ایران مبلغ ۳۰ میلیون تومان با ح. د. ک و ح. ی. ن. ک همکاری کرده باشد، با ۶ میلیون تومان نیز همکاری با باسک کرده است. شیخ عبدالطیف یکی از مقامات باسک در یک مصاحبه در روزنامه *(الجهاد/الکوردی)* در تهران در ۱ آوریل ۱۹۸۷ در مورد حمایت و پشتیبانی ایران از باسک می‌گوید: "باسک و دولت ایران یک رابطه برادرانه‌ای خوبی باهم دارند و جمهوری اسلامی ایران تنها پشتیبان پیشمرگه‌های ما هستند و با پول و لوازم سربازی از ما حمایت می‌کنند" (نه‌به‌ز، ۱۹۹۸: ۱۳۷).

در یک اعلامیه در ابتدا دسامبر ۱۹۸۳ ح. ی. ن. ک توقف جنگ با دولت عراق را اعلام کرد، جلال طالبانی نیز برای انجام دادن مذاکرات با دولت مرکزی عراق راهی بغداد شد. بعد از ملاقات با طاریق عزیز سپس با صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق ملاقات کرد. سپس در یک دیدار دیگر که در میان جلال طالبانی و صدام حسین در ماه ژوئیه ۱۹۸۴ شکل گرفت بعد از مذاکرات طولانی در میان آن‌ها، در مارس ۱۹۸۴م مذاکرات به بن‌بست رسید. زیرا صدام حسین به هیچ وجه قائل نبود که شهر سنجار و خانقین و کرکوک جزئی از منطقه خودمختاری (اتونومی) باشد. در نتیجه در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۵ پس از گذشت یک سال از مذاکرات، کمیته‌ی هیئت ح. ی. ن. ک در یک اعلامیه پایان مذاکرات با دولت عراق را اعلام کرد و رژیم بعث را به توقف مذاکرات متهم کرد (کوچیرا، ۲۰۰۲: ۷۰).

بنابراین در سال ۱۹۸۵/م ۱۳۶۳ش پس از مذاکرات کامل میان ح. ی. ن. ک با دولت مرکزی عراق به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند، ح. ی. ن. ک دوباره تلاش کرد که با ایران رابطه برقرار کند. و نمایندگان خود را به ایران فرستاد دولت ایران نیز برخلاف دوره پیشین مانند سال ۱۹۸۲ این بار با وساطت سوری‌ها دست دوستی نمایندگان ح. ی. ن. ک را به گرمی فشردند. در نتیجه پس از سال‌ها کشمکش خونین، احزاب کردهای عراق توانستند رابطه خوبی برقرار سازند. در این زمان ح. د. ک به همراه ح. ی. ن. ک و حسک و احزاب کمونیستی در بیانیه‌ای مشترک خواستار وحدت در مبارزه با رژیم صدام حسین شدند. سپس در نوامبر ۱۹۸۶ مسعود بارزانی و جلال طالبانی به منظور تشکیل ائتلاف در تهران با یکدیگر ملاقات کردند، بعد هر دو حزب در نخستین اجلاس

فراگیری گروه‌های کرد و عرب مخالف صدام حسین با عنوان اجلاس همکاری ملت عراق ضد رژیم عراق از کرد و عرب در تهران گرد هم آوردند (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

به نوشته‌ی نوشیروان مصطفی امین زمان زیادی بود که جلال طالبانی به این نتیجه رسیده بود نمی‌شود با آن قدرتی که گروه‌های کرد عراق داشتند، رژیم عراق را نابود کرد. وی براین باور بود که برای از بین بردن حکومت عراق نیازمند به حمایت خارجی است. جلال طالبانی در حالی که از حمایت سوریه و لیبی برای انجام دادن کودتا سربازی در عراق ناامید شد. ناچار می‌شود برای از بین بردن دولت عراق به سوی دولت ایران تمرکز کند. چون آن زمان دولت ایران با دولت عراق در جنگ خونین بود. به همین دلیل می‌توان گفت که هنوز مذاکرات بین ح. ی. ن. ک و دولت عراق به پایان نرسیده بود که جلال طالبانی سرگرم ایجاد رابطه با ایران بود. در نوامبر ۱۹۸۴ برای دریافت موضع ایران و حمایت آن از ح. ی. ن. ک در همان حال اگر مذاکرات موفق نبود دکتر فواد معصوم به صورت پنهان به تهران اعزام می‌شود، اما ایران به هیچ وجه راضی به مذاکرات با ح. ی. ن. ک نبود، مگر اینکه مذاکرات را با دولت عراق قطع کند. زیرا ایران تردید داشت که ح. ی. ن. ک از این روابط سوءاستفاده نکند. اما پس از اینکه که برای دولت ایران روشن شد که ح. ی. ن. ک با دولت عراق قطع رابطه کرده و به مذاکرات خاتمه داده است، تغییرات آشکاری از موضع ایران در برابر ح. ی. ن. ک دیده می‌شد (محمدامین، ۲۰۱۴: ۲۲۵؛ حاجی‌مشیر، ۱۹۹۸: ۳۲).

در یک توافق‌نامه‌ای که در میان جمهوری اسلامی ایران و ح. ی. ن. ک امضا شد، تنها شرطی که دولت ایران برای هم‌پیمانی با ح. ی. ن. ک به آن‌ها اعلام کرده بود زدن لوله‌های نفت کرکوک بود. اگر ح. ی. ن. ک درخواست ایران را پذیرفت، از طرف ایران همکاری و پشتیبانی برای آن فراهم خواهد شد، و در مقابل درخواست ایران، ح. ی. ن. ک نیز یکسری تقاضاها را از آن‌ها کرد. که مانند بازگشایی دفتر ح. ی. ن. ک در ایران، اجازه خرید و نقل و انتقال تجهیزات، تبلیغات و مداوای مجروحان و اسکان خانواده پیشمرگه‌ها و تأسیس مقرهای مرزی، اعطا مجوز تردد مسافرت به رهبران ح. ی. ن. ک. به دنبال این توافق‌نامه که بعد از یک ماه علنی شد، نیروهای ح. ی. ن. ک در چند عملیات مستقل و مشترک با نظامیان دولت ایرانی حضور مؤثر داشتند. که از جمله می‌توان به مشارکت در عملیات زدن لوله‌های نفتی کرکوک در پاییز سال

۱۹۸۵ و تصرف ارتفاعات ماوهت و شهر حلبچه در مارس ۱۹۸۸ اشاره کرد (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

همچنین پس از شکل‌گیری اتحاد بین ح. د. ک و ح. ی. ن. ک به مرور زمان اختلاف میان آنها بهبود یافت. و در فوریه ۱۹۸۷ رهبران هر دو حزب بیانیه‌ای مشترک مبنی بر تشکیل جبهه ملی ضد رژیم بعث صادر کردند. و یک جبهه با عنوان به‌رهی کوردستانی^{۱۵} با مشارکت کلیه احزاب سیاسی کردستان عراق علیه رژیم عراق تشکیل نمودند. اگرچه با پایان جنگ در اوت ۱۹۸۸ همکاری نظامی ح. ی. ن. ک و دیگر گروه‌های کرد عراق با ایران پایان یافت، اما این گروه‌ها همچنان مورد حمایت ایران قرار داشته‌اند (حاجی محمود، ۱۹۹۹: ۳۱۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی نظامی شاهنشاهی در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م، جنبش ملی کرد درصد احیاء شدن و تجزیه از رژیم عراق برآمد. در فاصله جنگ هشت‌ساله عراق و ایران، دولت ایران به حمایت و پشتیبانی گروه‌های مخالف دولت عراق از جمله ح. ی. ن. ک و ح. د. ک و حسک و باسک پرداخته است. دولت ایران از حمایت گروه‌های کرد در کردستان عراق چندین منظور داشت. از قبیل پراکنده کردن نیروهای دشمن در مرزهای عراق و ایران، کنترل کردن گروه‌های مخالف ایران از جمله دمکرات و کومله، همچنین انجام دادن حمله مستقل و مشترک احزاب کرد علیه رژیم عراق. اگرچه احزاب کردستان عراق در ابتدا در داخل خودشان دچار پراکندگی و تجزیه بودند اما دولت ایران توانست آن‌ها را علیه حکومت عراق جمع‌آوری کند و به حمایت آن‌ها بپردازد.

^{۱۵} جبهه کردستانی

فصل دوم :

تحریم اقتصادی کردستان عراق

از سوی رژیم بعثی عراق

بخش اول: سیاست اقتصادی حکومت عراق در برابر کردستان عراق

پس از سقوط نظام سلطنتی و شکل‌گیری نظام جمهوری در عراق برای پیشرفت اقتصادی، قانون اصلاحات اقتصادی را تنظیم نمودند؛ که باعث تحولات و تغییرات چشم‌گیری در زمینه کشاورزی شد و تا حدی اقتصاد کشور پیشرفت کرد و زمین را بین دهقانان تقسیم کردند. البته بعضی از پروژه‌ها، خدمات عمومی، صنعتی، آموزشی و علمی در کردستان برقرار کردند اگرچه در مقایسه با مناطق عرب بسیار کم بود. برای مثال بودجه ساخت مسکن، برای سلیمانیه ۶۶۲ هزار دینار، برای اربیل ۶۷۹ هزار دینار و برای کرکوک نیز ۹۳۵ هزار دینار تخصیص داده بودند. در حالی که فقط برای بغداد سی و شش میلیون ۶۲۰ هزار دینار و برای کربلا یک میلیون ۸۰۰ هزار دینار اختصاص داده بودند، از لحاظ بهداشت نیز تفاوت زیادی دیده می‌شود به شیوه‌ای که برای بیمارستان‌های اربیل ۷۰ هزار دینار و سلیمانیه ۱۲۰ هزار دینار گذاشته بودند، در حالی که برای بیمارستان‌های عماره ۲۰۰ هزار دینار و بصره دو میلیون ۴۰۰ هزار دینار اختصاص داده شده بود، از دیدگاه کلی، در کل از ۲۱۱ چاپخانه‌ای که در عراق بود تنها ۱۰ چاپخانه سهم کردستان بود که ۲ تا از آن‌ها در شهر سلیمانیه و ۳ تا در شهر اربیل و ۵ تا نیز برای شهر کرکوک تأسیس کرده بودند (عبدوللا، ۲۰۰۷: ۱۲۲-۱۲۳). به دین ترتیب در این فصل تلاش شده است که سیاست اقتصادی حکومت عراق در برابر کردستان عراق تحلیل و بررسی شود.

۱-۱-۲ کشاورزی

اصلاحات زمین‌داری هرچند زیاد به منفعت دهقانان کرد نبود، اما نسبت به دوره سلطنتی در تغییر وضعیت و موقعیت آن‌ها بهتر بود؛ ولی به محض شروع درگیری بین کردها و رژیم دولت عراق آن نسبت کم از خدماتی که برای کردستان تخصیص داده بودند نه تنها قطع کردند، بلکه کردستان را در معرض تحریم اقتصادی قرار دادند و خواستند در این راه مبارزات کرد را تضعیف و از بین ببرند. این روش برخورد با کردها که از دور عبدالکریم قاسم شروع شد تا اواخر دوره بعث نیز ادامه یافت.

با وقوع جنبش ایلول اصلاحاتی کشاورزی در کردستان کارایی خود را از دست داد چون دولت عراق تلاش کرد اشراف زمین‌دار را به سمت خود جلب کند از یک سو، از سوی دیگر آنان را علیه مبارزات کرد بکار گیرد. رهبران مبارزات کرد نیز دست از درخواست‌های اصلاحات کشاورزی برداشتند و به مبارزات چریکی پرداختند. این عمل نیز تأثیرات منفی بروی زندگی دهقانان گذاشت. کردستان هم بدون اصلاحات

کشاورزی ماند لذا مجدداً اشراف زمین‌دار آن زمین‌ها را تصرف کردند که قبلاً بر اساس قانون اصلاحات از آن‌ها گرفته شده بود و این اوضاع تا سال ۱۹۷۰ ادامه یافت. می‌توان گفت این اوضاع تأثیرات بسیار زیادی بر روحیه، روان و زندگی مردم کرد گذاشت و باعث گران‌تر شدن کالاها شد. به شیوه‌ای که قیمت ۱ کیلو شکر از ۵۰ فلس به ۸۰۰ فلس افزایش پیدا کرد (حقی‌شاویس، ۱۹۹۸: ۲۵).

در ۲۰ مه ۱۹۶۲ دولت عراق از طریق مقامات سپاه کشور دستور اجرای تحریمات اقتصادی بر کردستان عراق را صادر نمود. سپس توسط نیروی‌های نظامی شروع به اجرای این امر کردند؛ و برخی از دهکده‌ها و روستاهای کردستان را سوزاندند و کالاها را مصادره کردند. ضمناً بسیاری از ساکنان آن دهات و روستاهای کردستان را به زندان انداختند و توسط هواپیما جنگی شروع به بمباران و تیرباران بسیاری از حیوانات و جانوران کردند. و بسیاری از باغات و زمین‌های کشاورزی را آتش زدند. این عمل را نیز فقط به خاطر گرسنه نگه داشتن مردم این مناطق انجام دادند (بارزانی، ۲۰۰۴: ۳، ۱، ۱۲۰-۱۲۵).

در این حمله دولت عراق نزدیک ۸۷۵ دهات و روستاهای کردستان را اشغال و نابود کرد؛ و آسیب زیادی به آن مناطق رساند. در یک بازدید گروهی روزنامه‌ای تابع مجله شتیرن آلمان همراه با عکس‌بردار فرانسوی کلود دیفار جیه و نویسنده آلمانی گوردیان ترویلر، توانستند از راه عکس‌برداری و ضبط صدای مردم، بعضی اسناد به دست بیاورند. گوردیان در مورد سفر خودش به کردستان می‌گوید: "در برابر صحنه‌ها ایستادیم و حیرت‌زده شدیم که به علت جنگنده‌های رژیم عراق بیشتر از نصف خانه‌ها ویران و با خاک یکسان شده بودند." (دیشنه‌ر، ۱۹۹۹: ۲۰۳-۲۰۴).

پس از وقوع جنبش ایلول در مناطقی که زیر سلطه مبارزان کرد بود که نزدیک ۴۰ هزار کیلومتر مربع تخمین زده می‌شد، توسط دولت عراق با تحریم اقتصادی روبه‌رو شد. ورود مواد غذایی و امکانات موردنیاز برای این مناطق را ممنوع کردند. این عملکرد نیز سبب انتشار زیاد گرسنگی در مناطق کردنشین شد. به ویژه زمانی که تعداد زیادی از کردها زیر سلطه‌ی دولت عراق بودند که از ترس سیاست‌های دولت عراق به مناطق زیر تسلط مبارزان کرد گریختند. با رسیدن کردها به آن مناطق وضعیت اقتصادی بدتر از قبل شد؛ و بار گران‌تری به روی جنبش ملی کرد گذاشتند، به صورتی که زخمی‌های جنبش توانایی دسترسی هم به غذا و هم دارو برای معالجه نداشتند (لومبورن، ۱۹۹۴: ۵۹).

دولت عراق از طریق آن سیاست در حق ملت کرد عمل می‌کرد، شروع به سوزاندن دهات و روستاهای کردستان کرد؛ و می‌دانست که دهات کردستان گهواره و جایگاه تأمین‌کننده مبارزان کرد هستند و از پیشمرگه‌های کرد حمایت می‌کنند؛ بنابراین از نظر دولت عراق انحلال دهات کردستان سبب

تضعیف و افول جنبش ملی کرد می‌شود و برای انجام این عملکرد ابتدا جنگنده‌های عراق دهات و روستاها را بمباران کردند؛ و در زمان اشغال هر روستا آن را آتش می‌زدند و کاری می‌کردند که دیگر در آنجا زندگی به کلی محو می‌شد. همچنین سیاست از بین بردن ملت کرد را عمل کردند تحت عنوان جنگ نابود کردن علیه کردها^{۱۶}. به شیوه‌ی که تمام مناطق تحت تسلط مبارزان کرد را میدان جنگ تلقی می‌کردند و در میان کودک و زن و جنگجو فرقی نمی‌گذاشتند؛ و مساجد، مدارس و مقرهای نظامی پیشمرگه‌ها را به یک چشم می‌دیدند (بارزانی، ۲۰۰۴: بر ۳، ب ۱، ۱۸).

به ویژه پس از به روی کار آمدن بعثی‌ها در ۸ شباط ۱۹۶۳ آن‌ها یک دستگاه به نام حرس قومی ساختند و به آن‌ها قدرت داده شد، برای از بین بردن دشمنان، نابود کردن و اشغال روستاهای کردستان و حذف ساکنان آن که این عملکرد نیز سبب تخریب و نابودی تعداد زیادی از دهات و روستاهای کردستان و سوزاندن آن‌ها شد. این سیاست تا حدی رسید که در دوره بعثی‌ها توجه دولت‌های خارجی را به خود جلب کرد. در یک نامه که اتحادیه شوروی برای سازمان ملل متحد نوشته بود، ملت کرد در عراق درحالی‌که یک‌چهارم جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند؛ اما توسط سپاه عراق به آن‌ها حمله بزرگ و فراوان انجام می‌دهند و در معرض ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و با جنگنده و تانک و زره‌پوش مردم بی‌گناه کرد را به صورت دسته‌جمعی از بین می‌بردند. ولی این کار سبب توقف حملات رژیم عراق به کردستان نشد؛ و در میان ۱۸ نماینده اقتصادی و اجتماعی سازمان جهانی ملل متحد تنها نماینده کشور چکسلواکی نامه اتحادیه شوروی را تأیید کرد و عملکرد دولت عراق را علیه کردها محکوم کرد. دیگر نمایندگان این سازمان به عملکرد دولت عراق هیچ واکنشی نشان ندادند. پس از آن به محض اینکه دولت مغولستان از سازمان خواست درخواست اتحادیه شوروی مورد بررسی قرارداد، اتحادیه شوروی نیز از درخواست خود دست کشید. لذا رژیم عراق به بمباران مناطق کردنشین ادامه داد و توسط جنگنده‌های نیرو هوایی عراق ۲۱ روستا نابود و ۱۵۰ نفر از زن و کودک کشته شدند؛ و این حملات روز به روز افزایش پیدا می‌کرد. در فوریه ۱۹۶۵ در یک حمله گسترده به مناطق پنجوین بسیاری از روستاهای آن مناطق را ویران کردند (گول، ۲۰۰۳: ۲۱؛ هاوکار، ۲۰۱۲: ۲۴۶-۲۵۰).

در ماه اوت ۱۹۶۹ سپاه عراق به منطقه آکری حمله کرد و در نتیجه هر دو روستای ده‌کا و خورت ویران کردند و سپس آتش زدند مردمان هر دو روستا در یک غار خود را مخفی کردند تا از دسترسی سپاه عراق به آن‌ها خود را محفوظ نگاه‌دارند اما سپاه عراق این غار را نیز آتش زد و درنهایت ۶۷ زن و کودک

^{۱۶}- لسیاسه حرب الابداده ضد الکرد

سوختند، در روستا چالدین حتی یک نفر نیز قادر به نجات جان خود نبود تمام آن‌ها از بین بردند و چند روز بعد از آن حادثه به روستای صوری در مثلث مرزی عراق و ترکیه و ایران حمله کردند و در آنجا نیز ۶۰ نفر را تیرباران کردند (گول، ۲۰۰۳: ۲۴؛ شالیان، ۲۰۱۰: ۱۱۳).

این روستاها که سرگرم کار کشاورزی و دامداری بودند با اشغال و تصرف این روستاها توسط دولت و تخریب آن‌ها سبب از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و همچنین دام‌های آن‌ها می‌شدند. خالی کردن و تبعید و تخریب روستاهای کردستان توسط رژیم عراق پروژه‌ای بی‌اهمیت نبود. مثلاً در گزارش‌های رژیم عراق اشاره شده است که بحث تخریب ۴ هزار روستا و شهرستان در آن آمده است. این عملکرد حزب بعث از لحاظ اقتصادی و سیاسی یک سیاست کاملاً به دور از عقل و غیرمنطقی بود. چون این امر به بسیاری از بخش‌های کشور از قبیل منابع غذایی و امکانات کردستان و عراق آسیب رساند. در حالی که کشور عراق قبلاً از لحاظ تولیدات ضروری و موردنیاز به خود تکیه کرده بود و تا حدودی خودکفا بود، به یک دولت وارداتی تبدیل شد که تمام کالاهای خود را از خارج کشور وارد می‌کرد (وانج، ۲۰۱۴: ۶۶).

پس از توافق‌نامه‌ی ۱۱ مارس ۱۹۷۰ که در میان جنبش ملی کرد و رژیم دولت عراق منعقد شد بر طبق این توافق‌نامه قرار شد از لحاظ اقتصادی نیز اصلاحات برقرار کنند؛ بنابراین در سال ۱۹۷۰ به قرار شماره ۱۱۷ قانون اصلاحات کشاورزی صادر گردید. طبق بعضی مواد توافق ۱۱ مارس قرار شد تمام آسیب‌های که به مناطق کردی رسیده بود جبران شود و اوضاع عقب‌مانده‌ی این منطقه را در نظرگیرند و برنامه‌ریزی اقتصادی فراوانی برای حل مشکلات این منطقه پایه‌ریزی کنند. آن خانواده‌های که در جنبش ملی کرد قربانی دادند و آن‌هایی که در این راه معلول شده‌اند و نمی‌توانند کار کنند بازنشسته شوند؛ و قرار شد آن کردهای که قبلاً تبعید شده بودند به‌جای اصلی و روستای خودشان دوباره برگردند و تلاش برای فعال کردن قانون اصلاحات کشاورزی در مناطق کردنشین و از بین بردن قدرت نظامی اشراف زمین‌دار و تقسیم‌بندی زمین بین دهقانان کنند؛ و همچنین آن‌های که در موقع جنگ مالیات پرداخت نکرده‌اند از پرداخت مالیات عفو می‌کنند (قانون اصلاح الزراعیه، ۱۹۷۰: الرقم ۱۱۷؛ نبز، ۲۰۰۷: ۱۹۶-۱۹۷).

این اصلاحات تا حدی سبب پیشرفت جنبه کشاورزی و صنعت در کردستان شد؛ اما مدت زیادی طول نکشید و بازنده شدن درگیری، شروع جنگ و مشکلات در بین مبارزان کرد و دولت عراق اصلاحات کشاورزی نیز متوقف شد. هر یک از دولت عراق و جنبش ملی کرد نیز در تلاش بودند که اشراف زمین‌دار و رئیس ایلات را برای تقویت موقعیت‌شان به سمت خود جذب کنند. این عملکرد نیز سبب زنده شدن نظام اشراف زمین‌داری شد و دهقانان را از منافع اصلاحات کشاورزی بی‌بهره کرد. علاوه بر اصلاحات

کشاورزی دولت عراق نه تنها نتوانست مشکلات زمین‌داری در کردستان را رفع کند، بلکه هم‌زمان گام بدی بود برای جلوگیری از پیشرفت اقتصادی و به علت آن جنگی که در کردستان وجود داشت، اشراف زمین‌دار در کردستان، زمین‌های کشاورزی را دوباره تصرف کردند. رژیم عراق نیز برای اینکه اوضاع کردستان را در دست داشته باشد، در مناطق روستایی و با استفاده از مزدوران قبیله‌ای افراد فرسان که به دلاوران شناسایی کرده بود به وجود آورد. ولی کردهای ملی‌گرا آن‌ها را جاش (مزدور، خائن) می‌نامیدند. دولت عراق را به دور خود جمع‌آوری کرد و علیه مبارزان کرد به آن‌ها پول و امتیازات واگذار کرد (هیلترمن، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

سپس بیشتر از ۳۰ کیلومتر از زمین‌های کشاورزی دهقانان در مناطق مرزی از روستاییان پاکسازی کرد و ساکنان آنجا را تبعید کرد؛ و تمام انواع کشت و زراعت را در آن مناطق ممنوع کرد. علاوه بر دور انداختن دهقانان، در مناطق کرکوک، خانقین، مندلی، شیخان، عین‌زاله، سمیل، دهوک زاخو، آمیدی، آکری، چومان، دشت‌های اربیل و... سپس به ویران کردن خانه‌ها، باغات، زمین‌های کشاورزی و سوزاندن چمن‌زارها مراتع آن‌ها نیز پرداختند (ناشتی، ۱۹۸۲: ۸).

دولت عراق به رغم اینکه طبقه اشراف زمین‌دار و دهقان را به سمت خود جلب کرد بود مشغول به ایجاد طبقه‌ی دیگر برای حمایت از دولت در برابر حملات نظامی کرد‌های عراق بود که آن‌ها در ادارات دولت شاغل بودند به عنوان جنگلبان که به هیچ تولیدی دسترسی نداشتند و سطح زندگی آن‌ها خیلی پایین بود. آن‌ها هم در بخش دولتی وهم در بخش خصوصی کار می‌کردند آن سرمایه‌ای که کسب می‌کردند قسمتی از آن سرمایه به آن‌ها تعلق می‌گرفت و قسمت دیگر آن سهم صاحبان زمین بود. سطح زندگی آن‌ها بسیار پایین بود و برای زندگی کردن نیاز به پیدا کردن پول زیادی داشتند؛ بنابراین دولت عراق همه‌ی آن‌ها را به دور خود جمع کرد از لحاظ پول و امتیاز آن‌ها را خرید و علیه مبارزان کرد از آن‌ها استفاده کرد (ناشتی، ۱۹۸۲: ۲۰).

از لحاظ وام کشاورزی نیز رژیم عراق، کردستان را به چشم بی‌اعتنائی نگاه می‌کرد. در سال ۱۹۷۴ از کل وام‌های کشاورزی در عراق ۸۵۸۴۴ دینار بود که حدود ۱.۷ درصد کل وام‌های کشاورزی عراق است را برای کردستان تخصیص داده بودند. آن نیز به سبب درگیری و جنگ مبارزان کرد با رژیم عراق بود. این نسبت وام کشاورزی که رژیم عراق برای کردستان تخصیص داده بود، به نسبت بسیار کم بود چون مناطق کردنشین از لحاظ اقتصادی و کشاورزی یک مناطق بسیار ارزشمند و استراتژیک بودند؛ و کلیه پژوهش‌های رسمی و غیررسمی به این واقعیت تأکید کرده‌اند که مناطق کردستان ریشه اصلی کشاورزی

عراق است. منابع اصلی و مواد اولیه و همچنین بسیاری از زمین‌های کشاورزی در آن مناطق وجود دارد؛ که برای تأمین مواد غذایی به عنوان منابع اصلی تلقی می‌شود. دولت عراق نیز به‌جای آن که مناطق را توسعه و گسترش بدهد و از سرمایه‌های آن مناطق استفاده کند، تمام مناطق را به ویژه در سال‌های بعد زیر و رو کرد یعنی به شیوه که دیگر قابلیت کشاورزی نداشته باشد (احمد، ۱۹۹۴: ۶۱).

پس از چند سال درگیری و جنگ میان رژیم عراق و جنبش ملی کرد، رژیم عراق دوباره در سال ۱۹۷۵ قانون شماره ۹۰ در مورد اصلاحات کشاورزی در کردستان عراق را صادر نمود (قانون تنظیم الملكيه الزراعيه في المنطقه کردستان، ۱۹۷۵: الرقم ۹۰). همچنین دولت عراق برای نزدیک شدن به کردها و کنترل کردن آن‌ها وانمود کرد که خواستار فراهم کردن یک مرحله از پیشرفت اقتصادی در کردستان است؛ بنابراین مابین سال‌های ۷۹-۱۹۷۴ بودجه زیادی در کردستان صرف و هزینه کرد. به ویژه برای ساختن مجتمع‌های مسکونی نزدیک ۹۰ میلیون دلار برای ساختن ۳ هزار خانه در این راه اختصاص دادند و هزینه کردند. سپس ۳۳۶ میلیون دلار برای طرح توسعه صنعت، ساختن راه، مدارس و بیمارستان در مناطق کردنشین را تأمین کرد. اگرچه دولت عراق زمینه فعالیت کشاورزی را کنار گذاشته بود و دهقانان را فراموش کرد بود، اما می‌توان گفت در دهه ۱۹۷۰ تعداد زیادی از مدارس و بیمارستان توسط رژیم عراق در مناطق کردنشین ساخته شد؛ و بر اساس قوانین اصلاحات کشاورزی رژیم عراق برای رستگاری و رها شدن دهقانان و مستضعفین از زنجیره فقر، تصمیم به ریشه‌کن کردن تفاوت طبقات در کردستان گرفت؛ و دوباره بین دهقانان زمین‌های کشاورزی را در روستاها تقسیم کردند؛ و به دهقانان اجازه داده شد که از منابع آبی استفاده کنند، هم‌زمان از واکنش‌های اشراف زمین‌دار به این عملیات که در واقع بر ضد منافع آن‌ها بود جلوگیری کردند. در حالی که اشراف زمین‌دار در استفاده از منابع آبی باید پول پرداخت کنند؛ و بر اساس این اصلاحات، مساحت کل زمین‌ها را که نزدیک یازده میلیون و شش صد و هشتاد یک هزار و ۷۸ دونم^{۱۷} بود. بین دهقانان سلیمانیه، اربیل و دهوک تقسیم کردند؛ اما این امتیازات شامل دهقانان کرکوک نشد به این بهانه که در آن استان طبق قانون اصلاحات شماره ۱۱۷ سال ۱۹۷۰ عمل می‌شود (ماکدول: ۲۰۰۵، ص ۵۵۷؛ فهقی عه‌بدوللا، ۱۹۸۲: ۲۹).

قوانین رژیم عراق برای اصلاحات کشاورزی تنها در حد سخن بود و عملی نشد. نه تنها اصلاحات کشاورزی را انجام ندادند، بلکه برخلاف قانون اصلاحات شماره ۹۰ سال ۱۹۷۵ تعداد زیادی از ساکنان روستاهای کردستان را تبعید کردند و کلیه زمین‌های کشاورزی را نیز از بین بردند و تعداد زیادی از

^{۱۷} یک دونم زمین در معادل دوهزار و پنج صد متر مربع است . |

دهقانان را به زندان انداختند و شروع به سرنگون کردن کردها در عراق کردند؛ بنابراین تعداد بسیاری از ساکنان کردستان عراق از ترس اقدامات جنایت‌کارانه رژیم به سمت کشور ایران پناه بردند، بعضی نیز توسط رژیم عراق تبعید شدند و به زور آنها را در مناطق مرکزی و جنوب عراق ساکن کردند؛ و تعداد زیادی را نیز در اردوگاه‌های اجباری مستقر کردند که از طریق نیروهای نظامی رژیم عراق مراقبت می‌شدند. همچنین نسبت مالکیت مجاز و داشتن زمین کشاورزی در مقایسه با قانون ۱۱۷ سال ۱۹۷۰ کاهش یافت. هر کسی که بیشتر از آن مقداری دولت مشخص کرده بود زمین را تصرف می‌کردند، توسط دولت مصادره می‌شد. لازم به ذکر است این قانون تنها بر ضد طرفداران جنبش ملی کرد اجرا می‌شد و به دشمنان بارزانی و طرفداران دولت واگذار می‌کردند (حبیب، ۲۰۰۵: ۲۵۳-۲۵۴).

پس از قرارداد الجزایر و افول جنبش ملی کرد، رژیم عراق احساس آرامش و راحتی کرد. ولی بازنده شدن مبارزات کرد در سال ۱۹۷۶م/۱۳۵۴ش جنگ چریکی مسلحانه علیه رژیم عراق اعلام کردند. در مقابل دولت عراق شروع به مرحله دیگری از تبعید روستاهای کردستان کرد. چون از نظر دولت عراق نابود کردن روستاهای کردستان به معنی محور کردن مبارزات کرد است. همچنین باعث ضعف اقتصادی کردستان نیز می‌شود. و چون این عملکرد آنها موفقیت‌آمیز بود ناچار می‌شوند به دولت عراق مشروعیت بدهند و از دولت مرکزی اطاعت کنند. لذا رژیم عراق به شدت شروع به تبعید ساکنین روستاها کرد و در یک مکان به عنوان اردوگاه‌های اجباری آنها را مستقر کردند. عملکرد تبعید با چنان سرعتی اجرا شد که ساکنان روستا حتی فرصت اینکه وسایل لازم برای ادامه زندگی را با خود ببرند نداشتند. ساکنین روستاها سرزمین ابلواجدادی را که سال‌ها در آن زندگی کرده را با تمام امکانات و وسایل زندگی در آنجا باقی گذاشتند. دولت عراق با انجام این کار آسیب زیادی به آن مناطق رساند نزدیک ۲۵-۳۰ هزار کیلومتر مربع از زمین‌های کشاورزی بدون استفاده رها شدند که شامل یک‌سوم خاک کردستان می‌شد؛ و آن نیز سبب شد کردستان در معرض عدم تولید و کاهش درآمد قرار بگیرد. چون با تبعید کردن ساکنان روستاها، جمعیت کردستان از یک جمعیت تولیدکننده به یک جمعیت مصرف‌کننده تغییر ماهیت یافت. دهقانان که در روستاها مشغول به کار کشاورزی و دامداری بودند، در اردوگاه‌های اجباری به یک قشر بیکار و بی‌درآمد در جامعه تبدیل شدند.

به این ترتیب پس از مدت کوتاهی بیکاری سراسر کردستان را در بر گرفت و از لحاظ اقتصادی چالش بزرگی ایجاد شد. به محض خالی کردن روستاها تمام خدمات که در آنجا وجود داشتند از قبیل مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها مورد تخریب و ویرانی قرار گرفتند. آن نیز تأثیرات منفی بسیاری روی روحیه‌ی

جمعیت کردستان از لحاظ بهداشت، آموزش و سلامت روانی گذاشت. در آن مکان که روستاییان را سکونت دادند اگرچه به عنوان دهات معاصر نام‌گذاری کرده بودند، اما در حقیقت به عنوان کمپ بازداشت (معسکرات الاعتقال) بود. با نیروهای نظامی آن‌ها را محاصره کرده بودند و از آن‌ها مراقبت می‌کردند (هه-والنامه، ۱۹۷۸: ش ۲، ۱۷).

دولت عراق با تخریب زیرساخت کردستان به ویژه در بین سال‌های ۷۸-۱۹۷۷ آسیب بسیار زیادی به ناحیه کشاورزی رساند. هزاران نفر از دهقانان تولیدکننده را از زمین‌های کشاورزی دور کرد و به یک فرد مصرف‌کننده با تغییر در وضعیت زندگی آن‌ها تبدیل شدند. این عملکرد نیز تأثیرات بسیار عمیقی بر روی اقتصاد کردستان گذاشت به شیوه‌ای که در سال ۱۹۷۷ کشاورزی در کردستان ۴۷.۴ درصد بود، اما در سال ۱۹۷۸ به ۳۰.۴ درصد کاهش یافت؛ و در سال ۱۹۷۷ بیکاری ۳.۲۷ درصد بود، ولی در سال ۱۹۷۸ به ۱۶.۲ درصد افزایش یافت (نیروه‌بی، ۲۰۱۰: بر ۱، ۷۲).

جدول شماره ۱: نسبت کشاورزی و بیکاری در کردستان در بین سال ۷۸-۱۹۷۷

سال	کشاورزی	بیکاری
۱۹۷۷	۴۷.۴	۳.۲۷
۱۹۷۸	۳۰.۴	۱۶.۲

کاهش یافتن درآمد کشاورزی سبب ایجاد اردوگاه‌های اجباری بر روی زمین‌های کشاورزی شد؛ که تعداد زیادی از آن اردوگاه‌ها در زمین‌های کشاورزی حاصلخیز، پرمهر و پرترفدار ساخت می‌شدند مانند دشت‌های شهرزور و بازبان در سلیمانیه و قسمت‌های دیگری از مناطق استان‌های کردستان از یک سو، از سوی دیگری واردات کالاهای بسیار از خارج کشور توسط دولت عراق بود؛ که از سال ۱۹۷۳ به بعد بیشتر ادامه پیدا کرد. واردات مواد غذایی و استهلاکی مانند گندم، آرد، برنج، شکر، شیر و... به شیوه‌ی چشمگیر افزایش یافت. واردات گندم از ۱۵۴ هزار تن در سال ۱۹۷۳ به یک میلیون ۸۰۶ هزار تن در سال ۱۹۷۹ افزایش پیدا کرد و این نسبت در سال ۱۹۸۵ به دو میلیون ۳۱۷ هزار رسید (تاله‌بانی، ۱۹۹۳: ۱۳؛ احمد، ۱۹۹۴: ۹۷).

به علت اوضاع کردستان، افزایش نارضایتی مردم و دوری کردن از حزب بعث و رژیم عراق، در اواخر مارس ۱۹۷۹ صدام حسین به کردستان سفر می‌کند. صدام در این سفر اعلام کرد ۳۰ درصد از بودجه

عراق در سال ۱۹۷۹ یعنی ۳ میلیارد دلار برای شهرهای سلیمانیه، اربیل و دهوک تخصیص داده می‌شود؛ اما از این مقدار که برای کردستان مشخص کرد بود ۲۵ درصد برای ساخت و نوسازی جاده‌ها و ۵ درصد برای انجام دادن خدمات اختصاص دادند از قبیل بهداشت، آموزش و... (نیروه‌یی، ۲۰۱۰: ۱، ۵۷).

اگرچه دولت عراق بودجه‌ای سالانه اندکی برای کردستان عراق تخصیص داده بود، اما در حقیقت تمایلی به پیشرفت و توسعه کردستان نداشت. چون که در میان سال‌های ۱۹۷۷-۷۸ به علت تبعید روستاهای کردستان بودجه بسیار زیادی مصرف کرد. همچنین برای ساختن اردوگاه اجباری مساحت بسیار فراوانی از زمین‌های کشاورزی را برای ساخت این بناها اختصاص داده‌اند؛ و تولیدکنندگان را مجبور به اشتغال در ادارات دولتی کردند. به خاطر اینکه به دولت وابسته شوند و نتوانند به همکاری احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف دولت بپردازند. همچنین قسمتی از جمعیت که سرگرم دامداری بودند و تعداد زیادی گاو و گوسفند داشتند که به علت تبعید کردنشان ناچار شدند با قیمت خیلی پایین حیوانات را فروختند که این عملکرد نیز باعث کمبود حیوانات در آن منطقه شد در نتیجه منجر به افزایش قیمت گوشت و فرآورده‌های حیوانی از قبیل شیر، ماست، پنیر و... شد.

تبعید و جابجای توده‌های جمعیت کردستان از روستاها به شهرستان و شهرهای بزرگ، تحولات و دگرگونی زیادی در تاریخ جامعه کرد به وجود آورد. چون روستاها تخلیه شدند و جامعه کشاورزی نیز از بین رفت و توده‌های جمعیت کردستان در شهرستان‌ها بیکار شدند. طبق سرشماری سال ۱۹۵۷ شهرنشینی به طور اعم در عراق ۳۸.۸ درصد بوده است، اما به علت تبعید و جابجایی روستاها و ایجاد اردوگاه‌های اجباری به ویژه در مناطق کردنشین این نسبت در سال ۱۹۷۰ به ۵۷.۸ درصد افزایش پیدا کرده است؛ اما بر اساس سرشماری سال ۱۹۷۷ شهرنشینی به ۶۳.۵ درصد افزایش یافت و در برابر آن روستانشینی ۳۶.۵ درصد تخمین شده است. این امر نیز تأثیرات بسیار عمیقی بر روی اقتصاد دولت عراق، به ویژه کردستان گذاشت. چون تبعید جمعیت در مناطق کردنشین در مقایسه با مناطق دیگر کشور عراق بیشتر و جود داشت. به شیوه‌ای که تا سال ۱۹۷۷ در کردستان بیشتر از ۱۲۴۷ روستا از سکنه خالی شدند و سپس در معرض سوزاندن و ویرانی قرار گرفتند و بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر از مردم کرد مهاجرت کردند و تعداد زیادی از مردم کرد به اتهام پشتیبانی از مبارزات کرد در کشتارگاه موصل اعدام شدند (آشتی، ۱۹۸۲: ۱۴).

جدول شماره ۲: نسبت شهرنشینی در عراق

سال	درصد شهرنشین
۱۹۵۷	۳۸.۸
۱۹۷۰	۵۷.۸
۱۹۷۷	۶۳.۵

هم‌زمان با شروع جنگ هشت‌ساله عراق و ایران، در کل بازارهای عراق به ویژه بازارهای کردستان قیمت کالاها به سرعت زیادی بالا رفت. یک‌دفعه غوغایی در میان مردم برای خرید شکل گرفت و تلاش می‌کردند هرچه سریع‌تر کالاهای چون نان، شکر، برنج، روغن، نفت، پوشاک و... دیگر لوازم ضروری زندگی را خریدند. مثل این بود که فکر می‌کردند دیگر قادر به دسترسی آن لوازم نیستند. و این در حالی بود که آن بازارها پر از کالاهای خارجی شده بودند و قیمت آن‌ها ۵۰ درصد افزایش یافته بود. آن نیز به علت وقوع جنگ عراق و ایران از یک سو، از سوی دیگر توقف صادرات نفت عراق بود که به علت شکستن و ویران کردن ابزارهای استخراج نفت که در حمله مشترک ایران و پیشمرگه‌های کرد به چاه‌های نفت کرکوک اتفاق افتاده بود. این امر نیز تا حدی سبب تضعیف دولت عراق و افزایش قیمت کالاها در آن کشور شد و منجر به توقف سایر کارخانه‌های تولیدکننده دولتی و کاهش سطح تولید از لحاظ کمی و کیفی شد. همچنین کارخانه‌های چون کارخانه‌ی پتروشیمی، کبریت کرکوک، منبع تولید برقی دوبز و کارخانه شکر سلیمانیه متوقف شدند. همه‌ی آن عوامل سبب تضعیف دولت عراق از لحاظ اقتصادی و کمبود کالاها در بازارهای مختلف آن کشور شد (فقی‌عابدوللا، ۱۹۸۲: ۱۵).

دفاع کردن پیشمرگه‌های کرد در برابر سپاه و نیروی نظامی رژیم عراق و آسیب رساندن به امکان تحت تصرف دولت عراق، سبب خشونت بیشتر دولت مرکزی نسبت به کردها شد؛ و در واکنش به فعالیت پیشمرگه‌های کرد، در یک جلسه عزت دوری در ۱۸ ژوئن ۱۹۸۴ دستور قطع کامل مواد غذایی و ایجاد تحریم‌های اقتصادی در مناطق تحت تصرف مبارزان کرد را صادر کرد. رژیم عراق با تمام وجود خود برای تضعیف اقتصادی کردستان عراق تلاش می‌کرد و از این راه خواستار بود تمام مناطق کردنشین را تحت تصرف خود دریاورد؛ و این اوضاع نیز تا پایان جنگ عراق و ایران ادامه یافت.

می‌توان گفت سیاست رژیم عراق سبب مهاجرت‌های گسترده‌ی توده‌های جمعیت کردستان از روستا به شهرستان شد به دلیل آن وضعیت ناهمواری که در روستاها به وجود آورده بود. این کوچ دسته‌جمعی

به شیوه‌ای صورت گرفت که تا پایان جنگ عراق و ایران قسمتی بسیار زیادی از روستاها به شهرها مهاجرت کردند؛ که در سال ۱۹۷۷ جمعیت کردستان ۴۸.۶ درصد در شهر و ۵۱.۳ درصد در روستا زندگی می‌کردند؛ و در سال ۱۹۸۳ علاوه برافزایش جمعیت اما نسبت شهرنشین به ۵۶.۶ درصد و روستانشین نیز به ۴۳.۳ درصد تغییر پیدا می‌کند؛ و در سال ۱۹۸۷ شهرنشین در کردستان به ۷۴.۲ درصد افزایش و روستانشین نیز به ۲۵.۷ درصد کاهش می‌یابد؛ که این هم بازتاب سیاست رژیم عراق بود و هم تضعیف ساختار کشاورزی توسط آن رژیم در کردستان عراق بود (ر.ک. جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳: نسبت شهرنشینی و روستا نشینی در کردستان در فاصله سال ۸۷-۱۹۷۷

سال	کل جمعیت	جمعیت شهری	درصد	جمعیت روستایی	درصد
۱۹۷۷	۱۴۸۵۸۸	۷۲۱۰۷۰	۴۸.۶	۷۶۱۵۱۸	۵۱.۳
۱۹۸۳	۱۸۳۹۱۰۰	۱۰۴۲۰۰۰	۵۶.۶	۷۹۷۱۰۰	۴۳.۳
۱۹۸۴	۱۸۶۷۴۰۰	۱۱۰۶۰۰	۵۹.۲	۷۶۰۸۰۰	۴۰.۷
۱۹۸۷	۲۰۱۵۴۶۶	۱۴۹۵۶۸۵	۷۴.۲	۵۱۹۷۸۱	۲۵.۷

منبع: احمد، ۱۹۹۴: ۵۳

۲-۱-۲ صنعت

پس از کودتای ۱۴ ژوئن ۱۹۵۸ در عراق، دولت عراق اهتمام بسیاری به صنعت می‌داد. به ویژه در فاصله‌ی سال‌های ۷۸-۱۹۷۰ که پیشرفت کندی از لحاظ صنعتی دیده می‌شود؛ اما این پیشرفت زیاد چشمگیر نبود. اگرچه سهم صنعتی کردستان در مقایسه با امکانات و منابع دولت و پروژه‌های که در دیگر استان‌های عراق وجود داشت، بسیار کمتر بود. هرچند که پیشرفت صنعتی در میان‌سال‌های ۸۷-۱۹۷۸ متوقف شد و بعد از آن زیاد پیشرفت پیدا نکرد؛ اما در کل استان‌های کشور کارخانه‌های مختلف بسیاری ساخته شدند. در این امر نیز بین پروژه‌های صنعتی استان‌های جنوب و مرکز عراق با استان‌های کردستان تفاوت‌ها و اختلافات بزرگی دیده می‌شد؛ و می‌توان گفت این امر یکی از جنبه‌های تحریم اقتصادی رژیم عراق علیه کردستان عراق است؛ که شامل شهرهای سلیمانیه، اربیل، دهوک است، به غیر از بعضی از مناطق کردنشین که تابع استان موصل، دیاله و دیگر استان‌های عراق بوده است. در سال ۷۵-۱۹۶۰ ساخت کارخانه و صنعت در کردستان نیز به طور آهسته پیشرفت کرده ولی نسبت به استان‌های جنوب و

مرکز عراق متفاوت بوده است؛ که در کل از کارخانه‌های دولت عراق ۷.۳ درصد آن‌ها در کردستان عراق قرار گرفته است؛ و نسبت نیروی کار نیز در این کارخانه‌ها در کردستان عراق ۱۳.۵ درصد بوده. در حالی که ظرفیت جمعیت در کردستان عراق در مقایسه با جمعیت کل کشور عراق ۱۶.۳ درصد بوده است. از کل کارخانه‌های که در کردستان ساخته شده بود، حدود ۵۲ درصد در استان کرکوک قرار گرفته است؛ که این نیز در مقایسه با کل عراق، ۳.۹ درصد از کارخانه‌های عراق را تشکیل می‌دهد (حبیب، ۲۰۰۵: ۳۳۴).

در کل پروژه‌های صنعتی که در کردستان عراق ساختند، نزدیک به ۲۶.۵ درصد در شهر اربیل شکل گرفته بود؛ که در مقایسه با پروژه‌های عراق ۱.۹ درصد آن‌ها را تشکیل می‌داد؛ و شهر سلیمانیه ۱۹.۴ درصد پروژه‌های کردستان ۱.۴ درصد کل پروژه‌های عراق را تشکیل می‌داد. اگر این داده‌ها را نگاه کنیم مشاهده می‌شود که در بین استان‌های عرب نشین و استان‌های کردنشین تفاوت زیادی از این لحاظ وجود داشته است. در حالی که جمعیت کردستان عراق، در مقایسه با جمعیت کل عراق ۱۶.۳ درصد آن را تشکیل می‌داد، ولی ۷.۳ درصد پروژه‌های صنعتی در عراق به کردستان اختصاص داشت. نیروی کار در استان اربیل در مقایسه با استان‌های دیگر کردستان بیشتر بود؛ که ۶۵ درصد نیرو کار کردستان در اربیل قرار گرفته است؛ که در مقایسه با دولت عراق ۳.۹ درصد بود. بالاترین بودجه در برنامه پیشرفت صنعتی در عراق در سال‌های ۷۴-۱۹۷۰ که ۲۶.۳ میلیون دینار بود، سهم کردستان در این بودجه فقط دو میلیون و دویست هزار دینار بود. و آن نیز ۳ درصد بودجه عراق را تشکیل می‌دهد؛ که دو میلیون برای کارخانه سیگار در اربیل و ۲۰۰ هزار دینار برای کارخانه آبمیوه در دهوک تخصیص داده بودند (حبیب، ۲۰۰۵: ۳۳۴).

جدول شماره ۴: تعداد پروژه‌های بزرگ و نیروی کار آن‌ها در استان‌های کردستان در فاصله ۷۵-۱۹۶۰

سال	۱۹۶۰		۱۹۶۵		۱۹۶۹		۱۹۷۵	
	پروژه	نیروی کار	تعداد پروژه	نیروی کار	تعداد پروژه	نیروی کار	تعداد پروژه	نیروی کار
اربیل	۹	۲۸۰	۱۶	۶۱۰	۱۸	۵۱۲	۳۶	۵۲۹۷
سلیمانیه	۱۲	۷۷۶	۶	۱۳۸۲	۸	۱۷۸۱	۱۹	۸۷۲
کرکوک	۳۳	۹۸۵	۳۶	۱۶۵۵	۴۱	۲۰۳۳	۵۲	۱۹۶۳
دهوک	-	-	-	-	-	-	۱	۱۴
کل	۴۴	۳۰۳۱	۵۸	۳۶۴۷	۶۷	۴۳۲۶	۹۸	۸۱۴۶

منبع: حبیب، ۲۰۰۵: ۳۳۳

اگر به این فهرست نگاه کنیم دیده می‌شود که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۵ پروژه‌های صنعتی در استان‌های کردستان تا حد کمی پیشرفت داشته است. ولی در مقایسه با استان‌های عربی، امکانات مالی و اداری دولت عراق این کارخانه‌ها که در کردستان ساخته شده است بسیار کم است. در استان اربیل در سال ۱۹۶۰ فقط ۹ پروژه صنعتی ساخته شده است و در سال ۱۹۶۵ به ۱۶ پروژه افزایش یافته و در سال ۱۹۶۹ به ۱۸ پروژه و سال ۱۹۷۵ به ۳۶ پروژه افزایش یافته است؛ اما در استان سلیمانیه برخلاف استان اربیل پروژه‌های صنعتی تا سال ۱۹۶۹ نه تنها پیشرفت نکرده بود، بلکه کاهش یافته است. در سال ۱۹۶۰ در استان سلیمانیه ۱۲ پروژه صنعتی وجود داشته و در سال ۱۹۶۵ به ۶ پروژه کاهش یافته است؛ و در سال ۱۹۶۹ به ۸ پروژه صنعتی افزایش یافته و در سال ۱۹۷۵ به ۱۹ پروژه کار صنعتی افزایش یافته است.

در استان کرکوک نیز این پروژه‌های صنعتی در مقایسه با استان‌های دیگر کردستان بیشتر است، چون از نظر دولت عراق کرکوک بخشی از خاک کردستان نبوده و مدام در جنوب و مرکز عراق عرب‌ها را آورده و در کرکوک ساکن کرده است. به خاطر اینکه بافت جمعیتی کردنشین این شهر را به بافت جمعیتی در قالب یک شهر عربی تغییر بدهد؛ بنابراین در سال ۱۹۶۰ پروژه صنعتی در کرکوک ۳۳ پروژه بوده است؛ و در سال ۱۹۶۵ این پروژه‌ها به ۳۶ پروژه افزایش یافته است و در سال ۱۹۶۹ به ۴۱ پروژه و در سال ۱۹۷۵ به ۵۲ پروژه افزایش پیدا کرده است. در استان دهوک که در سال ۱۹۶۹ استان شد. از آن به بعد در سال ۱۹۷۵ یک پروژه صنعتی در آن استان وجود داشته است و در کل استان‌های کردستان در سال ۱۹۶۰ تعداد پروژه‌های صنعتی ۴۴ پروژه و در سال ۱۹۶۵ به ۶۷ پروژه و در سال ۱۹۷۵ به ۹۸ پروژه افزایش یافته است. اگرچه پروژه‌های صنعتی در بین سال‌های ۷۵-۱۹۶۰ در کردستان به نحو کند پیشرفت کرده ولی این پیشرفت در مقایسه با مناطق عرب نشین بسیار کم بود؛ و در حوزه کار صنایع کوچک نیز اگر مقایسه‌ای در میان یک استان عرب نشین مانند نینوا و مناطق کردستان عراق انجام بدهیم روشن می‌شود که تا چه اندازه در میان آن‌ها فرق و تفاوت وجود دارد (ر. ک. جدول شماره ۴).

سپس درباره پروژه‌های صنعتی کوچک اگر استان‌های کردستان و نینوا در مقایسه با کل استان‌های عراق را جستجو کنیم آشکار می‌شود که در سال ۱۹۷۵ که در ۳۹۲۷۵ پروژه صنعتی وجود داشته، سهم استان نینوا تعداد ۳۷۹۲ پروژه صنعتی کوچک، با ۹۳۵۲ نیروی کار و مقدار ۱۹۷۵ دینار عراقی بوده؛ اما در استان سلیمانیه در کل پروژه‌های صنعتی کوچک در عراق ۱۸۹۰ پروژه با ۴۱۴۰ نیروی کار و مقدار ۵۸۵ هزار دینار بوده است؛ و در استان کرکوک نیز اگرچه از نظر دولت عراق یک استان عربی بوده، اما در حقیقت بیشتر ساکنان این استان کرد هستند؛ و تعداد پروژه‌های صنعتی کوچک ۲۳۹۰ پروژه و نیروی

کار ۵۵۸۰ با مقدار یک میلیون ۱۰۷ هزار دینار بوده است؛ و در استان اربیل ۱۴۲۱ پروژه با نیروی کار ۴۰۴۲ و به مقدار ۷۹۳ هزار دینار بوده است؛ و در استان دهوک ۲۷۲ پروژه با نیروی کار ۶۸۳ و مقدار ۱۵۸ هزار دینار بوده است. با این فرق و تفاوت که در بین این شهرها بوده، آشکار می‌شود که دولت عراق تمایلی به پیشرفت صنعت در کردستان نداشته است. چون به این درک رسیده بودند که با پیشرفت اقتصادی و مالی در مناطق کردنشین، باعث قدرت یافتن جنبش ملی کرد می‌شود؛ بنابراین در مقایسه با استان‌های عرب نشین و آن امکاناتی که دولت داشت پروژه‌های صنعتی در کردستان عراق در سطح خیلی پایین قرار گرفته است (ر. ک : جدول شماره ۵)

جدول شماره ۵: تعداد پروژه‌های صنعتی کوچک و نیروی کار آن در کردستان عراق سال ۱۹۷۵

استان	تعداد پروژه‌ها	نیروی کار	مقدار پول به دینار
نینوا	۳۷۹۲	۹۳۵۲	۱۹۵۷۰۰۰
کرکوک	۲۳۹۰	۵۵۸۰	۱۱۰۷۰۰۰
سلیمانیه	۱۸۹۰	۴۱۴۰	۵۸۵۰۰۰
اربیل	۱۴۲۱	۴۰۴۴	۷۹۳۰۰۰
دهوک	۲۷۲	۶۸۳	۱۵۸۰۰۰
کل عراق	۳۹۲۷۵	۱۰۱۹۹۳	۳۶۶۳۲۰۰۰

منبع: حبیب، ۲۰۰۵: ۳۳۹

پروژه‌هایی که در کردستان عراق قرار گرفته بیشتر پروژه‌های استهلاک و تزئینی و زیباسازی بوده. آن نیز فقط برای چشم بستن ملت کرد بوده که در برابر دولت واکنش نشان ندهند. بر اساس جدول شماره ۶ که در مورد پروژه‌های صنعتی بزرگ بخش دولتی و بخش خصوصی است دیده می‌شود که در مناطق کردستان عراق و مقایسه آن با مناطق عرب نشین چندین تفاوت دارد. در کل پروژه‌های دولتی که ۲۰۴ پروژه است برای استان نینوا ۱۸ پروژه و برای استان سلیمانیه ۴ و برای اربیل ۱۱ پروژه بود، و دهوک نیز پروژه نداشت؛ و در کرکوک ۲۰ پروژه بوده. درباره پروژه‌های خصوصی نیز که در کل عراق ۱۱۴۵ پروژه خاص وجود داشته است. فقط در استان نینوا ۷۶ پروژه قرار گرفته است. اما در سلیمانیه ۱۵ و در اربیل ۱۵ و در دهوک ۱ و در کرکوک ۳۲ پروژه

قرار گرفته است؛ یعنی می‌توان گفت از کل پروژه‌های صنعتی بزرگ دولتی و خصوصی ۱۳۴۹ پروژه بوده است؛ که فقط در استان نینوا ۹۴ پروژه وجود داشته است و اما در سلیمانیه ۱۹ و در اربیل ۲۶ و در دهوک ۱ پروژه و در کرکوک ۵۳ پروژه وجود داشته. به این روشن می‌شود که سیاست دولت عراق در برابر کردهای عراق یک سیاست گرسنگی و ناسازگاری بوده که این باعث عدم پیشرفت در روش‌های اقتصادی در مناطق کرد بوده است.

جدول شماره ۶: تعداد پروژه‌های صنعتی بزرگ دولتی و بخش خصوصی در کردستان سال ۱۹۷۵.

مقدار بودجه به واحد دینار	نیروی کار			تعداد پروژه		استان
	کل	زن	مرد			
۴۲۸۵۰۰۰	۷۵۰۷	۳۲۶	۷۱۸۱	۱۸	دولتی	نینوا
۱۱۱۸۰۰۰	۲۶۱۶	۴۵۲	۲۱۶۴	۷۶	خاص	
۵۵۰۳۰۰۰	۱۰۱۲۳	۷۷۸	۹۳۴۵	۹۴	کل	
۳۸۱۰۰۰	۶۵۵	۱۱	۶۴۴	۴	دولتی	سلیمانیه
۴۷۰۰۰	۲۱۷	۵۵	۱۶۳	۱۵	خاص	
۴۲۸۰۰۰	۸۷۲	۶۶	۸۰۶	۱۹	کل	
۱۴۹۷۰۰۰	۵۱۰۴	۲۶۵۸	۲۴۴۶	۱۱	دولتی	اربیل
۴۷۰۰۰	۱۹۳	۸۰	۱۱۳	۱۵	خاص	
۱۵۴۴۰۰۰	۵۲۹۷	۳۷۳۸	۲۵۵۹	۲۶	کل	
۸۶۷۰۰۰	۱۵۱۴	۶۶	۱۴۴۸	۲۰	دولتی	کرکوک
۱۷۹۰۰۰	۴۳۹	۲۶	۴۱۳	۳۲	خاص	
۱۰۴۶۰۰۰	۱۹۵۳	۹۲	۱۸۶۱	۵۴	کل	
-	-	-	-	-	دولتی	دهوک
۸۰۰۰	۱۴	-	۱۴	۱	خاص	
۸۰۰۰	۱۴	-	۱۴	۱	کل	
۴۵۰۶۷۰۰۰	۹۳۶۳۷	۱۱۲۵۲	۸۲۳۸۵	۲۰۴	دولتی	کل عراق
۱۶۰۶۵۰۰۰	۴۰۹۵۷	۶۳۹۲	۳۴۵۶۵	۱۱۴۵	خاص	
۶۱۱۳۲۰۰	۱۳۴۵۹۴	۱۷۶۴۴	۱۱۶۹۵۰	۱۳۴۹	کل	

منبع: حبیب، ۲۰۰۵: ۳۳۸

۲-۱-۳ نفت

نفت یکی از آن منابع و جزء ثروت‌های طبیعی است که نقشی مهم در موقعیت استراتژیک ملت‌های جهان ایفا می‌کند. به شیوه‌ای که در درون خاک هر کشور باشد، باعث رفاه و آسایش آن کشور می‌شود؛ و در پیشرفت و قدرتمند بودن آن کشور نیز بسیار مؤثر است. شاید ملت‌های دنیا آرزو کنند نفت در خاکشان باشد، برای پیشرفت، رفاه و ساختن زندگی سعادت‌مندانه؛ اما در کردستان برخلاف آن‌ها نفت باعث بدبختی و پراکندگی خاک کردستان و تقسیمات ملت کرد بوده است. رژیم‌های پی‌درپی عراق از دوره هاشمی تا دوره بعثی‌ها به‌جای اینکه نفت کردستان را برای پیشرفت و توسعه خود کردستان هزینه کنند، نفت را برای سرکوب کردن کردها و مثل یک ابزار برای عقب‌ماندگی کردستان از آن استفاده کرده‌اند. نفت کردستان باعث قدرتمند بودن ارتش بعث و اجرای سیاست‌های ترحیل، تعریب و تبعیث ملت کرد در کردستان عراق شد. هم‌زمان توانستند هزاران دهات را بسوزانند و صدها هزار خانوار دهات نشین را پراکنده و تبعید کنند و تمام سرمایه نفت کردستان را برای سرنگون کردن کردها هزینه کردند.

درآمد نفت عراق در سال ۱۹۷۰ به بعد هم در سطح استخراج و هم در قیمت افزایش یافت. به نحوی که اقتصاد عراق را توسعه داد، به‌ویژه بعد از ملی کردن نفت در سال ۱۹۷۲م/۱۳۵۱ش اگرچه حزب بعث به شعار نفت عرب برای عرب، نفت را ملی کرد، اما در حقیقت نفت را بعثی کرد. چون درحالی‌که بسیاری از قومیت‌های دیگر در عراق زندگی می‌کردند؛ اما بعثی‌ها می‌گفتند نفت عرب برای عرب. آن نیز زمانی بود که قسمت زیاد آن نفت در خاک کرستان بود به شیوه‌ای که ۶۴ درصد درآمد نفت عراق سهم کردستان بود. درحالی‌که در مرکز عراق ۱۰ درصد و در جنوب عراق نیز ۲۶ درصد درآمد نفت عراق را تشکیل می‌داد. بکار بردن روزمره نفت در کل عراق فقط نفت کرکوک ۷۳.۷ درصد درآمد نفت عراق را تشکیل می‌داد که برای داخل کشور استعمال می‌کردند. لذا شهر کرکوک اهمیت بزرگی داشت از نظر دولت عراق، در این راه نیز بسیار تلاش کرد که بافت جمعیتی کرکوک را با تبعید کردن کردها در این شهر به بافت جمعیتی عربی تبدیل نمودند (مینه، ۱۹۹۹: ۱۸۶؛ خالد، ۲۰۱۲: ۸۲).

دولت عراق در عوض اجرای خدمات در کردستان، به سیاست تبعید و جابجای روستاهای کردستان پرداخت؛ و کارخانه‌های که قرار بود در مناطق کردستان ساخته بشود، برای مناطق عرب نشین انتقال یافت. اگر در این حوزه بنگریم شهرهای کردستان در مقایسه با شهرهای عربی از لحاظ خدمات تفاوت زیادی دارند. پروژه‌های اقتصادی به نحوی برنامه‌ریزی کرده بودند که عراق را با درآمد و دارایی کردستان،

ثروتمند کنند. به عنوان نمونه هر دو منبع نیروهای برقی دوکان و دربندی خان که در خاک کردستان قرار می‌گرفتند، برای شهر بغداد برق تولید می‌کردند؛ و از جمله کارخانه‌هایی که در کردستان وجود داشت بیشتر کارخانه‌های غذایی و تزئینی بود. همانند کارخانه شکر و سیگار در سلیمانیه و کارخانه سیگار و بافت و فرش فروشی در اربیل (عومه‌ر، ۲۰۰۲: ۶۵-۶۴).

سیاست اقتصادی عراق مبتنی بر پراکنده کردن مناطق کردستان عراق بود. مثلاً که در فاصله سال-های ۱۹۷۰-۷۴ در کل بودجه سالیانه پیشرفت و توسعه عمومی کشور عراق، فقط ۷-۱۲ درصد آن بودجه برای مناطق کردستان تخصیص شده بود. همچنین در فاصله همان مدت در ۱۵۰ پروژه اقتصادی در عراق، فقط ۴ پروژه در مناطق کردستان قرار گرفته بود (شالیان، ۲۰۱۰: ۱۱۹).

اگر نفت کردستان نبود، رژیم عراق قادر به جنگ طولانی عراق و ایران نبود؛ که باعث نابودی کردن صدها هزار جوان هر دو کشور شد. نفت باعث پیوست کردن برخی از مناطق کردستان به دولت عراق شد مانند کرکوک، خانقین، دوبز و بعضی از مناطق دیگر که از دیرباز رژیم عراق ادعا می‌کرد آن مناطق جزو خاک عراق هستند. آن نیز برای محروم کردن کردها از آن ثروت طبیعی بود که داشتند. تا نتواند دارای یک مرکز اقتصادی مستقل باشند؛ که زمینه‌سازی کند برای جدا شدن کردستان از عراق در آینده؛ یعنی برای رفع خطر جدا شدن کرد از عراق، درآمد نفت کردستان را برای سرنگون تبعید خود کرد هزینه کردند. رژیم عراق برخلاف شهرهای کردستان مدام سرگرم پیشرفت و توسعه شهرهای جنوب و مرکز عراق بود. این اتفاق روزه‌روز افزایش پیدا می‌کرد. این پیشامد همراه با تقسیم‌بندی جمعیت بروی شهرهای بزرگ و افزایش بیکاری و کوچاندن مدام دهات‌نشینان برای شهرهای بزرگ، سبب بدتر شدن زندگی توده کرد می‌شد. خیلی طبیعی است که جمعیت کردستان سیاست اقتصادی و اجتماعی رژیم عراق را نپذیرند؛ زیرا علاوه برافزایش درآمد نفت و بالا رفتن قیمت آن، در کردستان عراق بجز پادگان‌های نظامی و پیشرفت نیروی نظامی و فراوان کردن دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی برای مراقبت کردن از توده کردستان هیچ پیشرفت و توسعه مشخصی دیده نمی‌شد. دولت عراق طبق جدول شماره ۷ در سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۸ در استخراج نفت، نتیجه متفاوت دارد که در سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۰ قبل از شروع جنگ هشت‌ساله با ایران درآمد نفت عراق به نحو چشمگیری افزایش یافته؛ اما بعد از این در سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ این نتیجه کاهش می‌یابد و در حال با ثباتی است.

جدول شماره ۷: باثباتی درآمد نفت عراق در فاصله سال‌های ۸۸ - ۱۹۷۴

سال	درآمد کل	سال	درآمد کل
۱۹۷۴	۱۹۳۳۱۳۶۰۰۰	۱۹۸۱	۳۰۸۳۴۳۲۰۰۰
۱۹۷۵	۲۴۳۴۰۲۴۰۰۰	۱۹۸۲	۳۱۴۵۱۷۱۰۰۰
۱۹۷۶	۲۷۲۲۱۸۹۰۰۰	۱۹۸۳	۲۴۳۴۸۹۱۰۰۰
۱۹۷۷	۲۸۲۸۵۰۲۰۰۰	۱۹۸۴	۲۹۱۴۰۹۱۰۰۰
۱۹۷۸	۳۲۲۸۶۹۸۰۰۰	۱۹۸۵	۳۳۲۶۶۰۰۰۰
۱۹۷۹	۶۳۲۶۰۳۶۰۰۰	۱۹۸۶	۲۱۵۱۰۹۰۰۰۰
۱۹۸۰	۷۷۷۹۸۸۲۰۰۰	۱۹۸۷	۳۵۵۶۳۸۶۰۰۰
		۱۹۸۸	۳۴۱۱۸۳۸۰۰۰

منبع: حبیب، ۲۰۰۵: ۳۴۷

دولت عراق نه تنها تمایل به پیشرفت و توسعه در کردستان نداشت، بلکه تلاش می‌کرد مانند شمال کشور عراق با کردستان سروکار داشته باشد. آن‌هم به خاطر آن درآمد و ثروتی بود که در کردستان وجود داشت. اگر ما به درآمدهای بخش نفت بنگریم و معدن‌های دیگری مانند مس و آهن و برنز و گوگرد... کنار بگذاریم و فقط بخش نفت را جستجو کنیم، از ابتدای استخراج نفت در عراق تا پایان جنگ هشت‌ساله عراق و ایران، سهم نفت کردستان در درآمد نفت دولت عراق آشکارسازیم، می‌بینیم که همانند آن در جدول شماره ۸ به آن اشاره شده است از سال ۵۸-۱۹۲۷ کل درآمد نفت عراق یک میلیون ۴۷۳ هزار و ۱۰۰ دلار محسوب می‌شود و سهم درآمد نفت کردستان که در مناطق کردنشین استخراج کردند ۷۹.۳۰ درصد درآمد عراق را تشکیل می‌دهد که مقدار یک میلیون ۱۶۸ هزار و ۲۰۰ دلار است. و پس از سقوط نظامی سلطنتی و روی کار آمدن نظامی جمهوری در سال ۱۹۵۸ در عراق تا سال ۱۹۷۳ یک سال پس از ملی کردن نفت عراق، درآمد کل نفت دولت عراق نوت میلیون ۹۷۵ هزار و ۴۵ دلار بوده است؛ که سهم نفت کردستان به ۷۳.۲۷ درصد تلقی می‌شود. که شصت و شش میلیون ۶۵۷ هزار و ۷۱ دلار محسوب می‌شود؛ و در سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۹ که در این مدت که نفت ملی شده است، کل درآمد نفت عراق یکصد و نوت و سه میلیون ۷۲۲ هزار و ۳۳۱ دلار محسوب می‌شود؛ و سهم کردستان در این درآمد ۷۳.۲ درصد که مقدار یکصد و چهل یک میلیون ۸۰۴ هزار و ۷۲۰ دلار تلقی می‌شود (ر. ک: جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: نسبت و سهم نفت کردستان در کل درآمد نفت عراق

مدت زمان	کل درآمد نفت عراق	سهم نفت کردستان	در صد نفت کردستان
۱۹۲۷ - ۱۹۵۸	۱۴۷۳۱۰۰	۱۱۶۸۲۰۰	۷۹.۳۰
۱۹۵۹ - ۱۹۷۳	۹۰۹۷۵۴۵	۶۶۶۵۷۷۱	۷۳.۲۷
۱۹۷۴ - ۱۹۸۸	۱۹۳۷۲۲۳۳۱	۱۴۱۸۰۴۷۲۰	۷۳.۲
کل	۲۰۴۲۹۲۹۷۶	۱۴۹۶۳۸۷۲۰	۷۳.۲۵

منبع: حبیب، ۲۰۰۵: ۳۴۸

در این فقط به فروش نفت به شیوه رسمی اشاره شده است. اگرچه به طور غیررسمی و به شیوه پنهان نیز نفت کردستان را می فروختند و توده کرد را نیز از این هزینه‌ها بی خبر نگه می داشتند؛ که می توان در چند نکات به آن اشاره کرد مانند:

- همه آن هزینه‌هایی که از سال ۱۹۲۷ از ابتدای استخراج و صنعت نفت تا سال ۱۹۷۲ ملی کردن نفت توسط شریکان نفت که در عراق کار می کردند گرفته می شد.
- هزینه فروش نفت به شکل قاچاق.
- درآمد حاصل از نفت که بعد از تصفیه شدن از چاه‌های نفت کرکوک برای داخل عراق و به مردم می فروختند.

- ۵ درصد درآمد حاصل از نفت که سهم آقای کولبنکیان بود. طبق قراردادی که با دولت عثمانی منعقد کرده بود، به او درقبال انجام کارهای کشف و استخراج نفت تعهد کرده بودند. از سال ۱۹۲۷ زمان استخراج و فروش نفت تا ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۹۷۲ این نسبت را به او تعلق می گرفت (حبیب، ۲۰۰۵: ۳۴۹).

از ابتدا تشکل دولت عراق و به ویژه پس از سقوط رژیم سلطنتی سیاست اقتصادی دولت عراق در برابر کردستان یک سیاست گرسنگی توده‌ی کردستان و تضعیف منابع اقتصادی کردستان بوده است هیچ وقت خواستار پیشرفت و توسعه اقتصادی در کردستان نبود. در اجرای کل پروژه‌های که در کشور عراق ساخته شده است، نسبت خیلی کم آنها در استانهای کردستان قرار گرفت و می توان گفت نسبت پروژه‌های که در استانهای کردستان اجرا شده است مقایسه به استانهای دیگری کشوری عراق بسیار کم و

متفاوت است. آن نیز در حال است که منابع درآمد کشور عراق کردستان بوده و نسبت زیاد نفت عراق در مناطق کردنشین قرار گرفته است. اما دولت عراق بجای اینکه این درآمد را برای توسعه پیشرفت کردستان بکار ببرد؛ این درآمد را برای خرید اسلحه و سرکوب خود کردها را به کار گرفت.

هه و النامه ی کتیب

بخش دوم: اوضاع اقتصادی کردستان قبل از آغاز جنگ عراق و ایران

اوضاع اقتصادی کردستان عراق به‌ویژه پس از انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ در معرض تضعیف و نابودی قرار گرفت. می‌توان گفت اوضاع اقتصادی کردستان از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۰ شرایط حادثی نسبت به جنگ هشت سال میان ایران و عراق داشت؛ زیرا در این مدت دولت عراق به تبعید کردن و کوچ اجباری روستاهای کردستان و به مستقر کردن آن‌ها در اردوگاه‌های اجباری پرداخت؛ و سپس شروع به زندانی کردن و تبعید کردن دهقان‌ها به اتهام داشتن رابطه با مبارزان قوم کرد عراق کرد؛ و زیر سایه این سیاست شروع به نابودی و تاخت و تاز در روستاها و زمین‌های کشاورزی کردستان نمود. در نتیجه این عملکرد منجر به دگرگونی مهمی در جامعه کردستان شد. بافت جمعیتی کردستان را از یک جامعه تولیدکننده و شاغل به یک جامعه‌ی بیکار و مصرف‌کننده تغییر داد.

این عملکرد حکومت بعثی عراق نه تنها باعث تضعیف زیرساخت اقتصادی کردستان عراق شد بلکه باعث تضعیف اقتصادی کشور عراق نیز شد. در این بخش تلاش شده اوضاع اقتصادی کردستان عراق قبل از آغاز جنگ هشت‌ساله بین ایران و عراق مورد بررسی قرار بگیرد. در این میان نیز درباره محورهای کشاورزی، دامداری و صنعتی در استان‌های کردستان عراق بعد از قرارداد الجزایر تا آغاز جنگ بین عراق و ایران در سال ۱۹۸۰ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۲-۲-۱ کشاورزی:

جامعه کردستان عراق یک جامعه کشاورزی بود. آب‌وهوا و خاک کردستان برای کشت و زراعت بسیار مناسب بود، خاک کردستان که می‌توان به دو قسمت تقسیم‌بندی کرد، قسمت اول شامل مناطق کوهستانی و قسمت دوم نیز شامل مناطقی که دشت هستند. در کوه‌های کردستان بیشتر درختان که ثمر می‌دهند یعنی باغات دارای درختان میوه‌دار به‌صورت فراوان دیده می‌شود مانند گردو، انار، انجیر، انگور و... و در کوهپایه‌ها و در دشت‌های کردستان نیز کشت محصولات زراعی دیده می‌شود. کشاورزی در تمام جامعه‌های جهان نقشی بسیار مهم در پیشرفت اقتصادی آن جوامع ایفاء می‌کند. تولید محصولاتی مانند گندم، جو و شلتوک که خوراک اساسی مردم هستند و سپس از ضایعات آن‌ها برای دامداری استفاده می‌شود و بنابراین پیشرفت کشاورزی و صنعتی زمینه پیشرفت اقتصادی در هر کشوری را فراهم می‌کند.

مهم‌ترین نوع محصولات زراعی در کوهپایه‌ها و دشت‌های کردستان کشت می‌شود. گندم و جو در فصل زمستان و بهار کاشت می‌شود و به دنبال آن این محصولات در فصل تابستان برداشت می‌شود؛ و شلتوک نیز یکی دیگر از آن محصولات اساسی کشاورزی است که در فصل تابستان در زمین‌های که دارای آب هستند کشت می‌شود. بعلاوه محصولات گندم، جو و برنج خاک کردستان برای کشت تنباکو نیز بسیار مفید است بعد از محصولات گندم و شلتوک، تنباکو از سومین محصولات زراعی اساسی در کردستان عراق محسوب می‌شود. محصولات زراعی تنباکو بیشتر در استان سلیمانیه و در دشت شهرزور کشت می‌شود. درباره آب‌وهوای کردستان عراق به طور اعم آب‌وهوای دریایی (مدیترانه) معتدل است؛ که زمستان سرد و مرطوب و تابستان نیز گرم و خشک است. مرز یا محدوده یا میانگین بارش در کردستان ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی‌متر است و پنج رودخانه در کردستان وجود دارند که به سمت رودخانه دجله در جریان هستند از جمله خابور، زاب بزرگ، زاب کوچک، عوضیم و دیاله هستند که بر روی این رودخانه بند آب‌های ساخته‌اند که برای تولید برق، ماهیگیری و کشت و تولید محصولات زراعی از آب پشت آن‌ها استفاده می‌شود. علاوه بر مناسب بودن خاک، آب‌وهوا و نیروی کار در کردستان عراق جانب دیگری کشاورزی بود، اما به دلیل اجرای سیاست تبعید و نابودی توسط حکومت عراق نسبت به روستاهای کردستان عراق، آسیب بسیار زیادی بر پیکره اقتصادی کردستان وارد شد (محمود، سابیر، ۱۹۹۷: ۸۶؛ شیفیلی، ۲۰۰۸: ۱۸-۲۰). در استان سلیمانیه مساحت زمین‌های کشاورزی تقریباً حدود ۱۸۱۰۵۶۱ دونم تخمین زده می‌شد؛ که شامل زمین‌های دیم، آبی و باغات هستند؛ که نسبت ۲۶.۵ درصد در کل مساحت استان سلیمانیه را تشکیل می‌دهد. طبق داده‌های سال ۱۹۷۷ زمین‌های آبی ۱۴.۸ درصد و زمین‌های دیم ۸۳.۲ درصد و باقی‌مانده زمین‌ها که باغات هستند ۲ درصد کل زمین‌های کشاورزی را در آن استان تشکیل می‌دهند. از لحاظ بهره اقتصادی، زمین‌های دیم که برای محصولات گندم و جو مناسب است قضای چمچمال در رتبه اول هست که دارای مساحت نزدیک ۴۰۵۳۶۲ دونم و ۲۲ درصد از کل زمین‌های کشاورزی در استان سلیمانیه را تشکیل می‌دهد؛ و قضای حلبچه و مرکز استان سلیمانیه نیز از نظر زمین‌های آبی در رتبه اول قرار می‌گیرد که ۶.۶ درصد از کل زمین‌های آبی کشاورزی استان مزبور را تشکیل می‌دهند (حه‌فید، ۲۰۰۰: ۲۹-۳۰).

جدول شماره ۹ : میزان محصولات زمستان و تابستان در استان سلیمانیه سال ۱۹۷۷

میزان محصول برداشت شده (تن) در هر دونم	کل محصول برداشت شده (تن)	مساحت با دونم	محصولات	فصل
۲۳۳	۹۰۸۰۰	۳۸۸۸۰۰	گندم	محصولات زمستان
۲۰۳	۳۳۲۰۰	۱۶۳۵۰۰	جو	
۱۳۲	۳۳۸۶	۲۵۴۷۹	نخود	
۲۱۵	۱۱۸۹	۵۵۲۰	عدسی	
۲۳۷	۵۵۴۹	۲۳۳۹۷	گل آفتاب گردان	محصولات تابستان
۵۱۷	۴۳۳۰	۸۳۶۰	برنج	
۳۷۳	۲۵۱۰	۶۷۲۰	پنبه	
۲۵۰	۸۶۸۲	۳۴۷۲۸	تنباکو	

منبع : حه فید، ۲۰۰۰: ۴۹

طبق آن داده‌های که در جدول شماره ۹ اظهار می‌شود در سال ۱۹۷۷ در استان سلیمانیه برای محصولات زمستانه نزدیک سی و هشت میلیون و ۸۸۰۰ دونم گندم و شانزده میلیون و ۳۵۰۰ دونم جو کشت شده است و محصولات گندم نود هزار و ۸۰۰ تن و جو سی و سه هزار ۲۰۰ تن تولید داشته است یعنی از هر یک دونم ۲۳۳ کیلو گندم و ۲۰۳ کیلو جو برداشت شده است. آن نیز ۳۰.۵ درصد از کل زمین‌های دارای قابلیت کشاورزی را تشکیل می‌دادند. سپس محصولات نخود نیز در مساحت بیست و پنج هزار و ۴۷۹ دونم کشت شده است که در نتیجه آن دو هزار ۳۸۶ تن تولید داشته است و در هر یک دونم ۱۳۲ کیلو نخود برداشت شده است. درباره محصولات عدسی که آن هم یک محصولات زمستانه محسوب می‌شود نزدیک پنج هزار ۵۳۰ دونم برای کاشت عدسی تخمین شده است و یک هزار و ۱۸۹ تن تولید داشته است و از هر یک دونم ۲۱۵ کیلو عدسی برداشت شده است. هردو قضای شاربازیر و پشده در تولید عدسی و نخود رتبه‌ی اول را در سطح واحدهای اداری استان سلیمانیه داشته‌اند.

در مورد محصولات تابستان نیز که در سال ۱۹۷۷ در جدول شماره ۹ آمده است، مساحت زمین‌های که برای کاشت گل آفتاب گردان بکار رفته است حدود بیست و سه هزار و ۳۹۷ دونم است که در مقایسه با دیگر محصولات کشت شده در فصل تابستان در استان سلیمانیه در رتبه اول قرار می‌گیرد و پنج هزار و ۵۴۹ تن تولید داشته است و در هر یک دونم ۲۳۷ کیلو گل آفتاب گردان برداشت شده است. همچنین

محصولات برنج که مساحت کشت آن نزدیک هشت هزار و ۳۶۰ دونم می‌شد، در مدت یک سال چهار هزار ۳۳۰ تن تولید و از هر یک دونم ۵۱۷ کیلو شلتوک برداشت شده است. همچنین محصولات پنبه در شش هزار ۷۲۰ دونم مقدار دو هزار و ۵۱۰ تن تولید شده یعنی در یک دونم ۳۷۳ کیلو پنبه برداشت شده است. در مورد محصولات تنباکو در سطح کشور عراق استان سلیمانیه در رتبه اول قرار گرفته است مساحت اختصاص یافته برای کشت آن محصول در سلیمانیه نزدیک سی و چهار هزار و ۷۲۸ دونم است که در یک سال شش هزار و ۸۸۲ تن تولید داشته است و در یک دونم ۲۵۰ کیلو تنباکو برداشت شده است. علاوه بر اینکه هیچ نوع آلات و دستگاه پیشرفته کشاورزی در آن مناطق وجود نداشته و دولت عراق نیز خواستار پیشرفت کشاورزی در کردستان نبوده است، اما نسبت تولید محصولات کشاورزی در استان سلیمانیه بالاترین سطح را دارا بوده است.

در سطح واحدهای اداری در استان سلیمانیه از لحاظ تولید محصولات کشاورزی فصل زمستان، محصولات گندم در قضا چمچمال در رتبه‌ای اول قرار گرفته است و ۲۷ درصد گندم استان سلیمانیه در آن قضا تولید شده است. و قضا دربندیخان نیز از نظر کشت محصولات جو در رتبه اول است و در هر یک دونم زمینی که به کشت جو اختصاص یافته است، ۲۹۰ کیلو جو تولید و برداشت شده است. همچنین در مورد محصولات کشاورزی در فصل تابستان در استان سلیمانیه، محصولات گل آفتاب‌گردان در قضا حلبچه رتبه اول را به خود اختصاص داده است ۵۵.۶ درصد مساحت کشت گل آفتاب‌گردان در آن قضا وجود داشته است. همچنین محصولات کشاورزی از نوع چغندر در سطح واحدهای اداری در استان سلیمانیه، مرکز استان در رتبه اول قرار گرفته است ۲۷ درصد کل مساحت کشت چغندر در مرکز آن استان تولید شده است (حه‌فید، ۲۰۰۰: ۳۳-۳۴).

حکومت عراق به هدف تضعیف بخش اقتصادی به بدشکل کردن اوضاع اقتصادی کردستان را پرداخت و به بهانه تأمین امنیت و آسایش شروع به تبعید روستاهای کردستان کرد که در حقیقت مقصد از آن عملکرد محروم کردن پیشمرگه‌ها از موادی غذایی و از بین بردن زمین‌های کشاورزی بود و مراقبت کردن از ساکنان روستاها که با پیشمرگه‌ها رابطه برقرار نکنند و از هر کسی گمان داشتند بی حد و حصر به زندان را انداخته می‌شد. در نتیجه عده‌ای زیادی از دهقانان و جوانان را زندانی و بعضی دیگری به مناطق مرکز و جنوب عراق تبعید و سپس سرنگون کردند (خه‌یات، ۱۹۹۹: ۵۷).

همچنین از لحاظ جنگل‌های طبیعی در استان سلیمانیه، اگرچه شکل‌گیری اوضاع سیاسی در کردستان عراق و جنگ میان جنبش ملی کرد و حکومت‌های متوالی در عراق باعث نابودی و سوختن

مساحت گسترده‌ای از این جنگل‌ها در کردستان شده است، اما در سال ۱۹۷۷ مساحت جنگل‌های طبیعی استان سلیمانیه یک صد و پنجا و هشت میلیون و هفت هزار و ۹۰۰ دونم است. انواع گوناگون بلوط ۹۵ درصد کل درخت‌های جنگل طبیعی را در آن استان تشکیل می‌دهد. درخت‌های دیگری مانند درخت بنه و درخت اسپیندار و درخت زالزالک... از این قبیل ۵ درصد از کل مساحت جنگل‌های طبیعی را تشکیل می‌دهند؛ و همچنین در مورد جنگل‌های مصنوعی در داخل استان سلیمانیه نزدیک بیست و هشت هزار و ۵۸ دونم جنگل مصنوعی وجود داشته که به‌طور کلی درخت‌های صنوبر ۹۵ درصد کل درخت‌های جنگل‌های مصنوعی را در استان سلیمانیه تشکیل می‌دهند و بقیه درختان شامل درخت زیتون، بادام، انگور و... از این قبیل درختان ۵ درصد کل جنگل مصنوعی را در استان مزبور تشکیل می‌دهند (حه‌فید، ۲۰۰۰: ۳۵-۳۶).

همچنین در استان اربیل نیز در سال ۱۹۷۷ مساحت زمین‌های کشاورزی نزدیک یک صد و هفتاد و چهار میلیون و سه هزار و ۵۱۹ دونم است. کل زمین‌های که قابلیت کشت محصولات گندم و جو دارد نزدیک یک صد و شست و چهار میلیون و چهار هزار و ۲۴۸ دونم و ۹۴.۳ درصد کل زمین‌های کشاورزی، در استان اربیل تشکیل می‌دهد. زمین‌های که برای محصولات همیشگی تابستانه بکار رفته است نزدیک پانزده هزار و ۹۳۴ دونم است که ۰.۹ درصد کل مساحت زمین کشاورزی را تشکیل می‌دهد؛ و مساحت چمن‌زارهای طبیعی در این استان سی و شش هزار و ۷۲۱ دونم است که ۲.۱ درصد کل مساحت زمین‌های زراعی در استان اربیل را تشکیل می‌دهد؛ و مساحت جنگل در آن استان نه هزار و ۲۷۱ دونم و ۰.۵۳ درصد کل مساحت زمین‌های آن استان را تشکیل می‌دهد (حه‌فید، همان: ۱۲۱).

جدول شماره ۱۰: میزان محصولات زمستان و تابستان در استان اربیل در سال ۱۹۷۷

میزان محصول برداشت شده (تن) در هر دونم	کل محصول برداشت شده (تن)	مساحت با دونم	محصولات	فصل
۱۳۲	۴۷۹۰۰	۳۶۱۲۰۰	گندم	محصولات زمستان
۱۵۰	۲۴۸۰۰	۱۶۵۲۰۰	جو	
۱۵۳	۳۱۲	۲۰۲۶	نخود	
۱۸۸	۳۶۵	۱۹۳۳	عدسی	
۲۴۶	۳۲۳	۱۳۱۲	گل آفتاب‌گردان	محصولات تابستان
۷۱۱	۲۱۹۰	۳۰۸۰	برنج	

۷۱۲	۲۸۸۰	۴۰۴۰	پنبه	
-----	------	------	------	--

منبع: حه‌فید، ۲۰۰۰: ۱۳۷

در مورد محصولات کشاورزی مخصوص فصل زمستان مانند موارد بالا که در جدول شماره ۱۰ آورده شد در استان اربیل و در سال ۱۹۷۷ مساحت کشت گندم سه صد و شست و یک هزار و ۲۰۰ دونم است و تولید آن چهل و هفت هزار و ۹۰۰ تن یعنی در یک دونم ۱۳۲ کیلو گندم و محصولات جو نیز نزدیک یک صد و شست پنج هزار و ۲۰۰ دونم و تولید آن بیست و چهار هزار و ۸۰۰ تن است که در یک دونم ۱۵۰ کیلو جو برداشت شده است. در مورد محصولات نخود مساحت کشت آن نزدیک دو هزار و ۲۶ دونم که تولید آن ۳۱۲ تن است که در یک دونم ۱۵۳ کیلو نخود برداشت شده است. در استان اربیل مساحت کشت محصولات عدسی نیز نزدیک ۱۹۳۳ دونم، و تولید آن ۳۶۵ تن که در یک دونم ۱۸۸ کیلو عدسی برداشت شده است.

همچنین در مورد محصولات تابستان در استان اربیل همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ اشاره شد در سال ۱۹۷۷ محصول گل‌آفتاب‌گردان نزدیک یک هزار و ۳۱۲ دونم مساحت را به خود اختصاص داده از کل مساحت زیر کشت محصولات کشاورزی و ۳۲۳ تن تولید شده و در یک دونم ۲۶۴ کیلو گل‌آفتاب‌گردان برداشت شده است. و درباره محصول برنج در استان اربیل نزدیک سی هزار و ۸۰ دونم زیر کشت بوده است که در نتیجه آن دو هزار و ۱۹۰ تن تولید شده و در یک دونم ۷۱۱ کیلو برنج برداشت شده است. در مورد پنبه که یکی از محصولات تابستان است در سال ۱۹۷۷ در استان اربیل مساحت زیر کشت این محصول نزدیک چهل هزار و ۴۰ دونم و سه هزار و ۸۸۰ تن تولید داشته و در یک دونم ۷۱۲ کیلو پنبه برداشت شده است (ر. ک : جدول شماره ۱۰).

در سطح واحدهای اداری در استان اربیل در سال ۱۹۷۷ در مساحت زیر کشت محصولات گندم و پنبه رتبه نخست متعلق اسب به قضای مخمور رتبه اول را داشته است، ۴۵.۶ درصد کل زمین‌های زیر کشت گندم و ۷۶.۵ درصد کل زمین‌های زیر کشت پنبه در استان اربیل تشکیل می‌دهد. همچنین مرکز استان اربیل نیز در کشت جو در رتبه اول قرار گرفته است، ۴۸.۷ درصد کل مساحت کشت جو را در آن استان تشکیل می‌دهد. در مورد تولید محصول برنج در استان اربیل، قضای شقلاوه در رتبه اول قرار گرفته که مساحت زیر کشت این محصول ۸۵.۱ درصد کل زمین‌های کشت شلتوک در آن قضاء بوده. همچنین در مورد محصولات گل‌آفتاب‌گردان قضای کویسنجق در رتبه اول قرار گرفته در سطح واحدهای اداری در

استان مزبور که نسبت ۶۶.۹ درصد کل مساحت کشت گل آفتاب‌گردان در آن قضاء وجود داشته است (حەفید، ۲۰۰۰: ۱۲۲-۱۲۵).

استان دهوک نیز از لحاظ کشاورزی بر اساس آمارهای سال ۱۹۷۷ کل زمین‌های دارای قابلیت کشاورزی سه صد و بیست و پنج هزار و ۹۰۲ دونم است که ۱۳.۳ درصد مساحت استان دهوک را تشکیل می‌دهد. از لحاظ زمین کشاورزی قضا سمیل در رتبه اول قرار گرفته است ۶۷ درصد کل زمین‌های کشاورزی را در استان دهوک در قضا سمیل قرار گرفته است؛ و در رتبه دوم قضا زاخو می‌باشد که ۲۱ درصد زمین‌های کشاورزی آن استان را تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۷۷ کل زمین‌های زیر کشت محصولات کشاورزی فصل زمستان و تابستان یک صد و هشتاد و سه هزار و ۹۸۱ دونم بوده است که یک صد و هشتاد و سه هزار و ۱۴۰ دونم شامل محصولات فصل زمستان که ۹۹ درصد و نسبت کمی شامل محصولات فصل تابستان که ۱ درصد کل زمین‌های کشاورزی استان دهوک را تشکیل می‌داد (حەفید، ۲۰۰۰: ۲۰۵-۲۰۶).

جدول شماره ۱۱: میزان محصولات زمستان و تابستان در استان دهوک در سال ۱۹۷۷

میزان محصول برداشت شده (تن) در هر دونم	کل محصول برداشت شده (تن)	مساحت با دونم	محصولات	فصل
۲۲۰	۳۲۳۵۰	۱۴۶۷۹۰	گندم	محصولات زمستان
۲۱۷	۷۷۰۰	۳۵۳۵۰	جو	
۹۹۲	۱۷۲۱	۱۷۳۳	چغندر	محصولات تابستان
۵۰۰	۴۵	۹۵	گل آفتاب‌گردان	
۸۳۳	۱۰	۱۲	ذرت	

منبع: حەفید، ۲۰۰۰: ۲۱۱

طبق جدول شماره ۱۱ که در مورد محصولات کشاورزی هر دو فصل زمستان و تابستان در استان دهوک در سال ۱۹۷۷ است. نشان می‌دهد که محصولات ۹۹ درصد زمستان بوده است مساحت کشت گندم ۱۴۶۷۹۰ دونم و تولید آن ۳۲۳۵۰ تن گندم بوده است که در یک دونم ۲۲۰ کیلو گندم برداشت شده است؛ و مساحت کشت جو ۳۵۳۵۰ دونم بوده در این مساحت ۷۷۰۰ تن جو تولید شده است که در یک دونم ۲۱۷ کیلو جو برداشت شده است.

بر اساس این جدول محصولات تابستان در استان دهوک کلا ۱ درصد کل زمین‌های کشاورزی را تشکیل داده است. محصولات چغندر در یک هزار و ۷۳۴ دونم یک هزار و ۷۲۱ تن چغندر تولید داشته است و در یک دونم ۹۹۲ کیلو چغندر برداشت شده است. همچنین درباره محصول گل آفتاب‌گردان در استان مساحت آن ۹۵ دونم بوده است در مدت یک سال ۴۵ تن تولید داشته است. در مورد محصولات کشاورزی از نوع ذرت نیز که نزدیک ۱۲ دونم از زمین‌های کشاورزی را در استان مزبور تشکیل می‌دهد نزدیک ۱۰ تن تولید داشته است و در یک دونم ۸۳۳ کیلو ذرت برداشت شده است (ر. ک : جدول شماره ۱۱).

در سطح واحدهای اداری در استان دهوک از لحاظ محصولات کشاورزی فصل زمستان، قضای سمیل در رتبه اول قرار گرفته بود با ۷۲.۵ درصد کل محصول گندم و ۶۷.۵ درصد کل محصول جو در آن قضاء تولید می‌شد. همچنین از نظر محصولات کشاورزی فصل تابستان قضای آمیدی در تولید محصول چغندر در رتبه اول قرار گرفته است و نزدیک ۶۴۶ دونم از کل زمین‌های کشاورزی را تشکیل می‌دهد و مرکز استان دهوک نیز در تولید محصول گل آفتاب‌گردان در رتبه اول قرار گرفته و نزدیک ۴۷۷ دونم از کل زمین‌های کشاورزی در مرکز استان واقع شده است (حفید، ۲۰۰۰: ۲۰۷-۲۰۹).

از لحاظ داشتن درخت در استان دهوک تعداد زیادی درخت در آن استان وجود دارد. آن نیز به سبب بارش زیاد و نوع خاک موجود در آن استان است؛ که تعداد درخت‌های آن استان حدود یک صد و سی و چهار میلیون و پنجا و هفت هزار و ۵۰۰ درخت تخمین شده است که ۳۸.۳ درصد کل درخت‌های کشور عراق را تشکیل می‌داد که سه صد و پنجا و یک میلیون و سی هزار و ۷۰۰ درخت بود. همچنین از لحاظ باغ و باغات در استان دهوک در مقایسه با استان‌های دیگر کردستان تعداد زیادی از باغات کردستان در استان دهوک قرار می‌گرفت. مساحت آن زمین‌های که به باغداری اختصاص داشتند ۴۸ هزار دونم برآورد می‌شد؛ که ۶.۳ درصد کل مساحت باغ‌ها در کشور عراق را تشکیل می‌داد که ۷۵۷ هزار دونم برآورد می‌شد. از لحاظ تولید سیب استان دهوک در سطح کشور عراق در رتبه ششم قرار گرفته بود؛ و تعداد درخت‌های سیب در آن استان حدود دویست و هشتاد و دو میلیون و شش هزار و ۱۰۰ درخت تخمین داده می‌شد؛ که ۲۴.۶ درصد کل درخت سیب‌های عراق را تشکیل می‌داد؛ که تعداد کل درختان سیب کشور عراق یک صد و چهارده میلیون و شست و هشت هزار و ۱۰۰ درخت محسوب می‌شد. علاوه بر درخت سیب در استان دهوک، درختان دارای میوه و ثمر فراوانی دیگری نیز وجود داشت از قبیل درخت خرما، انگور، هلو، زیتون، انجیر و... استان دهوک از لحاظ فراوانی درختان در سطح استان‌های کشور در

عراق در رتبه اول قرار داشت که ۲۲ درصد کل درخت‌های عراق را تشکیل می‌داد به شیوه‌ای که تراکم درخت‌ها در عراق در یک دونم ۱۶۵ درخت قرار می‌گرفت، در حالی که در استان دهوک در یک دونم ۳۷۰ درخت قرار گرفته بود. آن نیز در حالی بود که به علت جنگ در میان مبارزان کرد و حکومت‌های عراق نه تنها در استان دهوک بلکه در تمام کردستان عراق تعداد زیادی از این درختان در هنگام شروع این درگیری بین نیروهای دو طرف سوخته، بریده و سوزانده شدند؛ اما در سال ۱۹۷۶ وزارت کشاورزی عراق در یک فرمان برای مدت پنج سال بریدن درخت‌ها در شمال کشور را ممنوع نمود به ویژه در مناطق کردنشین؛ که این فرمان سبب احیاء شدن دوباره آن درختان شد (شیفیلی، ۲۰۰۸: ۳۲۶؛ حه‌فید، ۲۰۰۰: ۲۰۹).

۲-۲-۲ دامداری

کردستان عراق از لحاظ دام‌پروری معروف است؛ زیرا مناطق کردنشین از لحاظ جغرافیایی در موقعیتی قرار گرفته اند که دارای گستره‌ی فراوانی از چمن‌زارها هستند و جایگاه مناسبی برای دامپروری و پرورش دام هستند همچنین آب‌وهوای مناسب و مهارت دهقانان کرد از یک‌سو، فراوانی و توسعه زمین‌های کشاورزی از سوی دیگری سبب پیشرفت و گسترش دامداری شده به‌ویژه قبل از شروع و اجرای فرمان تبعید و تخریب کردن روستاهای کردستان توسط رژیم بعث عراق. مردم کرد در روستاها علاوه بر گوشت و فرآورده‌های حیوان، از پشم گوسفند و مو بز برای خود لباس می‌بافتند به‌ویژه از موی بز بهترین نوع لباس محلی که به آن شال گفته می‌بافتند؛ و از پوست حیوانات کفش می‌ساختند و در این حوزه هیچ‌گونه نیازی به وارد کردن این نوع وسایل از بیرون از منطقه نداشتند درواقع به‌نوعی خودکفا بودند (حاجی مشیر، ۱۹۹۸: ۶۲).

بر اساس جدول شماره ۱۲ در سال ۱۹۷۸ تعداد حیوانات در استان سلیمانیه پنج صد و شست و پنج هزار و ۹۸ رأس وجود داشته است. در مقایسه بین حیوانات نوع گوسفند از لحاظ تعداد بیشتر بر سایر انواع در سطح استان سلیمانیه برتری داشتند و در رتبه اول قرار گرفته بود تعداد دویست و نود یک هزار و ۴۳۶ رأس گوسفند که ۵۱.۶ درصد کل حیوان‌های آن استان را تشکیل می‌داد. بعد از گوسفند بز در رتبه دوم قرار گرفته است تعداد آن یک صد و هشتاد و نه هزار و ۵۷۳ رأس که ۳۳.۵ درصد کل حیوان‌های آن استان را تشکیل می‌داد. سپس گاو که تعداد هشتاد و دو هزار و ۸۷۸ رأس بود در رتبه سوم قرار می‌گرفت

که ۱۴.۷ درصد کل حیوانات استان را تشکیل می‌داد. در مورد گاو میش نیز که تعداد آن یک صد هزار و ۲۱۱ رأس که ۰.۲ درصد کل حیوانات آن استان را شامل می‌شد.

جدول شماره ۱۲: تعداد دام‌های استان سلیمانیه در سال ۱۹۷۸

درصد	تعداد دام	اسامی انواع دام
۵۱.۶	۲۹۱۴۳۶	گوسفند
۳۳.۵	۱۸۹۵۷۳	بز
۱۴.۷	۸۲۸۷۸	گاو
۰.۲	۱۲۱۱	گاو وحشی
۱۰۰	۵۶۵۰۹۸	تعداد کل دام

منبع: حه‌فید، ۲۰۰۰: ۵۸

در استان اربیل نیز مثل استان سلیمانیه دامداری در سطح بالایی قرار داشت در سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ نسبت حیوانات تا حد زیادی گسترش پیدا کرد. همان‌طور که در جدول شماره ۱۳ اشاره شده در سال ۱۹۷۱ تعداد حیوانات در استان اربیل چهار صد و هشتاد و دو هزار و ۶۷۰ رأس بوده. اما در سال ۱۹۷۴ این شماره به هشت صد و پنجا و شش هزار و ۲۸۲ رأس حیوان افزایش پیدا کرده است. و در سال ۱۹۷۸ به علت سیاست تبعید و تخریب روستاهای کردستان، ضمناً در روستاهای استان اربیل نیز تعداد حیوانات در این استان به پنج صد و پنجا و یک هزار و ۶۰۰ رأس حیوان کاهش یافته است. بر اساس این داده‌ها اظهار می‌شود که تعداد حیوانات قبل از شروع سیاست تبعید و کوچاندن روستایی‌ها به صورت فراوانی در حال گسترش بوده است؛ اما به علت تبعید روستاها این گسترش در تعداد حیوانات درون روستاها متوقف شد و فرآورده‌های حاصل از حیوانات نیز کاهش یافت. در سال ۱۹۷۱ تعداد حیوانات از نوع گوسفند در استان اربیل دویست و هفده هزار و ۹۷۰ رأس بوده و در سال ۱۹۷۴ این تعداد از این نوع به سه صد و هفتاد و سه هزار و ۳۸۴ رأس افزایش پیدا کرده بود که به ۷۱ درصد افزایش یافته است؛ اما در سال ۱۹۷۸ تعداد حیوانات از نوع گوسفند سه صد و سی هزار و ۴۰۰ رأس بود که این به این معنی است که نسبت درصد آن‌ها نسبت به دوره‌های قبلی ۱۲ درصد کاهش یافته است. همچنین از نظر تعداد بز در استان اربیل دویست و سه هزار و ۴۶۰ رأس بز در سال ۱۹۷۱ وجود داشته و در سال ۱۹۷۴ این تعداد به سه صد و

پنجا و هفت هزار و ۴۱۹ افزایش پیدا کرده یعنی به ۷۶ درصد افزایش یافته اما در سال ۱۹۷۸ همین تعداد بز در استان اربیل به یک صد و هشتاد و سه هزار و ۲۰۰ رأس رسید که به ۴۹ درصد کاهش یافته. همچنین گاو در سال ۱۹۷۱ در استان اربیل پنج صد و شست و پنج هزار و ۶۹ رأس بوده تا سال ۱۹۷۴ به یک صد و هفده هزار و ۴۳۴ رأس گاو به ۱۰۷.۵ درصد افزایش پیدا کرده. اما تا سال ۱۹۷۸ به علت تبعید و تخریب روستاها تعداد گاو به سی و پنج هزار و ۴۰۰ رأس رسید و به ۷۰ درصد کاهش یافته است. تعداد گاو میش در سال ۱۹۷۱ در این استان ۴۵۹ رأس بوده و تا سال ۱۹۷۴ به ۵۰۰ رأس افزایش پیدا کرده. همچنین اسب نیز در سال ۱۹۷۱ در این استان چهار هزار ۲۶۶ رأس اسب بوده که تا سال ۱۹۷۴ این تعداد به هفت هزار و ۷۰۲ رأس افزایش پیدا کرده است و تا سال ۱۹۷۸ به ۳۰۰ رأس اسب کاهش یافته است. اگر به دقت به این داده‌ها نگاه کنیم آشکار می‌شود که قبل سال ۱۹۷۸ و آغاز سیاست تخریب و تبعید روستاها و روستاییان کردستان اقتصاد دامداری به ویژه در استان اربیل و به صورت عمومی در کردستان عراق در حال افزایش و گسترش بوده اما بعد از سال ۱۹۷۸ با اجرای سیاست تبعید و تخریب روستاهای کردستان توسط رژیم عراق اقتصاد دامداری و تعداد حیوانات در معرض تبعیض و کاهش قرار گرفت (ر.ک : جدول شماره ۱۳).

جدول شماره ۱۳: وضعیت دامداری در استان اربیل در سال‌های ۱۹۷۱ - ۱۹۷۴ - ۱۹۷۸

سال	گوسفند	بز	گاو	گاو میش	اسب
۱۹۷۱	۲۱۷۹۷۰	۲۰۳۴۰۶	۵۶۵۶۹	۴۵۹	۴۲۶۶
۱۹۷۴	۳۷۳۳۸۴	۳۵۷۴۱۹	۱۱۷۴۳۴	۳۴۳	۷۷۰۲
۱۹۷۸	۳۳۰۴۰۰	۱۸۳۲۰۰	۳۵۴۰۰	۵۰۰	۳۰۰۰

منبع : حنفید، ۲۰۰۰: ۱۳۹

همچنین وضعیت دامداری در استان دهوک نیز بر اساس داده‌های سال ۱۹۷۸ مشخص می‌شود که تعداد کل حیوانات در آن استان سه صد و یک هزار و ۱۸۸ رأس حیوان بوده است. در این تعداد نیز تعداد از نوع بز در رتبه اول قرار می‌گیرد که تعداد آن یک صد و پنجا و هشت هزار و ۶۶۹ رأس بز بوده که ۵۳.۷۰ درصد کل حیوانات این استان را تشکیل می‌دهد. از لحاظ تعداد زیاد حیوانات پس از بز، گوسفند است که با یک صد و سی و هشت هزار و ۶۰۹ رأس گوسفند به ۴۳.۷۰ درصد کل حیوانات آن استان را

تشکیل می‌دهد. سپس گاو که در سال ۱۹۷۸ در استان دهوک سیازده هزار و ۶۷۴ رأس گاو به ۴.۵ درصد وجود داشته است؛ و در مورد گاو میش که بیشتر در مناطق مردابی و گودال‌ها زندگی می‌کند در سال ۱۹۷۸ و در استان دهوک ۲۳۶ رأس گاو میش در دهوک وجود داشته که ۰.۱ درصد کل حیوانات آن استان را تشکیل داده است این نسبت هم برای آن زمان نسبت زیادی بوده است (ر. ک : جدول شماره ۱۴).

جدول شماره ۱۴: وضعیت دامداری در استان دهوک سال ۱۹۷۸

سال	تعداد	درصد
بز	۱۵۸۶۶۹	۵۳.۷۰
گوسفند	۱۳۸۶۰۹	۴۳.۷۰
گاو	۱۳۶۷۴	۴.۵
گاو وحشی	۲۳۶	۰.۱
کل	۳۰۱۱۸۸	۱۰۰

منبع: حفید، ۲۰۰۰: ۲۱۶

۳-۲-۲ صنعت

صنعت یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فعالیت اقتصادی و سبب پیشرفت اقتصادی می‌شود. پیشرفت اقتصادی در هیچ کشوری شکل نمی‌گیرد تا در صنعت پیشرفت نداشته باشد. همچنین بدون پیشرفت صنعت کشاورزی نیز پیشرفت نخواهد کرد. چون که موتور گسترش تولید در صنعت بیشتر از کشاورزی است. همچنین گسترش صنعت علت اساس پیشرفت کشور هست و پیشرفت صنعت باعث بالا رفتن سطح زندگی مردم و فراوانی بازار و نیروی کار است. در کردستان عراق و در دهه ۱۹۷۰ برخی از کارخانه و پروژه‌های بزرگ و کوچک صنعتی در استان‌های کردستان شکل گرفت؛ که در استان سلیمانیه پنج کارخانه ساخته شدند از قبیل کارخانه سیگار، کارخانه لباس و دو کارخانه سیمان در محله‌های سرچنار و تاسلوجه و کارخانه آب‌معدنی بانی‌خیلان. در سال ۱۹۷۹ شماره کل پروژه‌های صنعتی در استان سلیمانیه ۱۵۳۸ پروژه بود در این تعداد نیز فقط ۲.۷ درصد پروژه‌های بزرگ بود، بقیه پروژه‌ها کوچک بودند. آن نیز نشان‌دهنده این است که حکومت عراق تمایلی به تغییرات و پیشرفت صنعتی کردستان نداشته است. اگرچه مقادیر زیادی از مواد معدنی در کردستان وجود داشته و دارد به خصوص در استان سلیمانیه دارای

معادن زیادی از قبیل آهن، مس، کروم، نیکل، سرب، سنگ کلسیم و... (خه‌یات، ۱۹۹۹: ۵۵؛ نهبه‌ز، ۲۰۰۷: ۲۴۳-۲۴۴؛ حه‌فید، ۲۰۰۰: ۶۰).

در استان اربیل نیز چهار کارخانه ساخته شد مانند کارخانه سیگار، کارخانه فرش دستی، کارخانه کره‌گیری و کارخانه منسوجات. در استان اربیل در سال ۱۹۷۰ کل پروژه‌ها یک هزار و ۲۸ پروژه‌ی صنعتی بوده و در سال ۱۹۷۸ به یک هزار و ۵۷۱ پروژه افزایش پیدا کرده است. استان اربیل نیز مانند استان سلیمانیه از لحاظ مواد معدنی و معادن ثروتمند است. معادن مس، کروم، آهن، نیکل، معادن دیگری از جمله این معادن در استان اربیل وجود دارد. در استان دهوک نیز که یک کارخانه ساخته شده بود و در سال ۱۹۷۸ پروژه‌های استان دهوک ۲۸۰ پروژه بوده که ۷ پروژه بزرگ با ۲.۵ درصد و ۲۷۳ پروژه کوچک ۹۷.۵ درصد بود. اگرچه حکومت عراق به علت اجرای سیاست‌های خود در کردستان هیچ نوعی اهمیتی به جنبه صنعت نداد، اما پس از توافقنامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ جنبه صنعت در کردستان عراق تا حد اندکی پیشرفت کرده بود اما دوباره بازگشت به عقب و تضعیف در این زمینه دیده شد؛ و بخصوص در اواخر دهه ۱۹۷۰ شمار زیادی از نیروی کار و دهقانان توسط حکومت به زندان انداخته شدند و سپس به اعدام محکوم شدند؛ و برخی دیگر به سمت جبهه‌های جنگ احضار شدند. دولت عراق نیز بجای تأمین کردن بودجه برای مناطق کردنشین درآمدی زیادی برای خرید اسلحه و تقویت جنبه سربازی صرف کرد (مصاحبه با دلیر حقی شاپیس، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶؛ حه‌فید: ۲۰۰۰، ص ۱۵۴).

اگرچه هیچ نوع ابزارآلات و دستگاه کشاورزی در کردستان عراق وجود نداشت، رژیم عراق نیز هیچ دوره آموزشی درمورد کشاورزی برای دهقانان کرد در نظر نگرفته بود و همچنین هیچ اهمیتی به جنبه اقتصادی این امر نداده بود، اما به ویژه قبل از آغاز تبعید و تخریب روستاهای کردستان توسط رژیم عراق، کشاورزی در کردستان عراق تا حد بالایی پیشرفت کرد بود که آن پیشرفت نیز به علت مناسب بودن آب‌وهوا، خاک کردستان، مهارت دهقانان کرد و همچنین داشتن دشت‌های مناسب برای کشاورزی که شامل دشت شهرزور و بتوین در استان سلیمانیه، دیبگه و کندیناوه در استان اربیل و سندی و سمیل در استان دهوک بود.

فصل سوم :

تخریب زیرساخت‌های اقتصادی
کردستان عراق از سوی رژیم عراق

رویکرد رژیم بعث عراق به جنبش ملی کرد خصمانه بود؛ و بر اساس نقشه و برنامه‌ریزی‌های خود در پی از بین بردن و محو جنبش ملی کردستان و فرهنگ ملت کرد بود. برای رسیدن به این هدف نیز به تعریب (عرب کردن کردها) و تخریب خاک کردستان پرداخت که می‌توان در سه مرحله آن را بررسی کرد.

مرحله اول در فاصله سال‌های ۱۹۶۳-۷۴ بود. یعنی زمان که بعضی‌ها برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ به قدرت رسیدند و قدرت سیاسی را در مدت کوتاه تصاحب کردند. در این مدت تعداد از روستاهای کردستان عراق را به بهانه درگیری و جنگ با مبارزان کرد، ویران کردند و ساکنان آن مناطق را پراکنده و آواره کردند. اما فرمانروایی آن در این مرحله بیشتر از هشت ماه طول نکشید کنار گیر شدند. سپس برای دومین بار در سال ۱۹۶۸ قدرت را بدست آوردند طبق نقشه و برنامه‌ریزی عمیق به خاک کردستان دست اندازی کردند و مردمان آن مناطق را از حوضه‌های استراتژیک و نفت‌خیز نفی بلد کردند و به جای آن عرب‌ها را در آن مناطق مستقر کردند.

مرحله دوم که بین سال‌های ۱۹۷۵-۷۹ بود منجر به سیاست افول و از بین رفتن مبارزات کرد انجامید. رژیم بعث عراق به تبعید و جمع‌آوری روستاهای کردستان و مستقر کردن آن‌ها در اردوگاه‌های اجباری پرداخت. در این مرحله عده‌ای زیادی از ساکنان روستاهای کردستان را تبعید و جابجا کردند و سپس به ویرانی و تخریب آن‌ها نیز دست زدند؛ و بعضی از ساکنان آن مناطق را به بیابان‌ها و مناطق جنوب و مرکز عراق تبعید کردند و بعضی دیگر از آن‌ها را منهدم کردند.

مرحله سوم که در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۸۸ بود هم‌زمان بود با جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، در این مرحله جنگ بهانه را به دست رژیم عراق داد که مناطق کردنشین را تخریب و ویران کنند و به سایر مناطق کردستان حمله شیمیایی انجام بدهد، در نتیجه تعداد زیادی از شهر و روستاهای کردستان ویران شدند و در این مرحله ۸ هزار از طایفه بارزانی‌ها و در عملیات انفال نیز ۱۸۲ هزار تن از کردها را منهدم کردند و در حمله شیمیایی شهر حلبچه نیز ۵ هزار تن مردم غیرنظامی جان باختند. همچنین تعداد زیادی از شهرهای کردستان را تخریب کردند.

۳-۱ مرحله اول: ۱۹۶۳-۷۴

سیاست محو کردن کردها توسط حزب بعث در عراق و تخریب زیرساخت اقتصادی و اجتماعی کردستان و حذف کردن نام کرد مختص حزب بعث نبود، بلکه این رویکرد یک سیاست خصومت‌آمیز حکومت‌های

متوالی عراق بود، که در مورد کردها انجام می‌شد. این امر نیز به خاطر قدرت‌طلبی و توسعه قلمروی بعث علیه احزاب کرد نبود، بلکه آن‌ها خواستار و خواهان حذف قومیت کرد بودند و نمی‌خواستند اقلیمی به نام کرد وجود داشته باشد و برای رسیدن به این هدف شروع به سیاست تعریب و تبعید نمودند. در ضمن تلاش کردند که شهر به شهر و روستا به روستای کردستان را تخریب کنند؛ و در مرحله اول از مناطق پر اهمیت و نفت‌خیز کردستان شروع کردند از جمله کرکوک و خانقین و دوبز و دوزخورماتو ... تمام مناطق کردها را که خط تماس بین مناطق کرد نشین و عرب نشین بود تعریب و یا جمعیت‌کردنشین آن‌ها را تبعید کردند؛ و همچنین شروع به تحریف نقشه سیاسی کردستان کردند و بعضی از شهرها از یکدیگر جدا و میان آن‌ها فاصله ایجاد کردند. مثلاً از جمله اقدامات آن‌ها تلاش برای حذف و سرنگونی قومیت کرد و ایجاد یک کشوری متحد عربی بود (کومه‌له، ۱۹۸۶: ش ۱۱، ۵).

در تابستان سال ۱۹۶۱ رژیم عبدالکریم قاسم با بیش از نصف از نیروهای نظامی عراق، کردستان را مورد حمله و تهاجم بزرگی قرار داد، طی دو سال به تخریب و ویران کردن روستا و شهرهای کردستان پرداختند. و در نهایت ۳ هزار نفر از مردم کرد که بیشتر آن‌ها غیرنظامی بودند کشته شدند؛ و بیشتر از صد هزار نفر آواره شدند و به‌سوی کوه‌های کردستان گریختند و حدود ۱۵۰ روستاها و شهر کردستان در معرض ویرانی و تخریب قرار گرفتند. در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۳ در یک حمله‌ای دیگری نزدیک ۲۰۰ روستا و بیش از ۲ هزار مردم کرد غیرنظامی در مورد سخت و نابودی قرار گرفتند. در دوران حاکمیت رژیم بعث نیز همان سیاست و موضع رژیم قاسم را ادامه یافت. و در ۱۳ ژوئن ۱۹۶۳ در طی حمله‌ای به منطقه کندیناوه از توابع استان اربیل تمام روستاهای آن منطقه همراه با مساجد و مدارس ویران و آتش زده شد. در این حمله تعداد زیادی از مردم غیرنظامی کشته شدند. در همان سال و بافرمان رژیم عراق محله شورجه که یک محل کردنشین است و در شهر کرکوک قرار گرفته تخریب شد. سایر خانواده‌های کرد آن محله از کرکوک به سمت شهرهای دیگر کردستان تبعید شدند، به‌جای آن‌ها رژیم عراق خانواده‌های عرب را در آن محلات مستقر کردند (گول، ۲۰۰۳: ۲۱؛ حقی‌شاه‌ویس، ۱۹۹۸: ۲۸).

سپس در ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۳ رادیوی بغداد روستاها و شهرستان‌های تابع کرکوک، سلیمانیه و اربیل را تهدید کرد که صورت هرگونه حمایت و همکاری با داوطلبان‌های کردستان دچار ویرانی و تخریب می‌شوند. سپس توسط سپاه عراق و همراه با حرس قومی* بی‌رحمانه چهل هزار از مردم کرد اطراف شهرهای

* یک نیروی نظامی رژیم عراق بود که توسط بعثی‌ها در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد

نفت‌خیز کرکوک را بیرون راندند و تمام خانه‌های آن‌ها را با بلدوزر تخریب و با خاک یکسان کردند؛ و تمام فعالیت‌های کردی همانند خواندن و نوشتن ممنوع گردید. حتی تابلوی مغازه‌ها را که به کردی نوشته شده بود پایین می‌آوردند و دوباره به عربی می‌نوشتند. سپس باغ، بستان و زمین‌های کشاورزی را آتش زدند و به جای کردها در آن منطقه عرب‌ها را مستقر کردند. هم‌زمان رئیس‌جمهور عراق عبدالسلام عارف در روزنامه لیس ویر** لبنانی اعلام کرد: "به سرعت معضل کرد را به پایان می‌رسانیم و زمان مذاکرات و گفتگو با کردها سپری شد" (نهبه‌ز، ۲۰۰۷: ۱۵۰-۱۵۱).

در این سخن موضع رئیس‌جمهور آشکار می‌شود که رژیم عراق تمایل به مذاکرات و حل مشکلات ملت کرد ندارد، در ضمن خواستار از بین بردن و محو کردن کردها در عراق بوده است. در نتیجه این عمل بسیاری از روستاهای کردستان را ویران کردند. با آغاز جنگ بین دولت عراق و مبارزان کرد، کردستان به میدان جنگ تبدیل شد و در معرض نابودی و تخریب قرار گرفت. سپس رژیم عراق حملات بزرگی به کردستان انجام داد و در دشت اربیل بعد از پیروزی پیشمرگه‌های کرد در نبرد داره‌خورما در دامن قرچوغ در روز ۱۳ ژوئن ۱۹۶۳ توانست رژیم عراق را شکست دهد؛ و در واکنش به این اقدام در روز ۲۴ ژوئن ۱۹۶۳ رژیم عراق برای جبران این شکست ۱۸ روستا را تخریب کرد و نزدیک ۳۰۰ تن از دهقانان این منطقه را دستگیر کرده و در زندان‌های عراق محبوس کرد. روستاهای که در این نبرد تخریب ویران شدند عبارت بودند از: کندال، گاوهره، خدریجه، لاهرچیغلوک، داره‌خورما، دیمه‌کار، جانه، خوشناو ... در عاقبت در میان مدت ۱۱ ژوئن ۱۹۶۳ تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۳ در سراسر کردستان حدود ۸۷۵ روستای کردستان در مورد تاخت تاز قرار گرفت (نهبه‌ز، ۲۰۰۷: ۱۵۷؛ محمه‌د، ۲۰۰۴: ۱۱۸).

همچنین در سال ۱۹۶۳ شروع به ویران و خراب کردن خانه‌های کردها در کرکوک کردند. در محلی بنام کومار صدها خانه را تخریب کردند و تمام عوامل شهرداری نیز زیر نظر نیروی حرس قومی در این عمل شرکت داشتند؛ که در آن زمان به یکباره ۸۰۰۰ خانوار را از خانواده‌های کرد کرکوک بیرون کردند و هزاران نفر از مردم قدیمی این شهر که عبارت بودند از کرد و تعداد کمی از جمعیت ترکمان، کلدان و آشوری را نیز در زندان مسیب محبوس کردند؛ و تنها شرط آزاد کردن آن‌ها ترک کردن شهر کرکوک بود (محمه‌د، ۲۰۰۴: ۱۱۹).

همچنین روستای سورداش تابع قضای دوکان در سال ۱۹۶۳ توسط رژیم عراق ویران و نابود شد. در فوریه ۱۹۶۵ زمان که رژیم عراق به مناطق پنج‌جوبین و اطراف آن حمله کرد تعداد زیادی از روستاها و خانه-

** Le soir

های مردم به علت بمباران جنگنده‌های رژیم عراق سوختند و ویران شدند. سپس نخست‌وزیر عراق (عبدالرحمن بزاز) به منظور تکان دادن و ویران کردن کردستان عراق دو دستور را صادر کرد. دستور نخست سیاست سوزاندن زمین‌های کشاورزی بود. و دومین دستور جلوگیری از رسیدن لوازم درمانی به کردستان بود. آن‌هم در خاطرات خلبان جنگنده الیوشن شماره ۴۳۳ در روز ۱۶ ژانویه ۱۹۶۶ که توسط پیشمرگه‌های کرد سرنگون شد، یادداشت کرده که خود به تنهایی ۴۵ روستا را نابود کرده است (حمه-شریف، ۲۰۱۲: ۲۵۰-۲۵۱؛ Rasul, 1990: 111-109).

در سال ۱۹۶۸ زمانی که رژیم بعث دوباره به قدرت رسید خصومت و ضدیت خود را نسبت به ملت کرد آشکار ساخت چه روی کاغذ؛ و چه در عمل، جنگ با کردها برخاستند و به جان آن‌ها افتادند. چنان که میشل عفلق مؤسس حزب بعث اعلام کرد: "طی سده‌های گذشته کرد هم وطن عرب مسلمان بوده و هیچ تفاوتی بین کرد و عرب مسلمان وجود ندارد و تأکید کرد که کرد جزء عرب هستند". این نظر عفلق نشان‌دهنده این بود حزب بعث خواهان حذف و از بین بردن ملیت مستقل کرد روی نقشه دولت عراق بوده و در برنامه‌ی کار آن‌ها وجود داشته است. لذا به شدت تلاش کرد که کردها را به عنوان یک قومیت مستقل سرنگون و در عوض آن در مناطقی که قبلاً کردها ساکن بوده‌اند یک جامعه عربی مستقر کند (سیوه‌لی، ۲۰۰۳: ۷۱؛ نیز، ۱۹۸۹: ۳۹).

در وهله اول رژیم بعث تلاش کرد تا ساکنان ۱۳ روستا در استان کرکوک را به ویژه آن‌های که نزدیک چاه نفت کرکوک بودند از جمله، سونه‌گولی، یاروه‌لی، هه‌نجیره، قوتان، قوشقایه و شوراو با همراه مردم ناحیه دویز را تبعید کردند. در سال ۱۹۶۹ در یک حمله دیگر ۷ روستا از جمله گولدارباشیته‌په، کیتکا، گورزایی، شانه‌شین، ناییلئاوای‌بنار، داره‌مانی‌بنار و که‌لوری‌بنار در ناحیه پردی از توابع استان کرکوک و روستای بروه‌لی در ناحیه قه‌ره‌ه‌نجیر تبعید و آواره کردند (محمد، ۲۰۰۴: ۱۲۱؛ Rasul, 1990: 27).

در روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۹ سپاه رژیم عراق به مناطق اکری حمله کرد. روستاهای خورت، ده‌کا، تابع قضای شیخان در استان موصل و روستای سوریا که ساکنان آن مسیحی مذهب بودند تابع قضای زاخو در استان موصل در آن زمان غارت و تخریب کردند و سپس آنجا را آتش زدند و تمام ساکنانش را کشتند (گول، ۲۰۰۷: ۲۴). در گزارش شماره ۳۴ جمعیت بین‌الملل در لندن به این مطلب اشاره شده است که رژیم عراق در فاصله سال‌های ۷۰-۱۹۶۰ نزدیک ۴ هزار خانواده‌ی کرد را آواره و ۷۰۰ روستا نیز تخریب نموده است و همچنین ۳۰۰ هزار تن از ساکنان را آواره و ۶۰۰ تن از آن‌ها نیز شهید و زخمی شدند (مصطفی، ۲۰۰۷: ۲۵۰).

لازم به ذکر است در چارچوب تعریب کردن کردستان به ویژه در شهر کرکوک رژیم عراق شروع به تغییر اسامی کردی به عربی کرد و تمام نام‌ها مانند کوه، شهر، روستا، محل، خیابان، پارک، مسجد، مدارس و تمام امکان عمومی را از کردی به عربی تغییر دادند؛ که می‌توان در این جدول به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره کرد.

جدول شماره ۱۵ : نمونه‌ای از اسامی تغییر یافته

نام کردی	نام عربی
استان کرکوک	محافظة تأمیم
قضاء شاره‌بان	قضاء مقدادیه
قضاء خوراسان	قضاء بعقوبه
دبیرستان کوردستان	اعدادی عبدالملیک بن مروان
دبیرستان ریزان	اعدادی الرافیدین
ابتدایی بیکه‌س	مدرسه حسن بن هیثم
ابتدایی پیره‌میرد	مدرسه البکر
کتابخانه‌ی آسو	مکتبه الطلیعه

منبع : عبدالرحمن، ۲۰۰۶: ۱۰۸

با وجود اینکه تغییراتی بسیاری وجود داشت در حالی که مساکن جدید را که ساخته می‌شد، اسم‌های عربی را بر آن‌ها می‌گذاشتند در این راه تلاش کردند تمام استان کرکوک را به یک استان عربی تغییر بدهند (مصطفی، ۲۰۰۷: ۲۵۲).

در ابتدای سال ۱۹۷۰ رژیم عراق تصمیم داشت مردم کرد را از عراق بیرون بیندازد و آن‌ها را آواره کند در مرحله اول به اخراج کردهای فیلی پرداخت. در بین سال‌های ۷۲-۱۹۷۱ نزدیک ۴۰ هزار کرد فیلی از عراق اخراج شدند و شناسنامه ملی را نیز از آن‌ها پس گرفتند و به‌سوی ایران روانه شدند. تعداد آن‌ها تا سال ۱۹۸۰ به ۲۵۰ هزار نفر رسید و همه‌ی ثروت و اموال آن‌ها توسط رژیم عراق مصادره شد. همچنین دستور بیرون کردن ۳۰ هزار تن از کردهای گویان و لومه‌ریان که در اطراف موصل بودند صادر شد؛ و آن‌ها نیز به‌سوی مرزهای ترکیه آواره شدند. علاوه بر آن هزاران کارگر و کارمند همراه با

خانواده‌شان را در شهرهای کرکوک و خانقین تبعید و جابجا کردند. بیشتر این سیاست اخراج کردن و تبعید کردن در آن مناطق بود که دارای نفت زیادی بود؛ و به خاطر کم کردن جمعیت کرد در آن شهرها به این اقدامات دست می‌زدند. هم‌زمان با آن هزار نفر عرب را به دولت عراق وارد کردند (گول، ۲۰۰۷: ۲۴).

در سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۲ش مردم شهر قلاذزه در برابر سیاست‌های رژیم عراق ناراضیتی نشان دادند، سیاست‌های رژیم بعث را در کردستان محکوم کردند. در واکنش به این ناراضیتی حکومت عراق در ۲۴ آوریل ۱۹۷۴ به بمباران کردن آن شهر پرداخت. روزنامه نگار معروف انگلیسی دیود هیرست پس از سفر به آن شهر در روزنامه گاردین در روز ۷ مه ۱۹۷۴ می‌نویسد: " ساعت ۹:۴۵ صبح روز ۲۴ آوریل ۱۹۷۴ دو هواپیما جنگی بر روی آسمان شهر قلاذزه دیده می‌شدند. با اندازه ارتفاعی دو تیر برق از روی زمین پرواز می‌کردند و سپس به شدت شهر را بمباران کردند. یک محله را کاملاً با خانه، مغازه، مدارس و بیمارستان را نابود کردند و دست کم ۱۳۰ تن از ساکنان این شهر در این بمباران جان باختند، حتی وقتی که من آن مکان را ترک کردم مردم هنوز دنبال جنازه کشته‌شدگان می‌گشتند". رژیم عراق دو روز بعد و در ۲۶ آوریل ۱۹۷۴ با هواپیمای جنگی شهر حلبچه را نیز بمباران کرد و بعضی از محل‌های آن شهر را تخریب و ویران کرد (محمد، ۲۰۰۱: ۲۳؛ گه‌لالی، ۲۰۰۹: ۷۲).

تلاش دیگر رژیم عراق در برابر کردها برای سرنگونی و تضعیف قومیت کرد، تبعید آن‌ها به مناطق جنوبی شهرهای مرکز عراق بود. همچنین این رژیم سیاست‌های حمایتی چون تجمیع کردن، دادن پول و امتیازات به مردم عرب که به مناطق کردنشین جابجا می‌شدند نیز دست زد. به ویژه نسبت به شهر کرکوک و اطراف آن. رژیم عراق تعداد زیادی از کارگران و کارمندان دولتی کرد را از سمتشان برکنار و به شهرهای دیگر روانه کرد، و به جای آن‌ها عرب‌های که به آن مناطق آورده بودند برای کار استخدام کردند. فقط در شهر کرکوک در شرکت نفت و ادارات دولت هزاران کارمند و کارگر کرد را به شهرهای دیگر انتقال داد (کومه‌له، ۱۹۸۶: ش ۱۱، ۵).

این سیاست بدان معنی بود که از نظر دولت عراق قومیت کرد از پیشرفت و توسعه کشور جلوگیری کرده به همین دلیل آن‌ها را از شهر بیرون و تبعید کرد؛ و در یک عمل دیگر رژیم بعث نزدیک صد هزار نفر کرد فیلی که کردهای شیعه مذهب بودند به بهانه آنکه عراقی نیستند و شیعه‌مذهب هم هستند، به سمت مرزهای ایران تبعید کرد. این رویداد در حالی بود که نزدیک دو میلیون نفر عرب را از کشورهای مصر و مغرب به عنوان کارگر به عراق آورد. می‌توان گفت این رویکرد رژیم بعث فقط به خاطر این بود که

دولت عراق از یک دولت دو ملتی به یک دولت تک ملتی عرب که حزب بعث نیز حاکم آن دولت باشد تغییر دهد؛ و موقعیت کردها را تا اندازه‌ای تضعیف کند که در وقت مناسب آن‌ها را از بین ببرد. برای رسیدن به این هدف نیز شروع به تبعید و تعریب و آتش زدن روستاهای آن‌ها و برقراری تحریم اقتصادی در کردستان عراق نمود (کومه‌له، ۱۹۸۶: ش ۱۱، ۶).

در سال ۱۹۷۵ معاون رئیس عراق (صدام حسین) بی‌پرده اعلام کرد که قصد تبعید کردن و جابجایی کردها در طی مرز ایران و ترکیه دارد. این سخن صدام تنها منظور از سرنگونی مبارزان کرد نبود، بلکه مسئله تخلیه کردن هزاران کیلومتر مربع زمین و تشکیل دادن یک منطقه محرمه [ممنوع الورد] بود؛ که هر موجودی در آنجا دستگیر شد، فوراً از بین برود. با انجام این سیاست کردهای عراق در معرض کوچی دسته‌جمعی و تبعید قرار می‌گرفتند. اگرچه قبل از اینکه صدام حسین به تبعید آن‌ها بپردازد کوچ دسته‌جمعی بزرگ بعد از قرارداد الجزایر و افول جنبش ملی کرد نزدیک نیم میلیون نفر از مردم کرد به دولت ایران پناهنده شدند. دولت ایران هم از دادن حق پناهندگی و اقامت به آن‌ها خودداری کرد. آن‌ها را در اردوگاه‌های مختلف تحت تدابیر نظامی در خاک ایران سکونت دادند (مکداول، ۲۰۰۵: ص ۵۵۵؛ محمده، ۲۰۰۴: ۱۲۵-۱۲۴).

سپس زمان کوتاه بعد از امضاء قرارداد الجزایر صدام حسین به تهران سفر کرد و با دستخط خود نامه‌ای برای پناهندگان کرد عراق در ایران نوشت. در این نامه از آن‌ها خواست که به کشور خود برگردند زیر سایه پرچم عراق زندگی جدید را آغاز کنند؛ اما بعد از بازگشت بعضی از آن‌ها به کشور عراق، نه تنها به مکان قبلی خودشان برنگشتند، بلکه بعضی از آن‌ها به مرکز و جنوب عراق تبعید شدند و در یک اوضاع دشوار زندگی کردند و بعضی دیگری از آن‌ها ناپدید شدند (نیرویی، ۲۰۱۰: بر ۱، ۴۸).

رژیم عراق به این حد از سیاست بر ضد مردم کرد بسنده نکرد و کوتاه نیامد، بلکه در پاییز ۱۹۷۵ به جابجایی روستاهای کردستان به ویژه روستاهای مرزی عراق و ایران، عراق و ترکیه پرداخت. در منطقه‌ای به اسم بارزان ایلات به‌روژی، نزاری، هرکی را به جنوب عراق تبعید کرد و در استان دیوانیه آن‌ها را مستقر کرد. در قضای خنقین تابع استان دیاله جمعیت ۲۶ روستا را به جنوب عراق تبعید کرد. همچنین در نواحی جلولا، قوره‌تو، میدان نیز نزدیک ۱۲۴ روستا جابجا شدند. در همان سال رژیم عراق در استان‌های دهوک، کرکوک، نینوا و قضا‌های حلبجه، سنجار، شیخان، تلعفر بیشتر از ۵۰۰ روستا را جابجا کرد. همچنین ۶۳ روستا در مناطق سورداش که در سال ۱۹۶۳ نیز مورد جابجایی قرار گرفته بودند، دوباره در سال ۱۹۷۵ توسط نیروهای رژیم عراق جابجا و آواره شدند (محمده، ۲۰۰۴: ۱۲۶-۱۲۸).

۲-۳ مرحله دوم: ۱۹۷۵-۷۹

در این مرحله رژیم عراق با حملاتی به تخریب و ویرانی شهرهای کردستان پرداخت. هرچند که رژیم عراق در توافق‌نامه‌ای ۱۱ مارس ۱۹۷۰ به کردهای عراق به رهبری مصطفی بارزانی وعده داده بود که خودمختاری برای کردستان را برقرار سازد؛ اما از این وعده پشیمان شد و در عوض به تخریب اقتصاد و موجودیت کردستان پرداختند. این عمل نیز از نظر حزب بعث کافی نبود، لذا برای از بین بردن و سرنگون کردن کردها قرارداد الجزایر را امضاء کرد. بر اساس این قرارداد هر دو رژیم عراق و ایران متعهد شدند جنبش ملی کرد را از بین ببرند. دولت ایران با قطع حمایت از آن‌ها و دولت عراق نیز با تحریمات اقتصادی بر مناطق کردنشین، تبعید و تخریب روستاها کردستان جنبش ملی کرد را دچار افول کردند (مخموری، ۲۰۰۶: ۳۷).

پس از قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ و افول جنبش ملی کرد با ریاست مصطفی بارزانی، رژیم عراق به خاطر از بین رفتن جنبش ملی کرد، دست از مزدوران کرد نیز برداشت، قدرتی که قبلاً به آن‌ها واگذار کرده بود، همراه با سلاح‌هایشان از آن‌ها پس گرفت. دیگر هیچ احتیاجی به آن‌ها نداشت بنابراین آن‌ها را رها کرد؛ و طبق قانون شماره ۹۰ سال ۱۹۷۵ تمام قدرت‌های شیخ و اشراف زمین‌دار کاهش یافت. مزدورها به خاطر این موضع رژیم عراق می‌باید نسبت به حکومت عراق دشمنی می‌ورزیدند. ولی این کار را انجام ندادند و به محض زنده شدن جنبش ملی کرد در سال ۱۹۷۶ دوباره آن‌ها نیز علیه مبارزات کرد به رژیم عراق پیوستند و در تبعید و تخریب مناطق کردها نقش بسیار مهم ایفا کردند (عقراوی، ۲۰۰۷: ب: ۱۷۸).

علاوه بر سیاست جابجایی و تخریبی مناطق کردنشین در کردستان عراق، رژیم عراق سیاست تعریب و تبعید را نیز گسترش داد. تلاش کرد در این راه موقعیت کردها را تضعیف و سرنگون کند و برای حذف قومیت کرد از هر اقدامی علیه آن‌ها کوتاهی نکرد. رژیم عراق برای جابجایی و تخریب روستاهای کردستان برنامه‌ریزی کرد. در یک حمله به مناطق استان دهوک سراسر منطقه سلیفانی، سیمیل، شیخان، سنجار و صدها روستا و هزاران زمین کشاورزی را نابود و ویران کرد. هزاران خانواده کرد را سرنگون و بی‌خانمان کرد. سپس زمین‌های کشاورزی آنان را بین اشراف زمین‌دار و طرفداران دولت تقسیم کرد؛ و برای ریشه‌کن کردن مبارزات کرد و فعالیت پیشمرگه‌های کرد با ایجاد یک کمربند ۱۰-۲۵ کیلومتری در طول مرزهای عراق - ایران و عراق - ترکیه تمرکز کرد.

سپس بر اساس یک تلگراف مخفی و به‌شتاب انجمن بالای موردعلاقه شمال (کردستان عراق) در مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۷۸ متوجه وزارت داخل و وزارت‌های دفاع، کاناکاری، کشاورزی و آبداری، مسکن، بهداشت، منتقل و رساندن، انجمن تشریحی و اجرایی قدرت خودمختاری گردید. در این تلگراف تصمیم گرفته‌شده است تا ۱ ژوئن ۱۹۷۸ یعنی مدت کم‌تر از ۶ ماه عدد ۱۹۰۲۲ خانه را ساخته بشود. سپس تعداد سه هزار ۵۰۰ خانه مسکونی در استان سلیمانیه و یک هزار ۵۰۰ در اربیل و در شهرهای مختلف کردستان برای ساکن کردن روستاهای تبعید شده ساخته شد. رژیم بعث و سازمان‌های دولتی ادعا می‌کردند که این عملکرد به نفع توده‌ی کرد و به‌قصد تقدیم کردن خدمات به آن‌ها است. چون تعدادی از روستاها در مکان‌های سخت، پیچیده و دوره دست قرار گرفته‌اند و دولت قادر به خدمت‌رسانی در آن مناطق نیست؛ بنابراین باهدف خدمت‌رسانی آن‌ها را در اردوگاه‌های اجباری یا در داخل دیگر شهرهای کردنشین که خدمت‌رسانی به آن‌ها با تسهیل بیشتری صورت می‌گیرد جمعیت آن‌ها را جابجا کرد (محمدعلی، ۲۰۰۸: ۱۸۲؛ مینه، ۱۹۹۹: ۱۹۳-۲۰۰).

اما در حقیقت این عملکرد نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی و اجتماعی نبود، بلکه یک اقدام نظامی و سیاسی بود؛ و آن وعده‌ها بهانه‌ای بودند برای تخلیه روستاهای کردستان، چون رژیم عراق روستاها را پایه اصلی مبارزات کردها می‌دانست؛ و به این نتیجه رسیده بود که ادامه مبارزات به روستاها بستگی دارد. لذا تبعید و تخلیه روستاها معادل با تضعیف و از بین بردن مبارزات کرد هست. در حقیقت نیز نیروی اصلی مبارزات کردها را دهقانان تشکیل می‌دادند و منبع اصلی تغذیه پیشمرگها روستاها بود؛ و موقعیت بعضی از روستاها چنان سخت و پیچیده بود که رژیم عراق قادر به تصرف آن منطقه نبود؛ بنابراین تنها راهی که برای تضعیف مبارزات کردها داشت تخلیه و جابجایی جمعیت روستاهای کردستان بود (مینه، ۱۹۹۹: ۱۹۷).

جابجایی و مستقر کردن جمعیت روستاها در اردوگاه‌های اجباری یک ضربه‌ی شدیدی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی کردستان عراق بود. چون به‌محض تخلیه کردن روستاها فوراً تمام خانه‌ها را همراه با مدرسه، مسجد، بیمارستان و جایگاه‌های عمومی با بمب انفجار منفجر می‌کردند. و هر زمان که مبارزه مسلحانه در کردستان صورت گرفته باشد و مبارزات کردها سبب شکست خوردن دولت مرکزی شده باشد در هر مکان و هر روستا و هر شهر در کردستان همچنین اتفاقی افتاده باشد، در واکنش این نبرد رژیم عراقی برای تلافی و انتقام از آن‌ها به تخریب و قتل‌عام آن مکان پرداخته است؛ و آنجا را با خاک یکسان نموده است؛ بنابراین به‌محض جابجایی روستاها، باغ و بستان و زمین‌های کشاورزی را آتش می‌زدند و

همه‌ی قنات‌ها و سرچشمه‌ها را کور می‌کردند و کندوهای زنبورعسل و حتی زنبورها را نیز آتش می‌زدند و به دهقانان اجازه نمی‌دادند که هیچ‌گونه وسیله‌ای از اموال خود را ببرند و همان جا در جلوی چشم خودشان تمام محصولات و وسایل زندگی آن‌ها را آتش می‌زدند و با نصف قیمت دام‌ها و سایر حیوانات محلی و اهلی را از آن‌ها می‌خریدند و به مرکز و جنوب عراق می‌فرستادند. و برای اینکه دوباره آن روستا قادر به ادامه حیات نباشد تمام آن مناطق را اسیدپاشی می‌کردند. برای رژیم عراق اهمیتی نبود که این عملکرد تأثیرات بسیار منفی بر روی اقتصاد کشور می‌گذارد (مصاحبه با شورش حاجی، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶؛ عه‌بدوللا، ۲۰۰۳: ۱۶۶). بر اساس دستور شماره ۳۶۹ در مورخ ۳۱ مارس ۱۹۷۵ که توسط رژیم عراق صادر گردید. تصمیم به جابجای و تخلیه کردن مکان‌های که نزدیک چاه‌های نفت بود گرفته شد. سپس در مناطق اطراف استان کرکوک به‌ویژه آن روستاهای که نزدیک به چاه‌های نفت بودند از قبیل روستاهای تابع قضای دویز که در دو مرحله نزدیک ۳۴ روستا را تبعید و ویران کردند (ر.ک: سند شماره ۱۸).

در سال ۱۹۷۶ رژیم عراق برای پاک سازی کرکوک از کردها و تبدیل و تغییر سیمای کردی آن شهر به سیمای عربی، تلاش کرد از دو طریق به هدف خود برسد، از یک سو از طریق جابجایی و خالی کردن شهر مذکور از کرد و قومیت‌های دیگر، در عوض آوردن اعراب و مستقر کردن آن‌ها در آن شهر، از سوی دیگر در سال ۱۹۷۶ تلاش کرد سایر مناطقی که کاملاً کردنشین بود و تابع شهر کرکوک بودند را به استان‌های دیگر انتقال دهد، همانند شهر دوزخورماتو که به استان صلاح‌الدین، شهر کفری به استان دیاله، شهرهای کلار و چمچمال نیز به استان سلیمانیه پیوست کردند. و ارتباط آن‌ها را با شهر کرکوک قطع نمودند. این عملکرد فقط به خاطر کاهش نسبت جمعیت کرد در شهر کرکوک انجام گرفت (ر.ک: سند شماره ۱۹ و ۲۰).

جدول شماره ۱۶: شهرهای تابع کرکوک و منتقل شده به استان‌های دیگر

استان قدیم	قضاء	ناحیه	استان
کرکوک	دوزخورماتو	مرکز / قادرکرم / سلیمان‌بگ / نوجول / آمرلی	صلاح‌الدین
	کفری	مرکز / سرقلا / جباره / قره‌ته‌په / کوله‌جو	دیاله
	کلار	مرکز / تیله‌کو / پیواوز	سلیمانیه
چمچمال	مرکز / آغجلر / سنگاو		

منبع: مرسوم جمهوری شماره ۶۰۸ مورخ ۱۹۷۵/۱۱/۶ و مرسوم جمهوری شماره ۴۱ مورخ

۱۹۷۶/۱/۲۹؛ (ر.ک: سند شماره ۱۹ و ۲۰).

رژیم عراق پس از اینکه سیاست‌های خود را در شهر کرکوک اعمال کرد پس از آن به اعمال همین سیاست‌ها در شهرهای دیگر پرداخت. در طی حمله‌ای به استان‌های سلیمانیه، اربیل و دهوک چندین روستا را مورد تاخت و تاز قرارداد. و سپس در شهرهای مخمور، سنجار، کندی ناوه و خانقین شروع به تبعید ساکنان آنجا کرد؛ و در عوض عرب‌ها را در آن مناطق اسکان داد. استان سلیمانیه که منطقه‌ای کوهستانی در طول مرز ایران است. در مقایسه با استان‌های دیگر کردستان نسبتاً زیادی از روستاها این استان مورد جابجایی و تخریب قرار گرفتند. در وسط سال ۱۹۷۸ حکومت عراق شروع به ویرانی تاخت تاز دهات‌های اطراف حلبچه کرد با بمب گذاری عده‌ای زیادی از دهات‌ها مانند چنار، موردین، سازان، بوین، گریانه با خاک یکسان کرد. در سال ۷۸-۱۹۷۷ در یک حمله رژیم عراق ۳۳۶ روستا تابع سلیمانیه، ۱۲۰ روستا در اربیل نیز ویران و تخریب شدند. بر اساس داده‌های سازمان مدل نیست وچ* در این میان ۱۲۴ روستا اطراف شهر قلادزه با خاک یکسان شد و ۲۶۰ تا ۲۶۵ روستا در سلیمانیه تخریب و ویران شدند (ووج، ۲۰۱۳: ۹۴؛ حمه‌سعید، ۲۰۱۶: ۱۶۱-۱۶۶).

همراه با ادامه‌ای تخریب و تبعید در کردستان در اواخر سال ۱۹۷۶ توسط رژیم عراق ۳۰۰ هزار تن از کردها به اجبار برای بیابان‌های جنوب عراق تبعید و سپس نابود گردید. در نتیجه این عملکرد تا سال ۱۹۷۹ تعداد تبعید شده گان به ۷۰۰ هزار تن رسید. هم‌زمان به علت حمله رژیم عراق به مناطق مختلف کردستان از جمله دیاله، سلیمانیه، اربیل، کرکوک، دهوک، موصل تقریباً ۱۲۲۲ روستا تخلیه و تبعید گردیدند (گول، ۲۰۰۳: ۲۵).

در روزنامه رسمی الثوره در عراق به این موضوع اشاره کرده است؛ که در سال ۱۹۷۸ نزدیک ۵۰۰ روستا که در استان سلیمانیه واقع شده‌اند در مدت کم‌تر از ۲ ماه تخلیه و تخریب شدند. سپس حسن علی المجید نیز این خبر را تأیید کرد و در یک سخنرانی گفت: "پس از تخلیه و تبعید روستاها به تمام کردستان حمله می‌کنیم و آن‌ها را از روی نقشه عراق حذف خواهیم کرد؛ و با برنامه‌ریزی و حمله نظامی این عمل نیز اجرا خواهد شد" شاید گفته‌های حسن علی مجید منظورش از حملات انفال در سال ۱۹۸۸ بود که در چارچوب هشت مرحله در کردستان عراق اجرا شد؛ و بیشتر از ۱۸۲ هزار نفر از مردم غیرنظامی انفال شدند (محمد، ۲۰۱۰: ۱۶۷).

در کشور عراق ظرف مدت ۱۰ سال یکبار سرشماری را انجام داده می‌شد. در سال ۱۹۷۷ نیز همانند سرشمارهای پیشین شروع به سرشماری کردند. و در این سرشماری نیز خانواده‌های کرد را به نام خانواده

* Middl East Watch

عرب ثبت می‌کردند به‌ویژه در استان کرکوک؛ آن نیز به خاطر این بود که سطح جمعیت قومیت عربی را در استان موردنظر بالا ببرند و وانمود کند که یک شهر عربی است. برای رسیدن به این هدف شروع به فشار و اذیت کردن کردهای آن شهر کردند تا رضایت دهند و خود را به‌عنوان عرب در سرشماری‌ها ثبت کنند (محمد، ۲۰۱۰: ۱۶۷).

در ۲۳ اکتبر ۱۹۷۷ علی عسکری یکی از رهبران ح. ی. ن. ک با بالگرد به کرکوک و سپس راهی بغداد شد. پس از ملاقات با سعدون شاکر رئیس دستگاه اطلاعات و عدنان خیرالله وزیر دفاع، با صدام حسین نائب رئیس‌جمهوری وقت عراق ملاقات و دیدار کرد؛ و در مورد جابجایی جمعیت و تخریب و ویرانی در کردستان، تقاضا کرد که رژیم عراق از انجام این اقدامات دست بکشد؛ اما صدام حسین نپذیرفت و گفت بود: "تبعید روستاهای کردستان به امنیت و آسایش آینده عراق ارتباط دارد، اگر تمام سپاه و نیروهای نظامی عراق نیز از بین برود، تبعید اجرا می‌شود (نیرویی، ۲۰۱۰: ۱، ۵۴).

سپس رژیم عراق به نیت از بین بردن قومیت و نژاد کرد عراق، از سلاح گرفته تا بمب و خمپاره و بمب آتش‌زا و بمب موشکی، سُمی کردن آب‌ها و خیلی روش‌ها و ابزارهای دیگر را برای از بین بردن و سرنگون کردن قومیت کرد به کار بردند. حتی سلاح شیمیایی را در خیلی از شهرها و روستاهای کردستان بکار بردند، و بسیاری از مناطق کردستان را نابود و ویران کردند (گول، ۲۰۰۳: ۲۶).

۳-۳ مرحله سوم ۸۸-۱۹۸۰

در این مرحله که هم‌زمان با شروع جنگ عراق و ایران است، خطرناک‌ترین مرحله تخریب و ویرانی در کردستان عراق محسوب می‌شود. ضمناً رژیم بعث عراق به بهانه جنگ با ایران تمام مناطق هم‌مرز با دولت ایران را تبعید و نابود کرد. به شیوه‌ای که به هیچ وجه قادر به زندگی کردن نباشد؛ و برای رسیدن به این هدف نیز از انجام هر اقدام و عملی دریغ نکرد، از بودجه حکومت گرفته تا تاخت و تاز آن مناطق توسط سپاه و نیروهای نظامی، تعداد زیادی از روستاهای کردستان در این مرحله در معرض نابودی و ویرانی قرار گرفتند. در مدت کمتر از ۱۰ ماه حدود ۲۷۷۶ روستا تخریب و ویران شدند (عبدالللا، ۱۹۹۹: ۱۰).

در مدت جنگ هشت‌ساله عراق و ایران خاک کردستان در بعضی از قسمت‌های آن به عرصه و میدان جنگ تبدیل شده بود. در نخستین ایام شروع جنگ قسمت بزرگ این جنگ که در بین طرفین به وقوع پیوست بر روی خاک کردستان شکل گرفت و هر دو طرف سبب تخریب و ویرانی در خاک کردستان

شدند. درحالی که جنگ سبب از بین رفتن هزاران جوان کرد شد، سایر مناطق کردستان به علت وقوع جنگ نابود شدند.

مسعود بارزانی در مورد تأثیرات جنگ بر روی خاک کردستان عراق می‌گوید: " جنگ عراق و ایران از لحاظ تأثیرات بر روی کردستان عراق هم تأثیرات منفی و هم مثبت داشت، تأثیرات منفی این بود که این جنگ سبب کشت شدن بسیاری از مردم غیرنظامی و ویرانی در کردستان و همچنین زنده شدن پدیده‌ی مزدوری بود و این جنگ بهانه به دست رژیم عراق داد تا حمله شیمیایی علیه کردها انجام بدهد. و به عملیاتی بنام انفال در کردستان بپردازد. تأثیرات مثبت نیز این است که جنگ عراق و ایران سبب گسترش مجدد وزنده شدن دوباره جنبش ملی کرد شد. همچنین افزایش حس قوم‌گرایی شد که در نتیجه منجر به انتفاضه سال ۱۹۹۱ در کردستان شد (نیروه‌ی، ۲۰۰۸: ۱۷۸).

رژیم دولت عراق از ابتدا دهه ۱۹۸۰/م ۱۳۵۸ش هزاران نفر از کردهای فیلی را به علت نداشتن قومیت عراقی از عراق بیرون راند اما در حقیقت زمینه اخراج آن‌ها از عراق عدم داشتن ملیت عراقی نبود بلکه این بود که آن‌ها کرد و شیعه‌مذهب هستند فقط در آوریل ۱۹۸۰ نزدیک ۳۵ هزار تن از تجار و سرمایه‌گذاران کردهای فیلی که به‌عنوان نیروی کار کشور عراق محسوب می‌شدند از عراق بیرون کردند. این امر سبب تأثیرات منفی از لحاظ اقتصادی بر کشور عراق و کردستان شد. این عملکرد فقط در شهرهای عربی و بغداد شکل گرفت بلکه در شهرهای کردنشین نیز مانند سلیمانیه وجود داشت؛ که همزمان در سلیمانیه نیز هزاران نفر از کردهای فیلی با ماشین نظامی به مناطق پنجوین و به سمت ایران فرستادند و تبعید کردند. این عملکرد تا ماه ژوئن همان سال ادامه داشت و تقریباً ۳۰۰ هزار نفر از کردهای فیلی در نتیجه این اقدام جابه‌جا و تبعید شدند (نیروی: ۲۰۱۰، ب ۱، ۷۲؛ بشدری، ۲۰۰۹: ۴۰؛ عه‌بدوللا، ۲۰۰۳: ۱۵۵-۱۵۶).

در روز ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱ رژیم عراق روستاهای مناطق بارزان را تخلیه و سپس تبعید کرد. خانه-هایشان را با بلدوزر ویران کرد. ساکنان آن روستاها را در (القریه العصریه) اردوگاه‌های اجباری در اربیل ساکن کرد. تبعید کردن روستاهای کردستان به بهانه جنگ با ایران یک فرصت برای رژیم عراق بود به این بهانه تمام روستاهای مرزی (ایران-عراق و سوریه-عراق و ترکیه-عراق) را تبعید کرده و یک کمربند ۱۰-۲۵ کیلومتری در آن مناطق را از جمعیت خالی کرده و به‌طوری که حتی یک موجود زنده نیز در آن مکان‌ها وجود نداشت، از جمله چومان در استان اربیل و پنجوین، نالپاریز، بیاره و روستاهای شهر حلبجه و میدان و دربندیخان در استان سلیمانیه و زاخو و امیدی در استان دهوک (بشدری، ۲۰۰۹: ۱۱۰؛ نیروی: ۲۰۱۰، ب ۱، ۱۰۹).

تبعید بعضی مناطق کردستان به خاطر جنگ با پیشمرگه‌های کرد در داخل عراق بود، رژیم عراق برای سرنگونی جنبش ملی کرد بسیاری از روستاها و شهرهای کردستان را پایمال کردند. در سال ۱۹۸۲ نیروهای پیشمرگه در یک نبرد با رژیم عراق تاکتیکی جدید را در جنگی چریکی در برابر ارتش عراق بکار بردند و توانستند نیروهای رژیم عراق را شکست دهند. لذا پس از این نبرد رژیم عراق در واکنش این اقدام روستای حمک را نابود و سرنگون کردند. از این پس در هر روستا جنگ بین پیشمرگه‌ها و رژیم عراق اتفاق می‌افتاد سپس رژیم عراق آن روستا را نابود و با زمین یکسان می‌کرد. در بعضی مناطق نیز اگرچه خالی از نیروهای پیشمرگه بودند، اما به خاطر اینکه سپاه عراق از آن مناطق سوءظن داشتند توسط رژیم مورد تخریب قرار می‌گرفت (بشدری، ۲۰۰۹: ۱۱۲).

در سال ۱۹۸۲ دولت عراق به قصد نابود کردن و از بین بردن باغات و زمین‌های کشاورزی روستاهای حاجی شیخان و لاوری را نابود کردند. در سپتامبر ۱۹۸۲ تعدادی از محلات و خانه‌های شهر کرکوک را به بهانه ساخت راه و جاده تخریب کردند، سپس به هیچ‌کدام از ساکنان آنجا اجازه ندادند که در آن مکان‌ها سکونت داشته باشند و به شهرهای دیگر کردستان منتقل کردند. و به جای آن‌ها عرب‌ها را در آن منطقه جایگزین کردند، اگرچه رژیم عراق به علت هزینه‌های بالای جنگ و کاهش درآمد با شکست مواجه شد. اما هیچ‌وقت دست از جابجایی و تخریب کردن مناطق کردستان برنداشت، به رغم آن بسیاری از کردهای عراق را به‌ویژه در مناطق استراتژیک و نفت‌خیز به جنوب کشور به صورت اجباری منتقل کرد (نیروه‌بی، ۲۰۱۰: ۱، ۱۲۱).

در مارس ۱۹۸۳ دولشکر از نیروهای نظامی ترکیه حدود دوازده کیلومتر از خاک عراق به قصدی برطرف کردن پیشمرگه‌های کردی ترکیه زیرپا گذاشتند بر اساس گفته‌ها توانستند چند پیشمرگه‌ی به قتل برسانند. سپس در اکتبر ۱۹۸۴ رژیم عراق با رژیم ترکیه یک توافق‌نامه را امضا می‌کند که بر اساس این توافق‌نامه طرفین می‌توانند حدود هیفده کیلومتر به خاک یکدیگر اجازه وارد شدن را داشته باشند و بر اساس اینکه در مناطق مورد نظر بجز مبارزان کرد هیچ نیرو و گروهی دیگری وجود نداشت. لذا می‌توان گفت که این توافق‌نامه را علیه جنبش ملی کرد به عمل آوردند، سپس در همین سال ۱۹۸۳ در سلیمانیه دولت عراق تمام اسناد و مدارک دوره عثمانی و انگلیس و اسناد دوران حکومت شیخ محمود نمر را جمع کرده و آتش زدند. با این کار نیز آرشیو چندساله دانش و فرهنگ کرد را از بین بردند (بینگو، ۲۰۱۳: ۲۷۶؛ مخموری، ۲۰۰۶: ۴۳).

هر وقت پیشمرگ های کرد سبب شکست سپاه عراق می شدند، رژیم عراق در عوض این شکست از مردم غیرنظامی انتقام می گرفت. یا در مکانی که آنجا تقابل بین دولت و نیروهای پیشمرگه صورت می گرفت را ویران می کرد، یا به جان مردم غیرنظامی می افتادند، از این جمله می توان به حمله مشترک نیروهای ح. د. ک با دولت ایران در سال ۱۹۸۳ اشاره کرد که توانستند منطقه حاج عمران را زیر تصرف خود درآورند. نیروهای سپاه عراق در این حمله شکست خوردند، سپس در واکنش به این شکست رژیم عراق در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۳ به تبعید ۸ هزار نفر غیرنظامی از منطقه بارزان پرداخت؛ و آن ها را به سمت جنوب عراق تبعید کرد و بعد از مدت کوتاهی آن ها را منهدم کرد، سپس رژیم عراق به ویران کردن تمام روستاهای کردستان به ویژه روستاهای حاشیه مرزی از مرز سوریه در غرب تا خانقین نزدیک مرز ایران در شرق پرداختند، تمام آن ها را نابود و با خاک یکسان کردند (عقراوی، ۲۰۰۷؛ ب: ۱۸۴؛ رسول، ۲۰۰۳: ۴۱).

رژیم عراق تصمیم گرفته بود هم مناطقی که جمعیت غیرنظامی کرد در آن ها زندگی می کند و هم مناطقی که تحت تسلط نیروهای پیشمرگ بود را به یک جهنم برای آن ها تبدیل کند. لذا در تابستان ۱۹۸۳ با هواپیمای جنگی و بالگرد مناطق آزادشده و تحت تصرف مبارزان کرد را بمباران نمود؛ و همچنین باغات و زمین های کشاورزی را تخریب و آتش زدند. حملات نیروهای نظامی عراق از نظر ساکنان روستاهای کردستان یک پدیده ای بود که در کل روز تکرار می شد و روستاها و مقرهای پیشمرگ ها را تخریب و نابود می کردند به مانند اینکه با یک دولت استعمار در جنگ باشند (نیروه: ۲۰۱۴، ج ۱، ص ۱۲۲).

هر وقت که کردهای عراق حقوق خود را از دولت مرکزی عراق خواسته باشند، رژیم عراق آن ها را به چشم خیانت کار نگاه می کرد؛ و مدام از طریق جنگ و حملات نظامی مشکلات خود را با جنبش ملی کرد حل کرده است و مناطق مختلف کردستان را نابود و تخریب می نمود. و هزاران نفر از کردها به قتل می رساند؛ و هر وقتی می دانست جنبش ملی کرد قدرتمند است و دولت عراق قادر به جنگ در برابری آن ها نبود، فوراً پیشنهاد مذاکرات و گفتگو به آن ها می داد و سپس به روی تاکتیک فریب و حيله برای تضعیف جنبش ملی کرد تمرکز می کرد. چنانکه در سال ۱۹۸۴ در جنگ با دولت ایران، احساس کرد که نیروها و توان دفاعی دولتش تضعیف شده است؛ و به همین دلیل تلاش کرد با ح. ی. ن. ک به مذاکرات بپردازد. رژیم عراق همواره تلاش کرده کردها را قانع کند که از همکاری و حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران خودداری نکنند. در آن مذاکرات که در میان دولت مرکزی عراق و ح. ی. ن. ک شکل گرفت خواسته های ح. ی. ن. ک از دولت عراق این نکات ذیل بود:

الف- افزودن به مناطق خودمختار به شیوه‌ی که شهرهای کرکوک، خانقین، سنجار و مندلی نیز در چارچوب مرز خودمختاری باشند.

ب- متوقف کردن سیاست تخریب و تعریب علیه مردم کرد در مناطق مرزی و آن مناطق که خط تماس بین عرب و کرد هستند؛ و بازگشت کردهای تبعیدشده به مناطق خودشان.

ج- تخصیص دادن ۳۰ درصد از درآمد نفت برای بازسازی و پیشرفت کردستان

د- آزاد کردن تمام زندانیان سیاسی و محو کردن گروه‌های مزدور (جاش) که از طرفداران رژیم عراق بودند (ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۷۵).

اگرچه این مذاکرات تا سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۳ش ادامه یافت، ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسید؛ و در طول مذاکرات رژیم عراق، مدام از سیاست خود که جابجای و تعریب و تخریب مناطق کردستان بود پیروی می‌کرد. به محض شکست خوردن این مذاکرات، احزاب و گروه‌های مختلف کرد اتحادی را ضد دولت عراق تشکیل دادند و به هم‌پیمانی با دولت جمهوری اسلامی ایران پرداختند. سپس در سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۴ش هنگامی که آتش‌بس در میان ج. د. ک و ح. ی. ن. ک توسط دولت ایران صورت گرفت، صدام حسین از این اتحاد میان نیروهای کرد و دولت ایران هراسان شد؛ و واکنش وی فرمان شماره ۱۶۰ شورای فرماندهی انقلاب را در ۲۹ مارس ۱۹۸۷ صادر نمود که بر اساس آن علی حسن مجید پسرعمویش را که به علی شیمیایی معروف بود، به فرمانده دفتر شمال حزب بعث منصوب نمود؛ و بر اساس فرمان ۱۶۰ علی حسن مجید از قدرت بی‌حد و حصر در منطقه خودمختاری برخوردار بود. علی شیمیایی در نخستین هفته‌ها و ماه‌های انتصابش، موج اولیه‌ای از پاکسازی روستاها را آغاز کرد و ساکنان روستاهای نابودشده را به اردوگاه‌های اجباری انتقال داد. امین قادر مینه در کتاب خود به ویرانگری روستاهای کردستان می‌پردازد و عدد روستاهای تخریب شده تا سال ۱۹۸۶ به ۱۸۹۵ روستا تخمین زده (یلدز، ۲۰۱۴: ۶۴-۶۵)؛ مینه، ۱۹۹۹: ۲۱۶).

از فرمان‌های علی حسن مجید فرمانده دفتر شمال حزب بعث، اظهار می‌شود که وی پرچم‌دار داشتن بیشترین مورد قتل در کردستان عراق بوده است؛ که به فرمانده‌های فرقه شمال دستور داده بود که با توپخانه‌ها و بالگرد شهرها و روستاهای کردستان را نابود کنند. سپس در سال ۱۹۸۷ به حملات شیمیایی منطقه دولی باليسان پرداخت؛ و آسیب زیادی به آن مناطق رساند. و سپس با نیروهای پیاده و بولدوزر صدها روستا را زیرورو و نابود کرد. طبق داده‌های سازمان میدل ئیست وچ در حمله سال ۱۹۸۷ رژیم عراق دست‌کم ۷۰۳ روستا را از روی نقشه عراق حذف کرد. و ۲۰۹ از آن روستاها در استان اربیل و ۱۲۲ روستا

نیز در دشت‌های گرمیان در جنوب شرق شهر کرکوک و مناطق کوهستان سلیمانیه مورد نابود کردن قرار گرفتند. بعضی روستاهای دیگر نیز در مناطق مختلف کردستان از بین رفتند. سازمان کردس* که یک سازمان امداد داخلی بود، تعداد روستاهای ویران‌شده در نزدیک استان دهوک را بیشتر از ۵۰ روستا تخمین زده است بر اساس داده‌ها در سال ۱۹۸۷ در تمام کردستان ۸۴۰ روستا مورد تخریب قرار گرفته است (ووج، ۲۰۱۳: ۱۳۷؛ محمده، ۲۰۰۴: ۳۱).

در سال ۱۹۸۷ رژیم عراق اسلحه شیمیایی را به دفعات زیاد در مناطق مختلف کردستان بکار برد. به‌ویژه در استان سلیمانیه، طبق داده‌ها بیشتر از ۲۴۴ روستا در معرض حمله شیمیایی توسط رژیم عراق قرار گرفته‌اند. همچنین توسط نیروهای سپاه عراق ۱۳۸ روستا در سلیمانیه، ۵۳ روستا در اربیل، ۴۷ روستا در دهوک و ۶ روستا در کرکوک مورد حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند؛ و بر اساس یک آمار سازمان بین‌الملل در آوریل ۱۹۸۸ آمده است شمار قربانیان حملات رژیم با سلاح شیمیایی را در کردستان ۴۴۴۲۸ نفر تخمین زده‌اند (محمدعلی، ۲۰۰۸: ۲۲۱).

در روز ۱۳ مه ۱۹۸۷ در شهر حلبچه بر ضد سیاست‌های رژیم بعث، توسط مردم آن شهر تظاهراتی شکل گرفت که سبب کشته و زخمی شدن چندین نفر از آن‌ها شد. "سپس توسط امریه جعفر ال‌دیفاع الوطنی الخامس نامه متوجه اعضاء اللجنة الامنیة فی حلبجة کرده است"؛ که در این نامه آمده است بر اساس تصمیم رئیس فلق اول علی حسن مجید تمام زخمی‌های آن تظاهرات را اعدام کنند و شوهر بولدوزر برای ویرانی خانه‌هایشان فراهم کنند و همچنین رفت‌وآمد را هم متوقف کنید. از هر خانواده‌ی که گمان همکاری با نیروهای مخالف دولت را داشتند خانه‌هایشان را بر روی آن‌ها تخریب کنید. سپس با تانک، شوهر و بولدوزر آن محل را با خاک یکسان کنند. در نتیجه این اوضاع منجر به تخریب محله کانی عاشقان در حلبچه محل‌های حصار و چقان در سیدصادق شد. همان‌طور که علی شیمیایی دستور داده بود آن محل را با خاک یکسان کردند (بینگو، ۲۰۱۳: ۲۸۱؛ احمد، ۲۰۰۹: ۳۷؛ سعید، ۲۰۱۶: ۵۴۳).

سال ۱۹۸۸م/۱۳۶۶ش برای قومیت کرد در عراق یکی از سال‌های شوم دهه ۱۹۸۰ بود. می‌توان گفت سال ویرانی و نابودی کردستان و سرنگونی جمعیت کردها از سوی رژیم عراق بود، در این سال به‌رغم نابودی و ویرانی در تمام مناطق کردنشین که قریب ۱۶۷۰ روستا تخت و تاز شد، می‌توان به دو اتفاق بزرگ و فاجعه‌های مرگبار اشاره کرد. نخست حملاتی بنام انفال که در شباط ۱۹۸۸ آغاز شد و در ۵ سپتامبر ۱۹۸۸ خاتمه یافت. رژیم عراق طی این حملات در کل ۸۶ هزار کیلومتر مربع از مساحت خاک کردستان

* Kurds

چهل و دو هزار ۴۸۸ کیلومتر مربع را ویران کرد و ساکنان آن‌ها را تبعید کرد که نزدیک ۴۱.۴۹ درصد کل خاک کردستان را تشکیل می‌دهد؛ و تقریباً نزدیک ۱۸۲ هزار نفر از کردها سرنگون شدند (مخموری، ۲۰۰۶: ۴۵؛ محمده، ۲۰۰۴: ۳۱؛ رسول، ۲۰۰۳: ۴۰).

فاجعه دوم رویداد حلبجه است که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ توسط نیروهای هوایی رژیم عراق در معرض بمباران شیمیایی قرار گرفت و تمام شهر تخریب و ویران شد. در یک روز بیشتر از ۵ هزار نفر از مردم غیرنظامی کشته شدند، همچنین در سال ۱۹۸۸ نزدیک ۴ هزار روستا در کل کردستان عراق توسط رژیم عراق نابود شدند. ویران کردن و جابجایی تنها مخصوص روستاها نبود، بلکه قسمت‌های از شهرها به دلیل شروع جنگ بین عراق و ایران را نیز دربرگرفت یعنی بعضی از شهرها به دلیل جنگ بین عراق و ایران در معرض تهدید و نابودی قرار گرفتند از جمله حلبجه، پینجویین، شاربازیر، دوکان، پشدر و ناحیه‌های نالپاریز، ته‌ویله، بیاره، ماوت، سیروان، خورمال، سیدصادق از جمله آن شهرهای تخریب شده هستند در سال ۱۹۸۷-۸۸، همچنین شهرستان‌های هیرو، گهرمک و باسنی در بین سال‌های ۷۹-۱۹۷۷ تخریب شدند. سپس ناحیه‌های قرداغ، بیتواته، سنگاو و اغجدر در سال ۱۹۸۷ هم‌زمان با روستاها تخریب شدند؛ اما ناحیه‌های دوکان، خلکان و برزنجه در سال ۱۹۸۸ اگرچه هیچ بهانه‌ای برای تخریب آن‌ها وجود نداشت اما با خاک یکسان شدند. تنها بهانه رژیم برای تخریب آن مناطق، این بود که رژیم عراق حدس می‌زد که نیروهای مخالف (پیشمرگه‌های کرد) از آن مناطق برای اجرای عملیاتشان استفاده کنند. به این ترتیب به‌غیر از تعداد نزدیک به ۴ هزار روستا، شمار زیادی از شهرهای کردستان در معرض تخریب و ویرانی قرار گرفتند. (محمدعلی، ۲۰۰۸: ۱۹۲).

۳-۴ درباره آمارهای تخریب

درباره‌ی ویرانی و نابودی‌های روستاها و شهرهای کردستان، آمارهای که در دسترس هستند متفاوت است؛ و تا اکنون نیز آمار درست و حقیقی در مورد تخریب‌های زیرساخت کردستان توسط رژیم بعث در دسترس نیستند، این نیز به آن معنی نیست که داده‌های حاضر اعتباری نداشته باشند. بلکه از یک سو به علت وضعیت کردستان در آن زمان که سرشماری دقیقی انجام نشده است و اگر هم انجام شده باشد الآن در دسترس نیستند. عده‌ی زیاد اطلاعات و داده‌های که در ادارات دولتی در مناطق جنگی قرار گرفته بودند همه آنها در مدت جنگ نابود و از بین رفتند، از سوی دیگر در مورد بعضی مناطق ویران شده هیچ

اطلاعاتی ثبت نشده است و بعضی از مناطق بیش از یک بار در معرض ویرانی و تخریب قرار گرفته‌اند. همانند مناطق سورداش که در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۷۵ و ۱۹۸۸ نیز مورد تخریب و ویرانی قرار گرفته‌اند. به این ترتیب پراکندگی و تفاوت میان داده‌ها تا حدی وجود دارد. بنابراین تاکنون داده‌های قابل اطمینان باشند می‌توان به چندان داده و کتاب اشاره کرد.

نخستین کتاب *ئهمنی ستراتیژی عیراق و سیکوچکه‌ی به‌عسیان: ترحیل، تعریب، تبعیث* [امنی استراتیژک دولت عراق و سیاست سگانه‌ی بعثی‌ها: تبعید، با عرب کردن، با بعثی کردن] با نوشته‌ای *ئهمین قادر مینه*^{۱۸} که بر اساس این کتاب در فاصله سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۶ تعداد روستاهای تخریب شده به ۱۸۹۵ روستا ذکر نموده است. این کتاب که در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده، اگر چه بسیار دقیق و حقیقی است. ولی این منبع تا سال ۱۹۸۶ ویرانی‌های کردستان را ثبت کرده و در حالی که پس از آن سال در فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۸۷ بسیاری از روستا و شهرهای کردستان مورد تخریب و ویرانگری قرار گرفته است. و عده‌ای زیادی از روستا‌های تبعید شده که تا آن زمان معلوم نبود در این کتاب ذکر نشده است

کتاب دوم نیز در مورد تخریب روستاهای کردستان کتاب *Destruction of a Nation*^{۱۹} [نابودی یک ملت] می‌باشد. در این کتاب نیز در سال ۱۹۹۰ در لندن به چاپ رسیده است. اگر چه در مورد روستاهای تخریب شده هیچ توضیحات مطرح نشده، اما تعداد و اسامی روستاهای کل استان‌های کردستان و جایگاه‌های عمومی تخریب شده که شامل از خانوارها، بیمارستان، مدارس، مسجد... ثبت شده است. و تعداد روستاهای تخریب شده به ۳۸۲۴ روستا شماره شده است.

همچنین مراد حکیم محمده در کتاب *ئاکامه کومه‌لایه‌تیه‌کانی سیاستی راگواستنی کورد*^{۲۰} تعداد روستاهای تخریب شده از ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۸ به ۴۴۹۰ روستا برشمار می‌آورد، اما شاید این شماره خیلی زیاد باشد. چون نویسنده از سال ۱۹۷۵ بعد شروع می‌کند، در حال که قبل از آن مدت در کردستان عراق سرپه‌ای زیادی از روستاها مورد تخت و تاز قرار گرفته است. و اگر آن نیز محسوب شود بدون شک شماره روستاهای تخریب شده بر اساس داده‌های مذکور بسیار افزایش می‌یابد و از آمار حقیقی روستاهای تخریب شده فاصله می‌گیرد.

¹⁸ - *ئهمنی ستراتیژی عیراق و سیکوچکه‌ی به‌عسیان: ترحیل، تعریب، تبعیث، ئهمین قادر مینه، سلیمانی: سه‌نته‌ری لیکولینه‌وه‌ی ستراتیجی، چاپی دووهم، ۱۹۹۹.*

¹⁹ - Shorsh M. Resool. *Destruction of a Nation: Statistics Of Atrocities In Iraqi Kurdistan*, n. p.: Harith Zahawi and Latif Rashid, 1990.

²¹ - *محمده، مراد حکیم، ئاکامه کومه‌لایه‌تیه‌کانی سیاستی راگواستنی کورد له عیراق له سه‌رده‌می به‌عس دا، سلیمانی: سه‌نته‌ری لیکولینه‌وه‌ی ستراتیجی کوردستان، ۲۰۰۴.*

همچنین سلیمان عه‌بدوللا در راگواستن گوندنشینه‌کان له ههریمی کوردستانی عیراقد^{۲۱} در مورد روستاهای تخریب شده در کردستان عراق داده‌های ثبت کرده که با دیگران متفاوت است. و نسبت روستاهای تخریب شده از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۸ به ۳۵۳۰ روستا تخمین نموده. و این آمار مقایسه به آمار دیگران تا حد از آمارهای ره‌سول نزدیک است.

لذا به خاطر اینکه آمارهای حاضر باهم متفاوت هستند، ما در این پژوهش بیشتر بر روی آمارهای ره-سول تکیه کرده‌ایم اگرچه در این منبع نیز آماری از مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و مکان‌های عمومی ویران‌شده‌ی استان دهوک و نینوا ثبت‌نشده است. همچنین در مورد آمار مکان‌های عمومی، روستا و شهرستان‌های ویران‌شده‌ی مناطق مندلی، بدره، علی‌خبری، سعدیه و خانقین در استان دیاله و استان‌های واسط و میسان توضیح داده نشده است. علاوه بر آن معایب ذکر شده در بالا، در این پژوهش بیشتر به این منبع و داده‌های آن تکیه شده است. زیرا تاکنون تنها منبع است که بطور خاص در مورد شماره، وقت و اسامی روستاهای تخریب شده در کردستان عراق نوشته شده باشد بنابراین تلاش شده است در چند جدول آن تخریب و ویرانی‌های در بین سال‌های ۸۸-۱۹۶۳ در کردستان صورت گرفته است تفسیر و بررسی کرد.

جدول شماره ۱۷: روستا و شهرهای تخریب شده در کردستان عراق در فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۶۳

۱- استان سلیمانیه					
نام شهرها	خانوارها	روستا	مدرسه	مسجد	بیمارستان
مرکز شهر	۸.۲۸۴	۲۳۴	۱۵۴	۲۰۶	۴۷
حلبجه	۴۱.۷۴۱	۲۱۰	۱۴۴	۲۴۶	۲۹
دوکان	۱۴.۶۷۱	۱۵۹	۱۱۱	۱۵۴	۲۲
قلادزی	۲۲.۶۳۳	۱۶۰	۹۴	۱۵۴	۲۳
رانیه	۱.۲۳۶	۲۲	۱۷	۲۴	۲
کلار	۳.۸۷۸	۱۸۱	۹۲	۸۱	۳

^{۲۱} - عبدالله، سلیمان، راگواستنی گوندنشینه‌کان له ههریمی کوردستانی عیراقد، هه‌ولیر: سه‌ننه‌ری برابه‌تی (گوفار)، شماره ۱۲، ۱۹۹۹.

۷	۳۱	۲۲	۴۱	۴.۳۱۴	در بند یخان
۳۰	۱۳۸	۸۵	۱۷۳	۸.۱۵۴	پنجوین
۴	۱۵۷	۱۰۲	۱۶۴	۹.۸۶۶	چمچمال
۲۰	۱۳۶	۲۰۴	۱۷۷	۱۱.۳۱۱	چوارتا
۱۸۷	۱.۳۲۷	۱.۰۲۵	۱.۵۲۱	۱۲۶.۰۸۸	کل
۲- استان اربیل					
۱۴	۱۳۷	۱۱۳	۱۴۶	۶.۷۳۴	مرکز شهر
۲	۴۳	۲۰	۴۳	۲.۰۱۹	صدق
۹	۸۰	۴۵	۱۱۰	۸.۳۳۸	چومان
۴۴	۹۷	۶۸	۱۰۳	۵.۵۷۰	شقلاوه
۹	۱۳۶	۱۲۵	۱۴۱	۵.۹۷۵	مخمور
۶	۱۲۶	۱۱۹	۱۴۰	۶.۵۶۵	کوی سنجق
؟	؟	؟	۷۰	۱.۲۶۲	میرگه‌سور
۴۴	۶۱۹	۴۹۰	۷۵۳	۳۰.۸۹۳	کل
۳- استان کرکوک					
۵	۳۰	۲۸	۳۱	۲.۱۸۲	مرکز شهر
۴	۳۲	۲۴	۳۱	۲.۱۲۳	دوبز
۳	۴۰	۲۹	۴۵	۲.۴۲۹	لیلان
۴	۵۷	۵۲	۷۰	۲.۶۵۰	شوان
۵	۳۱	۲۷	۴۱	۲.۳۱۰	قره هنجیر
۲۱	۱۹۰	۱۶۰	۲۱۸	۱۱.۶۹۴	کل
۴- استان دهوک					
؟	؟	؟	۶۳	۱.۷۰۷	مرکز شهر
؟	؟	؟	۳۵۰	۱۱.۲۳۳	آمیدی
؟	؟	؟	۱۵۴	۶.۲۴۴	زاخو

؟	؟	؟	۷۱	۲.۹۴۵	سیمیل
؟	؟	؟	۶۳۸	۲۲.۱۲۹	کل
۵- استان صلاح‌الدین					
۱	۹	۸	۹	۱.۰۵۸	مرکز شهر
؟	۵	۵	۶	۸۶۰	دافوق
۲	۳۲	۲۸	۳۹	۱.۹۶۹	نجول
۳	۶۵	۳۵	۸۱	۴.۰۵۵	قادر کرم
۶	۱۱۱	۷۹	۱۳۵	۷.۹۴۲	کل
۶- استان دیاله					
۶	۵۹	۶۰	۸۱	۴.۳۴۶	کفری
۷	۱۴۱	۴۳	۱۵۴	۹.۳۴۰	خانقین
۱۳	۲۰۰	۱۰۳	۲۳۵	۱۳.۶۸۶	کل
۷- استان نینوا					
؟	؟	؟	۳۵	۵۱۴	آکری
؟	؟	؟	۲۳۵	۳.۵۴۰	سنجار
؟	؟	؟	۳۹	؟	تلعفر
؟	؟	؟	۱۵	۲۶۰	تلکیف
؟	؟	؟	۳۲۴	۴.۳۱۴	کل
کل استان‌های کردستان					
۱۸۷	۱.۳۲۷	۱.۰۲۵	۱.۵۲۱	۱۲۶.۰۸۸	سلیمانیه
۴۴	۶۱۹	۴	۷۵۳	۳۰.۸۹۳	اربیل
۲۱	۱۹۰	۱۶۰	۲۱۸	۱۱.۶۹۴	کرکوک
؟	؟	؟	۶۳۸	۲۲.۱۲۹	دهوک
۶	۱۱۱	۷۹	۱۳۵	۷.۹۴۲	صلاح‌الدین
۱۳	۲۰۰	۱۰۳	۲۳۵	۱۳.۶۸۶	دیاله

؟	؟	؟	۳۲۴	۴.۳۱۴	نینوی
۲۷۱	۲.۴۴۷	۱.۸۵۷	۳.۸۲۴	۲۱۶.۷۴۶	کل

منبع :

Shorsh M. Resool. Destruction of a Nation: Statistics Of Atrocities In Iraqi Kurdistan, n. p.:Harith Zahawi and Latif Rashid, 1990.

هه و النامه ی کتیب

فصل چهارم :

خسارات ناشی از جنگ هشت
ساله ایران و عراق

در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش شرایط سیاسی منطقه دچار تغییرات اساسی شده بود، در عراق حسن البکر فوت کرد و صدام حسین جانشین او شد. در ایران شاه از کشور فرار کرده بود و انقلاب اسلامی نیز در حال وقوع بود. در عین حال نیز ناآرامی نسبی در این کشور مشاهده می‌شد و با گذشت یک سال صدام قدرت خود را در عراق تثبیت و تمام تهدیدات داخلی را سرکوب کرده بود. او ابتدا به این فکر افتاد که از ناآرامی‌های داخلی ایران بهره گرفته و اراضی مورد ادعا در قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ را پس گیرد. بدین سان ارتش عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ از مرز عبور کرده تا حوالی آبادان پیشروی کرد. از سوی دیگر امام خمینی نیز ایرانیان را برای دفاع از سرزمینشان آماده کرد و این گونه یک جنگ خونین هشت ساله بین دو دولت تولید کننده بزرگ نفت آغاز شد (بینگو، ۲۰۱۳: ۲۳۹؛ کلی، ۱۳۹۰: ۲۱).

جنگ هشت ساله روبه‌رو شدن دو کشور ایران و عراق به عنوان طولانی‌ترین جنگ در آخر قرن بیستم است که مدت هشت سال ادامه داشت و یکی از آن جنگ‌هایی است که در آن جدیدترین و پیشرفت‌ترین فن آوری و ابزارهای جنگی از جمله موشک، اسلحه شیمیایی، بمب آتش‌زا و بمب هیدروژنی و... استفاده شد. از اینرو موجب ضرر و آسیب زیاد مادی و معنوی در هر دو کشور عراق و ایران شد. چه از لحاظ از بین بردن منابع انسانی و چه از لحاظ تضعیف و آسیب به اقتصاد دارایی و مالی باشد. بر اساس داده‌ها جنگ عراق و ایران سبب تلفات یک میلیون نفر و خسارت پانصد میلیارد دلار برای هر دو کشور تخمین زده شده است. و در نتیجه سبب تضعیف و از بین بردن زیر ساخت اقتصادی هر دو دولت به ویژه دولت عراق شد. شاید هنوز زود باشد که در مورد تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و روانشناسی توضیح داد، چون ده-ها سال دیگر وقت لازم است تا تأثیرات این جنگ بر روی هر دو ملت ایران و عراق رفع شود.

یکی از مهمترین میدان‌های جنگی میان عراق و ایران خاک کردستان عراق بود که به ویژه چهار سال آخر جنگ تعداد زیادی از سلاح‌های جنگی در بین هر دو کشور بر روی خاک کردستان آزمایش کردند. که این عملکرد نیز سبب از بین رفتن، تاخت و تاز تمام آن روستاها شد، که تا آن زمان رژیم بعث عراق قادر به تخریب آن‌ها نبود. اما به علت وقوع جنگ عراق و ایران تمام آن‌ها تخریب شدند و از بین رفتند. تأثیرات جنگ در کردستان عراق تا جایی رسید که تعداد زیادی از شهر و روستاهای کردستان تخریب و با خاک یکسان شد. و این تخریب‌ها فقط به علت وقوع جنگ بین ایران و عراق نبود، بلکه همزمان جنگ عراق و ایران چندین جنگ دیگر در کردستان وجود داشت. از قبیل جنگ مبارزان کرد عراق علیه دولت عراق و جنگ مبارزان کرد ایران علیه دولت ایران، و از همه بدتر جنگ داخلی کردستان و جنگ برادرکشی میان خود کردها که سبب تلفات زیادی از پیشمرگه‌های قهرمان دلسوز خاک کردستان شد و

در نتیجه تأثیرات بسیار منفی بر روی آینده کردستان گذاشت. و این جنگ داخلی میان کردها پدیده‌ای جدید زمان جنگ عراق و ایران نبود بلکه تاریخ جنگ داخلی به دهه سال ۱۹۶۰ و دوره جنبش ایلول برمی گردد و آن تأثیرات تا کنون نیز در کردستان بازتاب دارد به عینه می‌توان آن را احساس کرد که تمام آنها سبب تخریب زیر ساخت اقتصادی کردستان شد (مصاحبه با دلیر حقی‌شاویش ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶).

شروع تخریب و ویرانگری در کردستان عراق و جنگ علیه دولت ایران توسط دولت عراق، به اندیشه و ایدئولوژی حزب بعث الاشتراکی برمی‌گردد که بیشتر از اندیشه های فاشیسم و نازیسم پیروی می‌کرد که در ابتدا تشکیل شدن حزب مذکور از دوره پس از جنگ جهانی دوم توسط میشل عفلق و صلاح الدین بیطار تحت یک اندیشه استبدادی ملی‌گرایانه تشکیل می‌گردد، که وجود ملت‌های غیر عرب را انکار می‌کردند. به خصوص ملت کرد را همانند یک مهمان در کشورهای سوریه و عراق تلقی می‌کردند. این نیز در حالی بود که ملت کرد دارای تاریخ بسیار کهن و فرهنگ منحصر به فرد در خاک کردستان بود، اما از نظر حزب بعث ملت کرد در کشور سوریه و عراق مهمانی بیش نبودند.

برای اثبات این سیاست باید به کتاب محمد طلب هلال به عنوان *دراسة عن محافظة الجزيرة من النواحي القومية، الاجتماعية، السياسية*^{۲۲} [تحقیق درباره استان جزیره از دیدگاه قومی، اجتماعی و سیاسی] اشاره کرد. که این کتاب به اندیشه سیاسی حزب بعث در برابر مسئله کردها اشاره دارد. هلال که مدیر دستگاه اطلاعات در مناطق کردنشین بوده درباره موضع حزب بعث در برابر کردها می‌گوید کردها در کشورهای عربی مانند یک مهمان هستند و هر وقت لازم شد آن‌ها را از کشور بیرون خواهیم کرد. لذا با عرب کردن کردستان و شیوه و مراحل تبعید روستاها اثر کامل جنگ عراق و ایران نبوده و برخی از آن کارهای مخرب با خواسته و موضع حزب بعث در کردستان شکل گرفته است. همچنین همکاری و هماهنگی احزاب و گروه‌های سیاسی با دولت ایران در مدت جنگ علل دیگر تخریب و ویرانگری در کردستان است. و در این فصل تلاش شده است خسارت و تخریب‌های کردستان در مدت جنگ عراق و ایران مورد بررسی قرار بگیرد از جمله آن‌ها می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

^{۲۲} ر.ک: هلال، محمد طلب، *دراسة عن محافظة الجزيرة من النواحي القومية، الاجتماعية، السياسية*، مرکز عاموده للثقافة الكرية، ۲۰۰۳. |

۴-۱ نیروی کار

پس از قرارداد الجزایر تا زمان آغاز جنگ هشت ساله بین عراق و ایران به ویژه در دوران جنگ، تمام ساکنان روستاهای کردستان کوچانده شده در شهرها و مستقر شدند آنان در اردوگاه‌های اجباری قرار گرفتند. در حال تبعید آنها از روستاها به شهرها آنها به هیچ وجه مجاز نبودند که هیچ وسیله همراه خود ببرند، و هر وسیله‌ای که داشتند از جمله محصولات کشاورزی، دامداری، پول نقد و... در روستاها به جا گذاشتند و توسط نیروهای رژیم عراق با هماهنگی لشکر مزدورهای کرد تمام وسایل آنها غارت می‌شد، سپس آتش می‌زدند. و پس از آن که آنها به شهرها تبعید شدند و در اردوگاه‌های اجباری آنها را مقیم کردند. این اردوگاه‌ها در ابتدا دارای هیچ نوع از خدمات دولتی مانند آب، برق، مدرسه، بیمارستان و... نبودند. و در آنجا هیچ گونه فرصت کاری وجود نداشت و هیچ کارخانه و مکان کار کردن در آن اردوگاه‌ها نبود این عملکرد نیز سبب پیدایش بیکاری شد در شهری مانند اربیل در آن زمان و پس از تبعید کردن روستاهای کردستان نسبت بیکاری از ۳ درصد به ۸ درصد و به میزان ۵ درصد افزایش پیدا کرد (سالح، ۲۰۰۸: ۱۰۰).

رژیم عراق حمله، تبعید و تخریب را نه تنها در مناطق کردنشین شروع کرد، بلکه در هر منطقه یک نفر کرد را ساکن بود اگر در مناطق عربی هم باشد به شرط اینکه رابطه سیاسی داشته باشد آن را از بین می‌برد یا او را تبعید می‌کرد. به ویژه کردهای فیلی که ساکن شهرهای بغداد و مرکز عراق بودند که تعداد زیادی از آنها مشغول به کار بازرگانی و صنعت کاری بودند بعضی دیگر از آنها دارای سرمایه‌ی زیادی بودند و به علت داشتن این سرمایه زیاد دولت عراق از آنها ترس و اهم پیدا کرد گمان داشت با این سرمایه از مبارزین کرد حمایت کنند. بنابراین رژیم عراق به دنبال بهانه بود برای تبعید آنها، سپس آنها را به تلاش برای ترور طارق عزیز متهم کرد و نزدیک ۳۰۰ هزار نفر از آنها را به سمت کشور ایران تبعید کرد و سپس تمام ثروت و مالکیت شخصی آنها توسط رژیم عراق مصادره شد. سپس بین عامه مردم شهرهای تکریت و سامرا تقسیم کردند و عربها در مکانهای که آنها زندگی می‌کردند ساکن کردند. با تبعید کردهای فیلی و اخراج کردن آنها از عراق توسط رژیم عراق آسیب زیادی بر اقتصاد کشور عراق وارد شد چون که کردهای فیلی از لحاظ تأمین کردن نیروی کار در عراق نقشی بسیار مهمی داشتند. اما در حقیقت دلیل اخراج و تبعید کردهای فیلی ابتدا کرد بودن آنها و سپس شیعه بودن آنها بود و بعضی از اوقات نیز به

مبارزان کرد در کردستان عراق همکاری کرده و کمک می‌رساندند(سالح، ۲۰۰۹: ۸۱؛ بشدری، ۲۰۰۹: ۴۰؛ عه‌دوللا، ۲۰۰۳: ۱۵۵-۱۵۶).

همچنین به دنبال تبعید روستاهای کردستان در شهرهای کردستان تعدادی از کارخانه‌های صنعتی ساخته شدند و شمار زیادی از نیروی کار در این کارخانه‌ها مشغول به کار شدند اما به محض وقوع جنگ عراق و ایران و از کار افتادن آن کارخانه‌ها نسبت نیروی کار و تولید این کارخانه‌ها نیز کاهش یافت. این امر نیز تأثیرات بسیار منفی بر روی اقتصاد کردستان و عراق گذاشت. در استانی مانند استان سلیمانیه در کارخانه‌های مانند کارخانه سیمان تاسلوجه، گچ بازیان، سنگ بری سرچنار، کارخانه آب معدنی، بافت لباس و...، شمار زیادی از نیروی کار در این کارخانه‌ها مشغول به کار بودند اما به علت بروز جنگ هشت ساله و تبعید روستاهای کردستان و کم شدن تولید تعداد زیادی از آنها از کار افتادند و نسبت نیروی کار نیز به شدت کاهش یافت. کارخانه‌های کردستان هر یک به نحوه‌ی از کار افتادند که تأثیرات زیادی بر روی نیروی کار و نسبت تولید در آن منطقه گذاشت برای مثال مقدار تولید در کارخانه سیمان سرچنار در سال ۱۹۷۹ نسبت ۴۹۴۷۳۸ تن سیمان بوده اما به علت وقوع جنگ و کاهش نیروی کار، تولید این کارخانه در سال ۱۹۸۸ به ۱۷۱۰۶۰ تن سیمان یعنی در آن مدت کوتاه نسبت ۳۲۳۶۷۸ تن سیمان تولید کاهش یافته است(مصطفی، ۲۰۱۴: ۲۱۵).

جنگ عراق و ایران منابع اساسی تلفات انسانی بود که تمام نیروی کار و سرمایه‌های انسانی که در حوزه تولید در کردستان عراق کار می‌کردند توسط رژیم عراق به سوی جبهه‌های جنگ روانه کردند که این عملکرد نیز یک مصیبت دیگری بود که سبب برهم زدن روال تولید اقتصادی در آن کشور شد، به شیوه‌ای که کارخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی خالی از سکنه شدند و جنبه‌های صنعتی و تجارت نیز به علت تأثیرات و استرس جنگ خالی از نیروی کار شدند. تعداد زیادی از آنها که قبلاً در جامعه به عنوان نیروی کار مشغول بکار بودند در مدت بروز جنگ به عنوان سرباز برای جبهه‌های جنگ و راه مرگ به سمت خود جلب کردند. که در نتیجه تعدادی از آنها در میدانهای جنگ جان باختند، عده‌ای دیگر اسیر و سرنگون شدند و عده‌ای زیادی نیز زخمی و سپس معلوم شد دیگر توانایی کارکردن نداشتند و تعداد کمی از آنها سالم از میدان جنگ برگشتند.

شک و تردید وجود ندارد که قدرت اداره کردن هر جامعه‌ای به دست کسانی است که نشان بین ۱۸-۵۰ سال می‌باشد و آنها به عنوان ثروت نیروی کار جامعه هم محسوب می‌شوند اما در کردستان عراق به خاطر سیاست‌های رژیم عراق رسیدن به منافع خود آن ثروت انسانی را از بین برد به شیوه‌ای که در

سال ۱۹۷۸ نسبت نیروی کار کشاورزی در کردستان برای عراق ۱۷۹۱۲۰ نفر بوده است، اما در سال ۱۹۸۷ نسبت نیروی کار به ۵۲۴۹۹ نفر کاهش یافته است آن نیز به علت پیشرفت اقتصادی و دستگاه های کشاورزی نبوده بلکه به سبب اوضاع نامناسب کردستان و جنگ خونین میان عراق و ایران بوده است (احمد، ۱۹۹۴: ۵۴).

علاوه بر این جنگ عراق و ایران سبب تخریب و از بین بردن تعداد زیادی از روستاهای کردستان شد به ویژه مناطق مرزی، همزمان توسط نیروهای سپاه عراق مدام در حال بمباران کردن روستاهای کردستان بود که این بمباران نیز منجر به جان باختن تعداد زیادی از دهقانان و غیرنظامی های کرد روستانشین در روستاها شد. همزمان سبب ایجاد استرس و تردید زیادی برای دهقانان شد که نمی توانستند مثل قبل در زمین های کشاورزی خود کار انجام بدهند و درآمد و تولیدات و محصولات خود را جمع آوری کنند، ناچار از ترس بمبارانها از خانههایشان بیرون نمی آمدند. سپس بعد گذشت مدت کوتاهی دولت عراق به بهانه جنگ شروع به تبعید آن روستاها که تا آن زمان مانده بودند کرد تمام روستاهای مرزی را به سمت شهرها و اردوگاههای اجباری تبعید کرد این امر نیز سبب ایجاد فاصله میان دهقان و زمین کشاورزی شد که علاوه بر تاثیرات اقتصادی، تاثیرات قومیتی نیز بر روی ذهن دهقانان و روستانشینان پدید آورد دیگر برای آنها هیچ نوع از محبت و عشق به روستا و خاکشان باقی نماند و از یک آدم روستانشین به یک آدم شهر نشین تبدیل شدند. بنا بر این تمام دهقانهای که در روستاها مشغول بکار بودند در اردوگاههای اجباری بیکار ماندند و بدین سان بر اثر جنگ و تبعید روستاهای کردستان توسط رژیم بعث عراق، در جامعه کردستان تغییرات منفی بسیاری ایجاد شد. جامعه کردستان از یک جامعه تولید کننده و مشغول به کار به یک جامعه مصرف کننده و بیکار تغییر پیدا کرد. مردم کرد که قبلا صاحب کار و خودکفا بودند در اردوگاههای اجبار نه کار داشتند و نه درآمد این امر نیز تاثیرات بسیار منفی بر روی شخصیت کرد گذاشت که برای پیدا کردن معیشت زندگی خود ناگزیر بود کارهای را انجام بدهد که در شأن شخصیت کرد و خواستههای جنبش ملی کرد بود (عبدالولا، ۲۰۰۳: ۱۵۸).

رژیم بعث عراق در مدت جنگ و به ویژه سالهای آخر جنگ مناطق فراوانی را در کردستان عراق به عنوان مناطق ورود ممنوع (محرمه) شناسایی کرد. سپس بر اساس یک دستور که توسط حسن علی مجید درمورد مناطق محرمه صادر شد دستور داد هر جانوری در داخل مناطق مرزی مورد نظر دیده شد آن را دستگیر کرده و سپس آن را تیر باران کنید. و بر اساس این دستور تعداد زیادی از ساکنان آن مناطق که به عنوان محرمانه شناسایی شده بود توسط رژیم بعث عراق از بین رفتند که بیشتر زن و کودک و

سالخورده بودند. این نیز در حالی بود که بر اساس قوانین بین‌الملل تجاوز به ساکنان مورد نظر که به هیچ گونه ای در تغییرات معادله نظامی و سیاسی هیچ نقشی ندارند امکان پذیر نیست، و باید از آنها محافظت کرده و آنها را به عنوان دسته‌های حمایت شده (فیأت الحمايه) مورد حمایت قرار بگیرند. اما حکومت عراق با توجه به نیت خود تعداد زیادی از مناطق کردنشین را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده بود که آزادی، رفت و آمد و حتی کار نیز در آن مناطق ممنوع شده بود. و از جهت دیگر هر اتهامی را برای هر کسی دست و پا می‌کردند، بدون دادگاهی کردن و دستور حاکم، آن فرد را به عنوان مجرم تلقی می‌کردند و آن را به زندان می‌انداختند و به این صورت تعداد زیادی از جوانان مناطق کردنشین را به زندان‌ها انداختند و تعدادی از آنها تحت شکنجه جان باختند (مسته‌فا، ۲۰۱۰: ۸۷؛ مصاحبه با بکر حمه‌صدیق، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶).

در نتیجه سیاست‌های دولت عراق نسبت به کردها و بروز جنگ هشت ساله میان عراق و ایران تعداد زیادی از نیروی کار در کردستان تلف شدند. اگر نگاه کنیم سال‌های آخر جنگ در مقایسه با سال‌های قبل از آغاز جنگ کاهش در نیروی کار به شدت دیده می‌شود. بر اساس جدول شماره ۱۷ در یک استانی همانند استان سلیمانیه در سال ۱۹۷۷ تعداد مردها ۳۷۵۰۱۰ نفر بوده که ۵۴ درصد کل ساکنان آن استان و تعداد زن‌ها نیز ۳۱۵۵۴۷ نفر که ۴۶ درصد کل ساکنان استان سلیمانیه را تشکیل داده است. اما در سال ۱۹۸۷ همراه با گسترش و توسعه جامعه تعداد مردها به ۴۸۳۲۰۷ نفر ۵۱ درصد کاهش یافته و تعداد زن‌ها نیز به ۴۶۸۵۱۶ نفر به ۴۹ درصد کل ساکنان استان افزایش پیدا کرده است. بر اساس این آمارها مشخص می‌شود که سال‌های آخر جنگ، مقایسه با سال‌های قبل از آغاز جنگ نسبت مرد نه تنها در حال افزایش نبوده، بلکه به علت ناآرامی اوضاع کردستان، شدن کردستان عراق به میدان جنگ عراق و ایران نسبت مرد در آن مدت در معرض کمبود قرار گرفته است.

در مورد پدیده‌ی بیکاری نیز در سال ۱۹۷۷ قریبی ۵۰۷۴ نفر ۲.۴ درصد کل ساکنان استان سلیمانیه بیکار بودند اما در سال ۱۹۸۷ تعداد بیکاران به ۲۰۳۱۸ نفر و ۹.۴ درصد افزایش یافته است. همچنین در حوزه کشاورزی نیز در سال ۱۹۷۷ کسانی که مشغول به کار کشاورزی بودند ۹۱۷۷۷ نفر ۴۳.۶ درصد کل ساکنان استان سلیمانیه را تشکیل می‌دادند اما در سال ۱۹۸۷ این تعداد به ۲۸۵۶۱ نفر و ۱۳.۲ درصد کاهش یافته است تمام این کمبودها به دلیل تبعید روستاهای کردستان و وقوع جنگ بین عراق و ایران صورت گرفته است (ر. ک: جدول شماره ۱۸).

جدول شماره ۱۸: مقایسه مرد، زن و نیروی کار در فاصله سال های ۸۷-۱۹۷۷ در استان سلیمانیه

سال	شمار مردان	نسبت مردان	شمار زنان	نسبت زنان	نسبت کل مرد، زن	بیکاری	درصد بیکاری	نیروی کاری کشاورزی	درصد
۱۹۷۷	۳۷۵۰۱۰	۵۴	۳۱۵۵۴۷	۴۶	۱۱۸.۸	۵۰۷۴	۰.۷۳	۹۱۷۷۷	۱۳
۱۹۸۷	۴۸۳۲۰۷	۵۱	۴۶۸۵۱۶	۴۹	۱۰۳.۱	۲۰۳۱۸	۲.۱	۲۸۵۶۱	۳

منبع: حفید، ۲۰۰۰: ۲۷

اگر چه به خاطر اوضاع نامناسب کردستان و جنگ در مناطق کردستان عراق، تعداد زیادی از مردم سرنگون و به صورت دسته جمعی کشته شدند. و بسیاری از مردم به علت مین گذاری در بسیاری از مناطق کردستان به ویژه روستاهای مرزی از بین رفتند که توسط هر دو دولت عراق و ایران در مناطق مرزی و در اطراف پادگان نظامی علیه هم دیگر گذاشته بودند. همچنین به علت مین گذاری در آن مناطق، بسیاری دیگر از ساکنان آن مناطق زخمی و سپس معلول شدند. و بعضی از آن مین های که در داخل خاک کردستان وجود دارد تاریخ گذاشتن آنها به دوره جنبش ایلول بر می گردد. حکومت عراق به قصد از بین بردن و آسیب رساندن به پیشمرگه ها بسیاری از زمین های کردستان را مین گذاری کرده بود به خصوص مکان های عمومی و اطراف پادگان نظامی تا پیشمرگه های کرد به آسانی قادر به مصادره کردن آنها نباشند. اما در مدت جنگ هشت ساله نسبت زمین های مین گذاری شده افزایش بیشتری یافت. بر اساس آمارهای سازمان* MAG [گروه نصیحت کننده مین] که یک سازمان خنثی مین است. مقدار مین های موجود در کردستان به ۲۰ میلیون مین تخمین زده شده و تعداد قربانی های مین فقط در میان سال ۹۲-۱۹۹۱ نزدیک ۴۴۵۸ نفر زخمی و کشته شدند که بیشتر به علت نا آشنایی و نا آگاهی از زمین های مین گذاری شده بود. اما به طور اعم تعداد قربانی های مین در کردستان ۷۶۰۹ کشته و ۶۵۷۹ زخمی وجود دارد به ویژه در بین ساکنان روستاهای کردستان (سالج، ۲۰۰۹: ۸۶-۸۷).

جنگ عراق و ایران، سیاست تبعید کردن روستاهای کردستان توسط رژیم عراق، کشتن دسته جمعی کردها و سرنگونی کردن آنها، مین گذاری در مناطق کردنشین مسبب تلفات زیاد نیروی کار و منابع انسانی در کردستان عراق شد به ویژه جنگ عراق و ایران که چندین رویداد و فاجعه ی پر مصیبت به دنبال داشت از جمله سرنگون کردن ۸ هزار نفر از بارزانی ها در سال ۱۹۸۳ و شکل گیری پروسه ی انفال و ناپدید شدن

* Mines Advisory Group.

۱۸۲ هزار غیر نظامی، همچنین جان باختن ۵ هزار غیر نظامی در فاجعه حلبچه. تمام آن تلفات انسانی و نیروی کار بود که در دهه ۱۹۸۰ در کردستان عراق واقع شد.

۲-۴ کشاورزی

کشاورزی یکی از آن بخش‌های بود که در مدت جنگ با ضرر و زیان زیادی روبه‌رو شد. چون بیشتر روستاهای کردستان در آن مدت در معرض تبعید و تخریب قرار گرفتند و همچنین به علت بروز جنگ هشت ساله مدام روستاهای کردستان را که در مناطق مرزی عراق و ایران واقع شده بودند بمباران و تخریب می شدند به گونه‌ای که حتی یک روستا هم نماند که تخریب و ویران نشود. علاوه بر تخریب و ویرانگری روستاها، کل زمین‌های کشاورزی و محصولات حاصل از آن را آتش زدند و تمام آن مناطق را از ساکنان روستا و حتی دهقانان خالی کردند و به عنوان نقاط ورود ممنوع شناسایی کردند تمام زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها را نیز آتش زدند. این عملکرد در حالی بود که قبل از آغاز جنگ عراق و ایران منابع اصلی مواد غذایی کردستان و حتی کشور عراق هم بود برای مثال در سال‌های دهه ۱۹۶۰ در کردستان عراق ۶۰ درصد گندم و ۴۵ درصد جو کل کشور عراق را تأمین می‌کردند.

از لحاظ تولید محصولات کشاورزی کردستان عراق جزء مناطق بسیار ثروتمند بود که این محصولات عبارتند از گردو، بادام، انگور، انار و سایر میوه‌ها و از محصولات مناسبی برخوردار بود. همچنین کردستان عراق قبل از آغاز جنگ ۱۰۰ درصد محصولات تنباکو کشور عراق را تأمین می‌کرد و با بهترین کیفیت ممکن در کل سطح کشور در این مناطق تولید می‌شد. محصولات کشاورزی در کردستان چه از لحاظ صنعتی، و چه از لحاظ مواد غذایی که عبارتند از گندم، جو، برنج، تنباکو و تمام انواع میوه‌جات و سبزیجات، علاوه بر تأمین مناطق داخلی کردستان، برای تمام استان‌های دیگر کشور عراق صادر می‌شد به غیر از آن زیر ساخت مصنوعی که در شهرهای کردستان ساخته شده بود مانند ساختن بعضی از کارخانه‌ها شامل موارد زیر است: کارخانه صنایع نساجی و بافت دستی، کارخانه شکر، کارخانه سیمان و... بودند، این کارخانه‌ها علاوه بر اینکه زیر ساخت اقتصادی کردستان را تشکیل می‌داد بسیاری از نیروی کار در داخل این مکانها مشغول به کار بودند.

و تعداد زیادی از واحدهای دامداری در آن مناطق قرار گرفته بود که علاوه بر آن تأمین کننده کلیه فرآورده‌های گوشتی و لبنی در این مناطق بود. اما اکثریت این رگه‌های جریان اقتصادی به دلیل آغاز

جنگ هشت ساله عراق و ایران خاتمه یافت و در کل اثری از این فعالیت‌ها در کردستان برطرف شدند. بنابراین جنگ عراق - ایران و سیاست رژیم عراق نه تنها سبب تبعید و تخریب روستاهای کردستان شد بلکه باعث نابودی و محو شدن آن منابع هم شد که مواد غذایی و صنعتی را برای کردستان و شهرهای دیگر کشور عراق تأمین می‌کرد. این امر نیز تأثیرات بسیار منفی بر روی روستائینان گذاشت چون آنها ناگزیر دست از همه چیز برداشتند و تمام زمین‌های کشاورزی، مال، اموال و زمین‌های کشاورزی خود را ترک کردند در اردوگاه‌های اجباری آنان را مستقر کردند و دیگر قادر به بازگشتن به روستاهای خود نبودند (مصاحبه با دلیر حقی شایس، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶).

رژیم عراق تلاش کرد از طریق تخریب زیر ساخت اقتصادی کردها را از بین ببرد. طبق مواد دستور شماره ۴۰۰۸ در مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ توسط علی حسن مجید مسئول دفتر حزب بعث در شمال صادر گردید. تمام روستاهای کردستان به ویژه مناطق مرزی به مناطق ممنوع ورود و دشمن حکومت عراق تلقی نمود. همچنین بر اساس موادی این دستور به نابودی و تخریب زیرساخت اقتصادی کردستان را با یک سیاست سلسله مراتبی اجراء کرد. در مرحله اول به انتقال ادارات دولتی مانند مدارس، بیمارستان و... در آن مناطق پرداخت و قبل از اینکه به تخریب آن روستاها پردازد قسمت فراوانی از روستاها با منطقه ورود ممنوع اعلام کرد که شامل شهرهای حلبچه، پنجویین و شهرزور تا نزدیک استان سلیمانیه بود و با دستور حسن علی مجید تقریباً میزان ۵ هزار کیلومتر مربع با عنوان زمین‌های ورود ممنوع شناخته شد. و این امر چند سال ادامه داشت و در آن برهه‌ی زمانی هر نوع جاندار زنده ای در آن مناطق دیده می‌شد توسط نیروهای حزب بعث به قتل می‌رسید، بنابراین هیچ کسی قادر به رفت و آمد در آن مناطق نبود (مصاحبه با بکر حمه صدیق، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶).

سپس در مرحله دوم و بر اساس مواد دستور دوم و سوم دستور ۴۰۰۸ به تحریم اقتصادی ساکنان روستاهای کردستان پرداخت. و تمام رفت و آمد در میان روستاهای کردستان و شهرها را متوقف کرد و در عین حال بازاریابی برای فروش کالا و محصولات کشاورزی روستاها را در شهرها ممنوع نمود. و تجارت و تبادل کلیه کالاها، مواد غذایی و محصولات کشاورزی را متوقف نمود. سپس به صورت فراوان به طور کامل روستاها و به ویژه مناطق ورود ممنوع و مناطق مرزی را بمباران می‌کرد. و تعدادی از این بمبها به زمین های کشاورزی اصابت می‌کرد. این امر باعث شد که دیگر دهقانان مثل قبل نتوانند در باغ و زمین‌های کشاورزی خود کار انجام بدهند. لذا تحریمات اقتصادی، بمباران، ممنوعیت تبادل کالا و رفت و آمد میان روستاها و شهرها توسط رژیم عراق منجر به کمبود محصولات کشاورزی در آن مناطق شد و بهانه رژیم

عراق برای انجام این عملکرد وجود نیروهای پیشمرگه در آن مناطق بود، و تلاش کرد با این عملکرد فشار بر روی آنها بگذارد تا آن مناطق را ترک نمایند. همچنین آن دهقانانی که سنشان بالاتر از ۱۸ سال بود برای اینکه از خدمت نظامی بپرهیزند و خود را از جبهه‌های جنگ دور کنند نمی‌توانستند برای بازاریابی محصولاتشان به شهرها وارد شوند. بنابراین بعضی اوقات در یک روستا با چندین دهقان محصولاتشان را جمع می‌کردند به یک آدم سالخورده واگذار می‌کردند. سپس وی را به شکل قاچاق به شهرها برای فروش محصولاتشان می‌فرستادند. این روش سخت فروش علل دیگری بود که باعث کمبود تولیدات محصولات در روستاها شد (مصاحبه با شورش حاجی، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶؛ راندال، ۲۰۰۳: ۳۲۹؛ ر.ک: سند شماره ۱۶). در مرحله سوم نیز رژیم بعث عراق توسط نیروهای عراقی به تبعید کامل روستانشینان کردستان پرداخت و به محض تبعید روستا نشینان؛ آنان را در ۷۲ اردوگاه اجباری از زاخو تا خانقین مستقر کرد. و سپس تمام زمین‌های کشاورزی و محصولات کشاورزی در داخل مناطق و روستاهای آنها را آتش زد و تعداد زیادی از دهقانان کرد را به اتهام داشتن رابطه با پیشمرگه‌ها زندانی و سپس آنها را سرنگون کرد. رژیم بعث عراقی در این مرحله به تخریب زیرساخت اقتصادی پرداخت و شروع به تخریب و پایمال کردن روستاها نمود. به گونه‌ای که نیروهای عراقی به سمت هر روستا که حرکت می‌کردند آن روستا را با خاک یکسان می‌کردند و همه‌ی چشمه‌ها و قنات‌ها را پر می‌کردند. در آن دوران در روستاهای کردستان گودال بزرگی برای آب می‌ساختند و با یک موتور آبی برای آبیاری، کشاورزی و دامداری از آن استفاده می‌کردند. نیروهای عراق در هر مکان به آن چاه‌های آبی برخورد می‌کردند چاه را پر می‌کردند و موتور آبی را نیز به عنوان غنیمت با خود می‌بردند. به این روش صدها چشمه و قنات در مناطق روستایی کردستان توسط رژیم عراق پر کردند و از بین بردند. و هر چیزی که در آن روستا موجود بود توسط نیروهای رژیم و مزدورهای کرد غارت می‌شد. زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها را آتش می‌زدند و کندو زنبور عسل آنها را به زمین می‌زدند و از بین می‌بردند، و در آن روستاها دست به کارهای می‌زدند دوباره قابلیت زندگی کردن در آن نباشد (عبدالولا، ۲۰۰۳: ۱۶۶).

رژیم عراق با انجام این عملکرد آن رابطه اقتصادی که میان روستاهای کردستان و شهرها وجود داشت خاتمه داد. زیرا کلیه محصولات از قبیل گندم، جو، برنج، خیار، گوجه، پنبه، تنباکو و تمام انواع میوه‌جات و سبزی‌جات در یک شهر مثل شهر حلبچه از طرف روستاهای اطراف و به خصوص روستاهای دشت شهرزور تأمین می‌شد. لذا به محض غارت، تخریب، ویرانگری روستاها توسط رژیم عراق تمام این محصولاتها نیز خاتمه یافت. بنابراین از آن مدت به بعد رژیم عراق برای کسب محصولات به واردات از

خارج کشور پرداخت از طریق نماینده‌های غذایی در بغداد مواد غذایی را از قبیل برنج، روغن، تخم مرغ، گوشت، شکر، چای و... ارسال می‌نمود. این نیز نه تنها بر کردستان عراق بلکه بر کشور عراق نیز تأثیرات بسیار منفی باقی گذاشت. چون از یک سوی جامعه کرد بیکار شد و از سوی دیگر سبب افزایش قیمت کالا شد. همچنین دشت های کردستان از جمله دشت شهرزور و پشدر در سلیمانیه، دشت قراج، کندیناوه و مخمور در اربیل و دشت سیمیل و سندی در دهوک نمونه و الگوی دشت های بارور و حاصلخیزی هستند و در حوزه تولید محصولات در سطح بالا قرار گرفته بودند. در بعضی از قسمت های این دشت‌ها از کاشت یک تن گندم یا جو تقریباً ۶۰ تا ۷۰ تن محصولات برداشت می‌شد و به شهرهای کردستان و شهرهای کشور عراق نیز ارسال می‌شد و از این راه دهقانان معیشت زندگی خود را تامین می‌کردند. اما پس از شروع جنگ، تبعید و تخریب روستاها توسط نیروهای عراق تمام این محصولات نابود شدند و در بازارهای کردستان و عراق نیز از یک سو قیمت آن بالا رفت، از سوی دیگر دهقانان نیز بی‌کار ماندند و به جای تولید کردن شروع به مصرف نمودند (مصاحبه با شورش حاجی، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶).

این روش تولید استراتژیک در کردستان به طور کلی دچار تضعیف و کمبود شد به شیوه‌ی که در سال های ۸۱-۱۹۸۰ مساحت کشت محصولات گندم در کردستان ۱۳۱۲۱۰۰ دونم و تولید آن ۲۶۷۲۲۳ تن گندم بوده است. در همان سال ها مساحت کشت محصولات جو ۷۲۹۱۴۰ دونم و تولید آن ۱۴۶۳۲۲ تن بوده اما در سال های ۸۹-۱۹۸۸ مساحت کشت گندم ۸۰۶۱۶۳ دونم و تولید ۲۶۷۲۲۳ تن گندم کاهش یافته است در عین حال نیز مساحت کشت محصولات جو نیز برای ۵۳۷۰۴۳ دونم و تولید آن ۳۷۹۳ تن جو کاهش یافته است (ر. ک : جدول شماره ۱۹).

جدول شماره ۱۹ : مقایسه محصولات گندم در فاصله سال‌های ۸۸-۱۹۸۰ در کردستان

سال	گندم		جو	
	مساحت به واحد دونم	تولید به واحد تن	مساحت به واحد دونم	تولید به واحد تن
۱۹۸۱-۱۹۸۰	۱۳۱۲۱۰۰	۲۶۷۲۲۳	۷۲۹۱۴۰	۱۴۶۳۲۲
۱۹۸۹-۱۹۸۸	۸۰۶۱۶۳	۱۲۳۳۷۶	۵۳۷۰۴۳	۳۷۹۳۳

منبع : ناماری به‌روبو می‌گه‌نم و جو، ده‌سته‌ی ناماری حکومتی هه‌ریمی کوردستان 1981، 1989.

بعد از کمبود محصولات، گران شدن کالا در بازار، حکومت عراق بشدت بر روی واردات کالا و محصولات تمرکز کرد و بطور کلی از خارج کشور کل محصولات کشاورزی را وارد کشور می کرد. این امر نیز دولت عراق را با تضعیف زیر ساخت اقتصادی روبه رو کرد.

جنگ هشت ساله بین ایران و عراق فقط در زمینه کشاورزی تأثیر گذار نبود، بلکه تأثیرات این جنگ مساحت فراوانی از جنگل های طبیعی و مصنوعی در کردستان را نیز در بر گرفت. و بر اساس آمارها از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۹ مساحت جنگل های کردستان به نسبت ۳۸.۳ درصد کاهش یافته است. که از لحاظ اقتصادی آسیب بزرگی محسوب می شود. زیرا جنگل منابع اصلی و مهمی هستند در حوزه تامین منابع اولیه در صنعت و بکاربردن آن برای سوخت. اما جنگ عراق و ایران سبب نابودی مساحت زیادی از جنگل های کردستان شد. به عنوان نمونه در یک شهر مانند استان سلیمانیه در سال ۱۹۷۷ شمار درختان یازده میلیون ۵۵۷ هزار و مساحت زمین های زراعی و باغات نیز ۱۹ هزار دونم بوده است. اما در سال ۱۹۸۹ تعداد درختان به ۵۹۷ هزار و مساحت زمین های زراعی و باغات به ۳۷۱۴ دونم کاهش یافته است (ر.ک: جدول شماره ۲۰).

جدول شماره ۲۰: تعداد درختان و مساحت جنگل در فاصله ی سال ۱۹۷۷-۸۹ در استان سلیمانیه

سال	تعداد درختان	مساحت باغات
۱۹۷۷	۱۱۵۵۷۰۰۰	۱۹۰۰۰
۱۹۸۹	۵۹۷۰۰۰	۳۷۱۴

منبع: وزارت التخطيط، الجهاز المركزي للأحصاء، المجموعات الإحصائية السنوية للسنة ۱۹۷۷، ۱۹۸۹

به رغم محدودیت مساحت و کمبود تولیدات کشاورزی در کردستان عراق در مدت جنگ هشت ساله ایران و عراق، خیلی از محصولات کشاورزی به علت وقوع آن جنگ و تبدیل شدن خاک کردستان به میدان جنگ، از بین رفته اند. چنان که در جدول شماره ۲۱ آمده است کل زمین های کشاورزی اعم از محصولات گندم، جو، نخود، عدس و... که مساحت آنها پنج میلیون ۲۷۷ هزار ۶۷ دونم بوده است. در مدت جنگ و به خصوص در عملیات انفال و شیمیایی کردن مناطق مختلف کردستان عراق از بین رفته است.

جدول شماره ۲۱: میزان خسارات وارده به محصولات کشاورزی در کردستان

محصولات	مساحت به واحد دونم	سلیمانیه	اربیل	دهوک	کرکوک	سایر استانها
گندم	۲۷۱۸۰۶	۲۸.۶۶	۴.۰۸	۳.۵۵	۵۴.۹۳	۸.۷۷
جو	۲۲۴۲۵۴	۲۹.۱۷	۸.۹۷	۲.۹۰	۵۵.۳۶	۳.۶۰
نخود	۱۸۵۰۴	۳۴.۹۴	۹.۰۷	۱۹.۱۸	۳۴.۲۱	۲.۶۱
عدسی	۱۳۲۰۳	۱۸.۵۲	۷.۶۶	۱۵.۴۵	۵۷.۹۵	۰.۴۲
کل	۵۲۷۷۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: پروژه‌ی نهرشیفکردنی جینوساییدی گه‌لی کورد- زنجیره ۴، وه‌زاره‌تی کاروباری شه‌هیدان و نه- نفالکراوه‌کان، حکومه‌تی هه‌ریمی کوردستان.

رژیم عراق به تبعید و تخریب روستاها و تخریب زیرساخت اقتصادی کردستان بسنده نکرد بلکه به محض تخریب روستاها شروع به مین‌گذاری در امکان عمومی، اطراف پادگان نظامی و زمین‌های کشاورزی و کوه‌های کردستان نمود و بخش‌های زیادی از خاک کردستان را مین‌گذاری کرد. که تا حالا نیز توده‌ی کردستان با قربانی‌ها مین و انفجارهای مین درگیر هستند و اثرات بسیار منفی بر روی آنها گذاشته است. شمار زیادی از مردم به سبب انفجار مین کشته و زخمی شده‌اند و بر اثر مین تعداد زیادی از مردم کردستان دچار معلولیت شده‌اند. طبق داده‌های سازمان MAG، مساحت زمین‌های که در کردستان مین‌گذاری شده است شامل موارد زیر می‌باشد:

- در استان سلیمانیه قضا‌های حلبچه، پینجوین، قلادزه، رانیه، شارباژیر، دوکان مساحت زمین‌های مین- گذاری شده ۵۷۹۱۳۳۳۴ متر مربع است.
- در استان کرکوک قضا‌های چمچمال، دربندیخان، کلار، کفری، خانقین مساحت زمین‌های مین‌گذاری شده ۴۹۸۰۴۰۷۵ متر مربع است.
- در استان اربیل قضا‌های چومان، سوران، میرگه‌سور، شقلاوه، کویسنجق مساحت زمین‌های مین‌گذاری شده ۵۴۴۲۸۴۷۸ متر مربع است.
- در استان دهوک در قضا‌های سیمیل، زاخو، آمیدی، شیخان، آگری مساحت زمین‌های مین‌گذاری شده ۳۵۹۳۵۹۵ متر مربع است.

به این ترتیب در کل خاک کردستان مساحت زمین‌های مین گذاری شده نزدیک یکصد و هشتاد و سه میلیون ۷۳۹ هزار و ۴۸۲ متر مربع می‌باشد. همچنین تعداد کل مین‌های که در خاک کردستان مین-گذاری کرده‌اند به بیش از ۲۵ میلیون مین تخمین زده‌اند و آمار نشان می‌دهد که بیشتر آنها در زمین-های کشاورزی به کار برده‌اند. آن نیز به طور کلی در سطح منطقه‌های مین گذاری شده در جهان؛ کردستان عراق در رتبه اول قرار گرفته است. همچنین طبق داده‌های سازمان عمومی اقلیم مرتبط با مین در کردستان ۳۱۴۹ تکه زمین‌های مین‌گذاری شده در مساحت ۷۸۸ کیلومتری مربع در کردستان عراق واقع شده است (سالح، ۲۰۰۹: ۸۶-۶۷).

هوشیار علی عبدالحسن ساکن شهر حلبچه، یکی از قربانی‌های مین است. که به سبب انفجار مین هر دو پاهایش را از دست داده است. وی در خنثی مین از مهارت زیادی برخوردار است. به خاطر خنثی تعداد زیادی از مین‌ها او را با لقب هوشیار مین نام گذاری کرده‌اند. وی در مورد رابطه خود با خنثی مین در کردستان می‌گوید: " من از سال ۱۹۸۱ به بعد با خنثی مین در مناطق مختلف کردستان مانند حلبچه، پنجوین، برزنجه، کویسنجق، آمیدی، دیرلوک، قصرشیرین، خانقین... سروکار دارم. در زمین‌های مین گذاری شده نزدیک ۲۳۸۶۰۰۰ مین را خنثی کرده‌ام. و فقط در منطقه پنجوین در مساحت ۵۴۰ هزار دونم بیشتر از یک میلیون ۷۰۰۰۰۰ مین را خنثی کرده‌ام که بیشتر آنها در دوره جنگ هشت ساله عراق و ایران در مناطق مختلف کردستان به کار گذاشته‌اند" (مصاحبه با هوشیار مین، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۶).

همچنین دامپروری نیز یکی دیگر از جنبه‌های آسیب پذیر در جامعه از نتایج جنگ بود. در حالی که مناطق کردستان عراق به علت آب و هوا مناسب به بهترین مکان برای چراندن دام‌ها و دام‌پروری در کل کشور عراق محسوب می‌شد. و همچنین ثروت دامداری که یکی از پایه‌های اقتصادی در هر جامعه‌ای می‌باشد. کردستان عراق نیز از لحاظ دامداری بسیار ثروتمند بود. اما به علت تبعید و تخریب روستاها و جنگ بین عراق و ایران و تاثیرات آن جنگ در مناطق کردستان عراق؛ ثروت دامداری نیز مانند بقیه جنبه‌های دیگر اقتصاد در معرض تضعیف و نابودی قرار گرفت. بر اساس جدول شماره ۲۲ جانواران تلف شده که شامل گاو، گاو میش، گوسفند، بز، خرگوش، قاطر، اسب، خر و... می‌شد و همچنین پرنده‌های تلف شده نیز شامل بوقلمون، قو، مرغ و... بودند. فقط به علت انفجار مین در مناطق مختلف کردستان ۱۸۶۸۲ راس حیوان از بین رفتند. طبق داده‌ها در مدت جنگ گوسفند به ۳۳.۲ درصد، بز ۶۵ درصد، گاو ۸۷ درصد و گاو میش نیز به ۶۰ درصد کاهش یافته‌اند که در جدول شماره ۲۲ به خسارت‌های آن در مدت جنگ می‌پردازیم (احمد، ۱۹۹۴: ۹۹؛ صالح، ۲۰۰۹: ۸۶-۸۷).

جدول شماره ۲۲: میزان خسارات وارده به دام و طیور در کردستان

استان	گاو	گوسفند	بز	خرگوش	خر	قاطر	اسب	طیور
سلیمانیه	۲۱۱۳۳	۲۱۸۹۷۸	۱۳۵۷۶۳	۴۷۹۷۵	۴۰۸۸	۱۵۰۵	۱۶۳۴	۱۶۷۱۰۲
اربیل	۷۶۵۲	۲۸۳۳۱	۴۴۰۰۳	۱۲۲۲۸	۱۱۷۵	۶۴۷	۷۳۸	۸۶۹۰۸
دهوک	۶۰۱۴	۶۶۲۹۳	۸۳۶۲۳	۵۲۵۸	۸۷۶	۱۰۸۴	۱۳۱۵	۶۶۲۸۵
کرکوک	۳۶۰۷۶	۳۱۷۲۱۲	۲۱۴۶۷۸	۷۶۰۹۲	۷۵۷۴	۲۶۲۳	۲۶۵۴	۲۳۳۱۵۳
سایر استانها	۹۰۹	۵۳۷۰۷	۲۴۹۵۳	۱۲۲۹۸	۹۳۵	۴۶	۸	۲۹۲۴۴
کل	۷۱۷۸۴	۶۸۴۵۲۱	۵۰۳۰۲۰	۱۵۳۸۵۱	۱۴۶۶۶	۵۹۰۵	۶۴۲۱	۵۸۲۶۹۲

منبع: پروژه‌ی نثرشیفکردنی جینوساییدی گله‌ی کورد- زنجیره ۴، وهزاره‌تی کاروباری شه‌هیدان و نه-

نفالکراوه‌کان، حکومه‌تی ههریمی کوردستان

همچنین در مورد خسارت‌های ماشین، وسایل و دستگاه‌های کشاورزی که شامل موارد زیر هستند در اسه، تراکتور، موتور آب، پیک آب، کامیون، موتور سکلیت و... همانطور که در جدول شماره ۲۳ آمده است در استان سلیمانیه ۳۲۰۱ عدد، در استان اربیل ۱۲۳۷ عدد، در استان دهوک ۸۶۷ عدد، در استان کرکوک ۴۴۱۸ عدد و در استان‌های دیگر نیز ۷۷۶ ماشین و وسایل کشاورزی از بین رفته شد و در مورد خسارات طلا و نقره نیز در مدت عملیات انفال و شیمیایی کردن شهرهای کردستان مقدار ۱۸۸۲۷۱ مثقال طلا و ۶۵۵۰۳ مثقال نقره از بین رفته‌اند.

جدول شماره ۲۳: نسبت خسارات وسایل کشاورزی، طلا و نقره

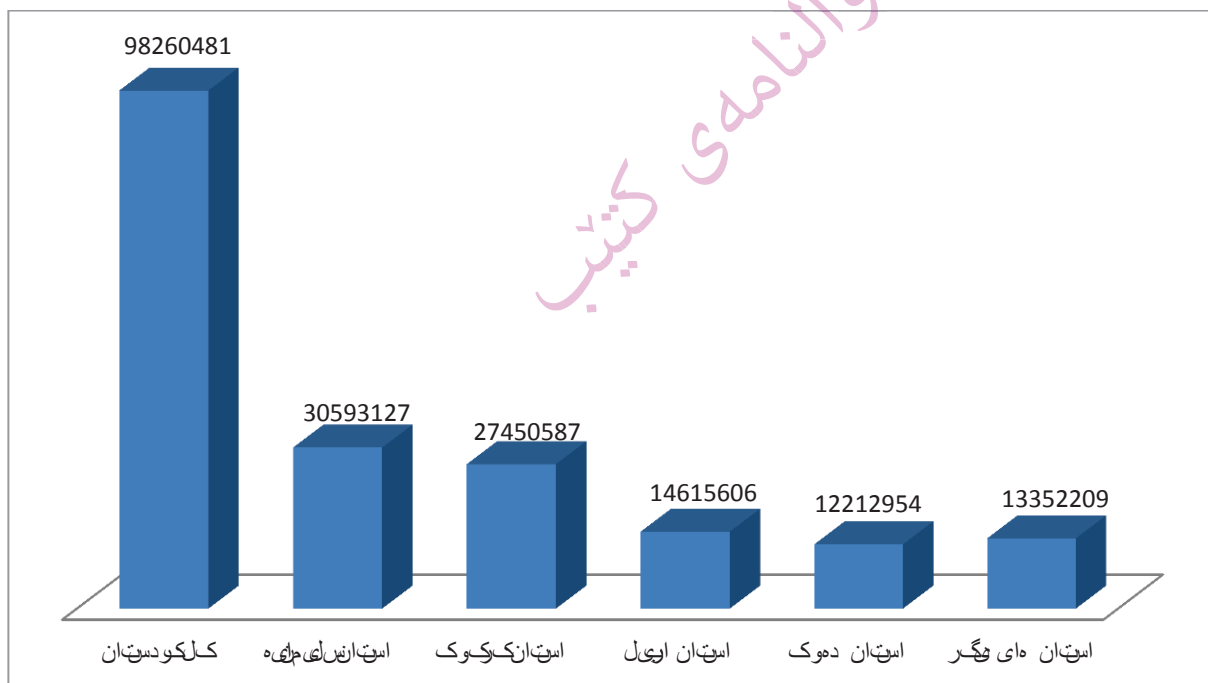
وسایل	سلیمانیه	اربیل	دهوک	کرکوک	سایر استانها	کل
ماشین‌ها و دستگاه‌های کشاورزی	۳۲۰۱	۱۲۳۷	۸۶۷	۴۴۱۸	۷۷۶	۱۰۴۹۹
طلا / مثقال	۵۴۸۲۴	۳۸۷۱۷	۲۶۱۲۵	۳۷۹۹۶	۳۰۶۰۹	۱۸۸۲۷۱
نقره / مثقال	۱۹۹۶۲	۳۶۹۵	۶۶۱۰	۲۱۳۱۶	۱۳۹۲۰	۶۵۵۰۳

منبع: پروژه‌ی نثرشیفکردنی جینوساییدی گله‌ی کورد- زنجیره ۴، وهزاره‌تی کاروباری شه‌هیدان و نه-

نفالکراوه‌کان، حکومه‌تی ههریمی کوردستان.

همچنین پول‌های که در عملیات انفال و شیمیایی کردن مناطق های مختلف کردستان توسط نیروهای عراق و مزدورهای کرد غارت شد بر اساس آنکه در جدول شماره ۲۴ آمده است. که استان سلیمانیه در رتبه اول قرار گرفته و در مقایسه با سایر استانهای کردستان بیشترین پول در استان سلیمانیه که مقدار آن سی میلیون و پنج صد و نوت و سه هزار و ۱۲۷ دینار غارت شده است. به دنبال استان سلیمانیه، استان کرکوک بود که میزان بیست و هفت میلیون و چهار صد پنجا هزار و ۵۸۷ دینار غارت شد. سپس در استان اربیل نیز مقدار ۱۴۶۱۵۶۰۶ دینار و در استان دهوک نیز ۱۲۲۱۲۹۵۴ دینار غارت شد. همچنین در تمام مناطق های که کردنشین هستند و تابع استان‌های عراقی هستند مقدار ۱۳۳۵۲۲۰۹ دینار غارت شد. به این ترتیب در کل کردستان عراق مقدار ۹۸۲۶۰۴۸۱ دینار غارت شد. لازم به ذکر است در آن زمان ۱ دینار عراقی در معادل ۳ دلار امریکایی بود.

جدول شماره ۲۴: میزان پول‌های از دست رفته در مناطق مختلف کردستان



منبع: پروژه‌ی نشر شیفرکوردنی جینوساییدی گه‌لی کورد- زنجیره ۴، وه‌زاره‌تی کاروباری شه‌هیدان و نه- نفالکراوه‌کان، حکومتی ههریمی کوردستان.

۳-۴ تلفات منابعی انسانی

اگرچه کردهای عراق از ابتدای شکل‌گیری دولت عراق در مقابل خواستار ملت‌گرایی خود دچار سختی و رنج‌های بسیار شده‌اند و با ظلم و شرارت حکومت‌های متوالی آن کشور روبه‌رو شده‌اند، و با انواع قتل دسته‌جمعی سرکوب شده‌اند. اگرچه قتل دسته‌جمعی در عراق دارای تاریخ جدیدی نیست، اما می‌توان گفت در دوره حزب بعث و به خصوص در مدت جنگ عراق - ایران قتل دسته‌جمعی کردها به اوج خود رسید.

رژیم عراق طبق برنامه‌ریزی حزب بعث در صدد بود برای حذف موقعیت کردها در عراق، مثل اینکه نازی‌ها در واقعه هولوکوست یهودی‌ها را حذف نمودند. بعثی‌ها نیز در عراق در برابر کردها همچون اقدامی را انجام دادند. طبق ایده‌ی حزب بعث عربی سوسیالیستی هر قومیت بر روی خاک عرب وجود داشته‌باشد در نظر آن‌ها به مهمان محسوب می‌شوند. و در صورتی به عنوان مهمان پذیرفته می‌شوند که از سیاست‌های حزب بعث پیروی کنند، و برای موفقیت آن کوشش خواهند کرد. و در غیر این صورت آن قومیت مورد حذف و نابودی قرار می‌گیرد. و این اقدام حذف و سرنگونی اقوام غیره در صورت عدم مطابقت با سیاست‌های آن‌ها در سه مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول تعریف و شناسایی قومیت و در مرحله دوم جمع‌آوری قومیت سپس در مرحله سوم حذف و سرنگونی آنها اجراء می‌شود (سالح، ۱۹۹۹: ۱۰۰-۱۰۲).

حزب بعث عربی در عراق تلاش کرد از این جهت موقعیت کردها را در عراق از بین ببرد. در مرحله اول حکومت عراق کردها را به عنوان خیانتکار (مخرین) شناسایی کرد و طبق مواد نخست دستور شماره ۴۰۰۸ در مورخ ۱۹۸۷/۶/۲۲ توسط علی حسن مجید مسئول دفتر حزب بعث در شمال صادر گردید. می‌گوید: "تمام میدان‌های جنگی (که منظورش مناطق کردستان عراق بود) مناطق ممنوع الورد و دشمن حکومت عراق می‌باشند. و این چنین کردها به عنوان مجرم و مزدور و عروسک دست دولت ایران، از سوی حکومت بعث شناخته شده‌اند. و در مرحله دوم نیز به تبعید و گردآوری آنها پرداخت، تمام روستاهای کردستان در ۷۲ اردوگاه‌ی اجباری از زاخو تا خانقین جمع‌آوری و سپس مستقر نمود. و پس از آن حزب بعث عراق در صدد بود در اجرای مرحله سوم کردها را به طور کامل از بین ببرد اما با خاتمه جنگ عراق و ایران و شروع جنگی خلیج و بروز انتفاضه توده‌ی کردستان در سال ۱۹۹۱ حزب بعث زمان لازم رسیدگی

به اجرای این مرحله را نداشت؛ اگرچه در مدت جنگ عراق و ایران در امکان و زمان‌های مختلف به انواع قتل دسته‌جمعی آن‌ها دست زد (ره‌سول، ۲۰۰۳: ۷۹).

یکی از پایه‌های قدرتمند بودن هر جامعه‌ای در دنیا اعتبار آن با دو نوع ثروت است، که اول ثروت انسانی و سپس ثروت طبیعی می‌باشد. و بزرگترین منابع قدرت نیز در هر جامعه‌ای همین ثروت انسانی است. که قومیت کرد در کردستان عراق به سبب تبعید و تخریب روستاهای کردستان و سپس ادامه جنگ در بین عراق و ایران، ثروت انسانی آن به طور کامل توسط نیروهای رژیم عراق تلف گردید. در این راه ده‌ها هزار قتل دسته‌جمعی، سرنگونی و ناپدید شدن و هزاران نفر نیز کشور را ترک و مهاجرت کردند، جامعه ی کردستان دیگر از لحاظ منابع انسانی به طور کامل دچار مشکل شد و نیروی کار آن از بین رفت. و در ابتدا سال ۱۹۸۰ هزاران کرد فیلی در استان‌های بغداد، سلیمانیه و دیگر استان‌های عراق به علت نداشتن تطابق با قومیت عراق و مذهب شیعه به سمت مرزهای ایران آواره شدند (نیرویی، ۲۰۱۰: ۱، ۷۹؛ مصاحبه با شورش حاجی، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶).

بعد از حمله مشترک نیروهای ایران و نیروهای حزب پارت دمکرات کردستان در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳ به مناطق حاج عمران و پیشروی کردن آنها نزدیک ۲۰ کیلومتر جاده هاملتون، که این زنگ خطر برای نیروهای عراق ایجاد شد که سراسر مناطق رواندوز را از دست بدهند. در واکنش به این رژیم عراق بعد از یک هفته از حمله مشترک نیروهای ایران و ح. د. ک به تبعید بارزانی‌ها در اردوگاه‌های اجباری هریر، دیانا، قوشتپه پرداخت و در مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۳ بیشتر از ۸ هزار غیرنظامی مرد و که کل آنها از طایفه ی بارزانی بودند توسط نیروهای عراق به سمت بغداد، سپس مرزهای سعودیه و بیابان‌های جنوب عراق ربوده شدند و دیگر هیچ خبری از آنها نشد و عملاً ناپدید شدند (پاوه، ۲۰۰۶: ۱۵؛ لیزنبرگ، ۲۰۱۱: ۳۲).

اما در یک سخنرانی توسط صدام حسین در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۳ در مورد بارزانی‌ها گفت: "تمام کسانی که به پسران بارزانی کمک می‌کنند، ما آنها را تنبیه خواهیم کرد. و تمام آنها به مجازات اعدام رسیدند و به جهنم انداخته شدند." سخنان صدام حسین نشان دهنده این است که بارزانی‌های ربوده شده به شیوه‌ای دسته جمعی از بین رفته‌اند. و بعضی از مورخان بر این باورند که قبل از حمله مشترک به سمت مناطق حاج عمران نوع مذاکرات مخفی در بین صدام حسین و هر دو پسر بارزانی وجود داشته است و توافق کرده‌اند در مقابل دو میلیون دلار که به نیروهای حزب دمکرات کردستان بدهند، که این نیروها همراه با ایران در حمله مشترک به منطقه حاج عمران شرکت نکنند. ولی بعد از شروع حمله

نیروهای حزب دمکرات کردستان نه تنها بی‌طرف نماندند، بلکه در آن حمله پیشروی نیروهای ایرانی نقشی مهمی در صورت گرفتن این حمله داشتند. و به آن وعده‌ی که به صدام داده بودند وفادار نبودند. در واکنش این عملکرد نیز صدام به سرنگون کردن بارزانی‌ها پرداخت (مصاحبه با عبدالمصور، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۶).

اگرچه پس از حمله ایران، صدام حسین در یک مصاحبه تلویزیونی به پیروزی نیروهای ایرانی اعتراف کرد که بر اساس کمک و حمایت نیروهای حزب دمکرات انجام شده است. اما در مورد شرکت حزب پارت دمکرات کردستان در آن حمله مسعود بارزانی حرف‌های صدام را رد می‌کند و می‌گوید: "شرکت ما در حمله به حاج عمران به این شدت نبود که سران حکومت عراق در رسانه‌ها از آن سخن می‌گویند." (نیرو، ۲۰۰۸: ۳۱۲-۳۱۵).

اما موضوعی که تا حالا نیز مشخص نیست یک سخن صدام حسین است که می‌گوید: "و نکثوا بالعهد مرتین" که به وعده شکنی پسران بارزانی اشاره دارد. و در موقع دستگیری و دادگاهی کردن تا زمانی که اعدام شدند در این مورد هیچ نوعی سوال پرسیده نشد. که روشن شود که مقصد او در آن سخن چه است. لذا این مسأله نامشخص ماند.

همچنین در ابتدا سال تحصیلی ۸۶-۱۹۸۵ توسط رژیم عراق ۱۵۰۰ دانش‌آموخته که سن آنها بین ۸ تا ۱۴ سال بود در حالی که در مدرسه مشغول به تحصیل بودند بازداشت شدند. سپس آنها رها شدند. این اقدام را نیز با این تفسیر بود که خانواده‌های این دانش‌آموخته‌ها با نیروهای پیشمرگه و جنبش ملی کرد ارتباط دارند. سپس به خاطر همین مسأله مجلس اروپا در یک تصمیم در مورخ ۹ آوریل ۱۹۸۷ این عملکرد که رژیم عراق انجام داده بود به شدت محکوم کرد. و از عراق خواست هر چه زودتر آنها را آزاد کند. اما به جز جنازه ۷۲ تن از آنها که به خانواده‌هایشان پس دادند؛ بقیه آنها ناپدید شدند (توفیق، ۱۹۹۲: ۱۳).

حکومت عراق برای سرنگون کردن کرد در کردستان عراق آزمایشات مختلفی از نظر نظامی بر روی آنها انجام داد. مهمترین آنها به کار گرفتن سلاح شیمیایی بود که علیه مناطق کردنشین از این سلاح استفاده کردند. در نتیجه سلاح شیمیایی سبب کشته شدن هزاران نفر از مردم کردستان شد. مثلاً در مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۷ به شیمیایی کردن روستای شیخ وسان اقدام کردند و در نهایت ۲۱۰ نفر از مردم غیر نظامی کشته شدند و ۳۶۰ نفر نیز زخمی شدند و به منظور معالجه زخمی‌ها، آنها را به بیمارستان‌های شهر اربیل منتقل کردند. در بیمارستان‌ها نیز قبل از انجام معالجه برای زخمی‌ها توسط مسؤولان دستگاه

اطلاعات رژیم بعث آنها را ناچار به امضاء کردن یک نامه کردند که گویا توسط نیروهای ایرانی آنها شیمیایی شده‌اند. سپس بر رغم امضاء نامه تمام زخمی‌ها دستگیر شدند و همه آنها به زندان اداره اطلاعات اربیل (دائیره الأمن) منتقل کردند و بعد از آن نیز ناپدید شدند. همچنین در یک حمله دیگر شیمیایی به روستاهای پیرامون استان سلیمانیه بعضی از ساکنان روستاها کشته شدند و نزدیک ۴۰۰ نفر نیز زخمی شدند. و زخمی‌ها را به بیمارستان‌های آن استان انتقال دادند. و آنها نیز مثل زخمی‌های روستای شیخ وسان در اربیل توسط دستگاه اطلاعات عراق در مورخ ۳ آوریل ۱۹۸۸ در پشت پادگان تانجرو کل آنها تیرباران شدند با بولدزر آنها را به صورت دسته جمعی در زیر خاک مدفون کردند (توفیق، ۱۹۹۲: ۱۴؛ ره‌سول، ۲۰۰۳: ۷۵).

همچنین پس از شکل‌گیری نارضایتی مردم در شهر حلبچه در برابر سیاست منفی رژیم عراق در مورخ ۱۳ مه ۱۹۸۷ توسط مردم حلبچه یک تظاهرات علیه حکومت عراق برپا گردید. که عده‌ای زیادی از دانش‌آموختگان و کارمندان دولت در این تظاهرات شرکت داشتند. در مدت کوتاه تظاهرات گسترش پیدا کرد شهرستان‌های سیروان، خورمال و سیدصادق را به خود گرفت اما در مدت کوتاه رژیم عراق توانست با استفاده از تانک و توپ و ۱۶ هلی‌کوپتر به شهرزور و حلبچه حمله کند و تظاهرات را سرکوب کند. در نتیجه نزدیک ۵۰ نفر از معترضان کشته شدند و بیشتر از ۷۲ نفر نیز زخمی شدند و بعضی دیگری دستگیر و روانه زندان‌های موصل و کرکوک شدند و سپس ناپدید شدند. و زخمی‌ها نیز در پشت روستای باموک در نزیک شهر حلبچه زنده به گور شدند. در همان زمان بر اساس فرمان علی حسن مجید محل کانی‌عاشقان در حلبچه، محل حسار و چقان در سیدصادق توسط نیروهای عراقی مورد تاخت و تاز قرار گرفت. همچنین تعداد زیادی از خانوارهای آن مناطق که ۴ هزار نفر تخمین زده‌اند به سوی مرزهای ایران آواره شدند (روژنامه‌ی رزگاری، ژماره ۲۰ ی آیاری ۱۹۸۷: ۱؛ حاجی مشیر، ۱۹۹۸: ۴۰).

هم‌پیمانی و کمک و حمایت دو طرفه میان دولت ایران و احزاب و گروه‌های سیاسی کردستان عراق علیه دولت عراق در مدت جنگ هشت ساله بهانه بدست حکومت عراق داد برای انجام حمله بزرگ سراسر کردستان عراق را در برگرفت که در ۲۲ فوریه ۱۹۸۸ شروع شد و طی ۸ مرحله به عنوان عملیات انفال تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ ادامه داشت. طبق برنامه‌ریزی که حزب بعث برای حذف و سرنگونی و حتی از بین رفتن اثر، فرهنگ و شناسه کردها در عراق انجام شد. و بر اساس فرمان ۱۶۰ انجمن شورای انقلاب عراق در ۲۹ مارس ۱۹۸۷ توسط خود صدام حسین صادر شد پسر عمویش (علی حسن مجید) را به فرماندهی عمومی دفتر شمال حزب بعث منصوب نمود و براساس مواد فرمان ۱۶۰ در مناطق کردنشین به علی حسن قدرتی

بی حد و حصر بخشید و به شیوه‌ای که دستورات اوامر وی باید بدون چون و چرا از سوی تمام نهادهای نظامی در کلی مناطق شمال کشور اطاعت شود (ر. ک : سند شماره ۱۴).

علی حسن مجید نیز کوشش کرد هر چه زود تر بر اساس برنامه‌ریزی حزب بعث به ویرانگری روستاهای کردستان و ریشه‌کن کردن نیروهای پیشمرگه کردستان بپردازد. لازم به ذکر است که یاد آوری کنم که در واقع عملیات انفال نه تنها متعلق به مناطق آزاد یا مناطق تحت کنترل پیشمرگه‌ها است، بلکه یک راه آسان برای محو کردن موقعیت کردستان در آینده بود. عملیات انفال پیروی از یک سیاست چند طرفه ضد قوم کرد بود. که در نتیجه منجر به تخت و تاز هزاران روستا، شهر، تبعید و سرنگون کردن صدها هزار نفر از ساکنان مناطق کردنشین شد. به شیوه‌ای که پس از بکار گرفتن سلاح شیمیایی؛ انفال شدگان در کمپ‌ها جمع‌آوری شدند، و سپس به تفکیک آنها پرداختند. آنها که سن شان بالاتر از ۶۰ سال بود به زندان‌های جنوب عراق فرستاده می‌شدند، و آنها که بین ۱۵ تا ۵۰ سال داشتند بخصوص مردها زنده به گور می‌شدند. سایر آنها تا حالا نیز از سرنوشت آنها خبری نیست و ناپدید شده اند. اما طبق نامه-ای که در این چند سال گذشته آشکار شد مشخص می‌شد که در زمان عملیات انفال بعضی از دخترهای کرد انفال شده توسط مسئولان عراق با کشورهای دیگر مانند کشور مصر به عنوان برده جنسی فروخته می‌شوند و در مهمان‌خانه‌ها به عنوان رقص از آنها استفاده می‌کردند (ر. ک : سند شماره ۱۵).

از لحاظ زبان شناسی کلمه انفال یک واژه‌ی قرآنی است که در اصل از کلمه نفل گرفته شده است که به معنی غنایم مطرح شده است. نیروهای عراق می‌خواستند به مانند نیروهای ایرانی از رویکرد مذهبی حمله‌های خود را ادامه بدهند تا زیر اثر این امر موقعیت کردها را از بین ببرند. بنابراین با این رویکرد عملیات بزرگ انفال را شروع کردند و مزدورها و رئیس بعضی از ایلات کردها که مزدور دولت بودند در این عملیات به نیروهای عراق کمک و یاری می‌رساندند و در بردن اموال مردم نقشی بسیار مهمی ایفا کردند (عبدالعزیز، ب، س: ۱۵). به این صورت می‌توان عملیات انفال را در ۸ مرحله در مناطق آزاد شده به ترتیب زیر به آن بپردازیم:

مرحله اول: حمله به مناطق دولی جافایه‌تی روستاهای سرگلو و برگلو در ۲۳ فوریه تا ۱۹ مارس ۱۹۸۸

مرحله دوم: حمله به مناطق قره داخ در ۲۲ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۸۸

مرحله سوم: حمله به شت‌های گرمیان در ۷ آوریل تا ۲۰ آوریل ۱۹۸۸

مرحله چهارم: حمله به دشت کویسنجق، شوان، قه‌لا سیوکه، شیخ بزینی در ۳ مه تا ۸ مه ۱۹۸۸

مرحله پنجم، ششم و هفتم: حمله به خوشناوتی، رواندوز، قه لاتوکان، خواکورک در ۹ مه تا ۱۵ هه ۱۹۸۸
مرحله هشتم: حمله به مناطق بادینان در ۲۵ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۸

رژیم عراق در آن ۸ مرحله که در سراسر کردستان عراق انجام شد علاوه بر تخریب هزاران روستا و شهر بیشتر از ۱۸۲ هزار نفر غیرنظامی را سرنگون و ناپدید کرد (حسه‌ن، ۲۰۰۷: ۶۱-۶۶؛ کلی، ۲۰۱۲: ۵۵-۶۸؛ محمده، ۲۰۱۳: ۲۳-۱۷۱).

رژیم عراق در اجرای عملیات انفال نه تنها در صدد از بین بردن و سرنگون اقوام و نزدیکان نیروهای پیشمرگ و ضد دولت بود، بلکه این عملیات به قصد ریشه‌کن کردن موقعیت کردها در کردستان عراق اجراء گردید و حتی اقوام و نزدیکان آن کسانی که به عنوان سرباز در جبهه‌های جنگ و علیه ایران می‌جنگیدند در آن عملیات از انفال کردن آنها نیز پرهیز نکردند و تمام آنها در معرض انفال قرار گرفتند. برای اثبات آن نیز در اینجا باید به نامه‌ی یکی از سربازان کرد در ارتش عراق اشاره کنیم که در زمان عملیات انفال تمام خانواده‌ش از بین رفتند و بی‌عنوان اسیر جنگی توسط دولت ایران اسیر شده بوده پس از آزاد شدن برای پیدا شدن خانواده اش یک نامه برای رئیس جمهور عراق که در ذیل متن کل نامه آمده است به این ترتیب می‌نویسد:

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ریاست محترم جمهور، آقای صدام حسین (خداوند نگه‌دارش باشد)، رئیس‌جمهور و ریاست محترم انجمن شورش: این حقیر، سلام خودم را به شما می‌رسانم و به‌عنوان یک هم‌وطن دلسوز می‌خواهم خودم را به شما معرفی کنم. با نام عدالت و داد پروری از شما خواهش می‌کنم که به مشکلات من که برای شما بازگو می‌کنم توجه و عنایت فرمایید، چون به خاطر آن شب و روز خواب ندارم، به خاطر اینکه هیچ امید و آرمانی ندارم و به جز شما کسی رو نمی‌شناسم که به آن پناه ببرم و به خاطر همین این مشکل را با شما در میان می‌گذارم به امید آن که شما به آن توجه کنید و به آن اهمیت دهید و از روی دلسوزی به من کمک کنید.

بزرگوار:

این جانب، عاسی مصطفی احمد، که پایین نامه را امضا کرده‌ام در ۲۴ اوت ۱۹۹۰ از اسرای جنگی بودم که آزاد شدم، سرباز وظیفه بودم در سال ۱۹۵۵ به دنیا آمدم. در جنگ قادسیه شکودار در قسمت شوش شرکت کردم و در ۲۷ مارس

۱۹۸۲ به عنوان اسیر جنگی گرفته شدم. تا اون روزی که فرمان آزادسازی اسرای جنگی صادر شد من به عنوان اسیر ماندم. بعد از آن به وطن بازگشتم و خاک وطن و مادر عزیزم را بوسیدم و در برابر عکس و تصویر رئیس جمهور عزیزمان به نشانه‌ی احترام تعظیم کردم. و در درون خودم به یک پروژه بی پایان نگاه می کردم که دوباره به آغوش گرم خانواده بازمی گردم. آن‌ها با دیدن من بعد از سال‌ها خوشحال می شوند و من نیز از دیدن آن‌ها شادمان و مسرور خواهم شد. و همه‌ی ما چنان غرق در خوشی و شادمانی می شویم که آن سرش ناپیدا و نامعلوم باشد. به هر حال به داخل یک خانه خالی که سکوت بر آن حکم فرما بود برگشتم زن و بچه‌هایم داخل خانه نبودند. آه خدایا چه بلای تکان دهنده و دردآوری بود، آه که همه چیز مثل یک خواب بود، به من گفتند که همه‌ی اعضای خانواده‌ات در عملیات انفال به فرماندهی علی حسن المجید که در منطقه شمال انجام شد از بین رفتند. من هیچ اطلاعی در مورد سرنوشت آن‌ها ندارم که اسامی اعضای خانواده عبارت‌اند از :

۱. عظیمه علی محمد، متولد ۱۹۵۵، همسر

۲. چرو عاسی مصطفی، متولد ۱۹۷۹، دخترم

۳. فریدون عاسی مصطفی، متولد ۱۹۸۱، پسرم

۴. رووخوش عاسی مصطفی، متولد ۱۹۸۲، دخترم

به این صورت، این نامه درخواستی رو برای شما فرستادم و جلوی دیده شما می گذارم، به امید اینکه نسبت به خواسته‌ی من دلسوز باشید و در مورد سرنوشت آن‌ها به من اطلاع بدهید. خداوند محافظ و نگه‌دار شما باشد.

با تشکر و ادای احترام به شما

امضاء

عاسی مصطفی احمد

اسرای قدیمی جنگ، سربازی. د.ک

تنها و بی‌کس، استان سلیمانیه - چمچمال - محله بی‌کس - مسجد حاجی ابراهیم

۴ ی اکتبر ۱۹۹۰

پاسخ‌نامه

به نام خداوند بخشنده و مهربان

جمهور عراق

دیوان ریاست جمهوری

شماره: ش ع / ب / ۴ / ۱۶۵۶۵

تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۹۰

اینجانب / عاسی مصطفی احمد

استان سلیمانیه - شهرستان چمچمال - محل بی‌کس - مسجد حاجی ابراهیم

بنا به نامه ارسالی شما در ۴ تشرینی یه که مه دا، همسر و فرزندان در شروع عملیات انفال، که در سال ۱۹۸۸ در

ناحیه ی شمال انجام شد، از بین رفتند.

دلسوز شما

امضاء

سعدون علوان مصلح

رئیس دیوان ریاست جمهور

منبع: ووچ، ۲۰۱۳: ۲۱-۲۳

علاوه بر حملات عملیات انفال در سراسر کردستان همزمان مرحله دوم آن عملیات رژیم عراق با سلاح شیمیایی به شهر حلبچه حمله کرد. در ابتداء روزهای ۱۱/۱۰ مارس ۱۹۸۸ توسط نیروهای عراق با توپ دور برد و راکت شروع به بمباران کردن داخل شهر حلبچه و پیرامون آن شهر کردند که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۲۰ نفر از ساکنان غیر نظامی آن شهر شد. بمباران به شدت تا صبح روز ۱۵ مارس ادامه داشت و اما در همان روز و بعد از ظهر بمباران را متوقف کردند. و در همان روز در یک حمله مشترک نیروهای ایران و نیروهای پیشمرگه توانستند شهر را در تصرف خود در آورند و نیروهای عراق را که در آن شهر بودند بیرون راندند. به این صورت شهر خالی از جمعیت شود و سکوت همه جای شهر را فراگرفته بود و روز بعد در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ مردم شهر که روزهای قبل به علت بمباران کردن داخل شهر خود را در زیر زمین قایم کرده بودند بیرون آمدند و بازار و مغازه های داخل شهر دوباره باز شد. نیروهای پیشمرگه و نیروهای ایران نیز در خیابانهای آن شهر دیده می شدند و از صدای تیراندازی و بمباران هیچ خبری نبود. اوضاع به این گونه تا ساعت ۱۱:۲۵ قبل از ظهر ادامه داشت. در حالی که نیروهای ایران و

نیروهای پیشمرگه در ساختمان فرمانداری شهر حلبچه جلسه داشتند. ناگهان چهار هواپیما جنگی بر روی آسمان شهر ظاهر شدند و شروع به بمباران شهر کردند. در نتیجه تعدادی از مردم غیر نظامی کشته و زخمی شدند و بعضی دیگر برای حفاظت از جان خود به زیر زمین و بعضی دیگر به روستا و کوه های اطراف شهر گریختند (حاجی مشیر، ۱۹۹۸: ۱۴۶-۱۴۸؛ نامه‌ای حسن رشید به نگارنده، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶؛ راندال، ۲۰۰۳: ۳۳۵).

سپس نزدیک ساعت ۴ عصر توسط هواپیماهای جنگی عراق صدها بمب از جمله: سارین^{۲۳}، تابون^{۲۴}، سیانید^{۲۵}، گازی موستر(گردل)^{۲۶}، سی ئیکس^{۲۷}، وی ئیکس^{۲۸}، بمب‌کیمیایی^{۲۹} بر روی شهر و پیرامون آن انداختند (دیبه‌گه‌بی، ۲۰۱۱: ۵۲).

سپس به علت منتشر کردن گازها بر روی آن شهر تعداد زیادی از مردم غیر نظامی مسموم شدند و جان خود را از دست دادند. اون دسته از افرادی که به زیر زمین گریخته بودند ۸۵ درصد آنها نیز جان باختند و تعداد زیادی از آنها نیز که به روستا و کوه‌های اطراف پناه برده بودند در بیرون از شهر جان خود را از دست دادند. تا ۱۷ و ۱۸ مارس نیز در روستا و امکان اطراف شهر استفاده از سلاح شیمیایی توسط نیروهای رژیم بعث ادامه داشت و در نتیجه ۵ هزار نفر غیر نظامی کشته شدند و بیشتر از ۱۰ هزار نفر زخمی شدند علاوه بر این کل مردم شهر به سمت ایران مهاجرت کردند که به خاطر شیمیایی کردن شهر توسط رژیم عراق آواره شدند که تعداد آنها را ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده‌اند. مسأله مهم تر از این قضیه که در بالا به آن اشاره کردیم هنگام استفاده از سلاح های شیمیایی در داخل شهر حلبچه بیش از ۲۰۰ بچه کوچک سرنگون و گم شده‌اند که فقط تعداد کمی از آنها به آغوش خانواده شون برگشته‌اند هنوز خانواده های زیادی هستند که از فرزند آنها هنوز خبری نیست لذا اگر انتظار آزار دهنده باشد آنها در آزاری بی-پایان هستند زیرا منتظر بودن مثل یک مرگ مستمر است (مصاحبه با بکر حمه‌صدیق، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶؛ کیلی، ۲۰۱۳: ۱).

23 - Sarin

24 - Tabun

25 - Zyain

26 - Mustard gas

27 - C x

28 - V x

29 - Kemikbinder

۴-۴ صنعت و تجارت و گردشگری

یکی از مهمترین اثر جنگ عراق و ایران و همزمان جنگ عراق و پیشمرگه‌های کرد به ویژه در مدت جنگ هشت ساله و در مناطق جنگی و مرزی هر دو کشور عراق و ایران، نابود کردن ادارات دولتی و از بین رفتن کل مدارک و آرشیوهای دولتی در مدت جنگ بود. که می‌توان گفت همه ی آرشیوهای آن مناطق که میدان جنگ عراق و ایران بود از بین رفتند. برای مثال در یک شهر مانند شهر حلبچه به علت حمله شیمیایی و بمباران آن شهر کل ادارات دولتی مورد تخریب و تخت و تاز قرار گرفتند آن نیز منجر به گم شدن و نابودی کلیه اسناد و مدارک آن ادارات شد. که تا حالا نیز بزرگ ترین مشکلی مراجعه کنندگان به ادارات دولتی است. که داده‌ها و اطلاعات در مورد سال‌های قبل از جنگ و مدت جنگ نیز وجود ندارد، اگر هم باشد بسیار کم و بندرت می‌باشد. لذا درباره صنعت، تجارت و گردشگری نیز اطلاعات چندانی در دسترس نیست. و گمان در آن هم نیست که این بخش‌ها نیز به علت جنگ و عدم استقرار امنیت در کردستان در مدت جنگ هشت ساله مورد تضعیف و کاهش قرار گرفته است.

در حوزه صنعتی اگر چه مناطق مختلف کردستان از لحاظ مواد خام بسیار ثروتمند است از جمله مواد خام آهن، مس نقره، سرب، نیکل و... علاوه بر منابع فراوان نفت. اما از کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۵ تا پس از پایان جنگ عراق و ایران نیز در سراسر استان‌های کردستان فقط ۱۱ پروژه‌ی دولتی وجود داشت از قبیل تولید سیگار، سیمان، شکر، بافت فرش، لباس آماده، مرغ، تخم‌مرغ. همراه با پروژه‌های اندک کوچک و متوسط غیر دولتی که شامل تولید مواد بیناسازی، محصولات لبنی و تامین علوفه دام ها بودند. که بر اساس داده‌های رسمی سال ۱۹۸۵ تعداد نیروی انسانی مشغول به کار در هر دو بخش دولتی و غیر دولتی در استان‌های کردستان نزدیک ۱۵ درصد از کل نیروی کار بوده است. که در مقایسه با نسبت نیروی کار در کل کشور عراق نسبت ۷ درصد آن را در کل عراق تشکیل داده است (خه‌یات، ۱۹۹۹: ۵۵).

آن نسبت کم صنعت که در کردستان وجود داشت پس از جنگ به طور کامل از بین رفت و بخش صنعت را به طور کلی متوقف کرد. نتایج حاصل از جنگ خونین ایران و عراق تاثیرات بسیار منفی بر روی کارخانه‌ها و بخش صنعت در کردستان گذاشت. سپس دولت عراق شروع به متوقف کردن کارخانه‌ها کرد و کارخانه‌های شکر، سیگار در هر دو استان سلیمانیه و اربیل را به بهانه‌ای تولیدات کم تر از حد متوسط و عرضه محصولات چغندر، شکر و تنباکو از کار انداخت و در عوض به واردات مواد خارجی از خارج کشور پرداخت. به ویژه برای راه اندازی تولید سیگار در استان سلیمانیه و اربیل به واردات محصولات تنباکو از

کشورهای خارجی به داخل کشور پرداخت. همچنین بر اساس برنامه‌ریزی حزب بعث، حکومت عراق شروع به فروش ابزار و قطعات بعضی از پروژه‌ها و کارخانه‌های تولیدی کرد. از قبیل کارخانه مرغ، تخم مرغ، آجر، رب گوجه فرنگی، آبمیوه، پیراهن و... به بهانه توسعه دادن به بخش خصوصی، همه درآمد کردستان را به سرمایه‌گذاران طرفدار حزب بعث واگذار کرد. و آنها نیز بیشتر بر واردات موادهای خارجی تکیه کردند و بر اساس خواسته‌های دولت از محصولات داخلی خودداری می‌کردند. این امر منجر به رکود در بخش کشاورزی شد (خه‌یات، ۱۹۹۹: ۶۰-۶۱).

همچنین برخی از کارخانه‌های کردستان توسط رژیم عراق به شهرهای جنوب و مرکزی عراق منتقل شدند. مانند دفتر تحقیق و طبقه بندی خاک که در سال ۱۹۸۰ از استان اربیل به سلیمانیه منتقل شده بود، اما در سال ۱۹۸۳ این دفتر را لغو شد و همه وسایل آن نیز به استان موصل منتقل دادند. و همچنین کارخانه آب معدنی بانی‌خیلان که در سال ۱۹۸۳ در استان سلیمانیه ساخته شد، که همزمان قادر به تولید آب معدنی و آبمیوه بود. اما در سال ۱۹۸۷ این کارخانه نیز بسته شد و همه وسایل و ابزارهای آن را به شهر بغداد انتقال دادند (مصطفی، ۲۰۱۴: ۳۷).

همچنین بعضی از صنایع دستی را که قبل از جنگ در جامعه ی کردستان بصورت تولید خانگی رواج داشت، که برگرفته از تاریخ، فرهنگ و هنر مردم کردستان بود که تولیدات حاصل از آن عبارت بودند از صنایع دستباف، لباس، کفش، کلاه، قالیچه و... که مردم عامه تولید می‌کردند. و در بعضی از مکانها بهترین لباس کردی را می‌بافتند که به این لباس شال نیز گفته می‌شد. اما به علت تبعید کردن روستاها و بروز جنگ همه‌ی صنایع دستی که میراث فرهنگ و تمدن گذشتگان بود اثری از آن در جامعه نماند (مصاحبه با دلیر حقی شاپور، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶؛ طالب، ۲۰۰۵: ۳۲۸).

از لحاظ تجارت نیز این بخش نیز مانند بخش‌های دیگر دچار آسیب‌های فراوانی شد. افرادی می‌توانستند به تجارت مشغول شوند که طرفدار حزب بعث باشند؛ اگر هم نبودند به هیچ‌گونه مجاز به تجارت نبودند. غیر از تجارت محدودی که به صورت مبادله کالا بین شهرهای کردستان رایج بود. اما در مدت جنگ و تبعید روستاها به ویژه در اجرای عملیات انفال و شیمیایی کردن روستاها و شهرهای کردستان همه‌ی آن فرصت‌های تجارت از بین رفتند و بسیاری از تجار و سرمایه‌گذاران کرد دستگیر و سپس سرنگون شدند و کل املاک و ثروت آنها نیز مورد مصادره و غارت قرار گرفت. همچنین کل مغازه‌ها، مخازن و کارخانه‌های دولتی و غیر دولتی نیز تخریب و وسایل آن نیز غارت شدند (مسته‌فا، ۲۰۱۰: ۱۴۹).

همچنین از لحاظ بخش گردشگری که کردستان عراق به دلیل برخوردار بودن از چشم انداز ها و مناظر طبیعی و همچنین آثار باستانی از جمله مناطق دارای اهمیت از لحاظ گردشگری در کشور عراق است. البته متأسفانه اطلاعات در مورد این مکانها به دلیل عدم اهمیت کشور به جذب گردشگر در این مناطق خیلی کم است. اما کردستان عراق به خاطر داشتن مناظر و چشم اندازهای دارای اهمیت گردشگری از جمله کوههای بلند و کم ارتفاع که دارای صحنه های طبیعی و چشم اندازهای زیبایی هستند.

همچنین چشمه های آب، آبشارها و رودخانه های جاری در این بخش از کشور مانند آبشار گلی علی بگ و بیخال در استان اربیل، آساوا وانشکی و سیلاف در استان دهوک و احمد آوا و دوکان در استان سلیمانیه، کردستان را به صحنه های قشنگ و جالب زینت بخشیده اند. همچنین غارهای متعددی در کردستان عراق وجود دارد مانند غاز قزقaban و هزارمیرد در سلیمانیه، شانیدر در اربیل، چهارستین و هلامب در دهوک که همه ی آنها از لحاظ گردشگری اهمیت زیادی دارند. سپس آب و هوای مناسب به ویژه در فصل تابستان، ماندن برفی روی قله ی کوهها و جنگل زیاد در آن مناطق مناظر خیره کننده ی به طبیعت آن مکان بخشیده است. که آن سبب تمایل بیشتر گردشگران برای ورود به این مناطق شده است. اضافه بر این رودخانه ها، آب بندها و چشمه های متفاوتی از قبیل چشمه های طبیعی، چشمه آب معدنی، آب گرم و... که در کردستان وجود دارند. و همچنین انواع مختلف گونه جانوری و حیوانی در این بخش از کشور عراق به وفور دیده می شود. به دلیل قدمت تاریخی، فرهنگی و همچنین جایگاه تاریخی مذهبی در ساخت و ساز ابنیه های قدیمی از این جهت سبب جذب گردشگران زیادی به این قسمت از کشور شده است و آن را به یک قطب گردشگری در کشور تبدیل کرده است. این مزیت های که از نظر تاثیر آنها در جذب گردشگر در این قسمت از عراق به آن اشاره شد سبب تمایل ورود گردشگران از مرکز و جنوب عراق و همچنین گردشگران از سایر کشورها به این مناطق شده است تا به بهترین نحوه اوقات فراغت خود را در محیطی سرشار از شادی و آب و هوای خوب بگذرانند (نقشبندی، ۱۹۹۷: ۱۱۳-۱۱۵).

اما به علت تبعید و تخریب روستاها و آغاز جنگ عراق و ایران و عدم استقرار امنیت در کردستان، همه ی آن قابلیت ها برای جذب گردشگر دیگر به دلیل شرایط به وجود آمده اهمیتی نداشتند و بخش گردشگری نیز مانند بخش های دیگر اقتصاد سیر نزولی به خود گرفت و در آمد حاصل از آن به دلیل کاهش ورود گردشگران به این مناطق کاهش پیدا کرد. اگر نگاه کنیم بین سالهای ۸۰-۱۹۷۵ و سالهای ۸۶-۱۹۸۰ از لحاظ نسبت ورود گردشگران و تعداد هتل های ساخته شده در شهرهای کردستان تفاوت

زیادی دیده می‌شود. در میان سال‌های ۸۰-۱۹۷۵ به علت توسعه و گسترش بخش اقتصادی در کشور عراق به ویژه پس از ملی کردن نفت در سال ۱۹۷۲ و همچنین استقرار امنیت و تعیین شدن استان اربیل به عنوان مرکز خودمختاری در کردستان، نسبت ورود مسافران و ساخت هتل در شهرهای کردستان افزایش چشمگیری پیدا کرد. اما بین سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ به علت تبعید و تخریب روستاها، آغاز جنگ عراق و ایران، همچنین جنگ عراق و پیشمرگه‌های کرد و عدم استقرار در کردستان عراق نسبت ورود مسافران و تعداد ساخت هتل در شهرهای کردستان کاهش چشمگیری پیدا کرد.

جدول شماره ۲۵: درصد افزایش و کاهش سالیانه مسافر و ساخت هتل در کردستان

استان	سلیمانیه		اربیل		دهوک		کرکوک	
	نسبت مسافر	تعداد هتل	نسبت مسافر	تعداد هتل	نسبت مسافر	تعداد هتل	نسبت مسافر	تعداد هتل
۸۰ - ۱۹۷۵	۶.۱	۱۰	۲۹	۲۵.۷	۲۷.۴	۷۷.۸	۰	۰
۸۶ - ۱۹۸۰	-۹.۲	-۶.۰	-۲.۵	-۴.۲	-۷.۲	-۵.۰	۰	+۴.۲

منبع: طالب، ۲۰۰۵: ۳۴۲-۳۴۳

بر اساس جدول شماره ۲۵ در فاصله سال‌های ۸۰-۱۹۷۵ در مدت یک سال در استان سلیمانیه نسبت ورود مسافران ۶.۱ درصد و تعداد ساخت هتل ۱۰ درصد و در استان اربیل نیز نسبت ورود مسافران ۲۹ درصد و تعداد ساخت هتل نیز ۲۵.۷ درصد و در استان دهوک نیز نسبت ورود مسافران ۲۷.۴ درصد و تعداد ساخت هتل نیز ۷.۳ درصد افزایش می‌یابد. اما در فاصله ی سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ به دلیل آن عوامل که قبلاً توضیح داده شد در مدت یک سال در استان سلیمانیه نسبت ورود مسافران ۹.۲ درصد و تعداد ساخت هتل ۶.۰ درصد و در استان اربیل نیز نسبت ورود مسافران ۲.۵ درصد و تعداد هتل نیز ۴.۲ درصد و در استان دهوک نیز نسبت ورود مسافران ۷.۲ درصد و تعداد هتل نیز ۵.۰ درصد کاهش داشته است. اما در استان کرکوک برعکس استان‌های دیگر کردستان در فاصله سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ به شیوه‌ای بر چشم تعداد ساخت هتل به نسبت ۴.۲ به صورت چشمگیری افزایش پیدا کرده است. آن نیز به علت ورود مسافران نیست بلکه به علت گردآوری نیروهای رژیم در آن زمان در عراق بود، اگرچه به خاطر جنگ علیه پیشمرگه‌های کرد باشد یا علیه دولت ایران. لذا در مدت مورد نظر در شهر کرکوک تعداد ساخت هتل در مقایسه با استان‌های دیگری کردستان بسیار افزایش پیدا کرده است.

در جنگ عراق و ایران که مدت هشت سال طول کشید طولانی ترین جنگ آخر قرن بیستم محسوب می‌شود. در این جنگ هر دو دولت بیشترین و بالاترین سلاح جنگی را علیه یکدیگر بکار بردند. کردستان نیز به عنوان میدان جنگ به ویژه چهار سال آخر جنگ در بین طرفین قرار گرفته بود. این امر نیز سبب آسیب و تلفات زیادی در آن مناطق شد. علاوه بر تاخت و تاز و ویرانگری مناطق مختلف کردستان، توسط رژیم عراق شمار زیادی از جوانان و دهقانان کرد به جبهه های جنگ جذب شدند که یا در این جنگ کشته شدند یا زخمی و همچنین برخی از آنها دچار معلولیت شدند.

همچنین در مدت این جنگ حکومت عراق برای نابودی و از بین بردن موقعیت کرد در کردستان عراق تلاش کرد، برای رسیدن به این هدف نیز شروع به تبعید و تخریب روستاها و جمع آوری آنها در اردوگاه‌های اجباری و دور کردن آنها از زمین‌های کشاورزی دست زد. در نتیجه جامعه کردستان از یک جامعه تولید کننده به یک جامعه مصرف کننده تغییر داده شد. آن نیز در حالی بود که در همان مدت حکومت عراق به سرنگون کردن ۸ هزار تن بارزانی و ۱۸۲ هزار انفال در مناطق مختلف کردستان اقدام کرد و به سبب حملات بمباران شیمیایی نیز فقط در شهر حلبچه ۵ هزار نفر از مردم غیر نظامی کشته شدند. جنگ هشت ساله ایران و عراق از نظر رژیم عراق بهانه ای بیشتر نبود برای اجرای تمام جنایت های که در حق کردها انجام داد می‌توان گفت اگر جنگ به پایان نمی رسید حزب بعث عراق در صدد حذف موقعیت کرد در کردستان عراق بود.

نتیجه گیری

همان طور که در ابتدا پژوهش مطرح شد، پرسشی اصلی این پژوهش عبارت از این بود که در خلال جنگ هشت ساله ایران و عراق به ویژه چهار سال آخر آن، موقعیت اقتصادی کردستان عراق در ارتباط با رژیم بعثی چگونه تضعیف شده است. همچنین برای این پژوهش فرضیه اصلی این بود که در جنگ هشت ساله ایران و عراق، رژیم بعثی عراق از طریق مجموعه‌ای از خشونت‌های اقتصادی، موقعیت اقتصادی کردستان عراق را تضعیف کرده است. و برای بررسی این فرضیه، پژوهش در چهار فصل انجام شد که شامل پیشینه روابط کردهای عراق با دولت ایران و تحریم اقتصادی کردستان عراق از سوی دولت عراق، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و خسارات ناشی از جنگ عراق و ایران بود. لذا به‌طور خاص بر اساس فرضیه و اطلاعات و آمار و اسناد و مدارک که در این پایان نامه ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته، می‌شود این نتایج را گرفت:

۱- نزاع و کشمکش میان عراق و ایران دارای پیشینه تاریخی طولانی می‌باشد و اساس این کشمکش‌ها از دوره فرمانروای دولت عثمانی و صفوی سرچشمه گرفته است. و همواره مشکلات و نزاع ما بین آن دو دولت وجود داشته است، سپس یکی از عوامل تیرگی روابط بین ایران و عراق، قضیه و مسئله قوم کرد بوده است. موجودیت ملت کرد در هر دو کشور ایران و عراق همواره از نکات اساسی نزاع بین هر دو کشور بوده، و طرفین برای حل مشکلات خود به شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند که کرد را مانند یک اهرم فشار در برابر یک دیگر بکار ببرند به ویژه پس از روی کار آمدن نظام جمهوری و سقوط نظام سلطنتی در عراق در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ که باعث خشونت و نگرانی شاه ایران شد. در مقابل شاه ایران به دنبال پیدا کردن راهی برای سرنگونی رژیم جمهوری و بازگرداندن نظامی پادشاهی در آن کشور بود. این امر نیز باعث شد دولت ایران یک پناهگاه برای معترضان دولت عراق و همچنین دولت عراق نیز جایگاه مناسبی برای معترضان دولت ایران باشد و هر دو دولت از معارضه‌های دولت دیگر حمایت می‌کردند. و این اوضاع تا سال ۱۹۷۵ و امضاء قرارداد الجزایر تداوم یافت. لذا زمان که رابطه‌ی بین دولت عراق و ایران وخیم بود و با هم در حل مسائل سیاسی مشکل داشتند به سود کردها تمام می‌شد. کردها نیز تلاش می‌کردند از این فرصت و پیش آمده برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند و هر زمان ارتباط بین ایران و عراق در سطح مقامات بالای کشور برقرار می‌شد به ضرر کردها بوده است.

۲- از ابتدا شکل گیری دولت عراق برعکس خواسته‌های کرد، کردستان عراق به عنوان جزئی از کشور عراق تعیین شد. این عملکرد نیز همواره باعث مشکلات و درگیری میان حکومت‌های متوالی عراق و جنبش ملی کرد در زمان‌های مختلف شده است. هنگامی که کردها به دنبال درخواست تحقق حقوق ملی خود بوده‌اند، خواسته‌های آن‌ها در رسیدن به خودمختاری و کسب استقلال، توسط نیروهای نظامی رژیم سرکوب شده است. به ویژه در دوره حزب بعث عراقی که به صورت خیلی واضح و آشکار در صدد حذف موقعیت کرد در کردستان عراق بود. سیاست‌های منفی رژیم عراق تغییر هویت کردها به هویت عربی (تعریب)، و تبعید افراد ساکن در روستاها، همچنین تخریب و ویران کردن ۴ هزار از روستاها و شهرهای کردستان، همچنین از بین بردن و سرنگون کردن ۸ هزار نفر از طایفه بارزانی‌ها، انفال کردن ۱۸۲ هزار نفر و ۵ هزار نفر از مردم غیرنظامی شهر حلبچه شواهد اساسی جنایت‌های حزب بعث عراق علیه کردهای عراق می‌باشند.

۳- از آغاز کشف و استخراج نفت در عراق تا زمان ملی کردن نفت در سال ۱۹۷۲، همواره نفت کردستان عراق تقریباً ۷۳ تا ۷۵ درصد کل درآمد کشور عراق را تشکیل داده است. اما آن نفت که در مناطق مختلف کردستان استخراج می‌شد نه تنها برای خدمات به کردستان و پیشرفت آن به کار نرفته است. بلکه همه آن درآمد‌های حاصل از فروش نفت عراق توسط رژیم‌های متوالی عراق برای خرید ابزارآلات و وسایل نظامی و سرکوب و حذف موقعیت کردها در کردستان صرف نموده است.

۴- کمک و همکاری میان دولت ایران و کردهای عراق در ابتدا کودتا ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق تا خاتمه جنگ هشت ساله ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ در زمان و مکان‌های مختلف تحقق یافته است. از ابتدای وقوع جنبش ایلول تا قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ بین کشور عراق و ایران، شاه ایران به کمک و حمایت جنبش ملی کرد پرداخت، اگرچه این کمک‌های شاه ایران به خاطر رسیدن به منافع و مصالح خودش بود، اما در حقیقت اگر کمک‌های دولت ایران نبود؛ جنبش ایلول نیز چند سال بیشتر ادامه پیدا نمی‌کرد. همچنین پس از انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران کمک و همکاری دو طرفه جمهوری اسلامی ایران و سازمان و احزاب سیاسی کردستان عراق در مدت جنگ هشت ساله ایران و عراق علیه دولت عراق وجود داشت. این همکاری نیز از آن جهت صورت گرفته بود که کردها به دنبال کسب خودمختاری و جمهوری

اسلامی ایران نیز به دنبال از بین بردن رژیم بعث عراق و روی کار آوردن نظامی اسلامی در عراق بود.

۵- کردستان عراق قبل از تبعید روستاها و آغاز جنگ هشت ساله عراق و ایران، با وجود اینکه میان استان‌های کردستان عراق و استان‌های مرکز و جنوب عراق از لحاظ بودجه، خدمات، پروژه‌های صنعتی و کشاورزی اختلاف و تفاوت زیادی وجود داشت، اما روستاهای کردستان عراق منابع اساسی مواد غذایی و صنعت برای همه‌ی شهرهای کشور عراق بودند. و به‌خاطر تبعید و تخریب روستاهای کردستان و جمع‌آوری ساکنان آن در اردوگاه‌های اجباری منجر به تضعیف نیروی کار و سرنگون شدن تعداد زیادی از دهقانان و تخریب زیرساخت اقتصادی کردستان شد.

۶- رژیم بعث عراق همیشه در حال تلاش برای حذف قومیت کرد در کردستان عراق بوده و برای رسیدن به این هدف نیز راه‌های مختلفی را در پیش گرفته است. یکی از این راه‌ها، اجرای تحریمات اقتصادی بر علیه مناطق کردستان عراق و تلاش برای تخریب زیرساخت اقتصادی کردستان بوده است. بنابراین در ظرف ده سال به تبعید و تخریب روستاهای کردستان پرداخت و سپس ساکنان روستاها نیز در اردوگاه‌های اجباری و تحت تدابیر امنیتی قرارداد شدند. فاصله انداختن در بین دهقانان و زمین‌های کشاورزی و همچنین آتش‌زدن روستاها و محصولات آن‌ها سبب رکود اقتصادی و افزایش بیکاری در این مناطق شد. رژیم عراق با این سیاست جامعه کردستان را از یک جامعه تولید کننده به یک جامعه مصرف کننده تغییر داد. در نهایت این عملکرد نیز تمام زمین‌های کشاورزی و روستاها در کردستان عراق از بین رفتند و موجب تخریب زیرساخت اقتصادی نیز شد. لذا با عرب کردن کردستان و شیوه و مراحل تبعید روستاها اثر کامل جنگ عراق و ایران نبوده و برخی از آن کارهای مخرب با خواستار و موضع حزب بعث در کردستان شکل گرفته است. همچنین همکاری و هماهنگی احزاب و گروه‌های سیاسی با دولت ایران در مدت جنگ علل دیگر تخریب، ویرانگری و ایجاد فاجعه در کردستان عراق است

۷- رژیم عراق پس از جنبش ایلول به طور کلی و به ویژه در مدت جنگ هشت ساله عراق و ایران ۸۸ - ۱۹۸۰ مدام بر اساس برنامه‌ریزی حزب بعث در تلاش برای از بین بردن و نسل‌کشی کردها در کردستان عراق بوده است. و سازمانهای بین‌الملل و جهانی نیز به ویژه شورای امنیت ملل متحد در حالی که به جنایت‌های رژیم عراق آگاهی داشته‌اند و شاهد قتل دسته‌جمعی کردهای عراق توسط حکومت عراق بودند اما با توجه به پیش آمد همچنین وقایع فاجعه باری این سازمان-

ها نه تنها برای جلوگیری از انجام آن‌ها هیچ اقدامی انجام ندادند به هیچ وجه در سطح جوامع بین ملل هیچ گونه مواضع نسبت به دولت عراق اظهار نداشتند.

بر اساس نتیجه‌های که در بالا ذکر شده است روشن می‌شود که این سیاست عاقبت زندگی ملت کرد و هر اقوام دیگری است که در هر کشوری به اندازه کافی قدرت را داشته باشد از طرف حکومت مرکزی را نمی‌خواهد بپذیرد و حکومت مرکزی هم قوه اقلیت را تحمل نخواهد کرد و در هر زمان که فرصت را داشته باشد هر بلای بر سرش می‌آورد. به هر حال کردهای عراق تمایزات جدی با دولت مرکزی عراق را داشتند که درخواست آن‌ها نیز این بود که حداقل خودمختاری باشند و در این راه تلاش زیادی کردند. ولی تاریخ نشان می‌دهد که چگونه دولت عراق مدام در صدد بوده تا مانع این خودمختاری نشان بدهد و این آزار و اذیت‌ها در چارچوب این هدف ارزشمندی کردها به آنها وارد می‌شود.

لازم به ذکر است که در اینجا ذکر شود که در مدت نوشتن این پایان نامه به سایر مشکلات روبه‌رو شدیم از جمله:

این پژوهش بر اساس سایر از آمارها که درست رست بوده صورت گرفته و برخی دیگری از آمار و داده‌های مورد نظر که لازم بود در این پژوهش ذکر شود قادر به دسترسی آن‌ها نداشتیم و بخصوص به دنبال آمارهای دهه سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از امکان و ادارات زیادی رفتیم و از آن‌ها سوراغ کردیم، اما متأسفانه با ما می‌گفتند که برخی زیاد از آمارها مورد نظر در زمان جنگ از بین رفته‌اند. همچنین به دلیل فشاری فعالیت‌های ترورستی ما قادر به رفتن بعضی از شهرهای عراق مانندی بغداد به قصدی کسب آمارهای مدت مورد نظر نبودیم حتی در شهر کرکوک نیز نتوانستیم پیگیری کنیم. یکی دیگری از مشکلات که در مدت نوشتن این پژوهش مواجه ما شد زبان نوشتن بود که نوشتن یک پژوهش علمی با زبان دیگری کاری ساده و آسان نیست. آن نیز در حالی بود که اکثریت منابع با زبان غیر از زبان نوشتن پایان نامه بود.

فهرست منابع و مأخذ

منابع فارسی :

- أبالاس، ادگار، جنبش کردها، ترجمه: اسماعیل فتاح قاضی، تهران، نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- انتصار، نادر، سیاست کردها در خاورمیانه، ترجمه: عرفان قانعی فرد، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- امینی، علیرضا، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- پارسادوست، منوچهر، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، تهران، انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- پشنگ، اردشیر، کردها در میان جنگ ایران و عراق، تهران، مرز و بوم، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، واحد نشر اسناد، گزیده اسناد مرزی ایران و عراق، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- درودیان، محمد، جنگ ایران و عراق؛ موضوعات و مسائل، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱ الف.
- درودیان، محمد، اجتناب ناپذیری جنگ نقد بررسی جنگ ایران و عراق، ج ۲، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ ب.
- هیلترمن، یوست آر، رابطه زهرآگین؛ آمریکا، عراق و بمباران شیمیایی حلبچه، ترجمه: یعقوب نعمتی ورونجنی، تهران: نشر مرز و بوم، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ولدبیگی، بهرام، بر تارک طوفان ملا مصطفی بارزانی به روایت مطبوعات ایران ۱۳۵۱-۱۳۲۴، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تحولات داخلی عراق و امنیت ملی ایران به روایت اسناد ساواک، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۳.
- حق پناه، جعفر، کردها و سیاست خارجی اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین-الملل ابرار معاصر تهران، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۸۷.
- یلدیز، کریم، کردها در عراق، ترجمه سیروس فیضی، تهران، توکلی، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- کلی، مایکل جی، نسل کشی در کردستان عراق، صدام حسین یک محاکمه ناتمام، ترجمه: سربست نظری، تهران: امیرکبیر چاپ اول، ۱۳۹۰.

- کردزمن، آنتونی . واگنر، ابراهام، درس‌های جنگ مدرن جنگ عراق و ایران، ترجمه: حسین یکتا، ج ۱، تهران: مرز و بوم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- کینگ، رالف . کارش، افرایم، جنگ ایران-عراق پیامدهای سیاسی، تحلیل نظامی، ترجمه: سید سعادت حسینی دمایی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶.
- میر فندرسکی، احمد، دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در گفتگو با احمد احرار، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- مرکز بررسی و اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، روابط ایران و عراق با روایت اسناد ساواک، ج ۱: ، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۱، تهران: رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۲، تهران: رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- نیکخواه، محمد باقر، جنایت جنگی حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- سپهد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، بختیار در عراق، ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
- عزتی، عزت‌اله، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۱۳، تیر ۱۳۵۹- بهمن ۱۳۵۹، تهران: عروج، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- قانعی فرد، عرفان، پس از شصت سال (زندگی و خاطرات جلال طالبانی)، ج ۱، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- قانعی فرد، عرفان، تند باد حوادث بررسی رخدادهای تاریخ معاصر گفتگو با عیسی پژمان، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- شهیدزاده، حسین، ره‌آورد روزگار (گزیده خاطره‌ها، با نقدهای مقطعی از وضع سیاسی- دیپلماسی ایران در سالهای پیش از انقلاب)، تهران، اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۹۵.

پژمان، عیسی، اسرار بستن پیمان ۱۹۷۵ الجزیره (از پرونده بکلی سری ساواک)، فرانسه: نیما، بدون سال.

منابع کردی :

ثمین، نهوشیروان مستهفا، له که ناری دانویه وه بو خری ناوزهنگ دیوی ناوه وهی روداوه کانی کوردستانی عیراق

1971-1978، بهرلین: 1997.

ثمین، نهوشیروان مستهفا، په نجه کان یه کتری ته شکینن، دیوی ناوه وهی روداوه کانی کوردستانی عیراق ۱۹۷۹-

۱۹۸۳ سلیمانی : چاپی سییه م ۱۹۹۸.

ثمین، خولانه وه له ناو بازنه دا دیوی ناوه وهی روداوه کانی کوردستانی عیراق ۱۹۸۴-۱۹۸۸، بهرلین: ۱۹۹۹.

بارزانی، مسعود، بارزانی و بزوتنه وهی بزگار یخوازی کورد، ۱۹۵۸-۱۹۶۱، بهرگی دووهم، ههولیر: ۲۰۱۲.

بارزانی، مسعود، بارزانی و بزوتنه وهی بزگار یخوازی کورد، شۆرشى ته یلول ۱۹۶۱-۱۹۷۵، بهرگی سییه م، بهشی

یه که م، ههولیر: وهزاره تی په روهرده، ، چاپی یه که م، ۲۰۰۴.

بارزانی، مسعود، بارزانی و بزوتنه وهی بزگار یخوازی کورد، شۆرشى ته یلول ۱۹۶۱-۱۹۷۵، بهرگی سییه م، بهشی

دووهم، ههولیر: وهزاره تی په روهرده، ، چاپی یه که م، ۲۰۰۴.

بابان زاده، کامهران جه مال، ریکه وتننامه ی جه زائیر و ره هه نده کانی له سه ر کیشه ی کورد له کوردستانی باشور،

سلیمانی: چاپخانه ی کمال، 2113.

بینگیۆ، ئۆفرا، کوردی عیراق بنیادنانی ده و له تیک له ناو ده و له تدا، وهرگیتران: سۆزان مستهفا کوردی، ههولیر:

ئاراس، چاپی یه که م، 2113.

جهلال، برایم، چه پکیک له میژووی کۆمه له، بی شوین: چوارچرا، چاپی دووهم، 2112.

پاوه ر، سه مانسا، ئه مریکا و ئه نغال، وهرگیتران: بهختیار که ریم، بی شوین: چاپی یه که م، 2112.

پشده ری، عبدالله ئاغا، نسکۆی شۆرشى ته یلول، ههولیر: شههاب، بهرگی سییه م، چاپی یه که م، 2119.

دیشه، گوینته ر، کورد: گهلی له خشته براوی غه در لی کراو، وهرگیتران: همه کریم عارف، ههولیر: چاپخانه ی وزاره تی

رۆشنبری، چاپی دووهم، 1999.

دزهبی، محسین، وئیسگه کانی ژیانم، وەرگیژان: ئیسماعیل بەرزەنجی، بر2، هەولێر: ئاراس، چاپی یەكەم، 2119.

دیبه گهیی، دەرسیم، ئینسکلۆپیدیای تاوانبارانی ئەنفال و کوردۆ ساید کردنی گهلی باشوری کوردستان، هەولێر: چاپی یەكەم، 2111.

هەزاری، شەریف، رۆژەهەلاتی کوردستان 1979-1981 له بەلگه نامەکانی بەریتانیا، وەرگیژان: رەزا فتح الله نژاد، بی شوین، بی سال.

وچ، هیومان رایتس/میدل ئیست وچ، جینۆساید له عیراقد... به لاماری ئەنفال بۆ سەر کورد، وەرگیژان: محمد ههسالخ توفیق، بی شوین: چاپخانه ی کهمال، چاپی سییههه، 2113.

وانج، سۆفیا ئیزابیللا، پەره سه نەننی شوناسی نەتە وایه تی کورد و نه گه ره کانی دامه زرانندی ده وله تی سه ره خۆی کوردستان، وەرگیژان: یاسین سه ره ده شتی، سلیمانی: چاپخانه ی کهمال، 2112.

وهسانی، دلشاد، کورد و به غدا، ههولێر: خانه ی موکریانی، چاپی یه کهم، 2112.

حه فید، سه لاهه دین، ئابوری کوردستان 1977-1990، له بلا و کراوه کانی سه نته ری لیکنۆلینه وه ی ستراتیجی کوردستان، چاپی یه کهم، سلیمانی، 2000.

حاجی محمود، محمدی، رۆژمیری پێشمه رگه یه ک باسی روداو ده کانی شۆرشێ گه له که مان ده کات 1972-1992، بر2، سلیمانی: 1999.

حاجی مشیر، شه وکه ت، کاره ساتی کیمیا بارانی هه له بجه به هاری 1988 کورته باسیکی جوگرافیا- ئابوری- کۆمه لایه تی- سیاسی، سلیمانی: چاپی یه کهم، ئازاری 1998.

هه سه عید، هه ی، ده نگه ی خا ک، سلیمانی: هه مدی، چاپی یه کهم، 2112.

هه شریف، هاوکار کریم، شۆرشێ ته لیلول، ههولێر: زانکۆی سه لاهه دین، چاپی یه کهم، 2112.

حسن، شه وکت مه لا اسماعیل، رۆژانی له میژووی شۆرشێ ایلول 1921-1971، ههولێر: تفسیر، چاپی یه کهم، 2117.

هه سه ن، ئاسۆ، له دووریانی مه رگ و ژیاندا، ههولێر: ئاراس، چاپی یه کهم، 2117.

کلی، مایکل . جه ی، تارمابیه کانی هه له بجه، وەرگیژان: کارزان محمد، سلیمانی: چوارچرا، چاپی یه کهم، 2112.

کیلی، مایکل، *ههله بجه و نه نفال له به لگه نامه نه پینیه کانی نه مریکا دا*، وەرگیتران: وریا رحمانی، ههولیر: چاپخانهی
رۆشنیبری، 2113.

کهریمی، عهلی، *ژیان و به سه رهاتی عه بدول رحمانی زه بیحی (مامۆستا عوله ما)*، سوید: کاربین، چاپی یه کهم،
1999.

کۆچیرا، کریس، *بزوتنه وهی کورد و هیوای سه ره بخۆی*، وەرگیتران: نه کره می میهرداد، سلیمانی: په خشی ته ما،
2112.

کۆچیرا، کریس، *کورد له سه دهی نۆزده و بیسته م دا*، وەرگیتران: حه مه کریم عارف، ههولیر: کتیب فرۆشی سۆران،
چاپی سپهه م، 2112.

گه لالی، که وسهر عزیز، *باشوری کوردستان له سالی 1951 تا نه مۆرۆ*، ههولیر: کاروان، چاپی یه کهم، 2009.

گوندی، کرمانج، *سی 30 سال خه بات و وولاتیکی ویران 1971 - 1990* سوید: 1990.

گۆران، خشره و، *کوری له پارێزگای موصل*، ههولیر: ناراس، چاپی یه کهم، 2112.

گول، مارف عومه ر، *جینۆسایدی گه لی کورد له بهر رۆشنایی یاسای تازه ی نیوده وله تان دا*، سلیمانی: سه نته ری
لیکۆلینه وهی ستراتییجی، چاپی دووهم، 2113.

لیزنبرگ، مایکل، *نه نفال له کوردستانی عیراق*، وەرگیتران: کارزان محمد، سلیمانی: حه مدی 2111.

لۆمبۆرن، رونیه، *کورد گه لیککی بی ولات*، وەرگیتران: نه مجده شاکه لی، ستۆکهۆلم: چاپی یه کهم، 1992.

خموری، غه فور، *به عه ره ب کردنی کوردستان*، ههولیر: مناره، چاپی دووهم، 2112.

مه کداول، دیشید، *میژووی هاوچه رخی کورد*، وەرگیتران: نه بوبه کر خۆشناو، ههولیر: کتیب فرۆشی سۆران، چاپی
دووهم، 2111.

مسته فا، گۆران شیخ، *کاریگه ریییه ئابورییه کانی جینۆساید له گه رمیان*، سلیمانی: هیل، 2111.

مسته فا، سۆزان کریم، *به عسیزم و کورد 1947 - 1975*، سلیمانی: حه مدی، چاپی یه کهم، 2007.

محی دین، واحد عمر، *دانوستانه کانی بزوتنه وهی رزگار بخوازی نه ته وهی کورد و حکومه ته کانی عیراق 1921-*
1928، سلیمانی: سه نته ری لیکۆلینه وهی ستراتییجی کوردستان، 2112.

محمد، عومه ر، *په لاماره سه ربازییه کانی نه نفال له هه شت قۆناغدا*، سلیمانی: که مال، چاپی یه کهم، 2113.

محمد دهمه، فاروق محمد، سیاستی تییران بهرامبهر جولانهوهی رزگاربخوازی کورد له باشموری کوردستان 1971-1989، سلیمانی، ری نو، چاپی یه کهم، 2112.

محمد، مراد حکیم، تاکامه کۆمه لایه تیه کانی سیاستی راگواستنی کورده کانی عیراق له سه رده ی به عس دا، سلیمانی: سه نته ری لیکۆلینه وه ی ستراتیجی کوردستان، 2112.

محمد، خلیل اسماعیل، کیشهی کورد له عیراق کیشهی سنوره یان بوون؟، وه رگیتران: عبدالله رشید حسن، هه ولیتر: رۆژه لات، چاپی یه کهم، 2111.

محمد، عبدالرزاق عبدالرحمن، تیروانینیك بو دۆزی کورد، سلیمانی: تیشک، چاپی یه کهم، 2111.

محمدعلی، جاسم محمد، رۆلی هۆکاره سه ره کیه کان له دابه شبونی دانیشتوانی پارێزگای سلیمانی دا، سلیمانی: تیشک، چاپی یه کهم، 2118.

مینه، ئەمین قادر، ئەمەنی ستراتیجی عیراق و سیکوچکه ی به عسییان: ته رحیل ته عریب ته بعیس، سلیمانی: سه نته ری لیکۆلینه وه ی ستراتیجی کوردستان، چاپی دوهم، 1999.

نجمه دین، پشکۆ، ئەزمون و یاد، بی شوین: چاپی سیهم، 2111.

نیروه ی، عه لی ته ته ر، بزاقی رزگاربخوازی نه ته وه ی کورد له کوردستانی عیراق له ساله کانی جهنگی عیراق و تییران دا 1981-1988، هه ولیتر: حاجی هاشم، چاپی یه کهم، 2118.

نیروه یی، عه لی ته ته ر، سیاستی حکومه تی عیراق له کوردستان له سایه ی به لگه نامه فه رمیه کاندایا 1971-1991، بر 1، دهۆک: سه نته ری فه کۆلینین کوردی و پاراستنا به لگه نامه، چاپی یه کهم، 2111.

نیروه یی، عه لی ته ته ر، سیاستی حکومه تی عیراق له کوردستان له سایه ی به لگه نامه فه رمیه کاندایا 1971-1991، بر 2، دهۆک: سه نته ری فه کۆلینین کوردی و پاراستنا به لگه نامه، چاپی یه کهم، 2111.

نه به ز، جمال، کوردستان و شوڕشه که ی، هه ولیتر: مناره، چاپی سیهم، 2117.

نه به ز، جمال، ئیستا و پاشه رۆژی کورد له بهر گری ئاگری جهنگی عیراق و تییراندا، ستۆکهۆم: 1989.

نکدیۆن، شلۆمۆ، موساد له عیراق و وولاتانی دراوسی، وه رگیتران: ره هه ند عبدالغفور، بی شوین: چاپی یه کهم، 2111.

سالح، حمید عه بدوللا، سیاستی تعریب له شاری کهرکوک، سلیمانی: سه نته ری لیکۆلینه وه ی ستراتیجی کوردستان، 2118.

- سالخ، عومەر همزە، راگواستن، دهۆك: چاپی یەكەم، 2119.
- سیوہیلی، رییوار، قەفەسی ئاسنین یان بۆ بېمەو بە عێراقی؟، سلیمانی: رنج، چاپی یەكەم، 2113.
- عبدالرحمن، فرمان، پاكتاوکردنی رەگەزی كورد لە كوردستانی عێراق، سلیمانی: مەكتەبی بیرو هۆشیاری (ی.ن.ك)، 2112.
- عبدالعزیز، محمد رەئوف، ئەنفال و رەهەندە سۆسیۆلۆجیەکانی، سلیمانی: بی ساڵ.
- عقراوی، سالخ محمد، كورد و دەوڵەتی سەر بەخۆ بە پێی بەلگەنامە نۆدەوڵتییەکان، هەولێر: موکریانی، چاپی یەكەم، ۲۰۰۷ ب.
- عەبدوڵلا، ئازاد عەلی، شۆرشێ مەشخەلانی نوێی كوردستان سالانی ۱۹۸۱-۱۹۸۸، بی شوین، ۲۰۰۳.
- عەبدوڵلا، ئەردەلان، خەباتی پێشمەرگایەتی کارەسات و مال وێرانی، کەرکوک: 2117.
- عەزیز، حوسین محمد، پینج کاتژمێر لەگەڵ برابەرێ ئەحمەد د، سوید: باران، چاپی یەكەم، 1991.
- عەزیز، حوسین محمد، خولانەو لەناو بازنەیی بۆشدا، سلیمانی: سیما، چاپی دووهم، 2112.
- عەبدوڵقادر، نازناز محەمەد، سیاسەتی ئێران بەرامبەر بزوتنەوێ رزگاربخوازی نەتەوایی كورد لە كوردستانی عێراقدا 1921-1971، هەولێر: ئاراس، چاپی یەكەم، 2118.
- عومەر، سەرورە عبدالرەحمان، یەكێتی نیشتمانی كوردستان دامەزراند و دەست پێکردنەوێ شۆرش 1971-1972، سلیمانی: پەخشی تەما، 2112.
- عیسی، حامد محمود، کێشەیی كورد لە عێراق، بر 1، وەرگیژان: سواره قەڵاڤزەیی، هەولێر: چاپخانەیی رۆشنییری، 2113.
- عبداللە، فەریدون عەبدوڵرحیم، بارودۆخی سیاسی كوردستان- عێراق 11 مارتی 1971 - 11 مارتی 1972، هەولێر: منارە، چاپی یەكەم، 2118.
- فیسی مار، میژووی نوێی عێراق، وەرگیژان: حەمە شریف حەمە غەریب و شیرکۆ ئەحمەد حەوێز، هەولێر: کتێبخانەیی ناوێر، چاپی یەكەم، 2111.
- فاید، رەجائی، كوردەکانی عێراق هیوا و ئاوات لە نیوان بە دیهاتن و بە دی نەهاتندا، وەرگیژان: علی میرزا عارف هەورامی، سلیمانی: بەرپۆبەرایەتی خانەیی وەرگیژان، چاپی یەكەم، 2111.
- رەسول، شۆرش حاجی، ئەنفال كورد و دەوڵەتی عێراق، سلیمانی: چاپخانەیی شقان، چاپی دووهم، 2113.

ریباز، قەندیل بەغدادی هەژاند، بەشی سییەم، 1981-1988، هەولێر: چاپخانەى وزارتى رۆشەبیری، 1993.

راندال، جونتان سى، كوردستان یان كلۆلى نەتەوێهێك دواى ئەم هەموو زانیارییە، لیبوردنى چی؟، وەرگیژان: خەسەرە شالى، سلیمانی: چاپخانەى بەرهەم، 2113.

شالیان، ژیار، تراژیدیای كورد، راپۆرتیک بۆ نەتەوێهێك یەكگرتووەكان، وەرگیژان: وریا رحمانی، دەۆك: خانى، چاپى یەكەم، 2111.

شغیلی، ا.م. مینتیشا، كورد كورتەى پێوەندیی كۆمەلایەتى - ئابوریی رۆشەبیری و گوزەران، وەرگیژان: عیزەدین مستەفا رەسوول، دەۆك: خانى، چاپى دووەم، 2118.

شیسەمن، پاوڵ، لە ژێر ئالای كوردستاندا ژیان و رێبازی مەلا مستەفا بارزانى، وەرگیژان: ئەردەلان گۆران، هەولێر: موكریان، چاپى یەكەم، 2112.

ترب، تشارلز، چەند لاپەرەهێك لە مێژووی عێراق، وەرگیژان: مەحمەد حوسێن و عبدولقادر كەھوور، هەولێر: رۆژەهەلات، چاپى یەكەم، 2111.

منابع عربی :

ابوغزاله، المشير عبدالحليم، الحرب العراقية الايرانية 1981-1988، بي.جا: بي.نا، 1992.
بشدرى، رزطار سعيد، الهجرة والتبعيد الديموغرافي وخطط التنمية في العراق، اقليم كردستان نموذجاً، سليمانية: رنج، 2119.

جواد، سعدي ناجي، العراق والمسألة الكردية 1958-1970، لندن: دار السلام، 1990.
حبيب، كاظم، لمحات من نضال حركة التحرر الوطني للشعب الكردي في كردستان العراق، اربيل: ثاراس، الطبعة الثانية، 2005.

الحماداني، حامد، صفحات من تأريخ العراق الحديث من ثورة 14 تموز حتى حرب الخليج الثانية الكتاب الثاني، بدون مكان، بدون سنة.

طالباني، جلال، كردستان والحركة القومية الكردية، بغداد، منشورات النور، الطبعة الاولى، 1970.

طالباني، جلال، حول القضية الكردية في العراق محاضرة أقيمت ١٠/٥/١٩٩٨، بدون مكان، بدون سنة.
طالب، جزا توفيق، المقومات الجيوبولتيكية للأمن القومي في اقليم كردستان، سليمانية: مركز كردستان للدراسات
الاستراتيجية، 2111.

مجيد، كمال، النفط و الاكراد دراسة العلاقات العراقية - الايرانية - الكوتية، لندن: دار الحكمة، الطبعة اول،
١٩٩٧.

عبدالمجيد، وسيم رفعت، العراق الانقلابي، الانقلابات الناجحة و الفاشلة في العراق 1921-2113، بغداد:
دارالجواهري 2111.

عقراوي، شكيب، سنوات الميحنة في كردستان عراق، اربيل: مديرية مطبعة الثقافة، 2117 الف.
الخراساني، صلاح، التيارات السياسية في كردستان عراق، بيروت: البلاغ، الطبعة الاولى، ٢٠٠١.
خالد، روزهات ويسبي، مشكلة المناطق المتنازع عليها في العراق- كردستان نموذجاً، دهوك: مطبعة جامعة دهوك،
طبعة الاولى، ٢٠١٢.

مقالات :

عربي:

حقي، دلير اسماعيل العامل الكردي في الحرب العراقية- الايرانية، اربيل: مجلة العلوم الانسانية لجامعة صلاح الدين،
ج 1، العدد 2 لسنة 1998.

كردي:

ناشتي، چاره سهر كردني كشتوكال له سايهي رژيمي عيراق دا، گوڤاري كۆمهله، ژماره ١ ي كانوني دووه می سالی
١٩٨٢.

ئيرادهي گهله زبروزهنگي ديكتاتورره كان بههيز تره، گوڤاري كۆمهله، ژماره ١١ ي شوباتی ١٩٨٦.
حهقی شاهويس، دلير اسماعيل، بارودۆخی كۆمهلايه تي - نابوری و سیاسی كوردستاني عيراق له سه ره تاي سالانی
١٩٦٠ دا، گوڤاري سه نته ري براهيه تي، ژماره ٩ ي كانوني يه كه می ١٩٩٨.

عمود، ئاراس حسن . ساير، كاوه محمد فرج، نهخشه‌ی بانقى كشتوكالى هه‌ره‌وه‌ز له پيشخستنى كشتوكال له پاريزگاي سلیمانی، گۆقاری سیاسه‌تى ده‌وله‌ی، ژماره ۱۸، سه‌نته‌رى ليكۆلینه‌وه‌ی ستراتيجی كوردستان، مایسی ۱۹۹۷.

نه‌قشبندى، ئازاد حه‌مه‌ ئه‌مین، ده‌رباره‌ی گه‌شت وگوزار له هه‌رىمی كوردستان، گۆقاری سه‌نته‌رى ليكۆلینه‌وه‌ی ستراتيجی كوردستان، ژماره ۱۸ مایسی سالی ۱۹۹۷.

سالح، خالید، ئه‌نغال، جینۆسایدكردنى كورد له عیراق، و: كاوه جمال، سوید: گۆقاری ره‌هه‌ند، ژماره ۷ سالی ۱۹۹۹.

فه‌قى عه‌بدوللا، نجمه‌دین، چه‌ند سه‌رنجیك ده‌رباره‌ی یاسای ژماره ۹۰، گۆقاری كۆمه‌له، ژماره ۴ ی نیسانی سالی ۱۹۸۳.

فه‌قى عه‌بدوللا، نجمه‌دین، كورته‌یه‌ك ده‌رباره‌ی دابه‌زینی نرخى دراو له عیراق، گۆقاری كۆمه‌له، ژماره ۲ ی شوباتی سالی ۱۹۸۲.

عه‌بدوللا، سلیمان، راگواستنى گوندنشینه‌كان له هه‌رىمی كوردستانی عیراق دا، هه‌ولپه‌ر: گۆقاری سه‌نته‌رى برابته‌ی، ژماره ۱۲، سالی ۱۹۹۹.

تۆفیق، جاسم، جینۆسایدی كورد مه‌سه‌له‌یه‌كى ناوخۆیی نیه، گۆقاری سیاسه‌تى ده‌ولی، ژماره 3 تشرینی یه‌كه‌می سالی 1992.

تاله‌بانى، هیوا، سیاسه‌تى ئابوری عیراق 1928-1991، گۆقاری سیاسه‌تى ده‌ولی، ژماره 7، سه‌نته‌رى ليكۆلینه‌وه‌ی ستراتيجی كوردستان سالی 1993.

خه‌یات، كه‌مال محمه‌د سه‌عید، ده‌رباره‌ی ئابوری كوردستان عیراق له ئۆتۆنۆمیه‌وه تا گه‌مارۆی ئابوری، سلیمانی: گۆقاری سه‌نته‌رى ليكۆلینه‌وه‌ی ستراتيجی، ژماره ۲۶، سالی ۱۹۹۹.

پایان نامه دانشگاهی

فارسی:

حسن، ارکان، مناسبات ایران با کردهای عراق در جنگ ایران-عراق (شهریور ۱۳۵۹ - مرداد ۱۳۶۷ / سپتامبر ۱۹۸۰ - اوت ۱۹۸۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین الملل امام خمینی، بهمن ۱۳۹۳.

عربي:

احمد، محسن ابراهيم، واقع القطاع الزراعي في اقليم كردستان العراق وسبل تنمية خلال المدة (1974-1993)، رسالة ماجستير، كلية الادارة والاقتصاد، جامعة صلاح الدين، اربيل، غير منشورة، 1994.

كردي:

احمد، جوهر عزيز، بزوتنه وهی ئیسلامی له كوردستانی عیراق، دهۆك: به كالوریوس، زانكۆی دهۆك، بلاونه كراوته وه، 2119.

علی، عادل صدیق، كۆمه لكوژی كورد له جهنگی ئیران - عیراق دا. ههله بجه (1988/3/12) وهك نمونه، سلیمانی: نامه ی ماسته ر، زانكۆی سلیمانی، بلاونه كراوته وه، 2112.

مصطفی، ریبوار خالد، پارێزگای سلیمانی (1928-1988)، ههولیر: نامه ی ماسته ر، زانكۆی صلاح الدین، بلاونه كراوته وه، 2112.

چاپ شده دولتی:

عربي:

جمهورية العراق ، مرسوم جمهوري شمارة ٤١ بتاريخ ١٩٧٦/١/٢٩ .

جمهورية العراق ، مرسوم جمهوري شمارة ٦٠٨ بتاريخ ١٩٧٥/١١/٦ .

جمهورية العراق، وزارت التخطيط، الجهاز المركزي للأحصاء، المجموعات الإحصائية السنوية للسنة ١٩٧٧-١٩٨٩.

قانون الاصلاح الزراعي رقم (٣٠) لسنة ١٩٥٨، الوقايع العراقية، رقم العدد (٤٤) تاريخ العدد ١٩٥٨/٩/٣٠.

قانون الصلاح الزراعي رقم (١١٧) لسنة ١٩٧٠، الوقايع العراقية رقم العدد (١٨٨٤) رقم الصحيفة ٣ تاريخ العدد ١٩٧٠/٥/٣٠.

قانون تنظيم الملكية الزراعية في المنطقة كردستان المشمولة بالحكم الذاتي الرقم (٩٠) الوقايع العراقية رقم العدد (٤٢٥٧) رقم الصحيفة ٦، تاريخ العدد ١٩٧٥/٦/٩ .

كردي:

پرۆژه ی ئه رشیف کوردنی جینۆسایدی گه لی کورد- زنجیره 2، وه زاره تی کاروباری شه هیدان و ئه نفال کراوه کان ، حکومه تی هه ریمی کوردستان

ئاماری به روبومی گه نم و جۆ، دهسته ی ئاماری حکومه تی هه ریمی کوردستان 1981، 1989.

مجلات

عربی

- الشراره، عدد ١ السنة الاولى، تشرين الثاني 1971 .
الشراره، عدد ٢ السنة الاولى، ايار 1972.

كردى

- هه والنامه، ژماره 2 ئابى 1978.
هه والنامه، ژماره 2 مارتى 1979.
ئڤين، ژماره 331 ، 12 ئوگستى 2112.

مصاحبه ها:

- مصاحبه با ووشيارى مين، حلبچه: ١٢ نوامبر ٢٠١٦.
مصاحبه با محمود عثمان، اربيل: ١٦ نوامبر ٢٠١٦.
مصاحبه با دلير اسماعيل حقى شاويس، اربيل: ١٦ نوامبر ٢٠١٦.
مصاحبه با عبدالمصور بارزانى، سليمانيه: ١٧ نوامبر ٢٠١٦.
مصاحبه با بكر حمه صديق، سليمانيه: ١٩ نوامبر ٢٠١٦.
مصاحبه با شورش حاجى ره سول، سليمانيه: ١٩ نوامبر ٢٠١٦.
نامه‌اى حسن رشيد به نگارنده، ١٥ دسامبر ٢٠١٦

منابع انگليسى:

- Bruinessen, Martin van, The Kurds Between Iran and Iraq, MERIP Report, No. 141, July-August 1986.
- Romano, David, The Kurdish Nationalist Movement,| Opportunity Mobilization, and Identity Inter _University Consortium for Arab and Middle East Studies, Montreal, Canada, 2006.
- Shorsh M. Resool, Destruction of a Nation: Statistics Of Atrocities In Iraqi Kurdistan, n. p.: Harith Zahawi and Latif Rashid, 1990.

صائمہ
ہمہ نالی کتب

سند شماره ۱: خوشحالی شاه ایران از خبر ترور عبدالکریم قاسم رئیس جمهوری عراق

تاریخ ۳۸/۷/۲۵

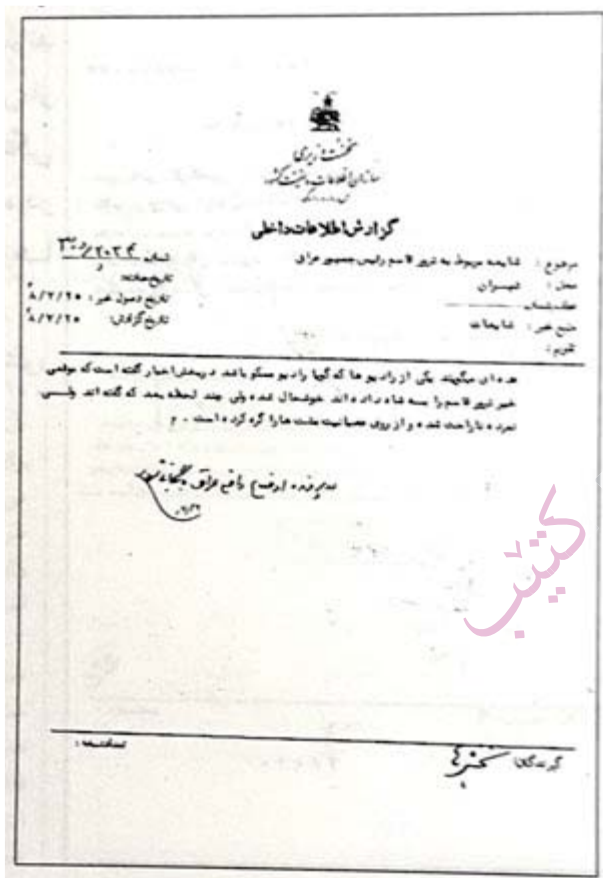
شماره: ۳-۵/۲۰۲۴

موضوع: شایعه مربوط به ترور قاسم رئیس جمهوری عراق

عده‌ای می‌گویند یکی از رادیوها که گویا رادیو مسکو باشد در بخش اخبار گفته است که موقعی ترور قاسم را به شاه داده‌اند خوشحال شده ولی چند لحظه بعد که گفته‌اند ولی نمرده ناراحت شده و از روی عصبانیت مشت‌ها را گره کرده است.

در پرونده اوضاع داخلی عراق بایگانی شود. ۷/۲۷

گیرندگان: بخش ۴



منبع: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی و اسناد تاریخی، ۱۳۸۰: ۲۷

سند شماره ۲: کمک و حمایت ایران از جنبش ملی کردستان

به: ۷۱۳

تاریخ: ۴۶/۵/۹

از: ۲۳۲

شماره: ۲۳۲/۴۹۷۳۲

موضوع: اظهارات عبدالرحیم نام درباره کمک ایران به ملا مصطفی

ساعت ۱۸ روز ۴۶/۴/۱۱ ملا عبدالرحیم ضمن صحبت اظهار داشته دولت عراق با ملا مصطفی بارزانی راست نرفته و نخواهد رفت مخصوصاً در این موقع و اضافه کرده از نقیب محمد علی رئیس اطلاعات

پادگان سیدصادق شنیده‌ام که مدمورین اطلاعات گزارش داده‌اند در این مدت دولت ایران کمک زیاد به ملا مصطفی کرده و ملا مصطفی به همین جهت با دولت ایران میانه دوستی داشته و از آن طلب قوا نموده و دولت ایران قول داده که وی هرچه بخواهد در اختیارش قرار دهد و حالیه دولت عراق به وی نمی‌رسد زیرا وی به دولت عراق دروغ گفته و نامبرده دوست آمریکا و ایران است و اکنون پیشمرگه‌های ملا مصطفی در ایران آزادانه رفت و آمد داشته و بدون اجازه نامه تا شهر سنندج مسافرت می‌کنند و دولت ایران از آنها جلوگیری نمی‌کند.

ملاحظات: شایعه کمک دولت ایران به شورشیان در مناطق

کردنشین شدیداً وجود دارد و از شعارهایی که اخیرای طرفداران طالبانی در سلیمانیه علیه ملا مصطفی داده‌اند این مطلب به خوبی استنباط می‌شود. در ساعت ۷:۳۰ روز ۵/۱۱ سال ۴۶ بت بخش ۳۱۴ واصل گردید. اوضاع داخلی عراق آقای ۵/۱۱ برسی و بهره‌برداری شود گیرندگان: ۳۱۴-۲۱۳/۴/۵-۴۶-
کردستان (ج/۶۷۳۰)

منبع: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی و اسناد تاریخی، ۱۳۸۰: ۲۷۹



سند شماره ۳: مناسبات مصطفی بارزانی با دولت ایران

تاریخ: ۴۹/۲/۲۸

به: ۳۰۲

شماره: ۲۴۴۱۵/ح/۲۳۲/۵

از: ۲۳۲

مخالفت ملا مصطفی بارزانی با پیشنهاد دولت عراق

در مورخه ۴۹/۲/۹ رئیس جمهور عراق و صدام حسین التکریتی از ملا مصطفی بارزانی خواسته‌اند که پنجویں و طویله را تخلیه نماید تا ایرانیان متواری طرفدار بختیار بجای آنان بمنظور خرابکاری در ایران در مناطق ذکر شده مستقر گردند ملا مصطفی بارزانی ضمن مخالفت اظهار داشته من به بختیار و عوامل او اجازه نخواهم داد که از طریق شمال در تهران خرابکاری نمایند و اضافه نموده بختیار می تواند ستاد عملیات خود را در جنوب مستقر نماید.

نظریه منبع- قرار است مناطق مذکور در اختیار بختیار گذارده شود.

نظریه رهبر عملیات ۲- خبر فوق صحیح می باشد و بختیار و مقامات عراقی به واسطه موقعیت منطقه‌ای مناطق ذکر شده از نظر جنگهای چریکی در نظر دارند فعالیت خود را در آن قسمت متمرکز نمایند.

نظریه رئیس بخش- خبر فوق به صحیح بنظر می‌رسد و تحقیقات ادامه دارد هرگونه خبری متعاقباً اعلام خواهد شد.

نظریه رئیس ساواک- نظریه ۲۳۲-۱- اخبار واصله از منابع مختلف تاکنون حاکی از آن بوده است که ملا مصطفی بارزانی از قبول درخواستهای دولت بعث مبنی بر الف- استقرار نیروهای دولتی در



پنجویں. ب- فعالیت بختیار در منطقه تحت نفوذ ملا مصطفی. پ- در اجرای عملیات خرابکاری بر علیه ایران در منطقه نفوذ ملا مصطفی خودداری نموده است ولی ملا مصطفی تا چه مدت می تواند مقاومت

کند مورد بحث است و نمی توان قبول نمود که این مدت زیاد طولانی باشد. زیرا دولت بعثی عراق بخاطر استفاده از منابع شمال عراق برای اجرای طرحهای خود در جریان سازش اخیر گذشتههای زیادی نموده است.

۲- اخبار واصله حکایت از استقرار و تمرکز متواریان ایران مقیم عراق در مناطق مرزی از جمله سیدصادق حلبچه و قلعه دیزه می نماید و برابر اخبار دیگر دولت بعثی عراق به افراد جلال طالبانی و جاشها کع خلع سلاح می شوند توصیه می نماید که متواریان ایرانی ملحق گردند از طرف دیگر اخبار زیادی در تصویب و تجهیز متواریان ایرانی و تعلیم آنان بوسیله دولت بعثی عراق واصل می گردند.

۳- استقرار متواریان ایرانی در مناطق مرزی از جمله سیدصادق حلبچه و قلعه و ارتباط آنان با بختیار قرینه ای برای تامین گزارش فوق محسوب می گردد

منبع: تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۴۶ - ۲۴۷

هدو النامه کی تب

سند شماره ۴: مخالفت مصطفی بارزانی با فعالیت بختیار در ایران

گزارش خبر

تاریخ: ۴۹/۴/۲۸

به: ۳۰۲

شماره: ۳۹۵۱

از: ۳۱۴

موضوع: ملا مصطفی بارزانی و بختیار

ملا مصطفی بارزانی هیچگونه تماسی با بختیار ندارد و مخالف سرسخت فعالیت بختیار در کردستان ایران و هر کس در این راه با او همکاری نماید می‌باشد.

ملاحظات - مراتب جهت استحضار. ع

بهره‌برداری شد. ۴۹/۴/۳



منبع: تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۵۴

سند شماره ۵: روابط و دوستی کردهای عراق با دولت شاهنشاهی ایران

تهیه طرح از طرف تیمور بختیار

اخیراً تاریخ نامعلوم) تیمور بختیار طرحی تهیه و برای اجرا در اختیار دولت عراق قرار داده که بموجب آن کلیه اکراد بارزانی که در نوار مرزی عراق مجاور مرز ایران دارای مشاغلی هستند تعویض و باوگذاری پستهای مهمتری آنها را به محللهای دیگری منتقل نمایند و بجای آنان از وجود افرادی که نظر موافقی با دولت شاهنشاهی ندارند استفاده کنند تا به این ترتیب دولت تسلط بیشتری در مناطق کردنشین داشته باشد.

ارزیابی: قابل تحقیق

نظریه: ادامه تحقیق برای شهربانی میسر نیست.

از اداره کل دوم تحقیق شود/ ۴/۱۵

گیرنده: دفتر ویژه اطلاعات ۱۳۴۹/۴/۱۲ |



منبع: تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۲۲

سند شماره ۶: حمایت دولت عراق از بختیار در واکنش حمایت ایران از جنبش کردهای

کردستان عراق

گزارش خبر

به: کل دوم (۲۱۱)

تاریخ: ۴۸/۲/۲۳

از: عراق

شماره: ۱۰۷۵

قیاده القطریه حزب بعث عراق روز ۴۸/۲/۲۰ بمنظور بررسی مسائل مربوط به ایران و عکس‌العملی که باید در مقابل ایران اجرا گردد تشکیل جلسه داده و موضوع به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت.

۱- بهره‌برداری از وجود بختیار در این قسمت اعلام گردید که بختیار برای مسافرت به عراق و همکاری با مقامات عراقی برای اجرای طرحهای عملیاتی تخریب و ایجاد تشنجات در داخل ایران آماده همکاری می‌باشد و به وی اطلاع داده شده است در صورتی که انجام مسافرت در حال حاضر مقدور نمی‌باشد پیام برای

ملت ایران تهیه و روی نوار ضبط نماید تا از رادیوی عراق پخش گردد و برای سکونت بختیار منزلی در بغداد در نظر گرفته شده است و برای اجرای طرحهای وی تا یک میلیون دینار از طرف دولت عراق تامین خواهد شد و بختیار می‌تواند از رادیو عراق برای پخش برنامه‌های تبلیغاتی مسافرت و حتی ممکن است از نظر حفاظت یک گذرنامه بنام رمز برای وی تهیه و در اختیار او گذاشته شود.



۲- مسئله اکراد در این زمینه اظهار نظر گردید که در منطقه شمال عراق بهترین

موقعیت جهت سرکوب نمودن گروه بارزانی موجود می‌باشد به همین جهت وزارت دفاع و ستاد ارتش باید موضوع یک حمله همه جانبه به گروه بارزانی را در منطقه شمال عراق و با استفاده از کلیه امکانات هوایی و واحدهای موتور و زرهی مورد بررسی قرار داده و گزارش به حزب بعث تسلیم نماید و این طرح را حد

اکثر تا یکماه دیگر به مرحله اجرای در آورد و به این ترتیب عراق را برای همیشه از وجود خطرات احتمالی گروه بارزانی مصون نماید.

نظریه:

۱- موضوع بهره‌برداری از وجود بختیار و طرح حزب بعث در این زمینه تا کنون از طریق چهار منبع وابسته به نمایندگی مورد تایید قرار گرفته است مضافاً به اینکه وزیر خارجه عراق ثر ملاقات مورخ ۴۸/۲/۴ اظهار

نمود مادام که دولت ایران به بارزانی کمک می‌کند و آن را نوعی مداخله در امور داخله عراق می‌داند بختیار را حمایت خواهد کرد.

۲- با توجه به اینکه احتمالاً بختیار با گذرنامه‌ای با نام رمز به عراق مسافرت خواهد نمود ضمن آنکه نمایندگی کلیه منابع را برای کسب خبر مورد بختیار مخصوصاً در کربلا و نجف توجیه نمودن است معهداً مقرر فرمایند در صورتی که خبری مبنی بر خروج بختیار از سوئیس بدست آمد این نمایندگی نیز مطلع گردد. اقدام شده است

۳- در مورد مسئله اکراد با توجه به وجود مشکلات متعدد موجود در عراق و درگیری دولت در منطقه شمالی بعید نمی‌باشد که دولت بعثی و ارتش تصمیم به اجرای چنین طراحی

گرفته باشد مضافاً به اینکه اخیر واحدهای موتوری و زرهی از جمله گردان یک مستقر در اردن را به منطقه شمال اعزام نموده‌اند. ناهید



منبع: تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۷۱ - ۱۷۲

سند شماره ۷: نگرانی و نارضایتی مصطفی بارزانی از فعالیت بختیار علیه دولت ایران

تاریخ: ۴۹/۲/۱۳

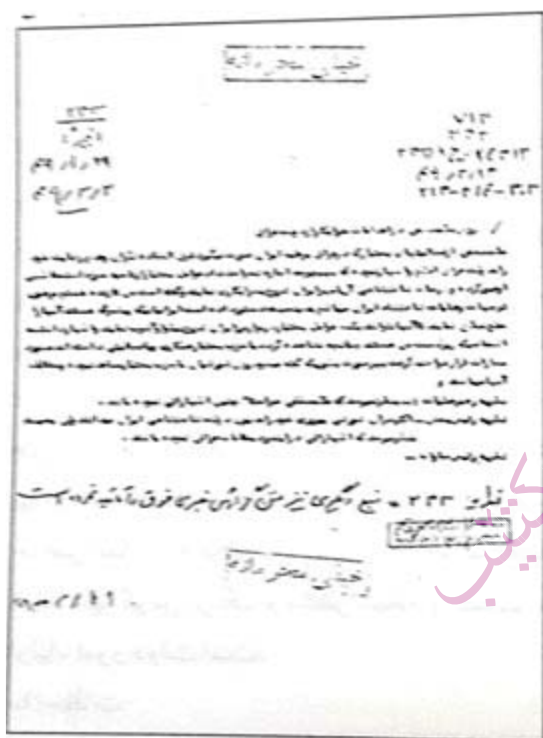
به: ۷۱۳

شماره: ح/۵/۱۲/۴۳۲۴۳۲۲۳

از: ۲۳۳

روش ملا مصطفی در اقدام خرابکاری از دولت ایران

ملا مصطفی از فعالیتهای بختیار که در عراق بر علیه ایران صورت می‌گیرد فوق‌العاده نگران و عدم رضایت خود را به دولت عراق اعلام و اظهار نموده که به هیچ وجه اجازه نخواهد داد عوامل بختیار از ناحیه حوزه



استحفاظی او عبور کرده و در خاک شاهنشاهی آریامهر ایران شروع به خرابکاری نمایند و گفته است من تا زنده هستم مرهون توجهات و عنایات شاهنشاهی ایران میباشم بدین جهت دستور داده است ایرانیانی که پیشمرگه هستند آنها را خلع سلاح نمایند تا آنها نتوانند به کمک عوامل بختیار در نوار مرز ایران شروع ببلوا و آشوب نمایند و اظهار داشته اشخاصی که زیر دست من هستند چنانچه مشاهده گردد با حزب بختیار همکاری و یا فعالیتی داشته‌اند مورد مجازات قرار خواهند گرفت به هر صورت به طوریکه گفته می‌شود روش شورشیان با حزب بختیار مساعده نبوده و مخالف آنها می‌باشند.

نظریه رهبر عملیات ۱- بنظر نمی‌رسد که ملا مصطفی صراحتاً چنین اظهاراتی نموده باشد.

نظریه رئیس بخش- اکثر سران شورشی پیروزی خود را مدیون دولت شاهنشاهی ایران می‌دانند ولی بعید بنظر می‌رسد که اظهاراتی در این مورد بمقامات عراقی نموده باشند.

نظریه رئیس ساواک- نظریه ۲۳۲= منبع دیگری نیز متن گزارش خبری فوق را تایید نموده است.

منبع: تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۴۳

سند شماره ۸: نامه مصطفی بارزانی به محمد رضاشاه پهلوی

شماره: ۲۶ تلگراف از بغداد

تاریخ: ۴۳/۱/۴

وزارت امور خارجه

ملا مصطفی بارزانی به وسیله فواد عارف وزیر مشاور اسبق نامه‌ای به این سفارت کبری نوشته است که عیناً به عرض می‌رساند.

بسیار محترم جناب آقای سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در بغداد رونوشت جناب آقای وابسته نظامی دولت شاهنشاهی ایران بغداد. بدینوسیله بهترین سلامها و احترامات بی‌پایان مرا از صمیم قلب بپذیرید بدین مناسبت خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم که بر اساس حسن نیت و وظیفه وجدانی به وسیله جنابعالی به اطلاع دولت شاهنشاهی می‌رساند که سه نفر از اهالی عراق ساکن مناطق قندول و قلعه از

توابع قلعه دیزه مدتی پیش در سردشت از طرف مأمورین دولت شاهنشاهی بازداشت شده‌اند به واسطه اینکه این سه نفر آدم ساده و بیگانه هستند و صاحب عائله و بچه زیاد و بی سرپرست می‌باشند از همت و مقام شاهنشاهی تمانی عفو و بخشش دارم و امیدوارم که خواهش مورد اجابت و توجه ذات ملوکانه قرار گیرد و بدینوسیله مرا مرهوم لطف و کرم مقام شاهنشاهی محمد رضا شاه پهلوی و دولت باستانی ایران فرمائید با تقدم احترامات بی شائبه بارزانی مصطفی.

اسامی این سه نفر عباس جوامیر حسن آقا سیزده ساله ساکن قندول، ابراهیم سلیمان ساکن آبادی قندول و عبدالله درویش ساکن آبادی قلامه.

خواهشمند است هر پاسخی که باید به ملا مصطفی داده شود ابلاغ فرمایند تا بوسیله آقای فواد عارف برای او فرستاده شود. دکتر فریدنی



منبع: وزارت اطلاعات، تحولات داخلی عراق و امنیت ملی ایرانف ۱۳۸۳: ۲۹۲

سند شماره ۹: نامه صدام حسين به مصطفى بارزانی

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس
مؤذنه أقرت مع كونا اعتبار آخر منه؟ سلا
اعود الراكبات اليك رغبة النظر عن الكيفية التي
تخطرك في الاضحة الرسالتة ، ذلك ان
كربنا دائما رأينا ان تذكرها في الملحق
عند نحو يرتبط به لعل يؤكد صحتها من جانب
رما سا ذكره مفتح أو القناعة بصحوبة
بأنه يوسع من بديهة العقل الأمر ان تقول
الذي اننا المانة وصلت الى مرحلة الأثر من نظرية
معاودة تهدي بالونضار من اننا شخصيا لا أمرا
شاذ لم تتعرضه العقاب الجازم قد يكون ليس
عد اننا اللواتي لم نقرر بعد بالحد في تصرفنا
وتحج العلة الى لؤيد ... ذلك أول ما يفتوح
أقول ان سبب وصول الأمر الى هذه الحالة
يعود الى أسباب عديدة لعل لنا بعدة
بعد ذلك هل هناك شيء سنا قدمه وجه
التهدي عدم الثقة به هو الشيء الذي

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس
أذبح أيد ادرسي كبر
قبة أخون . ارجو ان يكون خبر
لقد نرتت في القارة اليك بعد التلامي مباشرة
و بعد انقطاع لمويل سنا في إعمال المباشرة
أردت تحريم لرسائل ولا أقصد من اننا تروعت
عنته استيعبت الفترة الى اننا لم نكن نؤيد
صالح بيوسنا و مرشد الرضه طهرام ۷/۶
نوعت الثورة قائمة مرة أخرى ان ترددي
ناعم الأنايم الذي ينعرضنا عن الرغبتة لئلا
و تسيب واقبات غير مبدئية ولكن سبب
مع وجه التهدي هو صوابك أنت و رغبة
تصريف العقاب من الله كالتصريف والنا
وانه يجعلنا اتردد كثيرا الى اننا لم نكن نؤيد
القائمة تسيبنا لدا و رغبة لغيري ولا رغبة
للصلاحة سنا ... لدا اننا لم نكن نؤيد

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس
دعوتك و تهدي اننا لا اعنته ذلك
لا عنت ان سلام اذا ما حل - اوسم بئرا
اعني لسلام الذي اننا انما انما
بعد اننا تهدي مع بيان آذار لظلم - لاننا
السلام الحقيقي الذي توجه به هو بؤبؤة و لؤيد
بوجه بولان عرب و لؤيد بوجه جدمرقات
العوة الى لؤيد و القتل و اسود و لؤيد
اننا عننا احدث احدث اننا اننا
لدا ريد اننا اضع نصيا في الحرب لؤيد
لاصحك اننا تهدي و اننا اعنته بئرا
الناصم بئرا ما اعنته بئرا ... و ارجو
اننا بؤبؤة بئرا بئرا بئرا بئرا
التهدي بئرا بئرا بئرا بئرا بئرا
بئرا بئرا بئرا بئرا بئرا بئرا

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس
تقولون ان التهدي لؤيد بؤبؤة و لؤيد
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة
اننا بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة بؤبؤة

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس

٦٢
تبرر رجحت عليه ربا سلام عاجل مع هذا البتخ لذي
سيفعل بله لود عدا هذا العرفق ولكن
انذبا يفتينا منه حنا حد انا فؤله مع
جانبنا اننا سعة دنا - انا ريفتم -
با حجة بزمور به عسوقا من الرحة انصفت
والسار جوس راحة للعلاقات
سنا لاندنك الرغبات المثلثية والمطلوب انويا
الكلية وحمد اعادنا مدحو حجة المسوعات
اصحنا انديون راسوعات
سنا ليربا با جبعه ... اوردنا ان اعدل
ما نيا ذصنا ربا ملجا با جبار نيا اخلد مع
تقل لمعدلاته بتا ريفتم حيا راحة لنا
أعد لعاملين حد ربا ملوس عدا حلا متا تكلفت
صعود املنديه فديا با انا انا انا

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس

٦٣
اولك ليس عداة بسحب الكروي
ولديريدون ان انتهي الذمور بالسيبة بؤكرا
الى بلفضال رانا بريدون ان يبدأ افسال
لهدون ان ينتهي بريدون عدا دوس بؤده
ان سياتنا نزيبا بسحب مجددا انتم
اننا راجلوعه بغداد - كما صفتنا
حانا ربه انهم وضع متاجر دولته لهم ثم
حتمك مرة اخرى رنده سعة ليرة
دنا ملت با لطفه حنا ما نؤدره
سنا مله جبعه ربا اصبكم فال لهدون
تجاه حده لهدون ذلك انذبا اريدنا نيرسانه
حده حد ان لاندنكم لهدون راحة لهدون
عده لهدون احيانا الى سيات حده لهدون...
رسيتم ثم حده حواه آخر بالهدون
رسيتم بالهدون لهدون انتم

مجلس قيادة الثورة
نائب الرئيس

٦٤
مع تفتياننا يا ان انا قد اتم ببتنا حيا
لما ستم حده حنا راحة
حده حنا
حده حنا
١٩٧٤ / ٧ / ٤

سند شماره ۱۰: پاسخ مصطفی بارزانی به نامه صدام حسین

سیارة الأمل صدام حسین المستم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

تلقت رسالتکم المؤرخة فی ۹۷۴/۷/۴ مع الشکر وأود أن أكون جديراً فی الاجابة ، لأن الصراحة هی التي توصلنا الی معرفة الحقيقة .
عندما وقفنا علی اتفاقية آزار كنا نعتقد الذمک علیک أن یقع ذلک المدت التاريخی نهاية لما حسن والدم شعبنا العربی عموماً وشعبنا الکوردی خصوصاً ، و أن يكون بمثابة أساسی لأسفی السلم والاضوة والمساواة القومية فی ربوع بلادنا .
ولکن لم یقع علیة أساسیة حتی زاحمت الذیوری التي عاشت طویلاً علی الحرب وتضررت من السلام تعد سراً وعملیة ضد بیان آزار . وسرعان ما تابعت الأحداث المؤسفة وبرزت الثبات التي أرادت أن تحقق بالسلم ما عجزت الحرب عن تحقيقه سواء فيما يخص محاولات تنفيذ الحركة الکوردیة أو تغییر معالم بعض المناطق الکوردیة ، وتوالت الضربات علی شعبنا من کل فرع وصوب وشکل انعقد من الحرب نفسها حتی أستطیع أن أتوکل أن شعبنا لم یذوق طعم السلم والاستقرار الحقیقیین ومن ناضت أرضی لقره أهلاً وشعبنا التأسد والاسناد من تدن الأجهزة الحكومية ، وتضاخعت المضائق التي يتعرض لها المواطنین حتی باتت من الصعب علینا المسال المرضی الی بغداد والمدن الأخری . وبالرغم من هذا الومع المعقد فلم نضع من جانبنا الذی یتماز

تدابیر الحیطة والحذر والدفاع عن وجود شعبنا وتضحياته الجسیه .

ومما یکن من أمر الی اتفق معکم ان الحالة قد وصلت الی مرحلة خطیرة وان أزمة الثقة شاملة الشیبة الی الطرفين . اننا نتفق معکم بأنه لا یکن حکم تفاصل هذه القضية الکبیره قد رسالة أو حتی فی عدة رسائل ولكن مع ذلك فی تقديرنا یکن تلک الی الاعتراف بواجب الحركة الکوردیة وتغییر الثبات التي سادت عبر السنین الماضیة وتبدیل أسالیب التعامل ووضع حد لسیاسة التمییز التي تمارس عند الإکراد فی جمیع نواحي الحیاة والنهاد العداد الذي تمارسه الأجهزة الحكومية ضد الحزب الديمقراطي الکوردیانی ومنتسبیه ووضع اطوار الحک لتحدید المنطقة الکوردیة واتخاذ الخطوات التي تجعل المواطنین یحس بالمساواة بعض النظر عن أي أمر آخر .
واتباع سیاسة الضرب بحدیة علی الذیوری التي تسبی الی الاضوة بین العرب والإکراد والاقليات القومية تحت أي ستار كان .
ان من شأن هذه الخطوات لو اتبعت أن تسهل استئناف سیرة آزار التاریخیة العظیمة .

واننا من جانبنا علی استعداد لتوقد علی أية ضعة أو موهود بحسب شعبنا العربی بعرب وکوردی وبيدوت الحرب ونفضی الی سلام دائم وراسخی علی أساسی تنفيذ اتفاقية ۱۱/۳ آزار .
مع التقدير ورفاقف الاضتام .

المخلص
مصطفی البارزانی

۹۷۴/۷/۶

منع : ولدبیگی، ۱۳۹۵: ۸۱۷

ترجمه متن نامه صدام حسین به مصطفی بارزانی

برادر عزیز پدر ادریس

سلامی برادرانه، امیدوارم خوب باشید

بعد از خصوصی شدن همه چیز، بعد از قطع ارتباط طولانی مدت من و شما در مذاکره‌ای مستقیم با همدیگر، یا نامه‌نگاری، اعتراف می‌کنم همیشه مردد بودم و حتی فکر اینکه چیزی بنویسم کنار گذاشتم تا اینکه در روز ۷/۴ برادران، صالح یوسفی و محمد عبدالرحمن را دیدم و احساس کردم چنین ضرورتی هنوز وجود دارد... درنگ و تردیدم از ننوشتن برای شما از دوست نداشتن به علت بعضی از مسائل بی‌اعتبار و بی‌پایه نبوده، بلکه علتش به دلایل مشخصی ترس شما و عده‌ای از سخن‌گویان بود، به آنها که به تو نزدیک هستند که خبری آنها به من می‌رسید. این موارد باعث می‌شدند در نوشتن برای شما شک و تردید زیادی نشان بدهم، که مبادا از نوشته‌ام تعبیر نادرستی بشود، به نحوی که خودم نپسندم و این مسئله برای برقراری ارتباط من و شما راضی‌کننده نباشد.

اما با این منفعت عمومی، معتبر و مهمتر از همه چیز است و به همین دلیل تصمیم به نوشتن برای شما گرفتم؛ با چشم‌پوشی از اینکه چگونه به این نامه می‌نگری و برداشت می‌کنی؛ اما آنچه همیشه و هر لحظه نزد ما مهم است این است که در آینده به یاد بیاوری که آنچه به آن می‌پردازم به درستی آن تاکید دارم و با تمام وجود آن باورمندم و به درست بودنش ایمان دارم.

برای گفتن بعضی مسائل، به دلیل مردک‌نیازی نیست، وضعیت از خطر گذشته و به درجه‌ای رسیده که نزدیک به انفجار است، حتی خود من هم نمی‌دانم چگونه تا به حال منفجر نشده است. شاید سببش این باشد که ما هر دو طرف هنوز تصمیم کامل به انفجار آن نگرفته‌ایم و یا هنوز پیوندی که وجود دادر نگسته‌ایم... اکنون برای اینکه به اصل مطلب بپردازم می‌گویم رسیدن به حالت و وضعیتی که ذکر شده به چند عامل بر می‌گردد، شاید از همه مهمتر و اصلی‌تر بی‌اعتمادی و بی‌باوری به همدیگر در میان ما باشد یا روشن‌تر بگویم، در میان آن-هایی که که پله به پله دارند کنترل و هسته‌ی حزب بعث و حزب دموکرات کردستان را به دست می‌گیرند... به وجود عوامل اخیر که همه‌ی آنها به اندازه‌ی عاملی که در بالا اشاره شد برابری نمد کند، نمد توان خزرناک باشد... امادگی و هوشیاری از هر دو طرف نهانی است و خط

و نشانها اشاره به زیاد شدن خطراتی دارد که اوضاع را خرابتر مد کند. اکثرا هم مدت جنگ را کاملا تمام نمد کنند بلکه هر کدام خود را برای وضعیتی آماده می کند تا در این اوضاع و احوال قوی تر بشود و در هر حالتی بدون در نظر گرفتن اینکه پیروزی میدان چه کسی است مواد آتش این جنگ مردم خوب ماست... اکنون می خواهم سؤالی بپرسم البته خودم نیز باید جواب گوی چنین پرشسی باشم، آیا فکر می کنید ما از دروازه تارخ می گذریم؟ اگر تاریخ بنویسد که آنها مردم خود را می کشتند و آواره می کردند، من فکر نمی کنم، و باورم این است اگر صلحی برقرار شد صلحی که مدنظر من است آن صلحی ظاهری نیست که در اعلامیه مهم ادار، چند ماهی تمام منطقه را در بر گرفت صلح واقعی دروازه را به روی جنگ، عواقب آن و بهروزی هرگونه تهدید و فراخوان برای ویرانی و جنگ و مصلح شدن می بندد. من درباره این موارد به شما حرف می زنم، قصدم این نیست بگویم که اینکه من در محراب صلح قرار دارم و شما در چرخه ی جنگ، بلکه به همان اندازه که منظورم شما هستید به همان اندازه خودم را نیز مدنظر دارم... برادر، امیدوارم خور فکر کرده باشی که آمریکا، انگلیس، و حکومت ایران بعد از آنکه هدف آنی خود رسیدند، به من و شما چه می کنند، البته به شکل واضح ترش به شما... آنچه آنها می خواهند نه آزادی مردم گرد است و نه تجزیه کردستان؛ آنها می خواهند که جنگ شروع بشود بدون اینکه به پایان برسد؛ پر واضح است آنها می خواهند از نو خونریزی در میان مردم گرد آغاز بشود آنگاه حکومت بغداد را نابود کنند، مانند همیشه که ما را وصف می کنی، بعد هواداران خود را تحریک بکنند تا بنا به قراردادی بزرگ و همه سویه در منطقه، بار دیگر شما را له بکنند. ما ماجرا را این گونه می بینیم و تحلیل می کنیم و فکر نمی کنیم شما در برابر چنین دیدگاهی نظری نداشته باشی، اما آنچه در این نامه می خواهم بگویم این است علت و عوامل احساسی نادرست بعضی از اوقات سبب نشود که از این واقعیت غافل بشوید.

اما پرشس دیگری می ماند: چکار کنیم و واژه ی چکار کنیم را نمدشود در چند برگ کاغذ حل و فصل کرد، مانند آنچه هم اکنون و باعجله رود آن نگاشته ایم؛ اما آنچه از این به بعد می خواهیم این است که ما با تاکید آمادگی خود را اعلام می دارم- اگر شما دوست دارید- تا با صراحت برای حل و فصل امور بر اساس اهدافی بنیادی و طولانی مدت و روشن، بین ما و شما پردازیم تا هیچ نقشه و دسیسه ی پشت پرده، ان را مخدوش نکند و افق آنها به نحوی مشخص بشود که در خدمت به مردم گرد و کل مردم عراق باشد تا امید و آرزوهای آنها را برآورد کند...

خواستم بسیار مختصر و موجز آنچه را که ذهن و قلبم هست بگویم تا ار مسئولیتی که در برابر تاریخ دارم خودم را راحت کرده باشم، چون من از زمره کسانی هستم که با جدیت و دلسوزی برای حل و فصل آن تلاش کرده‌ام، همان طور که اعلامیه‌ی تاریخی ادار حاصل دلسوزی و دسته گل همین تلاش هاست. ارزومندم تا خدا دست همه‌ی ما را برای آنچه خیر است و آینده مردم ما را در آن هست بگیرد. زنده باشید.

صدام حسین

۱۹۷۲/۷/۴

ترجمه متن پاسخ مصطفی بارزانی به صدام حسین

برادر جناب صدام حسین محترم

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

نامه‌ی ۱۹۷۲/۷/۴ شما را دریافت کردم، می خواهم صراحتاً جواب آن را بدهم، زیرا صراحت ما را به انجام درست می رساند. وقتی که اعلامیه یازدا مارس را امضا کردیم، خیلی امیدوار بودیم که این اتفاق تاریخی پایان باشد برای کشتار و آزار عمومی مردم عراق به ویژه مردم کردستان و همچنین باعث صلحی پایدار و بنیادی برای برابری و برادری همه مردم کشورمان باشد.

اما پنج هفته بیشتر طول نکشید، آن‌های که سودشان در جنگ و خونریزی است نه در صلح و آشتی، نهان و آشکار در مخالفت با اعلامیه‌ی مارس دست به کار شدند و خیلی زود اتفاقات و ریدادهای تلخ، یکی پس از دیگر روی داد و نیت آن‌ها از صلح مشخص شد. آن‌ها می خواستند آنچه را که در جنگ به دست نیاورنده بودند در صلح به دست بیاورند، حال این نیت برای فرونشاندن جنبش گُرد باشد یا تعریب و تخریب بخشی از مناطق کردنشین، بنابر این از همه جا مردم گُرد تحت ضرب و شتم و کشتار واقع شد، طور که از جنگ بدتر بود، حتی می توان ادعان بدارم مردم مزه صلح و آشتی را اصلاً نچشید.

از طرف دیگر، دشمنان مردم ما از طرف دستگاه‌های دولتی حمایت می شدند و بر

دلسوزان فشار و زحمت زیادی وارد کردند و فشار بر آنها زور به روز زیادتر می شد تا جایی که دیگر اجازه نمی دادند مریض ها را نیز به بغداد و دیگر شهرهای عراق ببرند؛ با وجود این اوضاع آشفته، ما ناچار تنها به فکره دفاع از خود و فعالیت برای حفظ ملتمان بودیم که قربانی می شدند و غیر از این کاری نمد توانیستیم انجام دهیم. بدینگونه من به شما موافقم که اوضاع به مرحلهی خطرناکی رسیده و عمود هم شده، ما با شما موافقیم که مسائل ریزو درشت این مشکل، با یک نامه و یا چند نامه حل و فصل نمی شود و قابل بحث نیست، اما باوجود همهی اینها تحلیل ما این است، کلید حل این بحران بایستی بر اساس این واقعیت باشد که جنبش گُرد پذیرفته شود و اهداف و نیت هایی که در تمام این دو سال گذشته حاکم شده به کنار نهاده و شیوهی مذاکره و مشخص نموده حدودی برای این نوع سیاست و تبعیض از تمام جهات زندگی که در ضدیت و مخالفت با گُرد پیروی می شود، مشخص گردد و به دشمنی دستگاه های حکومت علیه حزب دموکرات کردستان و منتصبان به ان پایان داده شود و برای حل و فصل مسائل چهارچوب مشخصی تعیین گردد و گامهای مثبتی جهت مشخص کردن مناطق کردنشین برداشته شود، چنانکه که تمام ملت احساس برابری بکنند. با چشم پوشی از اینکه هر کسی از کدام قوم و قبیله باشد و با آنهایی که پشت پرده به برادری و دوستی میان اعراب و کرد و دیگر اقلیت های قومی پرر رسانده و ایجاد تفرقه می کنند برخورد شدیدی صورت بگیرد.

این اقدامات اگر برگشته شود، باعث خواهد شد تا توافق نامه ی تاریخی مارس مورد توجه واقع و عملی گردد. ما برای برداشتن هر گامی آماده ایم و حاضریم هر اقدامی را انجام دهیم که ملت عرب و کرد از جنگ و ویرانی نجات یابد و به سوی صلحی پایدار و همیشگی بر اساس توافق نامه یازده مارس پیش برود.

دلسوز شما

مصطفی بارزانی ۱۹۷۲/۷/۶

سند شماره ۱۱: تحویل دادن پیشمرگه از طرف ایران به عراق

سازمان کل امنیت
بسم الله الرحمن الرحيم
داره امنیت استان سلیمانیه
جمهوری عراق
جناب
شماره / مورخ / ۱۹۷۶ / ۱ / ۱

به / استان سلیمانیه - اداره عمومی - مدیریت مخصوص به واگذاری عراقی‌ها

گزارشتان ۲۵ در ۱۹۶۷/۱/۷

در مورخ ۱۹۷۶/۱/۱ مسئولان ایرانی به پادگان بناوه‌سوته مرزی توابع فرمانداری پنجوبین عراق افرادی زیر را تحویل نمودند: ۱- شهاب شیخ نوری صالح حسابدار در دخانیات سلیمانیه. ۲- عمر سید علی دبیر

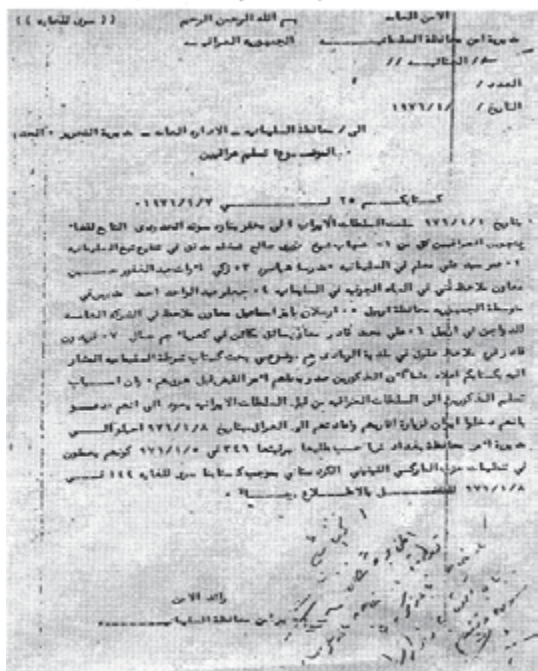
مدرسه هیاس در سلیمانیه. ۳- زکی آوات عبدالغفور معاون
ملاحظ اداره آب زیز زمینی سلیمانیه. ۴- جعفر عبدالواحد احمد
دبیر مدرسه جمهوری در استان اربیل ۵- ارسلان بایز اسماعیل
معاون ملاحظ شرکت عمومی مرغداری در اربیل. ۶- علی محمد
قادر معاون راننده ماشین آلات برق چمچمال. ۷- فریدون قادر
قرج ناظر حقوقی در شهرداری رمادی. آن‌ها بابت نامه نیروی
انتظامی است که در گزارش فوق به آن اشاره شده است. قابل
ذکر است که قرار دستگیری آن‌ها قبل از گریختن صادر نموده. به
علت واگذاری آن‌ها از طرف مسئولان ایرانی به مسئولان عراقی
برای آن برمی‌گردد که آن‌ها میگویند که سبب ورد به ایران به
قصدی زیارت و بازدید فامیل و کس و کارشان است. و رجوع

آن‌ها به عراق در مورخ ۱۹۷۶/۱/۸ و به اداره امنیت استان بغداد طبق طلب اداره مذکور به شماره ۳۴۶ در

۱۹۷۶/۱/۵ تحویل داده شدند. زیرا آن‌ها در تشکیلات حزب مارکسی لنینی در کردستان بر اساس نامه

محرمانه ما شماره ۱۴۴ در ۱۹۷۶/۱/۸ به کار مشغول هستند. خواهشمند است از متن نامه اطلاع فرمایید

سرگرد امنیت / رئیس امنیت استان سلیمانیه



منبع: خراسانی، ۲۰۰۱: ۷۲۳

سند شماره ۱۲: نامه مصطفی بارزانی به امام خمینی

حضرت آیت الله العظمی روح الله خمینی

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم (صدق الله العظیم)

در حقیقت پیروزی برادران مسلمان در ایران بر ظلم و استبداد به عنوان یک دستاورد بزرگ برای تمام مستعظفین در سراسر دنیا به ویژه برای ملت ستم‌دیده کرد به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی که با رهبری شما توانست ریشه ظلم و ستم طوطئه‌های که ملت کرد نیز دچار آن شد از بین برد. که این در نوع خود

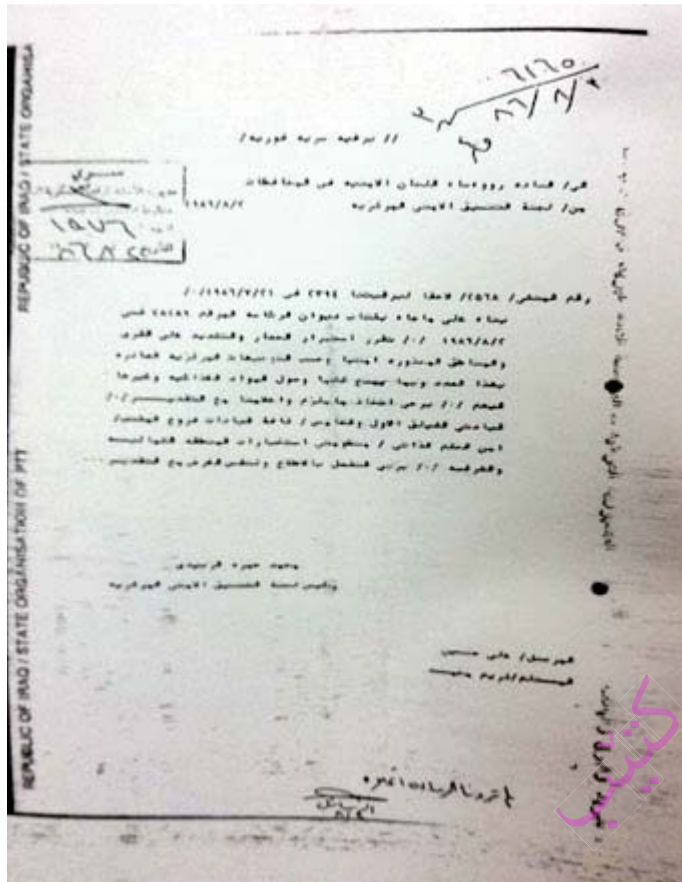
یک معجزه باور نشدنی است و به همین خاطر به شما و همچنین مردم مسلمان ایران تبریک را می‌گویم و از خداوند منان خواستارم که شما را در پیشبرد این امر مهم سربلند نماید و امیدوارم که ملت ایران از نعمت و عنایت خداوند بهرمنند شوند. و از حکومت ایران می‌خواهیم که بجای انانیت، کراهت و منافع شخصی، عدالت الهی را در ایران اجرا نماید. به نشانه‌ی خوشحالی به ملت ایران به خاطر پایه‌ریزی انقلاب اسلامی تبریک عرض می‌نمایم و امیدوارم که ما را جزئی از مجاهدین این راه مقدس قبول فرمایید. و سلام علیکم و رحمت‌الله و برکات

برادری دینی

مصطفی بارزانی ۱۹۷۹/۲/۱۱

منبع: خراسانی، ۲۰۰۱: ۷۰۴؛ بابان زاده، ۲۰۱۳: ۳۸۳

سند شماره ۱۳: تحریمات اقتصادی بر روی کردستان عراق



تلگرافی محرمانه

اینجانب/ رئیس کمیته امنیتی استان‌ها در کمیته

منظم آسایش مرکزی

شماره نامه ۲۵۶۸ پیوسته با تلگراف ما شماره ۲۳۹۴ در ۱۹۸۶/۷/۲۱ با تکیه کردن بر نامه وارده شده ریاست دیوان شماره ۲۸۱۸۳ در ۱۹۸۶/۸/۳ تصمیم گرفته می‌شود به ادامه بشدت تحریم اقتصادی بر مناطق روستا نشینان و مناطق ورود ممنوع. طبق این نامه مرکزی صادر شده و در آن به منعی کلی مواد غذایی و رسیدن به مناطق مورد نظر اشاره دارد، لطفا آن اعلامیه را رعایت فرمایید. با احترام هر دو فرمانده لشکری یک و پنج و تمام فرماندهان در دفتر آسایش خودمختاری، هر دو سازمان مناطق شمال و شرق. لطفا در صورت پیش آمدی هر اتفاقی خبر بدهند.

مرسل / علی حسن

مستلم / کریم محمد

محمد حمزه الزوبیدی

رئیس کمیته هماهنگی امنیتی مرکزی

منبع: مستهفا، ۲۰۱۰: ۱۹۰

سند شماره ۱۴: انتصاب علی حسن مجید به فرمانده دفتر شمال حزب بعث

به نام خداوند بزرگ و مهربان

شماره درخواست : ۱۶۰

انجمن ریاست انقلاب

تاریخ دستور : ۱۹۸۷/۳/۲۹

دستور

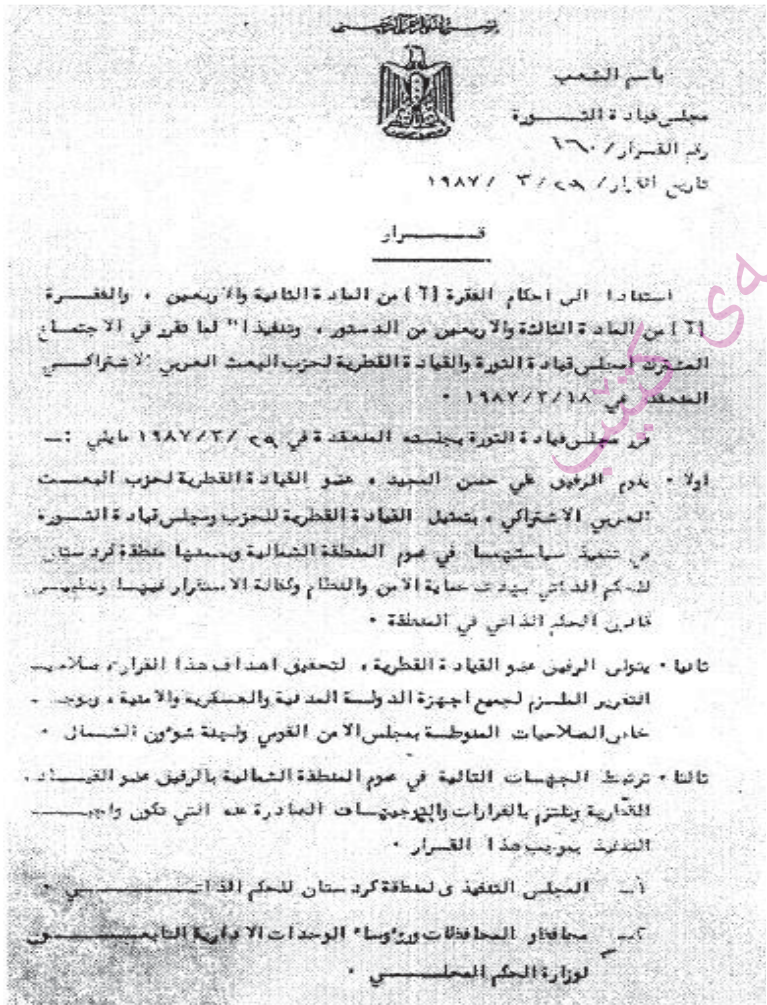
بنا بر احکام برگه (۱) ماده ۴۲ ف و برگه (۲) ماده ۴۳ دستور انجام شد . در خواست برگزاری جلسه هم پیمانی انجمن ریاست شورش و رئیس حزب بعثی عربی سوسیالیستیف که در تاریخ ۱۹۸۷/۳/۱۸ بسته

شد . تقاضای انجمن ریاست شورش در تاریخ ۲۹ مارس به این شیوه آمده است :

اول/ علی حسن مجید عضو ریاست حزب بعثی عربی سوسیالیستیف دستور شما به

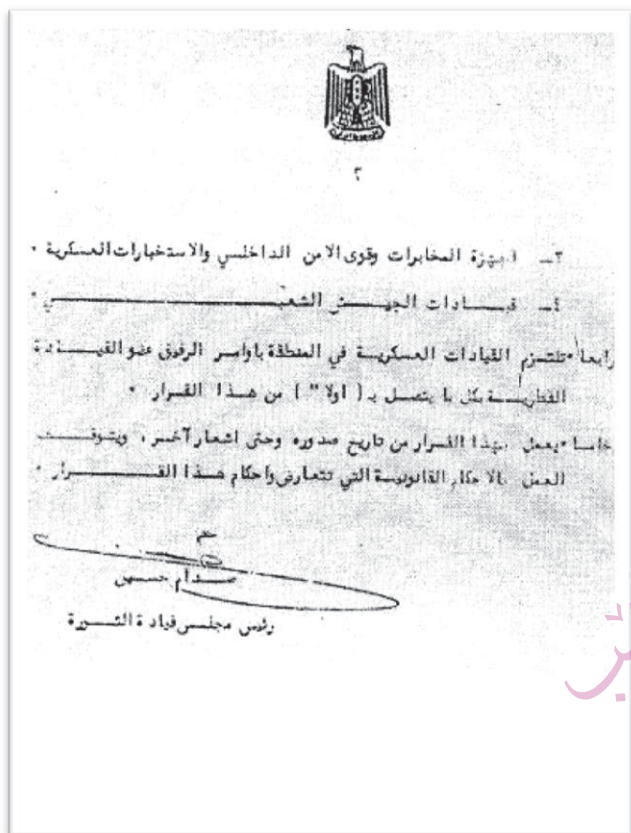
نماینده‌های ریاست حزب و انجمن رهبری شورش در راستای جابه جا کردن سیاست های شان در همه ی مناطق شمال در میان است، ناحیه کردستان و مناطق خودمختار به خاطر حفظ امنیت و آسایش و داشتن نظم و پذیرنده و خواهان دادن امتیاز خودمختاری به این مناطق هستند .

دوم/ دوست عضو رهبری حکومت، مسئولیت عمل کردن به آن اهداف را بر عهده دارد، همه شرایط برای عمل کردن به این اهداف توسط کلیه سازمان های دولتی و مردمی و همچنین دستگاه های امنیتی فراهم شده



است، مخصوصاً آن بخش هایی که مربوط به مسائل حقوق بشر و مشکلات اشتغال آن ها در شمال کشور می باشد.

سوم/ در مناطق شمال کشور همه ای این بخش های که در بالا ذکر شدند باید همراه با نماینده رهبر حکومت همکاری کنند و مجبور به انجام بخش های مختلف این دستور بصورت سلسله مراتبی هستند همانطور که در داخل تقاضا نامه آمده است .



۱. انجمنی که وظیفه اجرای خودمختاری در مناطق کردستان را دارند .

۲. فراهم کردن امنیت در شهرهای که رئیس اداره ها، زیرمجموعه وزارت و ادارات محلی هستند

۳. دستگاه های اطلاعاتی، و مأمورین امنیت داخلی و اطلاعات سربازی .

۴. همه فرماندهان نظامی منطقه موظف به اطاعت و فرمانبرداری از دستورات نماینده رژیم هستند که همه این ها بنا به درخواست اول در تقاضانامه مجبور به اطاعت از دستور هستند.

۵. و مراحل بر طبق همین تقاضانامه باید تا رسیدن به مرحله نهایی کار به پیش رود و

فقط زمانی روند انجام دستورات این تقاضانامه متوقف خواهد شد که از سوی مقامات بالای کشوری دستور لغو آن صادر شود .

صدام حسین

رئیس انجمن فرماندهی شورش

منبع: خراسانی، ۲۰۰۱: ۸۱۷ - ۸۱۸

سند شماره ۱۵: فرختن دختران کرد به مجتمع‌های تفریحی در کشور مصر توسط رژیم عراقی

جمهوری عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره: ۱۱۰۱

محرمانه و فوری / اداره اطلاعات فرمانداری تميم

تاریخ: ۱۹۸۹/۱۲/۱۰

به دبیر کل اطلاعات / راجع به : اقدامات روش‌ها

بعد از دریافت اوامر مستقیم رهبری سیاسی در مورد اولین و دومین عملیات انفال که طی آن گروهی افراد مختلف که در میان آن‌ها گروهی از دختران بودند سن ۱۴ تا ۲۹ سال) دستگیر شدند، بر اساس دستورات شما آن دختران را به کلوب‌های شبانه و مجتمع‌های تفریحی در مصر، فرستادیم. فهرست نام و سن آن دختران در ذیل می‌آید.

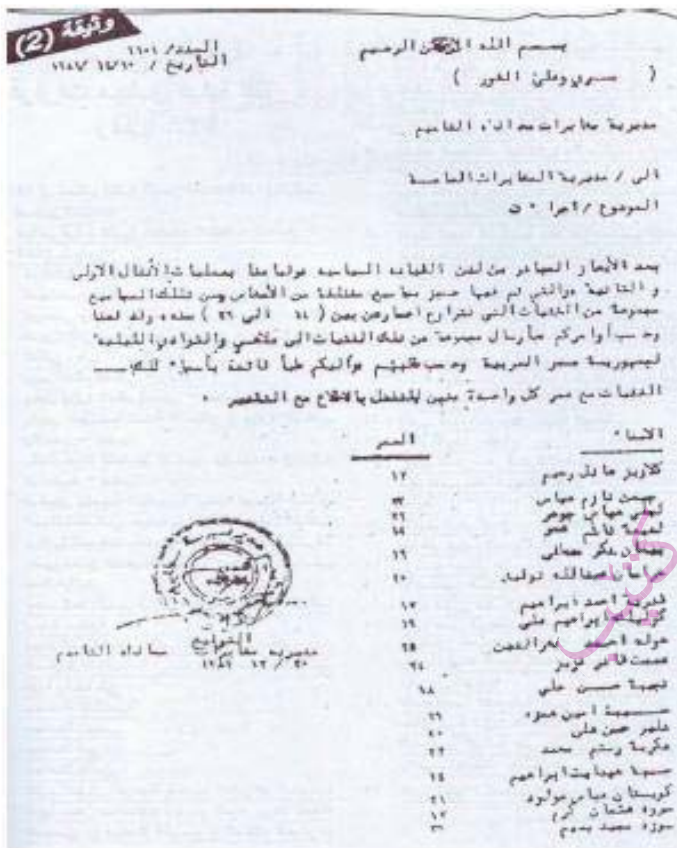
گلاویژ عادل رحیم ۱۲ سال، چیمین نازم عباس ۳۳ سال، لیلی عباس جوهر ۲۹ سال، نعیمه قاسم عمر ۱۸ سال، پیمان شکر مصطفی ۱۶ سال، خراسان عبدالله تولمر ۲۰ سال، قدریه احمد ابراهیم ۱۳ سال، گولیک ابراهیم علی ۱۹ سال، فوله احمد فخرالدین

۲۵ سال، عصمت قادر عزیز ۲۴ سال، نجیبه حسن علی ۱۸ سال، حسیبه امین همزه ۲۱ سال، شلیر حسن علی ۲۰ سال، شکریه روستم محمد ۲۲ سال، حسیبه هیدایت ابراهیم ۱۵ سال، کویستان عباس مولود ۲۱ سال، سروه عثمان کریم ۱۲ سال، سوزه مجید ابراهیم ۲۹ سال.

امضا شده توسط

اداره اطلاعات فرمانداری تميم ۱۹۸۹/۱۲/۲۰

منبع : حسن، ۱۳۹۳: ۳۳۴



سند شماره ۱۶: ساختن منطقه ورود ممنوع (المحرمه)

شماره: ۸۰۰۴/۲۸

تقاضانامه: ۴۰۰۱

تاریخ دریافت: ۱۹۸۷/۶/۲۰

از رئیس انجمن مسئول هماهنگی شمال کشور

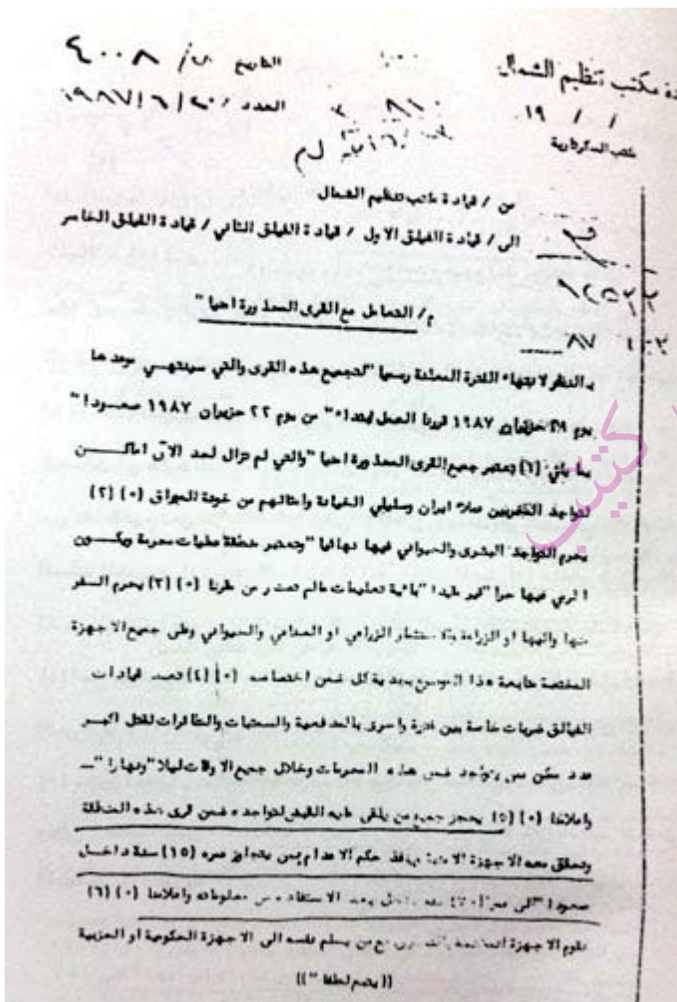
خطاب به فرمانده فیلق اول، فرمانده فیلق دوم، و فرمانده فیلق پنجم

به دلیل اینکه مدت زمان رسمی برای جمع کردن فهرست آن روستاها در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۷ تمام شده است. دستور داده شده از روز ۲۲ ژوئن ۱۹۸۷ شروع به عمل به این دستور شود به شیوه ای که در زیر آمده است:

همه ی روستاها از این به بعد از لحاظ امنیتی جزء مناطق ممنوعه به حساب می آیند که تا الان مکان امنی برای دولت ایران و شورشیان، خائنان و نمونه های آن ها که خیانتکاران حکومت عراق هستند بوده است.

این مناطق به طور کامل از اینکه هر گونه بشر یا دام های آن ها در این مناطق باشد توسط دولت عراق ممنوع اعلام شده است و این مناطق جزء مناطق ممنوعه هستند و شلیک کردن در آن ها بدون قید و شرط آزاد است مگر اینکه این آزاد بودن شلیک در این مناطق توسط حکومت در برخی از بخش های آن ممنوع اعلام شود.

رفت و آمد در بین مناطق ممنوع شده است یا زراعت و کارهای وابسته به آن، همچنین دامداری نیز ممنوع اعلام شده و خطاب به همه ی دستگاه



های مربوط به این دستور که پیگیر این قضیه بصورت جدی باشند و هر کدام با توجه به وظیفه خود در این زمینه باید احساس مسئولیت داشته باشند.

فرماندهان فیلق‌ها باید آماده سازی‌های لازم را انجام بدهند، روستا به روستا از ادوات نظامی

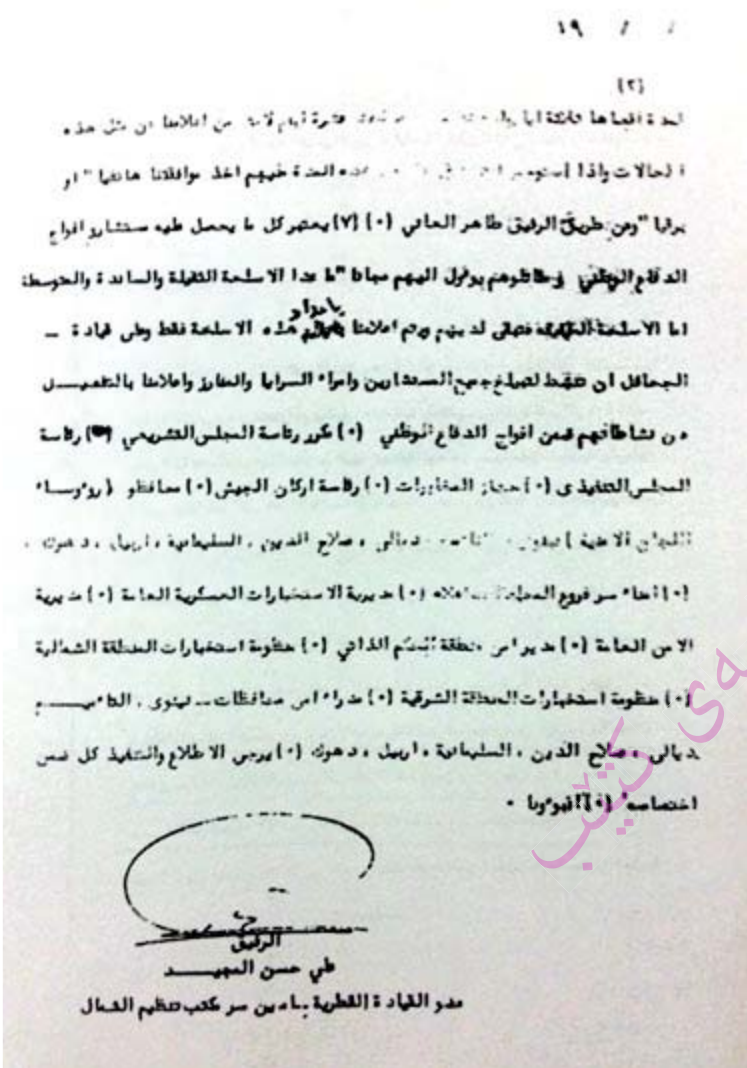
مختلف از توپ، تانک، موشک‌های جنگی و هلیکوپترهای نظامی شب و روز برای کشتن بزرگترین مجموعه افرادی که در مناطق ممنوعه حضور دارند به کار ببرند و ما را از پیشامد این موضوعات با خبر سازند.

زندانی کردن همه‌ی آن کسانی که در روستاهای این مناطق دستگیر می‌شوند، که از طرف دستگاه‌های امنیتی با آن‌ها برخورد می‌شود و حکم اعدام برای آن‌ها صادر می‌شود بعد از سود گرفتن از اخبار و اطلاعات آن دسته از افرادی که در فاصله‌ی سنی ۱۵ تا ۷۰ سال هستند ما را در جریان قرار دهید.

دستگاه‌های مرتبط با این موضوع ملتزم به همکاری با آن دسته از افرادی که خودشان را تحویل می‌دهند در دستگاه‌های دولتی و حزبی برای مدت سه روزه تا ۱۰ روز باید باشد، باید در این حالت باخبر

شوند، اگر لازم شد این مدت زیاد شود به نسبت مدت قبلی باید از راه تلفنی یا هر وسیله ارتباطی دیگر رضایت ما را به دست بیاورند از طریق ارتباط با دوستان (ظاهر نه لعانی).

همه‌ی دستاورد‌های جنگی حاصل از دفاع از وطن در برابر دشمنان مختص به آن‌ها می‌باشد و به جزء ادوات سنگین نظامی همه ابزار و ادوات سبک متعلق به آن‌ها می‌باشد، ما را از این قضیه باخبر بسازند و فقط تعداد آن‌ها را بشمارند. لازم است بر فرمانده‌های همه‌ی قسمت‌ها که در آگاه کردن جاسوسان و مستشاران خود و همچنین مزدوران در این مناطق سرعت عمل زیادی داشته باشند، و به صورت کاملاً واضح ما را از عملیات و اقدامات ماموران دفاع از وطن آگاه



سند شماره ۱۷: نامه جلال طالبانی به امام خمینی

حضرت ایت الله العظمی امام خمینی مشعل افروز انسانی رهبر عالمگیر
انقلاب اسلامی ...

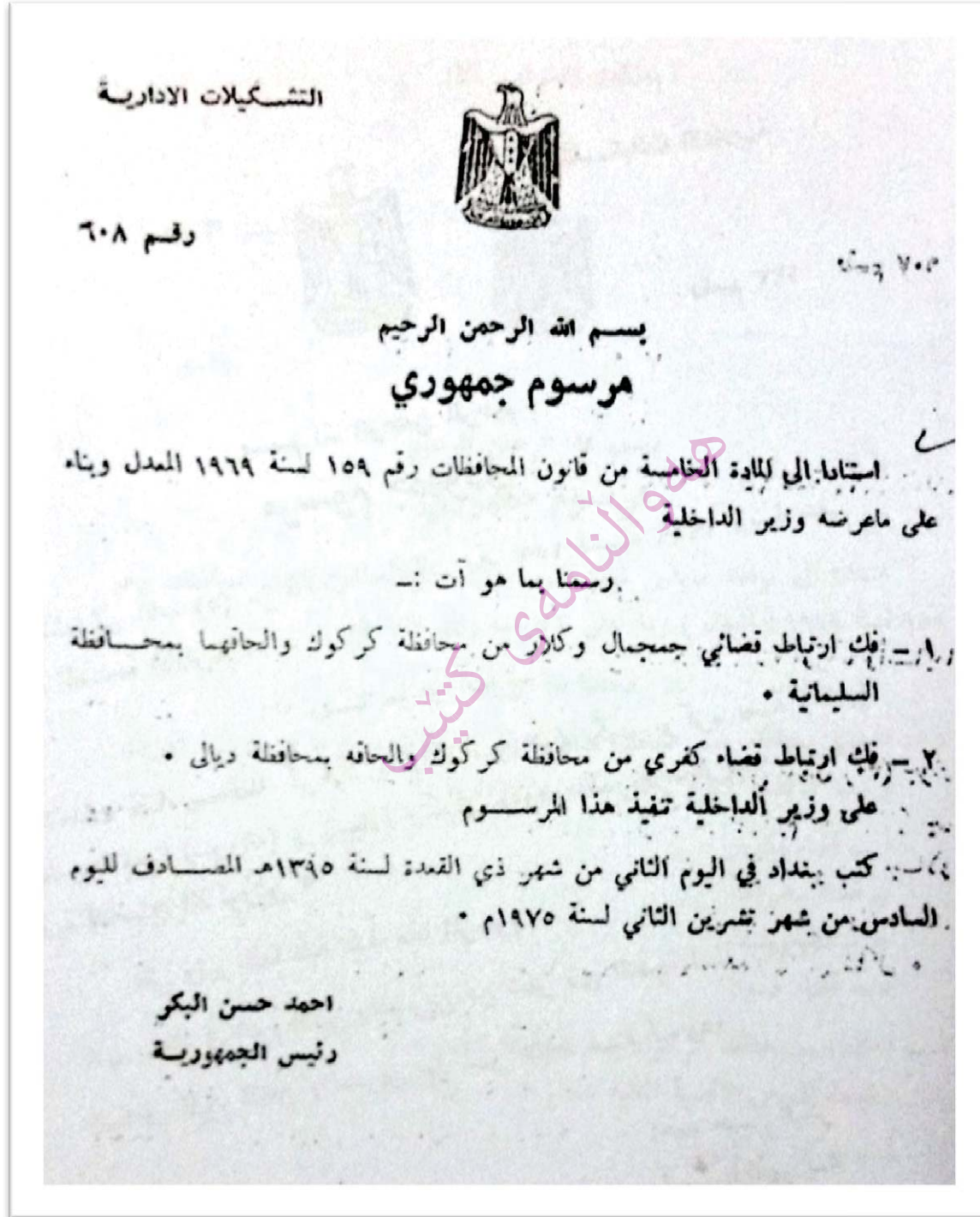
باخشم و شگفتی فراوان خبر تجاوز خصمانه امریکا را به جمهوری
اسلامی دریافت کردیم . بدون شک امپریالیزم امریکا دشمن خون اشامی
است برای تمام گروههای اسلامی و تمام مظلومین و مستضعفین جهان .
توطئه چینی امریکا بر ضد انقلاب اسلامی به هبیری شما دنباله همان کینه
توزی اوست در سراسر دنیا و از جمله دنباله همان کینه توزی امریکا بر ضد
برادران انقلابی شما است در عراق که بحکم ازدهای جهنمی دست نشاندۀ
استعمار و صهیونیزم بر ضد انقلاب اسلامی انجام میگردد و سرپا غرقه در
هر گونه جنایتی است که حزب بعث بر ضد ازادخواهان عراق انجام میدهد
و نیز همان دستی که الوده بخون ایت الله سید محمد باقر صدر است که با
بدترین انواع شکنجههای وحشیانه به شهادت رسید . ازادخواهان عراق از
کرد - عرب - ترکمن در میان آنها سنی و شیعی است مجموعاً پیرو انقلاب
اسلامی میباشند که برای سرکوب کردن استعمار و صهیونیزم قیام کرد و
برای سرنگون کردن حکومت صدام تکریتی خائن دست نشاندۀ امریکا
کوشش مینماید . همان حکومتی که در نبرد اشتی ناپزیر با انقلابیون
فلسطین و ایران و عراق به پیروی از برنامههای استعماری صهیونی و دشمن
با مظلومین قرار دارد . ما اعلام میداریم که تمام نیروهایمان را در اختیار
انقلاب اسلامی ایران قرار میدهیم و با تمام امکانات خود در هدف انقلاب
اسلامی برای درهم کوبیدن استعمار میباشیم . خداوند شمارا توفیق بدهد در
آنچه که بسود انقلاب و مسلمانان و تمام مظلومین است . درود بر شما و
برکات خداوند .

جلال طالبانی - دبیر کل اتحادیه وطنی کردستان
۱۰ ی نوردیه هشت ۱۳۵۹

۱۹۸۰/۴/۲۰ =

منبع: نیز، ۱۹۸۹: ۱۹۹

سند شماره ١٩: شهرهای تابع کرکوک و منتقل شده به استان های دیگر



منبع: صالح، ٢٠٠٨: ٢٦١

سند شماره ٢٠: شهرهای تابع کرکوک و منتقل شده به استان های دیگر

التشكيلات الادارية

رقم ١٣٧

بسم الله الرحمن الرحيم

مرسوم جمهوري

استنادا الى المادة (٥) من قانون المحافظات رقم ١٥٩ لسنة ١٩٦٩ وبناء على مقتضيات الصلحة الادارية

وليس بما هو آت :-

احداث قضاء بمحافظة كركوك باسم قضاء (كلار) يكون مركزه قصبه (كلار) وترتبط به ناحيتا (شروان) و (بياز) وتكون حدوده الادرية الخارجية الحدود الادرية للناحيتين المذكورتين

على وزير الداخلية تنفيذ هذا المرسوم

كتب ببغداد في اليوم الثاني والعشرين من شهر ذي الحجة لسنة /١٣٨٩
المصادف لليوم الثامن والعشرين من شهر شباط لسنة /١٩٧٠

احمد حسن البكر
رئيس الجمهورية

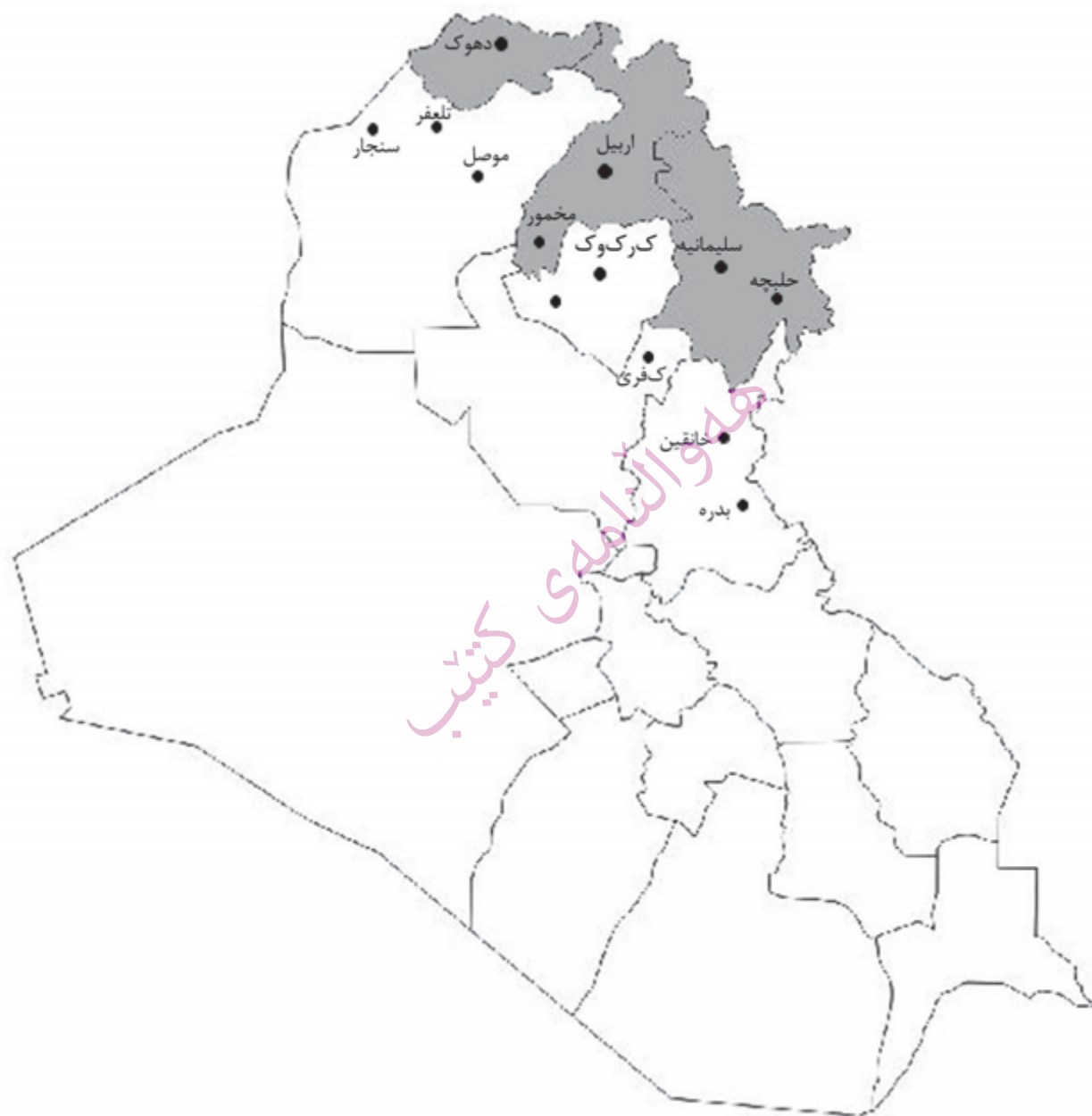
منبع: صالح، ٢٠٠٨: ٢٦٢

مناطق کردنشین در نقشه عراق



نقشه کردستان عراق بر اساس اعلامیه ۱۹۷۴

(بر اساس این اعلامیه، مناطق مشخص شده، خودمختاری داشتند)





University of Tehran

Faculty of Literature and Humanities

Economic Impacts of Iran-Iraq Eight Years War on Iraqi Kurdistan

By Jawhar A. Ahmad

Under Supervision of Dr. Farajollah Ahmadi

Advisor: Dr. Cyrus Faizee

**A thesis submitted to the Graduate Studies Office in
partial fulfillment of the requirements for the degree of
M.A. in History**

January 2017

Abstract

This research studies the economic effects of Iran-Iraq's eight-year war on Iraqi Kurdistan. Throughout The twentieth century, Iraqi governments have tried to weaken the economic infrastructures of the region. But the Baathist regime has devastated it extensively and severely. The huge devastation brings to the attention this question that how the Baathist regime has ruined the infrastructures of the region during the eight-year war. The main hypothesis is that the regime has paid to devastation through economic grave violence which includes tools like imposing economic embargo and underdevelopment, population displacement and replacement, devastating villages, chemical bombardment of cities, and so on. In four chapters, the research examines the hypothesis.

Keywords: Iraqi Kurdistan, Iran-Iraq's eight-year war, economic infrastructure, Baathist regime, economic grave violence